

# پهلوی

خاندان پهلوی به روایت اسناد

جلد اول:

زکھاشاه

به کوشش:  
فرهاد رشتی





مؤسسه فرهنگی، پژوهشی چاپ و نشر نظر  
(خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، شماره ۸)

# پهلوی...

خاندان پهلوی به روایت اسناد

جلد اول: رضا شاه

به کوشش: فرهاد رستمی

حروف چینی و صفحه آرایی:

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

امور آماده سازی، چاپ و صحافی:

مؤسسه فرهنگی، پژوهشی چاپ و نشر نظر

تلفن: ۸۸۴۳۲۹۴-۸۸۲۸۹۰۳

طرح روی جلد: سیامک فیلی زاده، نظر

لیتوگرافی: معارف

چاپ دوم: زمستان ۱۳۷۸

تعداد: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: دوره دو جلدی ۶۰۰۰۰ ریال

پخش مهراندیش: ۶۴۱۱۱۷۴

شابک / ۸-۱۴-۶۳۵۷-۹۶۴

ISBN/0964-6357-14-8

## فهرست مطالب

### ● سرآغاز

### ● مقدمه

۴-۷	خانواده رضاخان
۷	سواد و اطلاعات رضاخان
۷-۱۴	همسران رضاخان
۱۴-۲۰	رضاخان و کودتای ۱۲۹۹
۲۰-۲۷	جمهوریخواهی رضاخان
۲۷-۳۰	مجلس شورای ملی
۳۱-۴۰	تجدد و تمدن
۴۰-۴۳	جواهرات سلطنتی
۴۳-۴۹	املاک و دارایی
۴۹-۶۰	شهریور ۱۳۲۰
۶۰-۶۴	تبعید رضا پهلوی
۶۵-۳۵۸	● اسناد
۳۵۹-۳۹۹	● تصاویر
۴۰۱-۴۱۲	● نامهای اشخاص



## سر آغاز

تاریخ‌نگاری بدون تکیه بر منابع، مدارک و اسناد معتبر به حوزه‌ی داستانسرایبی و قصه‌گویی نزدیک خواهد شد. و با فاصله گرفتن از واقعیت و کنار نهادن اندیشه در توهم تئوریهای گوناگون سرگردان خواهد ماند. چه، خمیرمایه داستانسرایبی و قصه‌پردازی، خیال‌انگیزی است اما تاریخ‌نگاری و بررسی تاریخ اجتماعی و تاریخ سیاسی ارتباط و امتزاج انکارناپذیری با فلسفه اجتماعی و نیز فلسفه سیاسی دارد. اگرچه ادبیات و تاریخ را از زیرمجموعه‌های علوم انسانی و اجتماعی دانسته‌اند اما فاصله آنها را باید از خیال تا واقعیت دانست. به همان نسبت که با کلید منطق و تفکر فلسفی عاری از احساس شاعرانه نمی‌توان رابطه چندان روشنی با فضای خیال‌انگیز قصه‌ها و افسانه‌ها برقرار کرد، نگرش احساسی‌تهی از تفکر منطقی نیز چراغی در مسیر تاریخ برنخواهد کرد.

تاریخ‌نگاری معاصر ایران اگرچه گامهای مؤثری به سوی شیوه‌های علمی برداشته است اما تا رسیدن به منزلگاههای مطلوب راه بس درازی در پیش دارد. آنچه به عنوان تاریخ‌نگاری معاصر ایران می‌شناسیم جز معدودی منابع ارزشمند مابقی رونویسی از روی یکدیگر است. در این رهگذار مؤلفان و پژوهشگران گاه حتی به ذکر نام مآخذ نیز نمی‌پردازند و برای نمونه در یک اثر پانزده شاتزده جلدی به تعداد جلدها ارجاع کامل وجود ندارد و نویسنده یا محقق به خود اجازه می‌دهد چندین صفحه را بدون ذکر مآخذ عیناً از خاطرات و تألیفات دیگران اقتباس کند. عده‌ای خود را از قید این چند ارجاع دست و پا شکسته و ذکر منابعی اندک پاک رهانیده‌اند و با این توجیه که آوردن منابع و مآخذ پی در پی کسالت‌آور و ملال‌انگیز است برای ایجاد تحول در تاریخ‌نگاری و فراهم آوردن تنوع برای خوانندگان مطالب تاریخی یکسره به رمان تاریخی روی آورده‌اند و

نوعی سبک جدید ابداع کرده‌اند. مطرح کردن داستانهای عشقی و اغراق در بیان وقایع و حوادث و مضاعف نمودن بعضی جنبه‌های مبهم برای اسرارآمیز جلوه دادن آنها و ارائه تصاویر ساختگی و خیالی و ماجراجویانه و ... از تمیهداتی است که این نویسندگان برای به دست آوردن مخاطبان بیشتر به کار می‌برند و این شیوه‌ها خالی از فایده نیز نبوده است چرا که گاه آثار ایشان به چندین چاپ رسیده است. توفیق این گروه نه به دلیل ارائه نثری ادیبانه و نه به دلیل عرضه پژوهشی محققانه است؛ تنها هنر ایشان در کنار هم آوردن مطالب اینجا و آنجا و مثلاً توصیف شمایل ملکه‌ای غمگین است و نهایتاً نقب زدن از یک رویداد سطحی و کم‌اهمیت تاریخی به قصه‌های هزار و یک شب. روشن است که بوریا با فاف را به کارگاه حریر نبرند اما چشم که می‌گشاییم انبوه کوششها، تألیفها، تحقیقها و آثار تاریخی است و ما این گونه در تاریخ‌نگاری فقیر.

اولین وظیفه مورخ تکیه بر اسناد و مدارک اصیل است و بازشناختن اسناد تحریف نشده و مدارک سره از ناسره برای در اختیار داشتن مواد تاریخ و مصالح تاریخ‌نگاری. تحقیق زمانی آغاز می‌شود که مورخ با بینش و آگاهی تاریخی مهمترین وقایع اجتماعی را همراه با اسناد در توالی منطقی آنها تحلیل و تفسیر کند و با ترکیب معانی جریان روشنی از گذشته ارائه دهد. انکار نمی‌کنیم که تحلیل و تفسیر جریانهای تاریخی همواره رنگی از نگاه محققان و مورخان را باز می‌تاباند و بازنمایی حوادث و جریانهای اجتماعی و تاریخی کاملاً منطبق بر واقعیت آن اتفاقها و جریانها نخواهد بود. اگرچه این مهم از نگاه خوانندگان و منتقدان حرفه‌ای تاریخ مصون نخواهد ماند اما توجه به اصل نسبت، ما را از مطلق‌نگری در بررسی و نقد آثار تاریخی برحذر خواهد داشت.

در میان تمام تعریفهایی که برای معرفی و شناساندن سند ارائه شده است یک کلمه مشترک دیده می‌شود و آن، واژه «اطلاع» است. ولی آیا صرفاً هر اطلاعی را می‌توان شرط سندیت یک مکتوب یا عکس و یا روایت تاریخی دانست؟ بی‌آنکه در جنبه‌های نظری برای به دست آوردن تعریفی درباره سند اسیر بشویم و روشهای تعیین حد و درجه اهمیت اسناد و مدارک را بازگویم به جنبه‌های عملی اسناد اکتفا می‌کنیم و درجه اهمیت اسناد را به میزان نقشی که در تبیین تاریخ برعهده دارند و امی‌گذاریم؛ چرا که اهمیت اسناد نیز تا حدودی نسبی است و تابع مسائل گوناگون و به ویژه دستخوش نگرش مورخان.

آنچه در بررسی اسناد شایان توجه است شناخت عوامل مختلفی است که در پدید آمدن آنها تأثیر گذارده‌اند. بدیهی است که نامه‌های رسمی و اداری با نامه‌های خصوصی

و خانوادگی تفاوت‌های اساسی و فاحشی دارند و مطالعه هر کدام و درک صحیح هر یک از آن مطالب نگرش تازه‌ای را می‌طلبد. برای نمونه نقش «عامل روانشناسی» را نمی‌توان در بعضی از نامه‌های خصوصی و خانوادگی و سرگذشتها و خاطره‌ها نادیده گرفت. حتی در بیان خاطرات، نویسنده همه آنچه را که در ضمیر خود دارد باز نمی‌گوید و گاه ملاحظات و محدودیتهایی دارد و چه بسا خواننده را آگاهانه و ناآگاهانه بفریبد. به هر روی، در مطالعه اسناد و روایات فردی افراد مورد نظر، پیچیدگیها و ظرافتهایی هست که شناخت آنها به درک روشن اسناد کمک می‌کند و همیشه ظاهر اسناد تمام واقعیت نیست.

یکی از جنبه‌های مهم برای شناخت جریانها و تبیین تاریخ قرار گرفتن در فضای آن به لحاظ زمانی است (اگرچه اندک) و عینک آن روزگار را بر چشم زدن برای آنکه بدانیم آنها چگونه و چه می‌دیده‌اند و این اصلاً بدان معنا نیست که مقهور آن اوضاع شویم و رفتار گذشتگان را توجیه کرده باشیم بلکه بدین سبب است که برای شناخت یک واقعه یا یک جریان به فضای آن نزدیکتر شویم، با این تفاوت که امروز از ورای آن هیجانها و غبارهایی که از قافله تاریخ برجای مانده است شاید بتوانیم منظر روشنتری از گذشته به دست دهیم.

برای مطالعه اسناد اصولاً آنها را تقسیم‌بندی می‌کنند و در تقسیم‌بندی اسناد شیوه‌های گوناگونی وجود دارد. مثلاً مجموعه اسناد دولتی در موضوعهای خاص و یا نامه‌های خصوصی و ... اما شیوه ارائه اسناد در مجموعه حاضر بر مبنای افراد است. بدین صورت که هر یک از افراد خاندان پهلوی تعدادی از اسناد را به خود اختصاص داده که ممکن است از اسناد محرمانه دولتی تا نامه‌های خصوصی و خانوادگی، اسناد مالی و ... مربوط به آن شخص در بخش مورد نظر آمده باشد. به این ترتیب مجموعه حاضر از تنوع خاصی برخوردار است. مضافاً اینکه عکسها و اسناد ارائه شده برای اولین بار انتشار می‌یابد و تنها تعداد اندکی از این اسناد و عکسها قبلاً به چاپ رسیده است، و اکنون به انگیزه هرچه کامل‌تر شدن این مجموعه به چاپ آنها پرداخته‌ایم. هر بخش مقدمه‌ای دارد در معرفی اسناد و فرد مورد مطالعه و وقایع مربوط به آن. استنساخ هر سند به طور کامل صورت گرفته بدون هیچ‌گونه حذفی و تعداد اندکی از اسناد بدون استنساخ ارائه شده است. و در مواقعی که کلمه یا عبارتی را نتوانسته‌ایم بخوانیم و یا بر اثر پارگی سند، آن مطلب ناخوانا بوده در داخل کروش یا در پاورقی توضیح داده‌ایم و در مواقعی که مطلبی غیر از متن سند به آن اضافه شده در داخل کروش آورده‌ایم.

این مجموعه در چهار مجلد تقدیم علاقه‌مندان می‌شود مجلد اول مربوط به رضاشاه پهلوی همراه با عصمت‌الملوک و تاج‌الملوک. مجلد دوم شامل اسناد ملکه توران همراه با (فرزندش) غلامرضا. حمیدرضا، عبدالرضا، محمودرضا و فاطمه (فرزندان عصمت‌الملوک). شمس، اشرف و علیرضا (فرزندان تاج‌الملوک). مجلد سوم و چهارم به محمدرضا پهلوی و همسران و فرزندانش اختصاص دارد. مجلد چهارم علاوه بر اسناد و عکسها، شامل شجره‌نامه و مشخصات تمام افراد خاندان پهلوی است. بر خوانندگان محترم و اهل تحقیق است که از راهنماییهای ارزنده خود دریغ نوزند. امید که مجموعه اسناد و عکسهای ارائه شده راه را برای محققان تاریخ معاصر ایران هموار سازد.

همکاران و دوستانی که تلاش و همدلیهای ایشان را صمیمانه ارج می‌نهمیم: جناب آقای محمدتقی بهرامی حرّان که ویرایش این مجموعه را عهده‌دار بوده‌اند. واحد ترجمه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، خانمها: جمشیدی، فقیهی، میراحسان. آقایان: حروفچین، عوادزاده، توذری. واحد مخزن، آقایان: رجبی، ریوندی، شمیرانی، کلاته. واحد عکس خانم مهرباب محسنی.



# رضا پهلوی

www.KetabFarsi.com

◆ مقدمه

◆ اسناد



## رضا پهلوی

سرآغاز جنبشهای تاریخ معاصر ایران که موج خیز آن آرامش استعمار را برآشفت و به طور گسترده‌ای حضور سودجویانه خارجیان را با تهدید جدی روبرو ساخت جنبش ضد رژی بود. چه گذشته از جنبه‌های مختلف، این حرکت منافع اقتصادی استعمار را شدیداً به مخاطره می‌انداخت. در پی آن با حرکت عدالتخواهانه مردم که سرانجام منجر به صدور فرمان مشروطیت شد باور استعمار بر این بود که این سیل دمام را سر باز ایستادن نیست. پس بر آن شد پیش از آن که حضورش در معرض زوال قرار گیرد برای آن جریان، بستری نو بیندیشد، بستری که رویکرد و نقطه عطف آن در سال ۱۲۹۹ ه. ش برای انتقال گام به گام قدرت و حراست صوری از دستاوردهای جنبش مشروطه و استقرار قانون برای کسب قدرت، و فرو نشاندن آشوبهای اجتماعی و جنبشهای انقلابی برای برقراری امنیت، پی‌ریزی شد. البته آن قدرت متمرکز و آن امنیت سیلی خورده، خود، انکار آزادی بود. چرا که نواندیشان ارباب قدرت همواره باور داشته‌اند که «شرقیان هنوز به مرحله حقوقی نرسیده‌اند و ما خیلی زود به آنان آزادی داده‌ایم.»<sup>۱</sup> گره خوردن اندیشه عده‌ای از رهبران مشروطه با سیاستهای دولت انگلیس و رویگردانی آنها از آرمانهای آزادیخواهانه مردم، راه را برای حضور خارجی در ایران هموار کرد. اما این حضور نباید چندان ملموس می‌نمود چرا که از خشم توده‌های مردم اندیشه می‌کردند و بر آن بودند تا سلسله نوظهور را به کسوت ملی بیارایند، و تا آن حد ظریفانه عمل کردند که توجه بسیاری را برانگیختند. اما چگونه می‌توان سایه‌های سنگین آن هجوم محتوم را بر دو دهه آغازین این قرن انکار کرد؟ بازتاب تأثیر این تهاجم را به طور

۱. جمله پوپر است. ر.ک: مجله آدینه، خرداد ۱۳۷۱.

آشکار می‌توان در ادبیات این دوران مشاهده کرد. بسیاری از واژه‌ها که بیان‌کنندهٔ اوضاع سیاسی و اجتماعی خاص این دوران است به عنوان «نشانهٔ سبکی»<sup>۱</sup> جلوه‌گر شده است از جمله واژه «شب» که حکایت از تیرگی فضای اجتماعی چند ده ساله دارد.

### خانوادهٔ رضا خان

با آنکه بیش از دو سه نسل از تاریخ مورد مطالعه نمی‌گذرد اطلاع کاملاً دقیقی از آبا و اجداد رضا خان در دست نیست. سلیمان بهبودی، پیشکار و یکی از نزدیکترین افراد به رضا خان، داداش بیک سوادکوهی - عبدالله خان - را پدر رضا خان معرفی می‌کند<sup>۲</sup> ملک‌الشعرای بهار نیز همین را باور دارد.<sup>۳</sup> اما حسین مکی اعتقاد دارد که داداش بیک به لحاظ زمانی نمی‌توانسته پدر رضا خان باشد:

من ... نمی‌توانم سربازی را که به اسم داداش بیک سر زنجیر میرزا رضای کرمانی قاتل ناصرالدین‌شاه را در عکس مشهور در دست دارد پدر سردار سپه بدانم زیرا رضا شاه هفتاد سال عمر کرده و با اینکه پدرش در طفولیت رضا فوت کرده باشد در سال ۱۳۱۳ هـ. ق که تاریخ قتل ناصرالدین شاه است پدرش زنده نبوده که اسمش داداش بیک و سرباز فوج سوادکوده بوده سر زنجیر قاتل را گرفته باشد، یکی از درباریان نزدیک رضا شاه که من به صحت قول او خیلی اعتماد دارم می‌گفت یک روز رساله‌ای از آلمان راجع به سلطنت رضا شاه برای او فرستاده بودند. نویسنده در مقدمه از قاجاریه هم نوشته و اشاره‌ای هم به قتل ناصرالدین شاه کرده و این عکس

۱. بسیاری از سبک‌شناسان و منتقدان ادبی معتقدند که واژه‌ها و عبارتهای شعری که در یک زمان مشخص با معانی بدیعی ظهور می‌کنند حاصل شرایط اجتماعی خاص خود هستند. و این واژه‌ها و عبارتها با نام شاعر عجین می‌شوند. مثلاً در شعرنو نیمایوشیخ را «شاعر شب» نامیده‌اند. «از آنجا که شب، موتیو یا مضمون بسیاری از شعرهای نیماست و از آنجا که این شب عمدتاً نماد فضای شبگون و تیره اجتماعی است، تصاویری که در شعر نیما در پیوند با شب شکل می‌گیرند، به نوعی با مرگ رابطه دارند؛ مانند تشبیه دره به مارمرده و...» (ر.ک: محمود فلکی. نگاهی به شعر نیما. تهران، انتشارات مروارید. ۱۳۷۳، صص ۱۲۷-۲۸)

۲. غلامحسین میرزا صالح. رضا شاه: خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی. تهران، نشر طرح نو، ۱۳۷۲. ص ۱۱۶.

۳. حسین مکی. تاریخ بیست سالهٔ ایران. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹. جلد دوم. صص ۳۹۲-۳۹۳.

قاتل و زندانیان او را در رساله خود گراور کرده بود. شاه به این عکس که رسید گفت من این شخص را خوب می‌شناسم؛ بعد از پدرم، مادرم مرا به او سپرده بود. اکثر پیش او می‌رفتم. اسمش داداش بیک بود. شاید تا آن روز کسی این سرباز فوج سوادکوه را که در زمان قتل ناصرالدینشاه قراولی عمارت‌های سلطنتی با آن فوج بود نمی‌شناخته و از همین معرفی رضا شاه اسم او در دهنها افتاد، و چون او پدر سردار سپه معروف شده به این جهت است که پدر رضا شاه را موسوم به داداش بیک دانسته‌اند. از طرف دیگر اسم دیگری هم برای پدر رضا شاه نشنیده‌ام... مع‌هذا معلوم نیست که پدر سردار سپه در ایام حیاتش عنوانی بالاتر از سربازی فوج سوادکوه داشته بوده است.<sup>۱</sup>

تولد رضاخان در آلاشت سوادکوه در ۱۲۵۶ شمسی / ۱۲۹۵ قمری رخ داده است.<sup>۲</sup> از دوران کودکی وی اطلاع چندانی در دست نیست - ظاهراً زمانی که طفل شیرخواره‌ای بوده به وسیله مادرش از سوادکوه به تهران آورده می‌شود. مادر رضاخان - سکینه و یا زهرا - همراه با طفل در تهران نزد برادرش ابوالقاسم بیک می‌رود و رضاخان دوران کودکی و نوجوانی را نزد وی، که خیاط قزاقخانه بود و بعدها به درجه افسری رسید، می‌گذراند.<sup>۳</sup> مادر او اصالتاً از مهاجرین گرجی بود.<sup>۴</sup>

پس از فوت داداش بیک در ۱۲۹۵ هـ. ق ورثه و بازماندگان متوفی طفل صغیر و مادرش را از سهم الارث و دارایی محروم نموده<sup>۵</sup> آنها نیز به تهران روانه می‌شوند و برادر داداش بیک از آنها حمایت می‌کند. خورشید خانم، دُرر خانم و نبات خانم دختران داداش بیک بوده‌اند و رضا پهلوی بعدها فرزندان نبات خانم را به سرپرستی و کاربردای املاک مازندران معین نمود.<sup>۶</sup>

محمد رضا پهلوی مدعی است که رضاخان در ۱۴ سالگی وارد بریگاد قزاق شد و به سلک نظامیان درآمد.<sup>۷</sup> مهدی بامداد ورود رضاخان به خدمت قزاقخانه را ۲۲ سالگی وی ذکر نموده و یادآور می‌شود که وی قبل از آن در فوج سوادکوه که ابوابجمعی میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان بوده مشغول کار شده بود.<sup>۸</sup> خاطرات به‌جا مانده از رضاخان در این دوره چهره سیاهی را از مؤسس سلسله پهلوی ارائه می‌دهد. عمده‌ترین ویژگی وی در این مقطع هرزگی، قلدری و باج‌خواهی از خانه‌های فساد و قمارخانه‌ها

۱. همان، صص ۳۸۸-۳۸۹. ۲. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۲.

۳. همان، ص ۳۹۴. ۴. همان، ص ۳۹۸. ۵. همان، ص ۴۰۸.

۶. همان، صص ۴۰۸-۴۰۹. ۷. مأموریت برای وطنم، ص ۴۸. ۸. شرح حال رجال ایران ج ۲ ص ۲.

برای تأمین هزینه‌های عیاشی و یا ارضای شهوات بود.<sup>۱</sup> مربوط شدن وی با میرزا کریم‌خان رشتی، عنصر مرموز وابسته به اینتلیجنت سرویس، موجبات صعود وی به فرماندهی آتریاد همدانه را فراهم کرد و از این تاریخ مورد توجه اردشیرجی عامل دیگر اینتلیجنت سرویس واقع شد و رفته‌رفته برای انجام کودتا تحت آموزش قرار گرفت. رضاخان پس از به قدرت رسیدن چندان تمایلی به معرفی خانواده خود نداشت بلکه می‌کوشید آنان را از ذهن اطرافیان و حافظه تاریخ بزدايد چرا که انتساب او به یک آشپز یا کسانی از طبقه مردم مایه سرشکستگی وی می‌شد. او حتی به ویران کردن قبر پدرخوانده و مادرش اقدام کرد. اگرچه حسین مکی این عمل او را حاکی از بی‌قیدی او به مذهب دانسته<sup>۲</sup> اما آنچه قابل تأمل است اینکه یاد آن اصل و نسب عادی و عامی چون خوره‌ای روح این پادشاه نوظهور را می‌آزرد و رضاخان همواره سعی در فراموشی آباء و اجداد خویش داشته است:

دیری نیاید که مشارالیها [مادر رضاخان] فوت کرد و جسد او را در قبرستان چهارراه حسن‌آباد که محل اطفائیه فعلی می‌باشد دفن نمودند و همه می‌دانند که در دوره پهلوی قبرستان مزبور را نیز از میان برده به جای آن باغ بزرگ فعلی که در انتهای آن عمارت اطفائیه است ایجاد نمودند. عدم علاقه پهلوی به شعائر مذهبی که کلیتاً ناشی از لامذهبی مشارالیه بود موجب شد که عالماً و عامداً و با اینکه می‌دانست هنوز استخوانهای مادرش در قبرستان حسن‌آباد وجود دارد دستور داد که قبرستان حسن‌آباد را از بین برده و عمارت و ساختمان اطفائیه را ایجاد نمایند. راجع به قبر داداش بیک [در جنب مرقد شاه عبدالعظیم معروف به صحن طوطی و مقابل مقبره ناصرالدین‌شاه] نیز، تصادفاً معلوم شد. یعنی موقعی که مشغول ترمیم مقبره بودند سنگ قبر داداش بیک در بالای پلکان به دست آمد و پس از کاوش و تحقیقات محل قبر متوفی نیز معلوم شد. پس از اینکه جریان را به پهلوی گزارش دادند چون حاکی از یادآوری خاطره‌های گذشته بود و میل نداشت که تجدید بشود نسبت به گوینده پرخاش نموده - و با این عبارت که «از سر مرده‌ها دست بردار نیستند» - نظریه خودش را ظاهر ساخت.<sup>۳</sup>

سرانجام، رضاخان تصمیم گرفت شجره‌ای غیرواقعی از خود ارائه دهد، شجره‌ای که سبب شرمساری وی نباشد و از آن گذشته، سرگذشت او را به اشرافیت قبل مربوط سازد. مؤسس دودمان - رضاخان -، حداقل در اوان حکومتش، متوجه شد که دیگران او

۲. همان، ص ۴۰۶.

۱. اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۷۹۸۸

۳. همان، صص ۴۰۶-۴۰۷.

را سلطان سنتی نمی‌دانند. به همین علت دستور داد تا شجره‌ای افسانه‌ای را تهیه کردند که نشان می‌داد او از اعقاب یکی از خانواده‌های سلطنتی اولیه می‌باشد. همین امر در نامی که وی برای خانواده برگزید نیز منعکس شده است چون پهلوی اغلب در شاهنامه و در رابطه با اقدامات و صفات سلاطین افسانه‌ای به کار برده شده است.<sup>۱</sup>

هنگامی که رضاخان نام پهلوی را برای خود برگزید، میرزا محمودخان نویسنده کتاب هشت جلدی تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان، که نام خانوادگی او نیز پهلوی بود، را مجبور کردند که از این اسم صرف‌نظر کند و او نیز نام خانوادگی محمود را برای خود برگزید.<sup>۲</sup>

### سواد و اطلاعات رضاخان

آنچه را که تمام منابع و حتی نزدیکترین افراد خانواده رضاخان به آن اذعان داشته‌اند و در صحت آن هیچ‌گونه تردیدی به خود راه نداده‌اند، بی‌سوادی رضاخان است. محمدرضا پهلوی در این زمینه می‌نویسد: «... سختی و مشقت زندگی، از دست دادن پدر در دوران کودکی و نبودن وسیله باعث شد که رضاشاه در ابتدای عمر به مدرسه نرود و خواندن و نوشتن را نیاموزد.»<sup>۳</sup>

تاج‌الملوک در سال ۱۹۶۸ میلادی راجع به رضاخان به خبرنگار مجله کنفیدانس - چاپ پاریس - گفته بود: «پدر و مادر او از رعایای معمولی بودند و خودش هم اصلاً سواد نداشت.»<sup>۴</sup> بدیهی است چنان فردی که حتی در موقع افسری هم قادر به نوشتن املاهای معمولی نبوده و نمی‌توانسته کلمات را به طور صحیح با هم ترکیب کند<sup>۵</sup> باید منشیان و نویسندگانی داشته باشد. به طوری که خواهیم دید، نطقهای او را کسانی چون محمدعلی فروغی می‌نوشته‌اند، و حتی در هنگام تبعید نامه‌های معمولی وی نگارش علی‌ایزدی بوده است.

### همسران رضاخان

اولین همسر رضا پهلوی زنی است صفیه نام که در منابع گوناگون وی را مریم و

۱. از ظهور تا سقوط. ترجمه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی

امریکا، ۱۳۶۶. جلد اول. ص ۳۶. ۲. حسین مکی. همان، ج ۲، ص ۳۸۷.

۳. حسین مکی. تاریخ بیست ساله ایران. تهران، نشر ناشر، ۱۳۶۲. ج ۶، ص ۱۶۲.

۴. فریدون هویدا، سقوط شاه. ترجمه ج. مهران. تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵. ص ۱۲۲.

۵. حسین مکی، همان، ج ۲، ص ۳۸۹.



فاطمه پهلوی (همدم السلطنه) اولین فرزند رضاخان



تاجماه نیز نامیده‌اند. تنها فرزند رضا پهلوی از اولین همسرش فاطمه بود که بعدها به همدم السلطنه ملقب شد. و با خانواده آتابای پیوند خورد. اطلاعات قابل توجهی دربارهٔ اولین همسر رضا پهلوی وجود ندارد. او در سال ۱۲۸۲ در گذشته است.<sup>۱</sup>

دومین همسر رضا پهلوی تاج‌الملوک، معروف به ملکهٔ مادر، به دلیل آنکه مادر اولین فرزند ذکور رضا خان یعنی محمدرضا پهلوی بود از قدرت بیشتری نسبت به دیگر همسران رضاخان برخوردار بوده است. وی فرزند یک افسر مهاجر قفقازی به نام میرپنج -سرتیپ- تیمورخان ایرملو بود و رضاخان هنگام ازدواج با او درجهٔ یاوری -سرگردی- داشته است.<sup>۲</sup> حضور نه چندان آگاهانه و عاری از بلوغ اجتماعی او در عرصهٔ سیاست و تبعیدش همراه اشرف پهلوی در زمان دکتر مصدق ناشی از خوی و خصلت قدرت‌طلبانهٔ وی می‌باشد. ثریا اسفندیاری ضمن معرفی چهرهٔ وی نقش زنان را در دربار بازگو می‌کند: «حتی در زمان من او [ملکهٔ مادر] عقاید مربوط به حرمسرای را داشت که در آن پرورش یافته بود و منظور این نیست که او فاقد نفوذ بود؛ برعکس، من دریافتم که دربار تهران اساساً دربار تحت سلطهٔ زنان بود. گرچه رسماً زنان هیچ‌گونه حقوقی نداشتند ولی با هزاران دوز و کلک به اهداف خود می‌رسیدند و من به این نتیجه می‌رسیدم که در جامعه‌ای کاملاً مادر شاهی به سر می‌برم که تمام اختیارات از آن ملکه مغرور و خودسراست.»<sup>۳</sup>

جدای از حسادتهای زنانه و دسیسه‌های جاه‌طلبانه و اعمال قدرت تاج‌الملوک بر دیگر همسران رضا پهلوی به ویژه در دوران تبعید پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰، مداخلهٔ گاه و بیگاه وی در سیاست و تمهیدات او برای مطرح کردن علیرضا پهلوی در برابر محمدرضا پهلوی<sup>۴</sup> از جمله اهرمهایی است که به منظور کسب قدرت بیشتر به کار می‌برده است.

مدتی بعد از فوت رضا پهلوی تاج‌الملوک با غلامحسین صاحب‌دیوانی ازدواج کرد. وی که از خاندان سرشناس و با نفوذ قوام‌الملک شیرازی بود با این وصلت بر نفوذ خود افزود و به عنوان نماینده از شیراز به مجلس راه یافت.

سومین همسر رضا پهلوی ملکه توران دختر عیسی خان مجدالسلطنه امیر سلیمانی -۱۲۹۵ تا ۱۳۴۵ هـ. ق- و نوه مهدیقلی خان مجدالدوله از رجال دربار قاجار در دورهٔ ناصری، مظفری و پس از آن است. مجدالدوله فرزند عیسی خان مجدالدوله دایی

۱. محمود طلوعی. پدر و پسر. تهران، نشر علم، ۱۳۷۲. ص ۳۳۲.

۲. کتاب پهلوی. تهران، مؤسسهٔ اطلاعات، ص ۱۶۵.

۳. از ظهور تا سقوط، جلد اول، ص ۱۰۵. ۴. همان، ص ۴۳.



تاج الملوك پہلوی و علی دشتی [۲۹۰۷-۱-پ]



رضاشاه به اتفاق علیرضا، شمس، اشرف، محمدرضا و غلامرضا [۱-۷۰۰۷]

ناصرالدین‌شاه - ۱۲۴۷-۱۳۱۳ ه. ق. - و حاکم گیلان بود.<sup>۱</sup> بدین ترتیب با این ازدواج در سال ۱۳۰۰ رضا پهلوی که عهده‌دار وزارت جنگ بود با خانواده قاجار پیوند خورد اما این پیوند دیری نپایید و پس از تولد غلامرضا در سال ۱۳۰۲ به متارکه انجامید. نام اصلی ملکه توران قمرالملوک بود. وی در سال ۱۲۸۲ در تهران متولد شد، دوران کودکی و نوجوانی خود را در همین شهر گذراند، و دوران متوسطه را در دبیرستان ناموس طی کرد.<sup>۲</sup> از مسائلی که موجب اختلاف رضا پهلوی با تاج‌الملوک شد ازدواج وی با ملکه توران بود. اگرچه این ازدواج دیری نپایید اما آتش کینه تاج‌الملوک را برافروخت. سلیمان بهبودی در خاطراتش می‌نویسد:

امیر لشکر خدایار خان واسطه عقد ازدواج مجدد حضرت اشرف با ملکه توران، دختر مجد السلطنه بود. مدتی ملکه توران در خانه اجاره‌ای، واقع در خیابان معروف به مؤدب‌الملک، زندگی می‌کرد تا آنکه با عجله قطعه زمینی مجاور چهارراه فعلی پهلوی خریداری و ساختمان شد و ملکه توران به خانه جدید منتقل گردید. ملکه توران چندی بعد از تولد غلامرضا خان در ۱۷ جوزا [خرداد ۱۳۰۲] از حضرت اشرف جدا شدند.<sup>۳</sup>

ملکه توران که هنگام طلاق کمتر از بیست سال داشت مورد بی‌مهری رضا خان و تاج‌الملوک قرار گرفت و تا فوت رضا پهلوی قیود عدیده‌ای وی را محدود می‌کرد. وی از آن دوران چنین یاد می‌کند: «... تمام دوران اقتدارش برای من بیچارگی و نشستن و دیدن او [ساختن با ناملایمات بود].»<sup>۴</sup> توران امیر سلیمانی در سال ۱۳۲۳ با بازرگان ثروتمندی به نام ذبیح‌الله ملک‌پور - ۱۲۸۱-۱۳۵۲ ه. ش. - ازدواج کرد.<sup>۵</sup> ذبیح‌الله ملک‌پور عضو لژهمایون [پهلوی] و عضو هیئت مدیره [باشگاه ماسونی] خورشید تابان بود.<sup>۶</sup> ملکه توران در خاطراتش می‌نویسد: «علی‌احضرت مادر به محض آنکه شنیده بودند من شوهر

۱. عبدالله مستوفی. شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار). تهران، زوار، ۱۳۴۳. ج ۱، ص ۴۸۸.

۲. جعفر شاهی. دودمان پهلوی: جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران: تاریخ و شرح حال خاندان سلطنتی. [بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۷۲-۴۷۴]. صص ۴۷۲-۴۷۴.

۳. غلامحسین میرزا صالح، همان، ص ۲۷.

۴. تاریخ معاصر ایران، جلد دوم، ص ۱۵۱.

۵. همان.

۶. اسماعیل زابین. فراموشخانه و فراماسونری در ایران. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷. ج ۳، ص ۳۵ و ۴۲۸.



توران امیر سلیمانی و غلامرضا پهلوی [۱-۸۲۵-الف]



عصمت الملوك دولتشاهی [۱۰۶۱۷۷]

کردم ازدواج با ملک‌پورا فوری فرستاد فرشهای منزل والاحضرت غلامرضا پهلوی را که پدرش برای عمارت او داده بود، همه را بردند.»<sup>۱</sup>

چهارمین همسر و به اصطلاح سوگلی زنان رضاشاه و تنها همسری که رضاشاه او را برای مدتی با خود به تبعید برده بود عصمت‌الملوک دولتشاهی است. رضا پهلوی مدتی بعد از متارکه با توران امیر سلیمانی با عصمت‌الملوک ازدواج کرد. عصمت دختر مجلل‌الدوله دولتشاهی بود. حاصل این ازدواج چهار پسر - عبدالرضا، احمدرضا، محمودرضا و حمیدرضا - و یک دختر - فاطمه - بود.

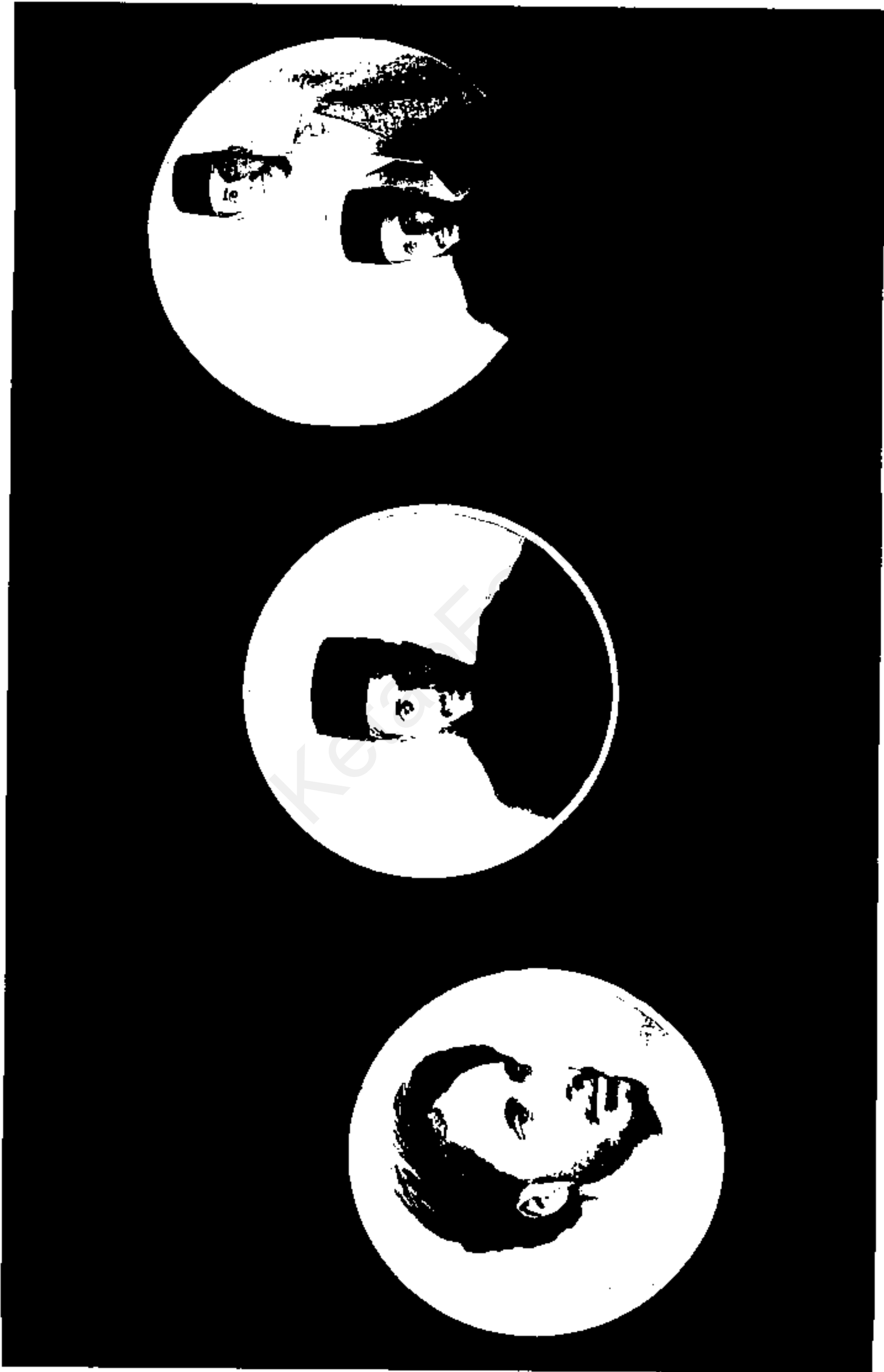
### رضاخان و کودتای ۱۲۹۹

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را می‌توان نقطه عطفی در روابط سیاسی ایران و انگلیس دانست چرا که با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، سلسله قاجار از حمایت روسیه محروم شد و هنگام آن رسیده بود که رقیب دیرینه او، انگلیس بدون نیاز به تقسیم منابع با رقیب به تدریج حضور گسترده خود را در ایران بیش از پیش تثبیت نماید. هدف از کودتای ۱۲۹۹ براندازی احمد شاه نبود بلکه کودتا به مثابه اولین کیش برای مات کردن آخرین شاه قاجار به شمار می‌رفت. ژنرال آیرونساید به رضا خان تأکید می‌کند که: «اقدام قهرآمیزی برای سرنگون کردن شاه خودکامه صورت ندهد و به دیگران هم اجازه و امکان چنان اقدامی را ندهد ... [رضا خان] به من قول داد که به خواسته‌های من عمل کند.»<sup>۲</sup>

عمده‌ترین هدف کودتا عاری کردن احمد شاه از قدرت نظامی قزاق بود. برای عملی شدن این مقصود ضروری بود که ابتدا کلنل استاروسلسکی فرمانده نیروهای قزاق خلع ید شود. ژنرال آیرونساید ماجرای به دام انداختن کلنل استاروسلسکی را چنین شرح می‌دهد:

... او [کلنل استاروسلسکی] به محض اینکه دید افرادی از دومین تنگه به سلامت عبور کرده‌اند برای عزیمت به قزوین و تهران با اتومبیل خود به راه افتاد. در اداره پست قزوین توقف کرد و طی تلگرافی به شاه اطلاع داد که با اتومبیل به زودی به تهران خواهد آمد. بعد در تلگرام مفصل دیگری به افرادی دستور داد در شمال

۱. تاریخ معاصر ایران، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۹، کتاب دوم، ص ۱۵۳.  
 ۲. خاطرات سری آیرونساید: به انضمام ترجمه متن کامل شاهراه فرماندهی، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی و مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۲۱۹.



سید ضیاء الدین طباطبائی [۱۹۴۷-۱]

قزوین اردو بزنند. مأموران شنود ما تلگراف او به شاه را مخایره نکردند و در تلگراف دوم هم دست بردند و مقصد افراد قزاق را آق بابا ذکر نمودند. ... استاروسلسکی در این ضمن به تهران وارد شد، به حضور شاه رسید. در آنجا به او گفته شد که از پست خود برکنار شده و تمامی افسران و نفرات باید از بریگاد قزاق جدا شده عازم بغداد گردند. او بعد از شنیدن اخراجش به فوریت خود را به نزدیکترین شعبه تلگراف رسانیده و طی تلگرافی از قزاقان می‌خواهد در آنجا جمع شوند. این دهکده در نیمه راه قزوین به تهران و در شمال جاده اصلی واقع است. بنا بود در آنجا با فوج قزاق دیدار کند و دستورات بعدی را ابلاغ نماید. مأموران شنود، طبق معمول در این تلگراف هم دست بردند و در تلگراف ساختگی به افسران روسی و افسران جزء دستور داده شد در ساختمان حکومتی قزوین به دیدار استاروسلسکی بروند و افراد قزاق در اردوگاه آق بابا بمانند. در نتیجه وقتی استاروسلسکی به آنجا رسید یک خودرو زره‌پوش ما، در انتظار او بود تا او را سوار کند و نزد سایر افسران روسی که در بازداشت ما به سر می‌بردند ببرد.<sup>۱</sup>

پس از برکناری کلنل استاروسلسکی امور بریگاد قزاق به سرهنگ اسمایس واگذار شد. او یکی از افسران ارشد انگلیسی بود که برای آموزش ارتش جدید ایران - که در قرارداد سرپرسی کاکس پیش‌بینی شده بود - به تهران آمده بود.<sup>۲</sup>

در این گیرودار مجلس شورای ملی یکی از اعضای خانواده سلطنتی به نام سردار همایون را به فرماندهی بریگاد قزاق منصوب کرد. سردار همایون در ملاقاتی که با ژنرال آیرونساید داشته است صراحتاً می‌گوید که سرباز نیست و علت انتخاب او برای فرماندهی قزاقها «تضمین وفاداری آنان نسبت به شاه بوده است».<sup>۳</sup> اما پیش از این ژنرال آیرونساید و سرهنگ اسمایس به منظور عملی کردن کودتا رضا خان را شناسایی کرده بودند. هنوز مدت زمان زیادی از انتصاب سردار همایون نگذشته بود که سرهنگ اسمایس به توصیه ژنرال آیرونساید وی را به مرخصی روانه می‌دارد تا در غیاب او رضا خان به تحکیم موقعیت خود پردازد و فرماندهی نیروی قزاق را برعهده بگیرد.<sup>۴</sup>

با رضاخان گفت‌وگویی داشتم - ۱۲ فوریه ۱۹۲۱ - و او را به فرماندهی مطلق

۳. همان، ص ۲۰۳.

۲. همان، ص ۲۰۲.

۱. همان، صص ۲۰۰-۲۰۱.

۴. همان، ص ۳۵۹.



فراقهای ایرانی گماردم. او قویترین فردی است که تا کنون دیده‌ام. به او گفتم که به تدریج از تحت کنترل من خارج شود و باید همراه سرهنگ اسمایس مقدمات رویارویی با شورشیان رشت را پس از خروج ستون از منجیل فراهم کند. در حضور اسمایس گفت و شنودی طولانی با رضا داشتم.<sup>۱</sup>

با قرار گرفتن رضا خان در رأس نیروی نظامی، اهرم اجرایی کودتا شکل می‌گیرد. اما این جریان بدون حمایت عناصر داخلی و نیروهای سیاسی میسر نمی‌شد. سید ضیاءالدین طباطبایی یکی از قسم خوردگان کودتا و تنها غیرنظامی این جمع است که در تحقق یافتن کودتا نقش شایان توجهی دارد:

می‌گویند پنج نفر برای انجام کودتا با یکدیگر متحد شده و همقسم شده پشت قرآن را هم مهر کرده‌اند. ... این پنج نفر عبارت بودند از: سید ضیاءالدین، رضا خان میرپنجه، ماژور مسعود خان، سرهنگ احمد آقا خان - امیر احمدی - و کلنل کاظم خان - سیاح - سید ضیاءالدین هم هنگام طرح اعتبارنامه‌اش در مجلس دوره چهاردهم چنین بیان کرده است: دو روز پیش از کودتا من رفتم به شاه‌آباد. جلسه‌ای تشکیل شد در شاه‌آباد از بنده و آقای رضا خان میرپنجه و از آقای احمد آقا خان که آن وقت سرهنگ بود و از آقای ماژور مسعود خان و از آقای کاظم خان. من آنها را دیدم؛ چه دیدم و چه صحبت کردیم و چه تصمیم گرفتیم، از اسرار ماست؛ ولی یک خبری را به شما می‌گویم و آن این است که ما پنج نفر قسم خوردیم که به ایران خدمت کنیم ...<sup>۲</sup>

یحیی دولت‌آبادی، سید ضیاءالدین مدیر روزنامه رعد و رفقای کمیته‌ای او - کمیته آهن و فولاد یا کمیته زرگنده - را قوه ایرانی سیاسی برای اجرای کودتای سید ضیاءالدین - رضاخان می‌داند<sup>۳</sup> و محمود خان مدیرالملک، مسعود خان سرهنگ، منوچهر خان طبیب و میرزا کریم خان گیلانی را از اعضای آن معرفی می‌کند و معتقد است: «... کمیته زرگنده مرکز سیاست انگلیس است در تهران در قسمتی که باید به دست ایرانیان انجام

۱. همان، ص ۳۶۵.

۲. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، نشر ناشر، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۲۱۴-۲۱۵.

۳. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران، انتشارات عطار و فردوسی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۲۷.

بگیرد»<sup>۱</sup>

شبکه اردشیر جی از سال ۱۹۱۳ به وسیله میرزا کریم خان رشتی با رضا خان مرتبط شده بود و به نوعی تعلیمات سیاسی به وی را بر عهده داشت.<sup>۲</sup> اردشیر جی درباره نقش سید ضیاءالدین طباطبایی می‌نویسد: «فقط می‌گویم که آنچه را هم که سید ضیاءالدین طباطبایی به عهده داشت به خوبی انجام داد و محرک او هم خدمت به ایران بود ولی شاید بیش از آنچه لازم و یا مطلوب بود تظاهر به همگامی با سیاست انگلیس می‌کرد.»<sup>۳</sup> برخلاف عقیده اردشیر جی سید ضیاءالدین با پنهانکاری و مخفی داشتن اسرار کودتا نه تنها تظاهر به همگامی با سیاستهای بریتانیا نداشت بلکه به عنوان یک عنصر داخلی سیاسی بزرگترین خدمت را در جهت اهداف استعمار انجام داد و این رضا خان بود که در حضور حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی و دکتر مصدق و دیگران به صراحت از حمایت بی دریغ بریتانیا برای عملی ساختن کودتا سخن گفته بود.

سید ضیاءالدین در دفاع از خود و کودتا بارها گفته است که وقایع از اسرار است و مجبور نیستم درباره آن مطلبی بگویم و بدین طریق مطلبی از اسرار را افشا نکرده است. غافل از اینکه تلگرافات متبادله بین وزیر مختار انگلیس و وزیر خارجه انگلیس و نگاهی به یادداشتهای روزانه آبروتساید دیگر جای هیچ گونه شبهه و ابهامی باقی نمی‌گذارد که کودتا، مارک لندن را داشته است. و به طوری که حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی در حیات یحیی صریحاً از قول سردار سپه چنین نوشته است که سردار سپه در حضور مستوفی‌الممالک، میرزا حسن مشیرالدوله، دکتر مصدق، تقی‌زاده، علاء، و دو تن از وزرای دولت یعنی مخبرالسلطنه و فروغی اظهار داشته: مثلاً خود مرا انگلیسیها روی کار آوردند؛ ولی وقتی روی کار آمدم به وطنم خدمت کردم. همین مطلب را هم دکتر مصدق با کمی اختلاف بدین عبارت گفته است: ... به خاطر دارم که سردار سپه نخست‌وزیر، در منزل من با حضور مرحومان مشیرالدوله و مستوفی‌الممالک و حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی و آقایان مخبرالسلطنه و تقی‌زاده و علاء اظهار کرد مرا انگلیسیها آوردند ولی ندانستند با چه کسی سروکار دارند.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۱۵۱.

۲. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی: جستارهایی از تاریخ معاصر ایران. تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰.

ج ۲، ص ۱۴۸. ۳. همان، ص ۱۴۹. ۴. حسین مکی، جلد اول ص ۱۵۷.

اگرچه ژنرال آیرونساید خود را معمار کودتای ۱۲۹۹ می‌شناسد.<sup>۱</sup> اما بدیهی است کودتا بدون مساعدت و حمایت نیروهای داخلی و خاصه کمیته زرگنده و اعضای آن که همواره با سفارت انگلیس مرتبط بودند محقق نمی‌شد. میرزا کریم خان رشتی که یکی از مرموزترین اعضای کمیته زرگنده است، صریحاً به نقش واسطه‌گری خود میان سفارت انگلیس و رضا خان اشاره کرده است.<sup>۲</sup>

علاوه بر نقش ژنرال آیرونساید تأثیر اردشیر جی بر رضا خان در به ثمر رسیدن کودتا موضوعی است قابل توجه و شایان تأمل. لرد آیرونساید - فرزند ژنرال آیرونساید - در نامه‌ای به امیر اسدالله علم می‌نویسد:

امیدوارم که شما و سر شاپور اریپورترا، چکیده‌های مناسبی از مکاتبات پدرم و پدر سر شاپور را ... جمع‌آوری کنید ... حقیقتی که در اینجا رخ می‌نماید، این است که یک‌بار دیگر در تاریخ کهن ایران زمین یک فرد ایرانی میهن‌پرست قیام کرده است تا میهن خود را از خطرات حفظ کند. رضا شاه کبیر، چنین مردی بود و من به خاطر همکاری پدرم با چنین چهره برجسته‌ای افتخار می‌کنم.<sup>۳</sup>

در ورای این جملات آراسته و عبارت‌پردازیهای میهن‌پرستانه، لرد آیرونساید به طور ضمنی اهمیت نقش و دخالت دولت انگلیس را در جریانهای سیاسی ایران یادآور می‌شود اما، چنانکه پیش از این اشاره شد، دخالت استعمار و حضور تجاوزگرانه خارجی بدون دخالت عناصر داخلی و همراهی و همگامی آنها هرگز میسر نمی‌شد. کودتا که با هدف «استقرار دیکتاتوری نظامی»<sup>۴</sup> شکل گرفته بود در یکی دو روز همه سرجنبانان را دستگیر کرد. و به فعالیت همه جراید، بدون استثنا خاتمه داد:

قرار بود مؤسس کودتا همه جراید را ببندد و تنها روزنامه ایران را که مدیرش من بودم، باقی بگذارد و ماهی هزار تومان به روزنامه کمک کند ... نکته‌ای قلبی و احساسی روحی که شرحش دشوار است مرا از پذیرفتن پیشنهاد دوستانه ایشان [رضاخان] منصرف داشت و بعد از دو سه روز، من هم در شمار اسرای کودتا قرار

۱. خاطرات سری آیرونساید. همان، ص ۱۶۷.

۲. حسین فردوست. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. تهران، انتشارات اطلاعات. ۱۳۷۰. ج ۱، ص ۸۳.

۳. سند شماره ۷، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۴. خاطرات سری آیرونساید. همان، ص ۳۶۰.

گرفتم.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب برای صاحب منصبان انگلیسی تقاضای ده قطعه نشان شیروخورشید و برای ژنرال آیرونساید نیز نشان درجه اول شیر و خورشید با حمایل سبز تقاضا می‌شود که دولت به پاس عملی شدن کودتا به آنها اعطا نماید.<sup>۲</sup>

### جمهوریخواهی رضاخان

در فاصله کودتای ۱۲۹۹ تا شروع ماجرای جمهوریخواهی در نیمه دوم سال ۱۳۰۲ رضا خان مترصد فرصتی بود تا احمد شاه را از عرصه قدرت ساقط سازد و بدین منظور سایه به سایه او حرکت می‌کرد و از ملاقاتهای او با افراد اطلاع می‌یافت و حتی فرمانده گارد سلطنتی گزارشهای مبسوط و بی‌وقفه‌ای از رفتار احمد شاه برای او می‌فرستاد.<sup>۳</sup> اگرچه جمهوریخواهی و رضا خان ماهیتاً با هم در تضاد بودند اما می‌توان گفت یکی از پیامدهای آن جریان، به مثابه آزمونی برای شناخت حساسیتها و واکنشهای جامعه محسوب می‌شد و اگرچه جمهوری تحقق نیافت اما چنانکه خواهیم دید به تحکیم موقعیت و افزایش قدرت رضا خان منجر شد و البته لازم است یادآوری شود که رضا خان بر اساس قول و قرار خود با ژنرال آیرونساید نمی‌بایست بشخصه اقدامی بر ضد سلطنت احمد شاه انجام دهد.

مطرح ساختن شیوه حکومتی جمهوری در برابر سلطنت نه به معنای تکامل اجتماعی - تاریخی نوع حکومت، که به عنوان ترفندی برای برکناری حریف و دست‌یافتن به قدرت بود. چه اگر رضا خان در این ماجرا توفیق هم می‌یافت «جمهوری فردی» او تفاوتی با «دیکتاتوری نظامی» نداشت. اردشیر جی در گرماگرم بحران جمهوری در بیست و یکم فروردین ۱۳۰۳ به نصرالله خلعتبری می‌نویسد: «الان که نه سلطنت است و نه جمهوری آثار روزگار بر این می‌باشد که دیکتاتوری نظامی سردار سپه مقبول افتد؛ قوه و قدرت سلطنت تقریباً معدوم است و جمهوری ایرانی هم معلوم است جمهوری فردی بوده.»<sup>۴</sup>

۱. محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، ج ۲.

صص ۲۰-۱۹. ۲. سند شماره ۴، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۳. غلامحسین میرزا صالح، همان، صص ۴۷-۴۸.

۴. سند شماره ۲۶، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.



از راست: مهدی قلی مجدالدوله، امیر لشکر محمود آقا امیر اقتدار، احمد شاه قاجار،  
بصیرالدوله هروی، رضاخان سردار سپه، دکتر حسن خان ادهم الدوله [۱۷۹۷-۱۱]



عبدالله  
محمد

سر لشکر محمود انصاری، سرتیپ مرتضی یزدانیانہ [۱۸۱۶-۱۸] از راست: سرتیپ محمد حسین آرم، سر لشکر حسین خزاعی، سر لشکر محمود آرم، رضاخان سردار سپه، سر لشکر عبدالله امیر طهماسبی،

با غیبت مشیرالدوله در هیئت وزیران در آذرماه ۱۳۰۲، احمد شاه سردار سپه را به تشکیل دولت مأمور کرد، و از این تاریخ ماجرای جمهوری آغاز شد:

زمزمه جمهوری طلبی یک مرتبه به گوشها می‌رسد و سردار سپه عاشق مقام سلطنت و فعال مایشائی جمهوریخواه می‌گردد و مستبدین شاهپرست بیش از میلیون جمهوریخواه حقیقی سنگ جمهوری طلبی را به سینه می‌زنند و علنی دیده می‌شود از سفارت انگلیس، که هر چه هست امپراطوری است، تبلیغات جمهوری تراوش می‌کند؛ و از سفارت روس بلشویک، که غیر از جمهوریت چیزی نیست، هر چه شنیده می‌شود بر ضد این جمهوریت است، و فاش به همه کس می‌گویند این مقدمه سلطنت استبدادی و لغو کردن قانون اساسی است.<sup>۱</sup>

بدیهی به نظر می‌رسد که مخالفان و موافقان جمهوری طیفهای متعدد و گوناگونی را در خود جمع کرده باشند. چه بسا جمهوریخواهانی که جز لفظ جمهوری، چیزی از آن نمی‌دانستند و فقط بر حسب ظاهر به آن گرایش پیدا کرده بودند. همچنین تمام مخالفان جمهوری را نمی‌توان متهم به سلطنت طلبی کرد. ملک الشعراى بهار درباره طیفهای وسیع مخالفان و انگیزه‌های مخالفت آنها می‌نویسد:

بعضی می‌گویند مدرس بد کرد که با جمهوری مخالفت کرد. اولاً مخالف جمهوری، مدرس تنها نبود؛ عالمی از بزرگ و کوچک مخالف بودند، و مدرس هم چون دید جمهوری پیشرفت ندارد لوای مخالفت را به دوش گرفت؛ ثانیاً او و سایر متورین از اعمال سردار سپه از قبیل قتل نفسهای بی‌رویه - مثل قتل دو پسر امیر مؤید، قتل اقبال السلطنه ماکویی و امیر عشایر و بردن تمام دارایی سیصد ساله آن دو خانواده و غیره - ترسیدند و دیدند که اگر او رئیس جمهور شود، همان کاری را که بعد کرد، و دیدیم، خواهد کرد و طبیعی است هر وطنخواهی از چنین رئیس جمهوری می‌ترسد.<sup>۲</sup>

سرانجام جبهه جمهوریخواهی در سه محور هماهنگ شروع به فعالیت کرد: تطمیع عده‌ای از اهل قلم و نمایندگان مجلس، فشار بی‌امان نظامیان و تهدیدهای رعب انگیز آنان به مجلس و سرانجام نمایش جمهوری به مثابه مظهر حکومت پارلمانی و

۱. یحیی دولت‌آبادی، همان، جلد چهارم، ص ۳۴۶.

۲. محمدتقی بهار، همان، ج ۲، صص ۶۹-۷۰.

دموکراسی برای جلب توجه عده‌ای از تجددگرایان جوان و بهره‌برداری از موضعگیری و حمایت خام و احساسی آنان.

رضا خان در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۰۳ نامه‌ای استعفاگونه به مجلس شورای ملی ارسال می‌دارد:

مدتهاست خسته هستم و برای کناره‌جویی در خود رغبتی زیاد احساس می‌کردم ولی اجرای این نیت به نظر اینجانب موقوف به این بود که موضع صلاحیت‌دار و مرکز ثقلی برای مملکت آماده باشد که وضعیات در غیبت اینجانب بتواند مدار خودش را تعقیب نماید. واقعاً همین منظور بود که مرا به سرعت افتتاح مجلس علاقه‌مند ساخت. اینک مجلس رسماً باز و خستگی، مرا عزم می‌نماید که فکر دیرین خود را اجرا نمایم این است به وسیله این مراسله رسماً کناره‌جویی خود را به اطلاع مجلس شورای ملی می‌رسانم. در غیبت اینجانب ارکان حرب کل قشون به امورات لشکری رسیدگی خواهد نمود. رضا<sup>۱</sup>

بر طبق قانون اساسی رضا خان باید استعفای خود را به ولیعهد که اکنون نایب‌السلطنه است بدهد اما نیک می‌داند که ولیعهد فوراً استعفای او را خواهد پذیرفت به این سبب ترجیح می‌دهد که به طور غیررسمی استعفای خود را به مجلس ارائه دهد تا مگر با فشار نظامیان و تطمیع نمایندگان مجلس راه را برای بازگشت خود باز گذارد.

یکی از تمهیدات رضا خان بعد از کودتای ۱۲۹۹ افزایش قدرت نظامی و گسترش نظامیان به مثابه اهرمی قدرتمند برای نیل به آمال و آرزوهایش و اعمال قدرت و خشونت بوده است. لرد کرزن می‌گوید:

سردار سپه فرمانده کل قوا و رئیس دولت ایران بوده و موفقیتی که در ترتیبات نظامی و استقرار امنیت در ایلات جنگجوی جنوب حاصل نموده حقیقتاً دارای خیلی اهمیت می‌باشد. در این مدت سیاستمداری خویش همیشه حس وطن پرستی را در منافع ایران نشان داد، و تا درجه [ای] که من اطلاع دارم مخالفتی هم با ما نشان نداده است.<sup>۲</sup>

پیش از آنکه مسئله کناره‌گیری رضا خان مطرح باشد نامه‌های او به فرماندهان قشون

۱. سند شماره ۲۵، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۲. سند شماره ۲۷، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.



برای هماهنگی فعالیت آنها به منظور حمایت و بازگرداندن وی ارسال می‌شود. این نامه‌ها را برای تمام فرماندهان ارسال داشته. برای نمونه و به سبب اهمیت پنهانی بودن ماجرا به ذکر یکی از این اسناد که در تاریخ ۱۳۰۲/۱۲/۳ به امیر لشکر جنوب نوشته شده است می‌پردازیم:

... شما باید بدون آنکه کسی بفهمد از طرف نظامیان مداخله مستقیمی می‌شود خیلی محرمانه اما با کمال جدیت سه طبقه فوق [تجار، روزنامه‌نگاران و روحانیان] را در تمام خطه جنوب اعم از شیراز و اصفهان و بوشهر و نواحی و توابع و غیره تشویق و حاضر کار نموده به طوری که همه متحدالکلمه باشند تا به مجرد آنکه تلگراف رمز من به شما رسید فوری یک صدای هماهنگ از تمام صفحه جنوب بلند شده پس از دادن میتینگ و غیره به وسیله نمایندگان خود به مجلس شورای ملی فشار آورده و به وکلاء همین مجلس اختیار تام و تمام بدهند که قانون اساسی را تغییر داده و رژیم مملکت را از مشروطیت به جمهوریت تبدیل نماید. در این صورت به شما تأکید می‌کنم که این امر باید طوری عاقلانه و ماهرانه و ملی صورت بگیرد که کمترین توهمی از طرف من و شما در انظار عامه در کار نباشد، و باید ضمناً خیلی فوری و جدی و بلافاصله با تمام معنی زمینه کار را حاضر داشته باشید که عنقریب دستور تلگرافی من به شما خواهد رسید. [امضای رضاخان]<sup>۱</sup>

مخالفت شهید مدرس و سایر روحانیون با طرح جمهوری خواهی نقشه رضاخان را عقیم کرد و وی را مجبور کرد که برای رسیدن به مقصود با صراحت بیشتری وارد عمل شود. یحیی دولت‌آبادی یکی از نمایندگان مجلس در دوره مورد نظر با رضا خان درباره جمهوری گفت‌وگویی انجام داده و از تطمیع او نسبت به نمایندگان مجلس می‌گوید.

[۱۳۰۲/۱۲/۲۰] ... پنج نفر در اتاق انتظار می‌نشینیم سردار سپه با لباس راحتی و پالتویی که روی دوش افکنده است وارد شده پس از احوالپرسی از حاضرین رو به نگارنده کرده می‌گوید شما در میان طرز حکومتها که در دنیا معمول است کدامیک را بهتر می‌دانید می‌گویم جمهوری را چونکه حکومت استعدادی و استحقاقی است از جواب من به ظاهر خشنود می‌شود اما در بشره او آثار ملالت هویدا می‌گردد اما مسرت، دلیلش واضح است چونکه با نقشه موقتی او موافقت دارد و اما ملالت چونکه می‌داند من سلطنت خواه نیستم و آنچه را که گفتم از روی عقیده بود بالجمله لبخندی زده به حاضرین می‌گوید ایشان هم که با ما موافقت در این صورت شما چند

۱. سند شماره ۱۸، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

نفر جلسه‌های مرتبی داشته باشید و برای پیشرفت جمهوریت هر چه ممکن است کارروایی نمایید و در آخر مجلس به یکی از حاضرین که به او بیش از دیگران اختصاص دارد می‌گوید این کارها البته خرج دارد پنجاه شصت هزار تومان برداشته به اتفاق آقایان به مصرف این کار برسانید.<sup>۱</sup>

یکی از وسایل لازم برای ترویج اندیشه جمهوری و جمهورخواهی، همصدایی و همراهی جراید بوده است به طوری که روزنامه‌های طرفدار سردار سپه مطالبی را به استعفای وی اختصاص می‌دهند و به مدرس به مثابه مظهر مخالفت با جمهوری حمله می‌کنند. علی دشتی مدیر روزنامه شفق سرخ در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۰۳ مقاله‌ای با عنوان «پدر وطن رفت» در حمایت از سردار سپه انتشار داد.<sup>۲</sup> سرانجام با فشارهای بی‌امان و تهدیدهای نظامیان از جمله احمد آقا امیر احمدی، امیر لشکر غرب و حسین آقا خزاعی، امیر لشکر شرق مبنی بر حمله به تهران و دادن مهلت دو روزه به مجلس برای جلب رضایت سردار سپه، مجلس شورای ملی در جلسه روز بعد سردار سپه را مجدداً به رئیس‌الوزرای برگزید و در همان تاریخ هیئتی به بومهن روانه کرد.<sup>۳</sup> یحیی دولت‌آبادی یکی از افراد هیئت اعزامی به بومهن برای بازگرداندن سردار سپه ماجرا را چنین شرح می‌دهد:

... یک عده دوازده نفری از سردسته‌های احزاب مجلس و از متفردین که نگارنده نیز از آنهاست مأمور انجام این خدمت می‌شوند و بی‌درنگ به جانب بومهن روانه می‌گردیم. نزدیک ظهر است که به بومهن می‌رسیم. سردار سپه واردین را خوب و نرم می‌پذیرد و خاصه که مستوفی‌الممالک و مشیرالدوله هم جزو این عده هستند. ناهار صرف می‌شود و بعد از ناهار سردار سپه نگارنده را در خلوت دیده اظهار مهربانی بسیار می‌کند که نگذارم داستان طولانی شود. پیش از آنکه مجلس خصوصی رسمیت حاصل کند پیشخدمت یک دسته تلگراف روی میز پیش روی رئیس می‌گذارد و رئیس یک یک تلگرافها را می‌خواند و با تغییر احوال آنها به دست مستوفی‌الممالک و مشیرالدوله که نزدیک او نشسته‌اند می‌دهد. آنها هم پریشان‌خاطر می‌شوند و بالاخره مستوفی‌الممالک با نگارنده صحبت می‌کند که کار گذشت، دیگر این تلگرافهای تهدیدآمیز رؤسای قشون از همه جابرای چیست؟ شرح

۱. یحیی دولت‌آبادی، همان، جلد چهارم، ص ۳۴۷.

۲. باقر عاقلی. روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب. تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۹. ج ۱، ص ۱۳۲.

۳. همان.

مطلب را به سردار سپه در عمارت بیلاق او گفته جواب می‌دهد گذشته است و آنها از آنچه پیش آمده بیخبر بوده‌اند؛ حالا دیگر خبردار شده‌اند؛ آسوده‌خاطر باشید.<sup>۱</sup>

اگرچه ماجرای جمهوریخواهی مدت زمان زیادی به طول نینجامید اما چند رهاورد در پی داشت که مهمترین آنها نمایش قدرت نظامی سردار سپه و مرعوب کردن نمایندگان مجلس بود. مضافاً اینکه زمینه‌های آمادگی اذهان برای تغییر سلطنت به سبب مطرح شدن تغییر نوع حکومت در میان مردم و نهایتاً به آراء عمومی گذاردن تغییر مشروطیت به جمهوریت در مجلس شورای ملی فراهم شد و آن اعتبار و حرمت اندک آخرین شاه سلسله قاجار نیز از میان رفت و کم‌کم جز سایه‌ای سرگردان و هویتی موهوم چیزی از او بر جای نماند.

سخنان سردار سپه بعد از بازگشت از بومهن که حاکی از تزویر و ریای وی در دوران اولیه حکومت است، گرچه به عنوان صرف نظر کردن از جمهوری ایراد شد اما خرسندی و رضایت خاطر وی در خلال کلمات و عبارات مشهود است:

... چون یگانه مرام و مسلک شخص من از اولین روز، حفظ و حراست عظمت اسلام و استقلال ایران بوده و هر کس که با این رویه مخالفت نموده او را دشمن مملکت فرض و قویاً در دفع او کوشیده و از این به بعد نیز عزم دارم همین رویه را ادامه دهم ... و چون من و کلیه آحاد و افراد قشون از روز نخستین محافظت و صیانت ابهت اسلام را یکی از بزرگترین وظایف و نصب‌العین خود قرار داده و همواره در صدد آن بوده‌ایم که اسلام روز به روز رو به ترقی و تعالی گذاشته و احترام مقام روحانیت کاملاً رعایت و ملحوظ گردد ... این است که به تمام وطنخواهان و عاشقان آن منظور مقدس نصیحت می‌کنم که از تقاضای جمهوریت صرف نظر کرده و برای نیل به مقصد عالی که در آن متفق هستیم با من توحید مساعی نمایند.<sup>۲</sup>

### مجلس شورای ملی

از آغاز ماجرای جمهوریخواهی در آذرماه ۱۳۰۲ و خلع احمد شاه از سلطنت در آبان ۱۳۰۴ و تکیه رسمی رضا خان بر اریکه قدرت در آذرماه ۱۳۰۴ نزدیک به دو سال

۱. یحیی دولت‌آبادی، همان، جلد چهارم، صص ۳۳۱-۳۳۲.

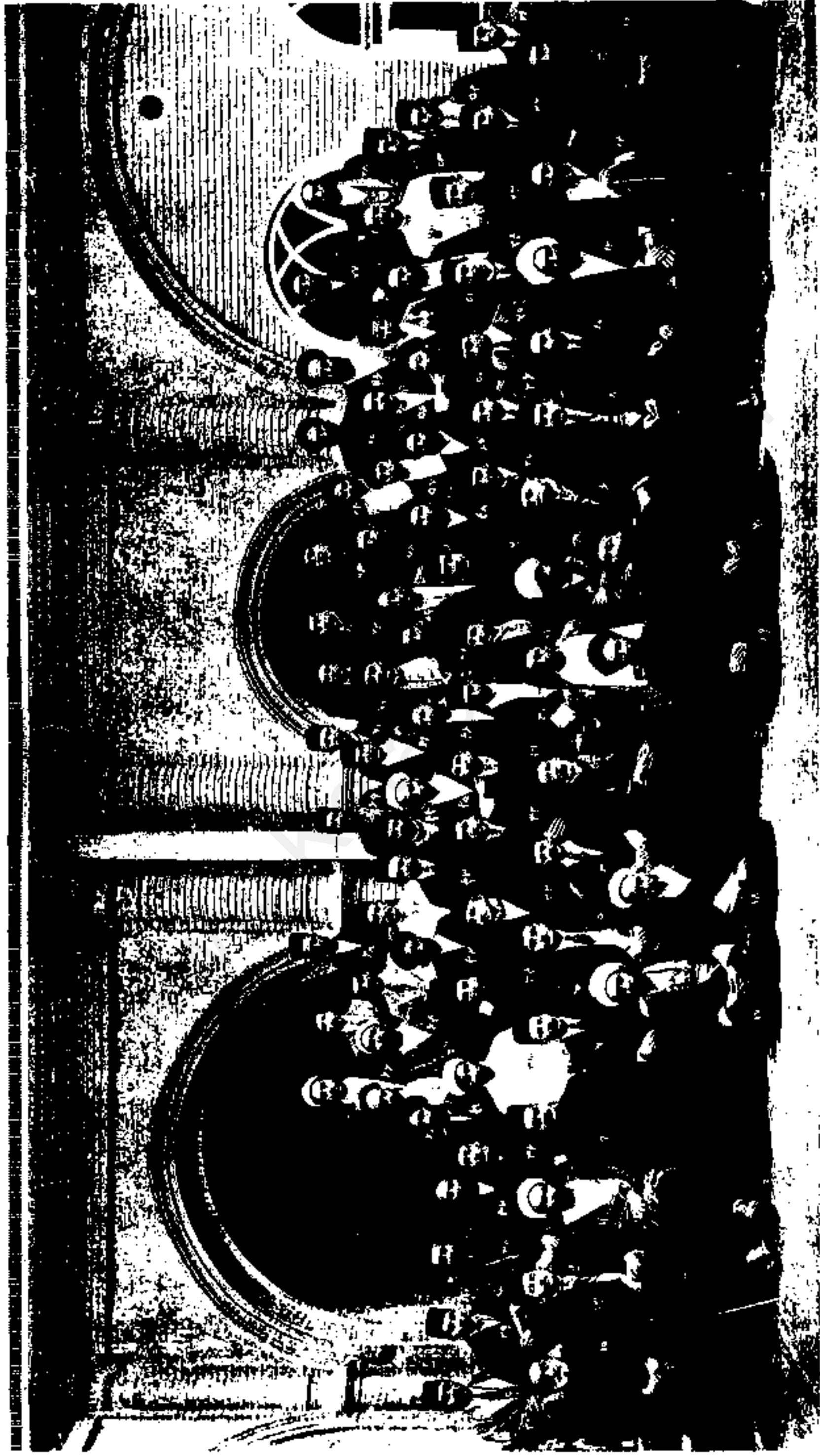
۲. محمدتقی بهار، همان، جلد دوم، صص ۶۲-۶۳.

به طول انجامید اما در حقیقت زمانی که نمایندگان مجلس برای بازگرداندن سردار سپه به بومهن روانه شدند و وی به عنوان رئیس دولت شروع به فعالیت کرد؛ آخرین ضربه بر پایه‌های سست سلسله قاجار فرود آمد و تنها لازم بود تا نمایندگان مجلس رسماً تغییر سلطنت را اعلام کنند.

وجود یک دیکتاتور نظامی در رأس هرم قدرت در کنار مجلس شورای ملی و قانون به مثابه مهم‌ترین رهاورد انقلاب مشروطه تناقض آشکاری بود که ادامه حیات و جمع آنها در کنار هم محال می‌نمود چرا که صرف نظر از جنبه‌های اجتماعی، رضا خان به سبب شخصیتی و دارا بودن خصیلت‌های ویژه فردی، خود انکار قانون و انتخابات آزاد بود. نامه مورخ ۱۳۰۲/۴/۳ رضا خان وزیر جنگ درباره انتخابات و لحن تهدیدآمیز او حاکی از این مسئله است: «ایالات جلیله فارس، شخصاً کشف فرماید. مقتضی است در عوض ضیاءالواعظین و ضیاءالادبا اقدام فرماید حاجی آقا و سلطان‌العلما رئیس معارف انتخاب شوند و الا خاتمه خوش ندارد.»<sup>۱</sup> بدیهی است وی که با شعارهای جمهوریخواهی و ملی‌گرایی به پیش آمده بود نمی‌توانست نفرت خود از قانون را مانند محمدعلی میرزا با انهدام مجلس ابراز کند. پس، از درون به ویرانی آن پرداخت به طوری که قانون نه تنها تجلی اراده نمایندگان مردم نبود که در خدمت قدرت فردی و سلطه متمرکز قرار داشت:

نمایندگان مجلس هفتم به بعد بدون استثنا اول باید رضایت دربار پهلوی را تحصیل کنند و شنیده می‌شود که هر یک مبلغ معینی هم در خفا باید به وزیر دربار [عبدالحسین تیمور تاش] بدهند و شرط معین را هم که رأی دادن به هر لایحه‌ای که از طرف دولت بیاید به مجلس بدون اعتراض تقبل کنند آنگاه نام آنها در داخل فهرست نمایندگان در آن دوره شده با تعیین آنکه از چه محل انتخاب شوند و آن فهرست به دست نظمی مرکز و ولایات داده شده، آنها هم تکلیفشان معین است و همه چیز در دست خودشان و کارکنان مخصوص است که دارند. نظمی‌ها در موقع انتخابات دارالتحریری تشکیل داده هزارها اوراق مطابق فهرست دولت نویسانده حاضر می‌گذارند و آنها را به توسط سردسته‌ها به افراد می‌دهند که در صندوق انتخابات بریزند. در این صورت نتیجه قطعی است که مطابق دستور دولت انتخاب شده است و گاهی اهل محل به هیچ وجه نمایندگان یا نماینده خود را نمی‌شناسند

۱. سند شماره ۴۹، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.



بلکه شاید اسمش را هم نمی‌دانند. این رویه دولتیان در مجلس چهارم ... به دست تدبیر و ثوق‌الدوله برای گذراندن قرارداد ایران و انگلیس شروع شد و در هر مجلس کم و بیش انجام می‌گرفت اما در مجلس هفتم به طوری کارش به فضاحت کشید که حتی اشخاصی که دارای استقلال رأی بودند و به مصلحت انتخاب شدند ناچار گشتند استعفا بدهند.<sup>۱</sup>

نقش عبدالحسین تیمور تاش وزیر دربار پهلوی در انتخابات مسئله‌ای است شایان توجه و در اسناد بر جای مانده به کرات با دخالت‌های آشکار او در انتخاب وکلا مواجه می‌شویم. وی در نامه مورخ ۱۳۰۸/۱/۲۴ به ایالت فارس می‌نویسد: «... راجع به انتخابات [انتخاب] میرزا محمود تا کنون نتیجه اقدامات خودتان را اعلام نفرمودید؛ قدغن فرمایید مراقبت نمایند که مشارالیه از لار انتخاب شود.»<sup>۲</sup> دخالت دربار پهلوی در انتخابات در تمام دوران حکومت رضا پهلوی مشاهده می‌شود. حسین شکوه در تلگراف رمز مورخ ۱۳۱۶/۱/۳ به ریاست وزراء چنین توصیه می‌کند: «راجع به انتخاب یک نفر نماینده سقز، نظر فرمانده لشکر کردستان این است که علی اشرف وزیری و افتخار ناهید که هر دو ملاک هستند صلاحیت انتخاب شدن را دارند. مقرر فرمودند یکی از این دو نفر [را] برای سقز در نظر گرفته دستور فرمایید در انتخاب او مساعدت شود.»<sup>۳</sup>

علاوه بر نقش دربار پهلوی در انتخابات، نفوذ نظامیان در تعیین وکلا بیش از پیش پرده از چهره مشروطه‌سوری برمی‌افکند و شالوده اصلی بنیانهای حکومت نوخاسته را جلوه‌گر می‌سازد. از این دست است نامه فرمانده لشکر شرق سرتیپ امان‌الله جهانبانی به سلطان اعتمادی: «مقرر است از سیستان سلمان خان پسر آقای اسدی انتخاب شود. لازم است در این موضوع اقدام و جدیت نمایید که پیشرفت نماید.»<sup>۴</sup> بدین ترتیب در این دوران قانون و مجلس نه در خدمت جامعه که به عنوان یکی از اساسی‌ترین ابزارهای قدرت برای توجیه و حفظ وضع موجود قلمداد می‌شود.

۱. یحیی دولت‌آبادی. همان، جلد چهارم، ص ۴۴۰.

۲. سند شماره ۵۲، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۳. سند شماره ۵۶، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۴. سند شماره ۴۵، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

## تجدد و تمدن

بسیاری از خاورشناسان و مورخان بر این عقیده‌اند که تاریخ معاصر ایران «مرحله انتقال جامعه‌ای است که در حال گذار از یک دوره قرون وسطایی و رسیدن به یک دوره مدرن است»<sup>۱</sup> حادثه‌ای که به عنوان مدرنیسم در ایران و بعضی از کشورهای دیگر مانند ترکیه اتفاق افتاد و داعیان آن به عنوان مصلحان عصر و بانیان تمدن نو به ظهور رسیدند تنها «تجدد» بود و تحقق اسیمیلاسیون به معنی شبیه غیر شدن و نه «تمدن». و به قول تقی زاده «از فرق سر تا ناخن پا اروپایی شدن» و سرانجام تجدد و تغییر شکل در پایه‌های اساسی و بنیادینی که شخصیت هر جامعه را می‌سازد؛ تجدد در فرهنگ، تاریخ و مذهب. بررسی سه مقوله یاد شده در کنار سیاستهای اقتصادی و اقتصاد سیاسی این دوران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

یکی از جلوه‌های تجدد در این دوران ساختن راهها و جاده‌های جدید و احداث راه آهن است. آنچه بدیهی به نظر می‌رسد اجتناب‌ناپذیر بودن این اصلاحات است اما آنچه در خور تأمل است جهتگیری اصلاحات و توجه به جنبه‌های سیاسی و استراتژیکی آن می‌باشد، که یکی از آنها احداث راه آهن است. از سالهای ۱۸۷۰ به بعد دولت انگلیس در فکر گسترش خط راه آهن در ایران بوده است و طبق محاسبات، حداقل هزینه آن بالغ بر شش میلیون لیره می‌شد و حداکثر به ده میلیون لیره می‌رسیده است.<sup>۲</sup>

نیازی به توضیح نیست که به چه سبب فکر تأسیس راه آهن از مدتها قبل دلمشغولی دولت انگلیس را فراهم کرده بود. واقعیت این است که کمپانی نفت بیشترین بهره را از راه آهنی برد که به پول و سعی ایرانی به وجود آمده بود. گذشته از این، اهمیت راه آهن جنوب به شمال شاید از جنبه نظامی به مراتب مهمتر از جنبه‌های تجاری بوده باشد. رضا پهلوی خطاب به مأمور تبعید وی از ایران، سر کلار مونت اسکراین، می‌گوید: «... شما می‌گویید که به ایران به عنوان یک کانال ارتباطی جهت حمل تجهیزات جنگی مثل تانک و توپ به شوروی احتیاج داشتید. بسیار خوب ولی اگر به جای انجام عملیات اسفبار در مملکت، قبلاً مرا از موضوع مطلع می‌کردید من می‌توانستم تمام راه آهن

۱. آ.ک.س. امیتون. ایران عصر قاجار. ترجمه سیمین فصیحی. انتشارات جاودان خرد، ۱۳۷۵، ص ۹.

۲. جرج. ن. کرزن. ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب

سراسری ایران را در اختیارتان بگذارم.»<sup>۱</sup>

دکتر مصدق که یکی از مخالفان احداث راه آهن جنوب به شمال بوده است به جنبه‌های اقتصادی و نظامی آن اشاره می‌کند «... برای ایجاد راه دو خط بیشتر نیست: آنکه ترانزیت بین‌المللی دارد ما را به بهشت می‌برد و راهی که به منظور سوق‌الجیشی ساخته می‌شود ما را به جهنم و علت بدبختیهای ما هم در جنگ بین‌الملل دوم همین راهی بود که اعلیحضرت شاه فقید ساخته بودند.»<sup>۲</sup> احداث راه آهن با صرف هزینه‌ای بالغ بر دویست و هشتاد و هشت میلیون تومان و استفاده از نیروی انسانی پانزده هزار کارمند و بیست هزار کارگر<sup>۳</sup> در طول دوازده سال و سرانجام فشار سنگین بار مالیات بر دوش مالیات‌دهندگان با وجود آنکه متضمن خرید مقدار زیادی آهن از دولت انگلیس شد بر اساس آمار و ارقامی که دکتر مصدق ارائه می‌دهد کمترین عایدی نداشته است:

... گفتم هر کس به این لایحه [احداث راه آهن] رأی بدهد خیانتی است که به وطن خود نموده است، که این در وکلای فرمایشی تأثیر ننمود، شاه فقید را هم عصبانی کرد و مجلس لایحه دولت را تصویب نمود. و در بادی امر نظریاتم این بود راه آهنی که ترانزیت بین‌المللی ندارد نه فقط در ایران بلکه در بسیاری از ممالک که عدّه ساکنین آن کم است و اجتماع فشرده ندارند مفید نیست ... مدرک من در آن وقت گزارشی بود که اداره کل طرق و شوارع نسبت به درآمد سه ساله راه آهن آذربایجان به مقامات مافوق خود داده بود که در ظرف سه سال از این راه بعد از وضع مخارج در حدود سی و سه هزار تومان عاید دولت شده بود بدین قرار.

سال	۱۳۰۰	۲۰۶۸۳	تومان
سال	۱۳۰۱	۴۵۸۳	تومان
سال	۱۳۰۲	۷۸۰۶	تومان
جمع عواید سه سال		۳۳۰۷۲	تومان

از تحقیقاتی هم که بنده راجع به این خط نمودم به این نتیجه رسیدم که طول آن سی فرسنگ و در هر فرسنگ در حدود سیصد هزار تومان به نرخ روز خرج شده است. و جمع کل مخارج به نه میلیون تومان بالغ شده بود که از قرار سود صدی ده می‌باست در ظرف سه سال دویست و هفتاد هزار تومان داده باشد که چهار درصد

۱. سر ریدر بولارد و سر کلارمونت اسکراین. شترها باید بروند. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران، نشر نو.

۲. خاطرات و تألمات مصدق. تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۵. ص ۳۵۱.

۳. همان.



برای سود سرمایه و شش درصد دیگر به مصرف مخارج اداری و استهلاک رسیده باشد. در صورتی که مجموع عواید سه سال سی و سه هزار تومان بود، به شرحی که گذشت.<sup>۱</sup>

از مسائل دیگری که در جهت تجدیدطلبی جلوه گر شد موضوع باستانگرایی بود، البته باستانگرایی که به صورت هماهنگ در بسیاری از کشورهای دیگر نیز همزمان مطرح شده بود اگرچه در نگاه اول چندان مناسبتی با تجدیدطلبی و مدرنیسم نداشت اما به شیوه‌ای فراگیر در این مقطع از تاریخ مطرح می‌شود. باستانگرایی که به شکلی گزینشی با گذشته برخورد می‌کرد هدف آن علاوه بر ایجاد جریانی در برابر مذهب، آماده کردن زمینه‌های لازم برای تشکیل یک حکومت متمرکز و مقتدر بود. و بدیهی است اندیشه رضا پهلوی تا این حد نمی‌رسید؛ کسانی چون محمدعلی فروغی و اردشیر جی به عنوان داعیان باستانگرایی در ایران همواره محرک و راهنمای وی بوده‌اند:

«... چنان تصویری از تاریخ باستانی ایران ساخته می‌شد که به دیکتاتوری رضا شاهی مشروعیت تاریخی بدهد. برای این کار، نظام سیاسی ایران در دوره هخامنشی یک نظام کاملاً متمرکز و مقتدرانه ترسیم می‌شد که همه چیز آن از مرکز تعیین می‌شد. این ساختاری کاملاً متعارض با واقعیت‌های تاریخ ماست و اصولاً ارتباطات آن زمان در دولت پهناوری مانند هخامنشی، اجازه چنین تمرکزی را نمی‌داد. تمرکزی این چنین، مختص کشورهای اروپایی است که محدوده‌های جغرافیایی بسیار کوچکی داشتند»<sup>۲</sup>

اگر بخواهیم منحنی گرایش‌های مذهبی رضاخان را نمایش دهیم این منحنی - بجز مواقعی که مصلحت ایجاب می‌کرده است و حمایت توده‌های مردم را می‌طلبیده - همیشه سیر نزولی داشته به طوری که در آغاز با تظاهر او به اعتقاد به شریعت و دیانت رو به رو هستیم و در مراحل بعدی در جریان کشف حجاب و کشتار مردم مشهد در واقعه مسجد گوهرشاد با چهره‌ای متفاوت نسبت به گذشته رو به رو می‌شویم:

۱. همان، ص ۳۵۰.

۲. ر.ک: روزنامه ایران، چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۷۶. مصاحبه با عبدالله شهبازی.

سردار سپه برای آنکه به مردم وانمود کند که او شخص مذهبی است و معتقداتش به حدی است که حتی مورد توجه ارواح و ائمه اطهار و اماکن متبرکه مذهب تشیع می‌باشد نقشه‌ای طرح کرد که شمشیری از طرف حضرت عباس (ع) که مورد احترام عموم ایرانیان است برای او فرستاده شود، و روی این هدیه دروغی و مصنوعی تظاهراتی بنماید تا بدین وسیله وانمود کند که نجات‌دهنده این کشور خواهد بود و از طرف خدا و ارواح پاک ائمه اطهار تأیید شده است که ایران را از بدبختی نجات دهد. اگرچه این نقشه مانند سایر نقشه‌ها به دستور اساتید فن سیاست بود مع‌هذا سردار سپه هم نهایت مهارت را به خرج داده توانست موفق شود که دل خود را خوب بازی کند به این ترتیب ناصرالتولیه و معاون‌التولیه شمشیر کذایی را برای سردار سپه از عتبات عالیات آوردند! این شمشیر با تشریفات مخصوصی به تهران رسید و روز چهارشنبه نهم ذی‌قعدة الحرام ۱۳۴۰ قمری - ۱۴ تیر ۱۳۰۱ - با خلعتی که به نام مرحمتی آستان حضرت ابوالفضل (ع) در منزل سردار سپه زیب پیکرش گردیده بود، احترامات نظامی کامل به عمل آمد و در عصر پنجشنبه و جمعه هم از یک ساعت به غروب تا نیم ساعت از شب گذشته جمعی از مردم و معممین بنام حجج اسلام و اعیان و تجار برای تبریک این موهبت ساختگی در منزل سردار سپه پذیرایی شدند.<sup>۱</sup>

این در حالی بود که وی با حضور در محافل بهاییها خود را بهایی معرفی می‌کرد<sup>۲</sup> و ارادت او به اسدالله صنیعی حکایت از روابط حسنه او با بهاییها دارد. وی اسدالله صنیعی را به عنوان آجودان مخصوص ولیعهد انتخاب کرد. صنیعی در تمام دوران ولیعهدی محمدرضا آجودان مخصوص او بود و شاید نزدیکترین افراد به محمدرضا محسوب می‌شد. «مسلماً رضا خان به بهایی بودن صنیعی توجه داشت و این مسئله در دربار پهلوی، به ویژه بعداً که نقش تیمسار ایادی را خواهیم دید، قابل توجه است.»<sup>۳</sup>

شاید از خواندنی‌ترین مطالب به سبب مقایسه آن با عملکرد رضا پهلوی که حکایت از سیاست دوگانه وی دارد خطابه او در مراسم تاجگذاری باشد وی مزورانه می‌گوید: «... اولاً توجه مخصوص من معطوف حفظ اصول دیانت و تشیید مبانی آن بوده و بعدها نیز خواهد بود زیرا که یکی از وسایل مؤثر وحدت ملی و تقویت روح جامعه ایرانی را

۲. همان.

۱. حسین مکی، همان، ج ۲، ص ۹۸.

۳. حسین فردرست، همان، ج ۱، ص ۵۶.



مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) رئیس جمهوری ترکیه به هنگام استقبال از رضاشاه [۱۲۰۱۸]



رضاشاه و آتاتورك در جمع رجال ايران و تركيه [۲۰۲۳-۱]

تقویت کامل از اساس دیانت می‌دانم.<sup>۱</sup> به طور کلی موضع‌گیری رضا پهلوی در برابر مذهب شامل دو مرحله می‌باشد: مرحله اول در زمان وزیر جنگی و ریاست وزرایی بوده که مرحله تظاهر او به دینداری است. مرحله دوم از انقراض قاجاریه تا پایان سلطنت است که با واقعه قم اتفاق می‌افتد و به ضرب و جرح شیخ محمدتقی بافقی و توقیف و زندانی کردن او می‌انجامد و همچنین سوء قصد به مدرس در آبانماه ۱۳۰۶ و در نهایت تیرگی روابط او با روحانیان و علما در هنگام افتتاح دوره هفتم مجلس شورای ملی و نقطه اوج رویارویی با مذهب در جریان کشف حجاب و ماجرای کشتار مشهد.<sup>۲</sup> ملکه توران درباره جریان کشف حجاب و فراهم آوردن زمینه برای اجرای آن می‌نویسد:

اعلیحضرت به واسطه آنکه به ترکیه رفته و پیشرفت آنها را دیده و هماهنگی زنهای آنجا را با مردهاشان به واسطه رفع حجاب دیده بود، بدین کار تمایل داشت و همچنین علیاحضرت هم که چهار ماه در سوئیس بود تا اندازه‌ای به برداشتن چادر و آزادی معتاد و میل داشت هر چه زودتر این موضوع عملی شود. شهدختها نیز که از همان موقع که از سوئیس برگشتند دیگر چادر به سر نکردند. ولی مصلحت آن دانستند که چون علیاحضرت به اروپا رفته و ممکن است این موضوع قدری سر و صدای علما را در بیاورد و حال هم فوراً نمی‌شود کشف حجاب نمود، این بود که تصمیم گرفتند ابتدا در ماه آبان به زیارت مشهد مقدس بروند، بعد خیالهای دیگر را عمل نمایند.<sup>۳</sup>

در روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ طی مراسمی با تشریفات کامل در دانشسرای دختران تهران اعلام عمومی رفع حجاب به اجرا در آمد و ظاهر شدن بانوان با روسری و چادر نماز ممنوع گردید. بدین ترتیب عده‌ای مجبور شدند ماهها از خانه خارج نشوند و جمعی دختران خود را از مدرسه خارج کردند و تغییر لباس اجباری در شهرها و مناطق مختلف با مخالفت جدی رو به رو شد. و این تصمیم ناگهانی و مخالفت با پوشش ملی، مذهبی و

۱. حسین مکی. تاریخ بیست ساله ایران. تهران. نشر ناشر، ۱۳۶۱. ج ۴، ص ۳۸.

۲. همان، صص ۳۶-۳۸.

۳. خاطرات دستنویس ملکه توران موجود در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.



رضاشاه هنگام بازدید از یک مدرسه دخترانه بعد از کشف حجاب [۱۹۱۰-۱]

حتی محلی گاه در عین تأسف آور بودن، جنبه مضحکی به خود می‌گرفت که حکایت از عملی نبودن و فراگیر نشدن آن اقدام عجولانه و نابخردانه دارد. برای نمونه به گزارش مورخ ۱۳۱۴/۱۱/۲۰ از تغییر لباس در کردستان می‌پردازیم:

در بدو جریان نهضت بانوان کردستان و حاضر نبودن کلاه و لباس زنانه به حد کفایت برای عده‌ای از بانوان طبقه سوم آنجا، حکومت کردستان تلگرافاً اجازه خواسته بود که بانوان آنجا با لباس محل - کردی - ترک چادر نمایند تا بعد به تدریج تهیه کلاه و لباس نموده و همصورت سایر بانوان شوند. ترک چادر کردند، باید حتماً کلاه اروپایی استعمال نمایند و اگر اجازه داده شود که آنها همان لباس و کلاه کردی محلی خود را نگهدارند ...<sup>۱</sup>

مراسله والی ایالت خراسان به حکومت ولایات ثلاث در سال ۱۳۱۵ نیز حاکی از ناکامی دستور رفع حجاب در این منطقه است:

با دستورات اکیدی که راجع به پیشرفت نهضت نسوان و اتحاد شکل صادر شده، مع هذا طبق اطلاع صحیحی که رسیده در اجرای امر از طرف آن حکومت اقدامی به عمل نیامده مثلاً آخوندهای حکم‌آباد همه در لباس آخوندی و زنها در چادر و سایر اشخاص با لباس قدیمی هستند. به طوری که اگر شخصی به محل مزبور وارد شود، گمان می‌کند اهالی آنجا ایرانی نیستند. از این سهل‌انگاری و غفلتی که در اجرای مقررات و دستورات صادره به عمل آورده‌اید کاملاً توبیخ می‌شوید ... چنانچه اقدامات فوری به عمل نیاید، شدیداً مؤاخذه خواهید شد.<sup>۲</sup>

با توجه به پیشرفت کند و اجباری رفع حجاب روز به روز عرصه بر مردم تنگتر می‌شد و شیوه‌های دیگری برای اجرای هرچه سریعتر تغییر لباس صورت می‌پذیرفت از جمله جلوگیری از ورود زنها با چادر و چارقد به حمامها بود. در این خصوص به گزارش حکومت کاشمر به ایالت خراسان می‌پردازیم:

لازم است خاطر مبارک را از اقداماتی که ... به عمل آمده است مستحضر نماید:  
 ۱. به وسیله شهرداری از حمامهای زنانه التزام گرفته شد، که هیچ زنی را بدون کلاه به حمام راه ندهند و در صورتی که زنی با چارقد برود به او اخطار کنند که بار دیگر

۱. سند شماره ۶۸، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۲. سند شماره ۷۴، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

چارقد را ترک و با کلاه برود و اگر بار دیگر با چارقد به حمام رفت اسم او و شوهرش را راپرت دهند. ۲. از لحاظ اینکه مبدا حمامیها در اجرای التزام خود مراقبت نکنند مأمورینی به طور محرمانه گماشته شد که وضعیت خانمها و مراقبت حمامی را اطلاع دادند. در اوایل ماه جاری اطلاع رسید که در حمامها در خور انتظار ابراز جدیت نمی‌شود و ناچار مجدداً احضار و مستلزم شدند. ۳. اداره شهربانی به بازار و خیابان پاسبان گماشته و به خانمهایی که چارقد دارند اخطار می‌کند که چارقد خود را ترک نمایند و تا موقعی که امر را اجرا و همین قدر که دور شدند مجدداً به استعمال چارقد مبادرت می‌ورزند. ۴. در گزارشهایی که در شهر است، التزام گرفته شد که زنهای با چارقد سوار نکنند.<sup>۱</sup>

اما با وجود آن همه فشار تا تبعید رضا شاه نیز هنوز موضوع تغییر لباس و رفع حجاب به مثابه معضلی لاینحل باقی بود و وزارت کشور در تاریخ ۱۳۲۰/۱۱/۱۶ بخشنامه‌ای مبنی بر جلوگیری از پوشش سنتی و مذهبی و ملی صادر می‌کند که حاکی از موفق نبودن این طرح بعد از چندین سال است:

با وجود این که متجاوز از شش سال است که رفع حجاب در تمام کشور عملی شده است، معذالک طبق گزارشهای رسیده از شهرستانها غالباً در کوچه و بازار زنهای با چادر نماز و گاهی هم با چادر سیاه دیده میشوند. چون این ترتیب بر خلاف سیاست دولت است قدغن نمایند شهربانی به نحو مقتضی جلوگیری نموده متخلفین را به دادگاه خلاف جلب نماید. نتیجه اقدامات را نیز اطلاع دهید.<sup>۲</sup>

### جواهرات سلطنتی

سابقه جواهرات سلطنتی به قرنهای قبل باز می‌گردد اما اطلاعات مستند و روشنی از گذشته‌های دور در دست نیست و تنها از دوران سلطنت صفویه به بعد اطلاعاتی بر جای مانده است. سیاحانی مانند آنتونی جنگینسن، ژان باتیست تاورنیه، شوالیه شاردن، برادران شرلی و جرج مین وارنینگ در سفرنامه‌های خود مطالب سودمندی درباره گنجینه‌های شاهان صفوی نگاشته‌اند و ویژگیهای بعضی از سنگهای قیمتی را شرح داده‌اند، سلاطین صفوی نه تنها بر حفظ جواهرات همت گماردند که به خرید و

۱. سند شماره ۷۲، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۲. سند شماره ۸۷، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.



جمع‌آوری مجموعه سنگها و جواهرات ارزشمند نیز اهتمام ورزیدند و گوهرهایی از هندوستان، عثمانی، ایتالیا و فرانسه خریده به اصفهان آوردند. با هجوم افغانها و اشغال اصفهان گنجها و دفاین به یغما رفت و خزاین و بیوتات پادشاهی نابود شد، و سربازان عنان گسیخته افغان بر این چراغ افسون ساز و حیرت انگیز دست یازیدند. و سرانجام، بخشی از آن گوهرهای تابناک و چراغهای جادو از سرزمین هندوستان و دربار تجمل پرست تیموری سر درآورد.

اگرچه رد پای از بخش عمده جواهرات بر جای نماند اما گنجینه‌ای که به دست محمود افغان افتاده بود و از او نیز به اشرف افغان منتقل شده بود به هنگام ورود شاه طهماسب دوم و نادر به اصفهان به تصرف نادر در آمد. نادر به تعقیب اشغالگران پرداخت و آنچه از نفایس همراه ایشان بود بازستاند و حتی مشهور است نگین الماس درشتی که در جامه پیشوای آنان پنهان بود در بلوچستان به دست نادر افتاد. نادر شاه که می‌خواست برای باز پس گرفتن جواهرات تاراج شده به هند برود در آغاز نامه‌هایی به دربار هند نوشت و چون جواب مساعد نشید بنای تهاجم به هندوستان را نهاد و دهلی را تصرف کرد و ضمن مصالحه‌ای سلطنت هندوستان را به محمد شاه واگذار کرد. طبق قرارداد متارکه جنگ، محمد شاه مبالغی نقدینه، اسلحه، ابزار جنگی و جواهر تسلیم نادر شاه کرد. با قتل نادر یکی از سرداران او به نام احمد خان ابدالی به همراهی جمعی از سربازان دست به غارت جواهرات زدند و باز بسیاری از سنگهای قیمتی به خارج از مرزها راه یافت. از جمله قطعاتی که هرگز به ایران بازنگشت و یکی از شگفت‌انگیزترین الماسهای جهان به شمار می‌رود و اکنون جزو جواهرات سلطنتی انگلستان محسوب می‌شود الماس معروف به «کوه نور» است.

فتحعلی شاه قاجار که گویا علاقه وافری به تجملات و جواهرات داشته دستور ساختن تخت طاوس و تاج کیانی را می‌دهد. ناصرالدینشاه نیز بی‌بهره از ذوق جواهردوستی و جمع‌آوری آن نبوده و مقداری از جواهرات موجود در خزانه جواهرات، از جمله ۴۸ تکه الماس درشت زرد، از جواهراتی است که وی خریداری کرده است. کره مرصع نیز نشانه‌ای از علاقه‌مندی ناصرالدینشاه به نگهداری جواهرات است. در زمان مظفرالدینشاه و محمدعلی شاه نیز جواهرات مصون نبود و به اهتمام مسئولان وقت دستور ثبت و ضبط آنها صادر شد. در سال ۱۳۱۶ ه. ش بخش عمده جواهرات سلطنتی به بانک ملی انتقال یافت و به عنوان وثیقه اسناد بدهی دولت به بانک

محسوب گردید و از سال ۱۳۲۲ این گنجینه در یکی از خزانه‌های بانک ملی ایران در معرض تماشای عموم قرار گرفت.

یکی از موضوعهایی که بعد از شهریور ۲۰ مطرح شد و مورد بحث و بررسی مجلس شورای ملی قرار گرفت و درباره آن جنجال و هیاهو برپا شد مسئله جواهرات سلطنتی و سرقت بعضی از آنها بود. رضا پهلوی اظهار می‌داشت که تنها در زمان او بود، که حتی «یک سنجاق» از جواهرات سلطنتی کم نشده بود.<sup>۱</sup> اما اظهارات ماژور هال، از اعضای میسیون دکتر میلسپو، و گزارش حسین مکی حکایت از احتمال به سرقت رفتن بخشی از جواهرات سلطنتی در این دوران دارد:

ماژور هال ... درباره تاجگذاری و جواهرات سلطنتی مطالبی نوشته که بسیار جالب توجه و قابل ملاحظه و تأمل است زیرا ماژور هال از بعضی اشیا و سنگهای قیمتی و مرواریدهای درشتی نام می‌برد - مانند ۱۲ قطعه زمرد نتراشیده و یا یک چمدان پر از زمرد، و یک جعبه پر از یاقوت - که نویسنده [حسین مکی] که مدتی با رأی مخفی نمایندگان دوره هفدهم به سمت یکی از سه نفر هیئت نظارت براندوخته جواهرات سلطنتی و انتشار اسکناس و پشتوانه آن انتخاب شده بود آنها را ندیده است و یا متوجه نشده است. اگر دستبردی به خزانه زده باشند قطعاً در موقع جابجایی جواهرات و اشياء سلطنتی از زیرزمینهای کاخ گلستان به خزانه بانک ملی یا به اتاق موزه صورت گرفته است.<sup>۲</sup>

جواهرات سلطنتی در چهل صندوق بزرگ قرار داشت و افزون بر آن سی و سه صندوق دیگر که جواهرات آنها به لحاظ تاریخی ارزشگذاری شده بود، به رسم امانت به بانک ملی سپرده شده بود.<sup>۳</sup> اظهارات ویلیام بولارد در گزارش محرمانه مورخ ۱۳۲۰/۶/۱۸ به وزارت خارجه انگلیس حکایت از عدم مصونیت و احتمالاً به تاراج رفتن بخشی از جواهرات سلطنتی در کوران حوادث شهریور ۲۰ می‌دارد:

شواهد خوبی برای این اعتقاد وجود دارد که رئیس شهربانی [سر پاس مختاری] که بانوان خانواده سلطنتی را به اصفهان برد و سپس به کرمان رفت جواهرات سلطنتی

۱. غلامحسین میرزا صالح، همان، ص ۴۰۷.

۲. حسین مکی، همان، جلد چهارم، ص ۴۵.

۳. ابوالحسن ابنه‌اج. خاطرات ابوالحسن ابنه‌اج. تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۱. ج ۱، ص ۱۶۲.

را، که به عنوان بخشی از پشتوانه اسکناس در اختیار بانک ملی بود، به کرمان برده باشد. این کار می‌توانست برای جلوگیری از ضبط آن توسط روسیه احتیاط معقولی باشد ولی به نظر می‌رسد دولت در این باره اطلاعی نداشته است و همانطور که گزارشهای معتبر تأیید می‌کند احتمال دارد اگر شاه مجبور به ترک کشور شود جواهرات را ترجیحاً با خود به افغانستان ببرد.<sup>۱</sup>

### املاک و دارایی

یکی از جنبه‌های اساسی اقتصاد ایران در سده گذشته، تحول جریان زمینداری است. اگر چه بهره‌برداری از جامعه روستایی و دخالت و نقش زمینداران بزرگ در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به عنوان ادامه جریان زمینداری در ایران عصر قاجار، کماکان ادامه می‌یابد. اما بعد از آن به تدریج با تغییر و تبدیل سیاستهای اقتصادی در دهه چهل، جمعیت‌های روستایی به شهرها گسیل شدند و طبقه زمینداران بزرگ رو به زوال گرایید و طبقه جدیدی از بورژواها به مفهوم بومی آن در ایران نضج گرفت و رابطه ارباب و رعیتی با شکل خاصش به سبب ضرورت‌های تاریخی، سیاسی و اقتصادی تغییر شکل داد و در شهرها چهره بفرنج‌تری به خود گرفت.

رضا پهلوی به درستی دریافته بود که قدرت تنها در نیروی نظامی متجلی نمی‌شود و در نظام اجتماعی که اقتصاد آن بر مبنای رابطه ارباب و رعیتی استوار باشد تصرف املاک و تصاحب خاک، خود تبلور دیگری از قدرت است. رضا پهلوی به گواهی اسناد و مدارک و آمار و ارقام، چنانکه خواهیم دید، یکی از بزرگترین زمینداران دوران خود به شمار می‌رفت. وی که در آغاز به قدرت رسیدن مدعی بود تمام «خود» را برای «مملکت» می‌خواهد.<sup>۲</sup> بعد از قبضه کردن قدرت، تمام «مملکت» را برای «خود» می‌خواست به طوری که چهل و چهار هزار سند مالکیت داشته است.<sup>۳</sup> شایان توجه است که بعضی از این اسناد مانند سند مالکیت قریه روستاق که یک سند محسوب می‌شد، خود شامل چهل قریه بوده است.

ظاهراً رضا پهلوی پیش از آنکه به سلطنت برسد به طرز گسترده‌ای به جمع‌آوری

۱. نامه‌های خصوصی و گزارشهای محرمانه سر ریدر بولارد. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. [تهران]،

طرح نو، ۱۳۷۱. ص ۱۸۴. ۲. سند شماره ۸، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۳. حسین مکی. تاریخ بیست ساله ایران. تهران، نشر ناشر، ۱۳۶۲. ج ۶، ص ۱۳۵.

املاک مبادرت ورزیده بود و تا آخر دوران سلطنتش همواره مترصد فرصتی بود تا املاک خود را گسترش بخشد:

سردار سپه از قلع و قمع کردن هر کس که در مازندران مانع رسیدن او به آرزوی خویش تصور کند به هر وسیله باشد دریغ نمی‌کند. پسرها را که خطر مزاحمتشان بیشتر است از پیش برمی‌دارد و پدرها را از داغ آنها به دق می‌کشد و یا به خودکشی وا می‌دارد. سردار سپه به گرفتن املاک کوچک از دست خوانین به آسانی کامیاب می‌گردد ولی نقطه نظر مهم او متصرفات محمد ولیخان سپهسالار اعظم است. سردار سپه با تمام قوت فکری و عملی نقشه گرفتن املاک سپهسالار را تعقیب می‌کند و جان سپهسالار و پسرش بر سر این کار می‌رود، و بالاخره سردار سپه مالک نور و کجور و تنکابن می‌شود و قسمتهای دیگر مهم آن ایالت را نیز به تصرف خود در می‌آورد و بومهن را که نزدیکترین نقاط دارایی مازندران اوست به تهران، مرکز عملیات قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

رضا پهلوی برای تصرف املاک تا بدانجا پیش رفت که حتی از املاک خالصه و موقوفه هم نگذشت. بدین ترتیب در مناطق بسیاری، خاصه در مازندران، املاک بیشماری رایه نام خود ثبت کرد و به موجب قانون خاصی به دولت اجازه داده شد که املاک خالصه را به فروش برساند. رضا خان حتی بر مبنای نصف اجاره یک ساله ملک مورد نظر، آن را خریداری می‌کرد که پس از سقوط وی مجلس دوره چهاردهم نسبت به آن اعلام جرم کرد.<sup>۲</sup> وی برای وصل کردن املاک خود به املاک موقوفه نیز نیاز داشت: «رضا پهلوی دستور داد لایحه‌ای به مجلس دوره دوازدهم برده شود که املاک وقف را هم به فروش برسانند. بنابراین لایحه آن را دولت به مجلس تقدیم داشت. هنگام طرح این قانون همه می‌گفتند که تصویب این قانون برای رضا شاه نامیمون و مشنوم خواهد بود.»<sup>۳</sup>

پس از برکناری رضا پهلوی وی طی مصالحه‌نامه رسمی تمام اموال منقول و غیر منقول را به محمدرضا پهلوی واگذار نمود، او هم طبق فرمانی اموال غیر منقول را به

۱. یحیی دولت‌آبادی، همان، جلد ۴، صص ۲۶۱-۲۶۲.

۲. مردان کیان به نقل از حسین مکی. تاریخ بیست ساله ایران. تهران، انتشارات علمی، انتشارات ایران،

۱۳۶۶. ج ۸، ص ۵۲. ۳. همان، صص ۵۲-۵۳.

دولت واگذار کرد.<sup>۱</sup> بنابر مصالحه‌نامه رضا پهلوی اموال منقول و نقدینه را ظاهراً به مصارف امور خیریه اختصاص داد اما این ترفند نتوانست فریاد اعتراض بسیاری از افراد را که در زمان وی املاک آنها غصب شده بود فرو بنشانند و سرانجام بر طبق قانونی که در مجلس شورای ملی به تصویب رسید قرار شد اشخاص معترض و افرادی که املاک آنها به عنف تصرف شده بود به دادگاه اختصاصی املاک واگذاری مراجعه کنند تا در صورت صحت ادعا املاک به آنان بازگردانده شود. با وجود این، بدیهی به نظر می‌رسد که عده‌ای از صاحبان املاک در زندانها تلف شده باشند و عده‌ای نیز قادر به اعاده حق خود نباشند:

فقط بعضی صاحبان زر و زور توانستند املاک خود را متصرف شوند. بقیه املاک و اموال غیر منقول جزو خالصجات عمل می‌شد و عواید آن به حساب خزانه دولت ریخته می‌شد تا آنکه محمدرضا شاه رفته رفته قدرتی پیدا کرد و جرأید در نوشتن پاره‌ای مسائل مربوط به دربار محدودیت‌هایی یافتند. لذا محمدرضا شاه به خیال افتاد آنچه را به نام بخشش و عطیه به ملت واگذار کرده پس گرفته و تصاحب نماید و برای صورت ظاهر و قانونی جلوه دادن این مسئله، دولت لایحه‌ای در موقع خاص و شرایط ویژه‌ای که اهم آن اکثریت مجلس بود که تحت اراده و اوامر دربار و ستاد ارتش بودند و بایستی دوره دیگر هم انتخاب شوند به مجلس تقدیم نموده که کلیه اموال غیر منقول واگذاری به محمدرضا شاه برگردانده شود.<sup>۲</sup>

چنانکه اشاره شد از تمهیداتی که رضاخان برای تصاحب املاک اندیشیده بود تصرف املاک خالصه بود. و این مسئله شکل قانونی نیز گرفته بود. قانون به این صورت بود که در ظاهر املاک خالصه به رضا پهلوی فروخته می‌شد. چگونگی این مسئله احتیاج به توضیحات بیشتری دارد که حسین مکی جزئیات آنرا به رشته تحریر در آورده:

یکی از این خالصجات قریه خیرآباد در ورامین بود که پس از شهریور ۱۳۲۰، یعنی در دوره چهاردهم مجلس، دکتر مصدق نسبت به معاملاتی که در مورد این خالصه انجام شده به بدر وزیر دارایی اعلام جرم نموده و ضمن توضیح مفصل و مستند چنین می‌گوید: ... آقای مجیدزاده در گزارش چنین می‌نویسد: قریه خیرآباد در سال ۱۳۱۷ ضمن سایر خالصجات در اجرای قانون فروش املاک خالصه به طور آزاد و به

۲. حسین مکی. جلد ششم. ص ۱۲۹.

۱. همان، ص ۹۱.

وسیله اشخاص بصیر و مورد اطمینان به مبلغ ۸۸۹۵۱ تومان ارزیابی شده بود که در همان سال به طور غیر آزاد به قیمت فروش به اعلیحضرت سابق در مبلغ ۱۹۹۹۹ تومان و هفت ریال تقدیم گردید و برگهای هر دو ارزیابی در پرونده وصل به هم بایگانی شد - پرونده برگ ۱۹۰ - در صورتی که اخیراً خیرآباد را ارزیابی نمود، و پس از وضع صدی ده که از بابت هزینه برداشت حساب شده آنجا را به مبلغ ۵۰۰ هزار تومان قیمت کرده‌اند - پرونده برگ ۳ -<sup>۱</sup>

یکی از مواردی که سبب شناختن چهره واقعی رضا خان شد غصب املاک و داراییهای اقبال السلطنه ماکویی بود که به دست طهماسبی صورت پذیرفت. مخبرالسلطنه هدایت می‌نویسد:

در تبریز از مکنت اقبال السلطنه تقدماً و جنساً حکایتها شنیده بودم. در مسافرتها ناصرالدینشاه در خاک روسیه از شاه استقبال می‌کرده است. این فتح، صندوقخانه وزارت جنگ را آباد کرد. مدرس خواست راجع به اموال اقبال السلطنه استیضاح کند جنجال داخل و خارج مجلس مجال نداد و کسی نپرسید خزانه ماکو، کو.<sup>۲</sup>

اموال و داراییهای اقبال السلطنه و سردار معزز بجنوردی، سردار عشایر، خزعل و غیره و اشیای گرانبهای دیگر که بالغ بر هشتاد و چند صندوق بود رضا شاه به هنگام تبعید به بندرعباس حمل نمود و به کشتی تجاری که قرار بود با خانواده‌اش به تبعید برود منتقل کرد. پس از چند ساعت ظاهراً برای صرف چای به کشتی جنگی دعوت شد و در این اثنا کشتی تجاری با آن همه اموال به طرف انگلستان حرکت کرد و اموال به تصرف دولت بریتانیا در آمد.<sup>۳</sup>

در جریان شکایتهای بسیاری از افراد و خانواده‌ها مبنی بر احقاق حق و بازپس گرفتن املاکی که رضا خان به عنف تصاحب کرده بود به ارائه نمونه‌ای چند از اسناد می‌پردازیم:

در موضوع دعوی آقای محمود کشتکار بر طرفیت وزارت دارایی به خواسته دو هزار

۱. همان، صص ۳۸-۳۹.

۲. مهدیقلی هدایت - مخبرالسلطنه - خاطرات و خطرات. تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۵. ص ۳۶۱.

۳. حسین مکی، همان، جلد ۲، ص ۴۲۴.

و پانصد متر باغچه واقع در بخش ۱۱ متصل به خیابان زعفرانیه با توضیح اینکه دو هزار و پانصد متر مربع اراضی پلاک شماره ۶۶ ... یکی از بهترین اراضی تجریش بوده شاه سابق اراضی متصرفی را به غصب تصرف و او را وادار کرده در دفتر اسناد رسمی در مقابل مبلغ مختصری محدوده فوق‌الذکر را به شاه سابق انتقال دهد.<sup>۱</sup>

به طوری که یادآوری شد بدیهی به نظر می‌رسد که هر فرد یا هر خانواده‌ای قادر به اعتراض و اقامه دعوی بر علیه رضا پهلوی نبوده و از میان جمع کثیری از کسانی که املاک آنها غصب شده بود فقط عده اندکی شکایت می‌کردند و از این عده نیز معدودی موفق به احقاق بخشی از حقوق خویش می‌شدند. خانواده بدر از خانواده‌هایی است که شکایت عریض و طویلی در خصوص غصب املاک خود بر علیه رضا پهلوی اقامه کرده است:

... یک باب طویله و یک دستگاه کالسکه خانه و ابنیه متعلقه آن ملک متصرفی اینجانبان واقع در سعدآباد شمیران که در حدود دو هزار متر مربع مساحت داشته در چند سال قبل بدون هیچ‌گونه مجوز قانونی از طرف مأمورین دربار سابق به عنوان اینکه مورد لزوم اعلیحضرت شاه سابق است تصرف و اواسط سال ۱۳۲۰ به وسیله تلفن اطلاع داده‌اند که برای تنظیم سند ۷۷۰ متر مربع اراضی باقیمانده ملک مزبور به دفترخانه ... مراجعه شود که اتفاقاً به واسطه تصادف با وقایع شهریور سال گذشته، این موضوع نیز انجام نگردیده ...<sup>۲</sup>

در بررسی منابع مختلف راجع به ثروت رضا خان تقریباً اتفاق نظر وجود دارد. ثریا اسفندیاری بختیاری در کتاب خاطراتش ثروت رضا خان را به هنگام ترک ایران ۶۸ میلیون تومان ذکر می‌کند.<sup>۳</sup> دکتر محمد سجادی وزیر راه که در جریان تبعید در معیت رضا پهلوی بوده می‌نویسد:

شاه فقید به پیشخدمت دستور داد کیف دستی را از اتاق خواب بیاورد. پیشخدمت لحظه‌ای بعد کیف قطور سیاه رنگی به دست رضا شاه داد. شاه در حضور من آن را گشودند و دسته چکی از آن خارج نمودند و آنگاه روی خود را به من کرده فرمودند:

۱. سند شماره ۲۰۶، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۲. سند شماره ۱۹۹، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۳. ثریا اسفندیاری بختیاری، کاخ تنهایی، ترجمه امیر هوشنگ کاوسی، تهران، البرز، ۱۳۷۲، ص ۲۱۱.

تمام دارایی نقدی من مبلغ ۶۸۰ میلیون ریال است که در بانک ملی ایران شعبه مرکزی در حساب مخصوص موجود می‌باشد. در این وقت شاه دقیقه‌ای سکوت نموده بعد با قیافه دردناک این طور اضافه کردند: دکتر، من یقین دارم وقتی پا را از مملکت به خارج نهادم خواهند گفت و خواهند نوشت که در بانکهای خارج نیز وجوه بیشماری داشته و این پولها را برای چنین روزی ذخیره کرده بودم. ولی این طور نیست. من به جرئت می‌گویم نه در بانکهای خارجه<sup>۱</sup> و نه در بانکهای داخله جز بانک ملی ایران وجهی ندارم و املاک و اموال من همان مستغلات تهران، شمیران و بعضی از شهرستانها می‌باشد.<sup>۲</sup>

رضا پهلوی در جایی دیگر در هنگام خروج از ایران موجودی‌اش را ششصد میلیون ریال ذکر می‌کند: «... توسط قوام اسناد موجودی بانک ملی را که جمع آن ششصد میلیون ریال است برای شما می‌فرستم این وجه در اختیار شما خواهد بود.»<sup>۳</sup>

اگر بپذیریم که تمام دارایی نقدی او همان مبلغ ۶۸ میلیون تومان بوده است به خطا رفته‌ایم چرا که مبلغ هشتاد و پنج میلیون ریال دیگر - که در هیچ منبعی ذکر نشده - در حساب جاری وی موجود بوده و قرار بوده که به ارز برای او حواله شود:

فرزند ارجمند عزیزم را قربان می‌روم. موضوع ثانوی دیگری را که محتاج به ذکر نمی‌دانم این است که مدت [طولانی است] که وجه برای من فرستاده نشده است. من موقعی که از ایران خارج می‌شدم حساب جاری خودم را که بالغ بر هشتاد و پنج میلیون ریال بود به وسیله جم فرستادم که در موقع لزوم به ارز برای من حواله شود. بعد از مدتی کاغذی از او رسید که به علت رفتن به مأموریت وجه را به شما تحویل نموده است و تاکنون نسبت به اصل موضوع یعنی تبدیل آن به ارز اثری دیده نشده است. برای اینکه به انتظار رسیدن وجه نباشم و وجه قابلی در خارج از کشور موجود باشد مناسب است ترتیبی بدهند که تمام آن وجه پس از تسعیر به اسم من حواله شود.<sup>۴</sup>

۱. در این بخش اسناد متعددی ارائه شده است که گویای موجودیهای کلان رضاخان در قبل و بعد از تبعید در بانکهای خارج از کشور می‌باشد.

۲. سالنامه دنیا، به نقل از حسین مکی، جلد هشتم، صص ۹۱-۹۲.

۳. سند شماره ۱۰۱، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۴. سند شماره ۱۱۵، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.



در کوران جنگ جهانی دوم، پیشتر از آنکه انگلیس و فرانسه در یازدهم شهریور ۱۳۱۸ به آلمان اعلان جنگ کنند، ایران بی طرفی خود را به آگاهی دولت انگلستان رسانده بود.<sup>۱</sup> و مقارن همین تاریخ وزارت کشور رسماً اعلامیه‌ای در این خصوص منتشر کرد. اما بدیهی است بی طرفی کشوری که به سبب اهمیت جغرافیای نظامی، نگاه قدرتهای صنعتی بزرگ و درگیر جنگ را به خود خیره کرده بود و از طرفی خود بهره‌ای از توان نظامی و قدرت جنگی برای درگیر شدن نداشت نمی توانست چندان به دیده احترام نگریسته شود. مضافاً اینکه بهانه دندانگیری چون تمایل ایران به آلمان نازی و توسعه روابط صنعتی و تجاری با آن کشور و وجود جاسوسان آلمانی در ایران کافی بود تا هر لحظه هراس هجوم متفقین فضای ایران را آشفته تر سازد. سرانجام با پیشروی فزاینده ماشین پر قدرت جنگی آلمان و اشغال هول‌انگیز و ناباورانه تمام اروپا، راهی جز ایران برای رساندن مهمات و ساز و برگ جنگی به روسیه باقی نماند. در نتیجه، اشغال ایران، چه در فضای خصمانه سوم شهریور ۱۳۲۰ و چه در پوشش مصالحه آمیز و متفقانه نهم بهمن ۱۳۲۰، اجتناب ناپذیر می نمود.

۱. حسین مکی، همان، ج ۲، ص ۴۲۴.

۲. محمد ترکمان. اسناد نقض بی طرفی ایران در شهریور ۱۳۲۰. تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۰. ص ۱.



عبور نیروهای بریتانیا از روی پل متحرک بر روی



ورود نیروی زرهی بریتانیا به کرمانشاه

احتمال انگیزش پنهانی دولت انگلیس برای روی کار آوردن دولت متمایل به آلمان احمد متین دفتری در سوم آبان ۱۳۱۸ به منظور به دست آوردن دستاویز قابل ملاحظه‌ای برای تهاجم به ایران، دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. در این رهگذار تمایل نه چندان روشن رضا پهلوی به آلمان را نمی‌توان دور از احتمال دانست. ادبار او از انگلستان را، بی آنکه به خطا حمل بر روحیه استقلال‌طلبانه و گرایشهای ملی او کنیم، می‌توانیم حاکی از روحیه سرکش و فرصت‌طلب او بدانیم که در برابر حصار و انحصار چندین ساله دولت بریتانیا که در آن به واسطه جنگ رخنه ایجاد شده بود اکنون مصلحت وقت را در آن می‌دید که به سوی آلمان که فروغ پیروزی بر جبین داشت مایل شود. اما در کورسوی راهی که در پیش بود، در غلظت سیاه مه و دود جنگ، آن چراغ سبز شاید سوسوی چشمان گرگی به نام بریتانیا بود که او را به سوی آلمان سوق می‌داد.

با مروری بر اسناد نقض بی‌طرفی ایران واقعیتی بس خطیر چهره می‌نماید و آن اینکه شیوه و لحن مراسلات و مکاتبات روس و انگلیس برای جلب موافقت ایران روز به روز ضرباهنگ تندتری پیدا می‌کند و هر چه به روز حادثه نزدیکتر می‌شویم با خشونت فزاینده امپریالیسم، که اینک بدون نقاب رخ می‌نمود، روبه‌رو می‌شویم. رضا خان، مانند هر قدرت کوچک دیگری، با وجود اعلان بی‌طرفی، خواه ناخواه و خاصه به سبب موقعیت استراتژیکی ایران نمی‌توانست از آتش جنگ در امان بماند و لاجرم می‌بایست برای یافتن مأمنی یکی از دو قطب قدرت را برگزیند. اگرچه ذوب شدن او در هنگام اتصال به هر یک از قطبها حتمی بود اما راه دیگری برای او باقی نمانده بود و شاید بتوان وسوسه او برای نزدیک شدن به آلمان را بی‌التفاتی انگلیس نسبت به او دانست. گرچه آنان نیز رضا پهلوی را بی‌تقصیر نمی‌دانستند.

مأمور تبعید رضا پهلوی، سرکلار مونت اسکراین، در این خصوص می‌نویسد:

ابه سر ریدر بولارد | گفتم: شاه پیر در سفر دریایی نزد من گله می‌کرد که بریتانیا قبل از اینکه خیلی دیر شود خواسته‌های خود را آشکارا با او در میان نگذاشته بود. او از این سخن برآشفت و فریاد زد: کی من توانستم به آن مرد دسترسی پیدا کنم؛ هر وقت اجازه حضور می‌خواستم با یک یا چند بهانه از پذیرفتن من ابا می‌کرد.<sup>۱</sup>

۱. سرکلار مونت اسکراین. جنگهای جهانی در ایران. ترجمه حسین نجف‌آبادی فراهانی. [بی‌جا].



دروہ نیروهای شوروی به تبریز



فحطى نان

رضا پهلوی در نامه مورخ یکم فوریه ۱۹۴۲ به سر بد کلیفورد، فرماندار موریس، آشکارا علاقه خود را به عقد پیمان با انگلیس اظهار می‌دارد و علت ملحق نشدن ایران به کشورهای متحد را بی توجهی انگلیس قلمداد می‌کند:

از موقع پیشامد جنگ اروپا تا قبل از پیشامدهای اخیر، هر زمان از طرف مأمورین انگلیس از وضعیت ایران اظهار نگرانی می‌شد به دستور من دولتهای وقت حاضر بودن خود را برای عقد پیمان به مأمورین انگلیس تذکر می‌دادند ولی توجهی نمی‌شد.<sup>۱</sup>

به هر سبب، رضا پهلوی باید یکی از قربانیهای این نمایش هولناک جهانی می‌شد خاصه آنکه هیچ‌گونه تکیه‌ای بر مردم نداشت و در مدت دو دهه، آفت قهر و خشونت او هرگونه رابطه‌ای را با توده‌های مردم از هم گسیخته بود.

توان نظامی ایران که پیشتر آن همه از آن سخن می‌رفت و همواره بودجه قابل توجهی از اقتصاد بیمار کشور را به خود اختصاص داده بود در آستانه اولین تهاجم بیگانه رنگ باخت و این واقعیت را برملا ساخت که نظامیگری رضا پهلوی تنها برای حفظ تاج و تخت، آن هم در برابر فشارهای داخلی، شکل گرفته بود. سرانجام در نیمه شب دوشنبه سوم شهریور ۱۳۲۰ قوای شوروی با پشتیبانی تانک و هواپیما از شمال و قوای انگلیس از مرزهای غربی وارد ایران شدند. رضا پهلوی از همان ابتدا دریافته بود که نه تنها وارد شدن در جنگ که مقاومت هم میسر نیست، و تنها برای کسب وجهه دستور مقاومت می‌داد اما این مقاومت صوری نیز دیری نپایید و فرمان ترک مقاومت به فرماندهان ابلاغ شد. در گزارش سرلشکر ضرغامی مورخ چهارم شهریور آمده:

در این موقع که دشمن شمالی و باختری مرزهای کشور شاهنشاهی را مورد تجاوز قرار داده و بعضی از شهرهای آذربایجان و جنوب باختری را بمباران نموده‌اند و نیروی ارتش شاهنشاهی در جبهه‌های شمال و باختر مشغول مقاومت می‌باشند به فرمان مبارک شاهانه مقرر است واحدهایی که هنوز با دشمن تماس حاصل ننموده در مواقع مقتضی به حال تدافعی استقرار یافته و با توانایی مقاومت نمایند.<sup>۲</sup>

اما بلافاصله فرمان رضا پهلوی مبنی بر ترک مقاومت ابلاغ می‌شود.<sup>۳</sup> سرلشکر

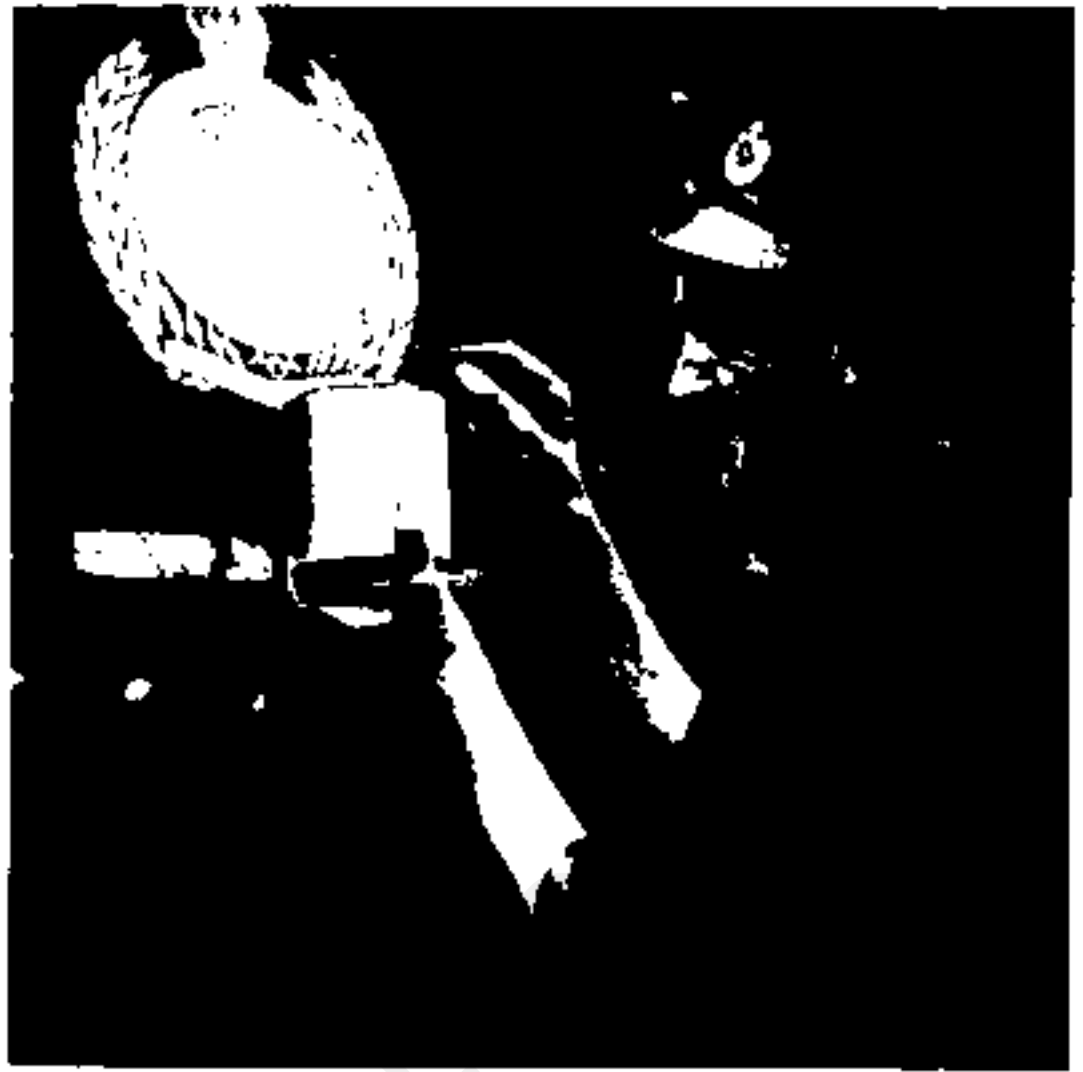
۱. سند شماره ۱۱۹، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۲. سند شماره ۹۱، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۳. همان.







راه‌آهن ایران در روزهای پس از شهریور ۱۳۲۰

مطبوعی در تاریخ ششم شهریور ضمن اعلام دریافت زمان ترک مقاومت به برخورد خشونت‌آمیز نیروهای شوروی اشاره می‌کند:

محترماً معروض می‌دارد: امریه شماره ۴۲۴۱ ساعت ۱۰<sup>۱</sup> زیارت، فوراً به قسمت دستور داده شد که به هیچ وجه مقاومت ننمایند و یک افسر اعزام گردید که به فرمانده مربوطه اطلاع دهد که مقاومت نخواهد شد. افسر معروضه ساعت چهارده مراجعت و اظهار نمود با اینکه بیرق سفید در دست داشت مورد تیراندازی قوای موتوریزه واقع گردید و قوای شوروی با کمال عجله به سمت میان‌دوآب پیشروی می‌نمودند. لذا مجدداً افسر دیگری فرستاده شد و بنده از شهر میان‌دوآب خارج شدم. اینک افسر اعزامی گزارش می‌دهد که ابتدا به فرمانده گروه شناسایی شوروی معرفی و بعداً که ژنرال فرمانده آنها آمده به ایشان معرفی شده ژنرال مزبور دستور خلع سلاح کلیه نفرات را داده ...<sup>۱</sup>

محمدعلی فروغی<sup>۲</sup>، مسند فروز دولت رضا پهلوی، که همواره در موج خیز حوادث فراخوانده می‌شد، برای قبول سمت نخست‌وزیری در چهارم شهریور با رضا پهلوی ملاقات می‌کند.<sup>۳</sup> و از این پس فروغی به عنوان رابط او با دولت انگلیس راهمایی پیش پای او می‌گذارد از جمله دستور ترک مقاومت که رضا پهلوی نیز به همه آنها گردن نهاد.<sup>۴</sup> بدین ترتیب تمهیداتی برای جانشینی رضا پهلوی در شرف انجام بود و بازار افرادی از قبیل فروغی و قوام شیرازی به دلیل خدمت دیرین و حسن رابطه با بریتانیا بیش از پیش رونق گرفت:

بعد از ظهر یکی از روزهای نهم یا دهم شهریور ولیعهد به من [فردوست] گفت:

۱. سند شماره ۹۲، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۲. محمدعلی فروغی ذکاءالملک متولد سال ۱۲۹۴ هجری قمری پسر میرزا محمد حسین ذکاءالملک متخلص به فروغی پسر آقا محمدی ارباب اصفهانی - جد اعلای این خانواده اصلاً از یهودیهای بغداد بوده که در زمان قدیم برای تجارت به ایران آمده و پس از مهاجرت به ایران و سکونت در اصفهان مسلمان شده است - پس از تحصیلات مقدماتی در دارالفنون تهران مشغول به تحصیل طب گردید و بعد به واسطه ذوق فطری که به ادبیات داشت از طب منصرف و منحرف گشته در رشته ادبیات داخل گردید و بعد از چندی معلم مدرسه سیاسی تهران شد. (حسین مکی، همان، جلد چهارم، ص ۲۳).

۳. محمدرضا عباسی، بهروز طبرانی، خاطرات نصرالله انتظام، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱.

۴. حسین فردوست، همان، ص ۹۵-۹۶.

ص ۱۹۱.



نیروهای متفکین در ایران

«همین امروز به سفارت انگلیس مراجعه کن. در آنجا فردی است به نام ترات که رئیس اطلاعات انگلیس در ایران و نفر دوم سفارت است. او در جریان است و درباره وضع من با او صحبت کن.» محمدرضا اصرار داشت که همین امروز این کار را انجام دهم. نمی‌دانم نام ترات و تماس با او را چه کسی به محمدرضا توصیه کرده بود، شاید فروغی، شاید هم قوام شیرازی و شاید کس دیگر؟! ... [بعد از ملاقات با ترات] به سعدآباد بازگشتم و جریان را به محمدرضا گفتم. او شدیداً جا خورد و تعجب می‌کرد که از کجا می‌دانند که من به رادیو گوش می‌دهم و یا نقشه [نقشه جنگ و پیشروی آلمان] را دارم و غیره! محمدرضا گفت: «فردا اول وقت با ترات تماس بگیر و با او قرار ملاقات بگذار و بگو که همان شب با محمدرضا صحبت کردم و گفت که نقشه را از بین می‌برم و رادیو هم گوش نمی‌کنم مگر رادیوهایی که خودشان اجازه دهند آنها را بشنوم!»<sup>۱</sup>

با حرکت قوای روسیه شوروی به سمت تهران رضا پهلوی در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ فروغی را احضار کرد و نظر او را جویا شد. او نیز پیشنهاد استعفا کرد. و رضا پهلوی پذیرفت. متن استعفا به تحریر و تقریر محمدعلی فروغی در مجلس شورای ملی به شرح ذیل است:<sup>۲</sup>

نظر به اینکه من همه قوای خود را در این چند ساله مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده‌ام حس می‌کنم که اینک وقت آن رسیده است که یک قوه و بنیه جوانتری به کارهای کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد و اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد. بنابراین امر سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض کردم و از کار کناره نمودم. از امروز که روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشکری ولیعهد و جانشین قانونی مرا باید به سلطنت بشناسند؛ آنچه نسبت به من از پیروی مصالح کشور می‌کردند نسبت به ایشان بکنند. کاخ مرمر، تهران، ۲۵ شهریور ۱۳۲۰.<sup>۳</sup>

### تبعید رضا پهلوی

در پنجم مهرماه ۱۳۲۰ - ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۱ - رضا پهلوی در بندرعباس با کشتی

۱. همان، صص ۱۰۰-۱۰۱. ۲. خاطرات نصرالله انظام. همان، ص ۱۹۶.

۳. حسین مکی. تاریخ بیست ساله ایران. تهران، انتشارات علمی. انتشارات ایران، ۱۳۶۳. ج ۷، ص ۲۲۰.

تجاری بندرا - Bandra - عازم بمبئی شد. بر خلاف انتظار مسافران، کشتی به بمبئی نرفت و مسیر موریس را در پیش گرفت و حال آنکه قرار اولیه عزیمت به امریکا و یا مثلاً کانادا بود، سپس به بمبئی و اکنون به موریس. علیرضا پهلوی این تغییر مسیر را به اطلاع برادرش محمدرضا پهلوی می‌رساند: «تلگرافی راجع به استعمال از علت تغییر عزیمت ما از امریکا به جزیره موریس در بمبئی به آن اعلیحضرت مخابره شده بود که تا به حال پاسخ آن نرسیده است. مستدعی است پاسخ تلگراف را مرحمت فرمایند تا از قید انتظار خارج شویم.»<sup>۱</sup>

بحران و فشار سیاسی، نظامی ناشی از اشغال ایران، تا زمان انعقاد پیمان سه‌گانه به حداکثر خود رسید. اگرچه آن بحران تا سالها بعد به شکلهای گوناگون ادامه داشت و پیامدهای آن، از جمله اشغال آذربایجان، تا مدتها به طول انجامید اما به طور کلی بعد از انعقاد این پیمان که ظاهراً محمدعلی فروغی آن را کارسازی کرده بود - و بر طبق آن ایران با دولتهای روسیه و انگلیس متحد می‌گردید و دو دولت مذکور متعهد شده بودند در مقابل هر تجاوزی از جانب آلمان یا هر دولت دیگر از ایران دفاع کنند - از شدت فشارها کاسته شد. اسناد و مکاتبات زمان تبعید تا قبل از انعقاد پیمان به سبب سانسور شدید حاوی مطالب چندانی نیست و حتی انتقال رضا پهلوی و خانواده‌اش از موریس به دوربان را می‌توان حاصل آن پیمان و کم شدن فشار بر خانواده تبعید شده سلطنتی دانست. شمس پهلوی در این خصوص می‌نویسد:

مقتضیات جنگی ایجاب می‌کرد که نامه‌های ما را سانسور کنند و از آن طرف احساس می‌کردم مایل نیستند روحیه و طرز فکر و ناراحتیهای خاطر اعلیحضرت در تهران در میان خانواده‌های سلطنتی یا مردم انتشار یابد. از این جهت، نامه‌ها مختصر و کوتاه بود جز سلامتی خیر دیگری مجاز نبودیم در آن بنویسیم ... پس از چندی که در موریس به سر می‌بردیم دیدیم که طرز رفتار مأمورین با ما تغییر کرد ... به مناسبت انعقاد پیمان سه‌گانه ضیافتی از طرف فرماندار موریس به افتخار اعلیحضرت پدرم داده شد و ما به آن امیدوار گردیدیم.<sup>۲</sup>

نامه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۴۲ رضا پهلوی به سر بد کلیفورد فرماندار موریس حکایت

۱. سند شماره ۱۱۱، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۲. مردان کیان، به نقل از حسین مکی، همان، جلد هشتم، ص ۴۷۱ و ۲۷۴.

از بی‌اعتنایی دولت بریتانیا به وی و نامطلوب بودن اوضاع جغرافیایی جزیره و نارضایتی خانواده در تبعید می‌باشد.

عالیجناب، در پی گفت‌وگوهایی که با جناب‌عالی داشتم، توجه شما را به این امر معطوف می‌دارم که نظر به آب و هوای کسالت‌آور جزیره وضع مزاجی تمامی اعضای خانواده و خود من به هیچ وجه خوب نیست. علی‌رغم وعده‌هایی که به من دادید، پاسخی مساعد و چندان مورد انتظار از شما واصل نشد. جناب‌عالی به خوبی شاهد هستید که در این اوضاع و شرایط سکوت دولت بریتانیا در پاسخ به خواسته‌های مشروع چقدر می‌تواند برای من سخت و ناگوار باشد. ... به جناب‌عالی صراحتاً می‌گویم که وضعیت فعلی ما، سخت و ناگوارترین شرایطی است که می‌تواند بر یک خانواده حادث شود.<sup>۱</sup>

همچنین نامه‌ی وی به محمدرضا پهلوی و اظهار بلا تکلیفی نشانه بحران اوضاع و بی‌توجهی دولت بریتانیا به خواسته‌های خانواده سلطنتی و ضعف و زبونی محمدرضا پهلوی در آن مقطع می‌باشد. لازم به یادآوری است که در تقسیم‌بندی زمانی دوران حکومت محمدرضا پهلوی، سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۱۳۳۲ دوران اقتدار او نیست و خاصه از ماههای آغازین پس از شهریور از کمترین قدرت نیز بی‌بهره بوده است:

[رضا پهلوی:] اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، چندی قبل در مورس مسافرت ما به کانادا به طوری شهرت یافته بود که حتی هر بچه کوچکی از آن صحبت می‌کرد ولی از آن تاریخ قریب چهل روز می‌گذرد نه تنها اثری ظاهر نشده بلکه با مراجعات مکرری که از طرف ما به عمل آمده به دلیل نبودن کشتی موضوع معوق مانده است...<sup>۲</sup>

بعد از عقد پیمان سه جانبه و کاهش فشارهای دولت بریتانیا عده‌ای از افراد در تبعید به ایران بازگشتند. در میان گروه دوازده نفری که در اسفندماه ۱۳۲۰ به ایران بازگشتند حمیدرضا، فاطمه و شمس پهلوی نیز بودند<sup>۳</sup> باقیمانده همراهان به دوربان - منطقه‌ای در

۱. سند شماره ۱۱۴، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۲. سند شماره ۱۱۳، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۳. مردان کیان، به نقل از حسین مکی، همان، جلد هشتم، ص ۴۸۰.

جنوب شرقی افریقا - انتقال یافتند. علی ایزدی ماجرا را چنین شرح می دهد:

روز ششم فروردین [۱۳۲۱] هنگام عصر، اعلیحضرت موریس را ترک گفتند، و در «پرت لویی» به کشتی سوار شدند ... کشتی که اعلیحضرت با آن به دوربان حرکت کردند یک کشتی کهنه و مندرس باری بود که آن را برای حمل و نقل سربازان آماده کرده بودند. در حدود سیصد نفر از سربازان نقاط مختلف امپراطوری بریتانیا که قسمت عمده‌ای از آنها یهودیان بودند مسافری این کشتی را تشکیل می دادند که هر دسته به جایی می رفتند ... معلوم است در این کشتی مختصر، جای اعلیحضرت و الاحضرت‌های شاهپور ناراحت بود.<sup>۱</sup>

در دوربان نیز آسایش خاطر رضا پهلوی فراهم نشد و از بدو ورود به ارسال نامه‌های گلایه آمیز به محمدرضا پهلوی پرداخت: «ارضا پهلوی: از بدو ورودمان به دوربان بسیار معذب هستیم. در اینجا منزل راحتی نداریم. نزد مقامات اقدامی جهت تغییر محل سکونت به عمل آورده‌ایم ولی متأسفانه تاکنون پاسخی دریافت نشد. واسطه شما شاید بتواند شرایط ما را بهبود بخشد.»<sup>۲</sup> سرانجام، رضا پهلوی و همراهانش از دوربان به ژوهانسبورگ نقل مکان کردند و قرار بر این شد تا یافتن خانه‌ای، در «لنگهام هتل» اقامت کنند.<sup>۳</sup>

در خلال مکاتبات همسران رضا پهلوی در مدت تبعید، آنچه بیش از همه مشهود است پیشی جستن آنها در زمینه‌های مالی و واسطه قرار دادن رضا پهلوی برای اخذ وجه از محمدرضا پهلوی است. افزون بر آن آنچه برای فرزندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده خرید الماس منحصر به فرد افریقای جنوبی است:

[شمس پهلوی:] آقای علی ایزدی، به ده تخمه الماس بزرگ خوب احتیاج دارم که بعضی از آنها باید سفید و برخی پشت گلی - آبی - زرد روشن باشند. به قیمت توجه نداشته باشید؛ تقویم را به عرض اعلیحضرت برسانید. قیمت را بدون تأخیر تلگراف کنید. دستهای پدر قابل ستایش را می بوسم.<sup>۴</sup>

بدین ترتیب آخرین روزهای حیات کسی که نزدیک به دو دهه، خود را مقتدرترین

۱. همان، صص ۴۹۶-۴۹۷. ۲. سند شماره ۱۳۰، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

۳. مردان کیان، به نقل از حسین مکی، جلد هشتم، ص ۵۰۴.

۴. سند شماره ۱۳۱، از مجموعه اسناد رضا پهلوی.

فرد می‌پنداشت در غایت حرمان سپری شد و رفته رفته به عزلت گرایید:

[علی ایزدی:] اعلیحضرت که اصولاً از جمعیت‌گریزان و به تنهایی و عزلت خو گرفته بودند پیش از ظهر کمتر از اتاق خارج می‌شدند، ولی بعد از ظهرها همه روزه برای راه رفتن در حالی که اغلب من در خدمتشان بودم از میهمانخانه خارج می‌شدند و مدتی در خیابانهای شهر، مخصوصاً نقاط کم جمعیت، قدم می‌زدند. ... نوروز سال ۱۳۲۲ فرا رسید. نوروز که برای عموم ایرانیان طلیعهٔ وجد و سرور است برای پادشاهی که از وطن خود دور و مهجور مانده و از دیار یاران و فرزندان و دلبندهان خود محروم است ... به خصوص که نوروز مصادف بود با آغاز خزان ژوهانسبورگ، و افسردگی طبیعت خود نیز بیش از پیش بر افسردگی خاطر اعلیحضرت می‌افزود. در آنروز والا حضرت‌های شاهپور و همه ما برای عرض تبریک شرفیاب شدیم، ولی حتی یک لبخند مسرت‌انگیز در آن میان دیده نمی‌شد و همه باطناً غرق ماتم و اندوه بودیم.<sup>۱</sup>

سرانجام با مرگ رضا پهلوی در مرداد ۱۳۲۳ ماجرای تبعید نیز خاتمه یافت.

۱. مردان کیان، به نقل از حسین مکی، ج هشتم، ص ۵۰۶ و صص ۵۱۱-۵۱۲.



www.KetabFarsi.com

اسناد

---

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## فهرست اسناد رضا پهلوی

۱. عریضه داداش بیگ سواد کوهی به علیرضا عضدالملک
  ۲. نامه استوار حسین ذریه اتابیک به غلامرضا پهلوی
  - ۳-۷. اسناد مربوط به کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹
  ۸. پیشنهاد وزارت جنگ | رضاخان | به مجلس شورای ملی در آستانه افتتاح مجلس چهارم
  ۹. سواد تلگراف رمز رضاخان به سرهنگ بصیر دیوان (فضل الله زاهدی)
  ۱۰. مکتوب رضاخان به کلنل علیخان درباره اوضاع خراسان، مورخ ۱۳۰۰/۷/۱۵
  ۱۱. مکتوب رضاخان به مشیرالدوله: تقاضای بذل توجه نسبت به رضاخان سرتیپ
  - ۱۲ و ۱۳. مکتوب رضاخان به قوام السلطنه: تقاضای اختصاص درآمد وزارت پست و تلگراف برای وزارت جنگ و پاسخ آن
  ۱۴. نامه دکتر ساموئل جردن، رئیس مدرسه عالی امریکایی به رضاخان مورخ ۱۳۰۲/۱۱/۲۵
- اسناد مربوط به جمهوری: سند شماره ۱۵ تا سند شماره ۲۹
۱۵. نامه سرپرسی لورن، وزیر مختار انگلستان به رضاخان، مورخ ۱۳۰۲/۱۲/۳
  ۱۶. سواد تلگراف رضاخان به احمد شاه
  ۱۷. استخراج تلگراف احمد شاه از پاریس به رضاخان
  ۱۸. مکتوب «خیلی محرمانه و خصوصی» رضاخان به امیر لشکر جنوب مبنی بر تهیه مقدمات لازم برای مطرح کردن جمهوری و فشار نظامیان برای تغییر رژیم

۱۹. مکتوب جمعی از نمایندگان مجلس دربارهٔ جمهوری و تغییر رژیم  
 ۲۱ و ۲۰. گزارش مخبر کمیسیون فوق‌العاده مجلس دربارهٔ تغییر رژیم  
 ۲۳ و ۲۲. سواد تلگراف احمد شاه به رضاخان مبنی بر اظهار نگرانی از اوضاع ایران و  
 پاسخ رضاخان  
 ۲۴. نقشه عملی پارلمانی در تغییر رژیم  
 ۲۵. استعفانامه رضاخان مورخ ۱۸ فروردین ۱۳۰۳  
 ۲۶. نامه اردشیر جی به نصرالله خلعتبری (اعتلاءالملک) دربارهٔ جمهوری مورخ ۲۱  
 فروردین ۱۳۰۳  
 ۲۷. صورت مذاکرات مجلس لردهای انگلیس دربارهٔ مسائل ایران به ویژه جمهوری،  
 مورخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۰۳  
 ۲۸. استخراج تلگراف مسکو برای رضاخان: گزارش تئودور رتشتین (سفیر روسیه  
 شوروی در ایران) دربارهٔ اعزازالسلطنه پسر کامران میرزا  
 ۲۹. پیشنهاد میرزا حسن رشدیه به رضاخان رئیس الوزرا: عقب نشینی مصلحتی  
 رضاخان برای احراز پست ریاست جمهوری و خلع قاجار  
 ۳۰ - ۳۳ در آستانهٔ تغییر سلطنت  
 ۳۱ و ۳۰. استخراج تلگراف رمز ابوالفتح طباطبایی والی خراسان به رضاخان و پاسخ آن  
 در خصوص تحریکات محمدحسن میرزای ولیعهد  
 ۳۲. پیش نویس تلگراف محمدحسن میرزای ولیعهد، رئیس الوزرا و نصرت‌السلطنه به  
 احمدشاه  
 ۳۳. استخراج تلگراف رمز احمد شاه به رضاخان رئیس الوزرا مورخ ۹ اردیبهشت ۱۳۰۴  
 ۴۳ - ۳۴. اسناد مربوط به مطبوعات، سانسور و ...  
 ۵۷ - ۴۴. اسناد مربوط به مجلس شورای ملی و چگونگی انتخابات  
 ۸۸ - ۵۸. اسناد مربوط به علما و تغییر لباس  
 ۸۹. تلگراف رمز حسین شکوه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی به دکتر احمد متین  
 دفتری نخست وزیر در خصوص اوضاع اقتصادی و رابطه با آلمان و دیگر کشورها  
 ۹۷ - ۹۰. اسناد مربوط به وقایع شهریور ۱۳۲۰  
 ۱۳۴ - ۹۸. اسناد مربوط به تبعید رضا پهلوی

- ۹۹ و ۹۸. اسناد مربوط به پیشخدمتهای همراه رضا پهلوی در تبعید
۱۰۰. نامه رضا پهلوی به محمدرضا پهلوی از کرمان
۱۰۱. نامه رضا پهلوی به محمدرضا پهلوی درباره موجودی شصت میلیون تومانی وی در بانک ملی هنگام تبعید و برقراری وجوهی برای همسر و فرزندانش - تصور رضاخان از تبعید در این سند مشاهده می شود؛ وی می پنداشته به امریکا تبعید خواهد شد
۱۰۲. تلگراف علی ایزدی به دفتر مخصوص شاهنشاهی در خصوص ورود رضا پهلوی و همراهان به بندرعباس، و وجوه حواله شده به بانک دهلی
- ۱۱۰-۱۰۳. اسناد ارسال ارز به دهلی و جزیره موریس
۱۱۱. مکتوب علیرضا پهلوی به محمدرضا پهلوی در خصوص تغییر مسیر از امریکا به جزیره موریس
۱۱۲. مکتوب رضا پهلوی به سر بد کلیفورد فرماندار جزیره موریس مبنی بر شکایت از اوضاع این جزیره
۱۱۳. مکتوب رضا پهلوی به محمدرضا پهلوی مبنی بر شکایت از اوضاع جزیره موریس
۱۱۴. مکتوب رضا پهلوی به سر بد کلیفورد مبنی بر شکایت از اوضاع جزیره موریس
۱۱۵. مکتوب رضا پهلوی به محمدرضا پهلوی مبنی بر تقاضای وجه
- ۱۱۶ و ۱۱۷. مکاتبات رضا پهلوی با سر بد کلیفورد در خصوص مشکلات انتقال رضا پهلوی از جزیره موریس به محلی دیگر
- ۱۱۸ و ۱۱۹. پیام تبریک سر بد کلیفورد به رضا پهلوی به مناسبت انعقاد پیمان سه جانبه میان ایران، شوروی و انگلستان، و پاسخ رضاخان
- ۱۲۱ و ۱۲۰. نامه سر بد کلیفورد به رضا پهلوی درباره انتقال وی از جزیره موریس به افریقای جنوبی و پاسخ رضا پهلوی
- ۱۲۲ و ۱۲۳. اسناد بانک شاهنشاهی ایران و وزارت دارایی مبنی بر ارسال ارز برای رضاخان و همراهان
۱۲۴. نامه سر بد کلیفورد به رضا پهلوی
۱۲۵. نامه رضا پهلوی به فریدون جم
۱۲۶. خبر مربوط به عزیمت رضا پهلوی به کانادا
- ۱۲۷ و ۱۲۸. تلگراف محمد علی فروغی به علی ایزدی مبنی ارسال یازده هزار و

- هشتصد لیره استرلینگ به دوربان و پاسخ علی ایزدی در مورد نرسیدن وجه مزبور  
 ۱۲۹. نامه رضاخان به ملک فاروق پادشاه مصر
۱۳۰. نامه رضا پهلوی به محمدرضا پهلوی درباره نارضایتی خود از اقامت در دوربان
۱۳۱. تلگراف شمس پهلوی به علی ایزدی: تقاضای خرید الماس
- ۱۳۲ و ۱۳۳. اسناد ارسال ارز به ژوهانسبورگ برای رضا پهلوی و همراهان
۱۳۴. تلگراف حسین شکوه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی به علی ایزدی در  
 ژوهانسبورگ بعد از فوت رضا پهلوی
- ۱۴۰ - ۱۳۵. اسناد مربوط به خرید محل اقامت رضا پهلوی در موریس و اقدامات  
 حبیب ثابت در این خصوص
- ۱۵۵ - ۱۴۱. اسناد مربوط به عصمت‌الملوک دولتشاهی و حمیدرضا پهلوی
- ۱۴۷ - ۱۴۱. مکاتبات رضا پهلوی با عصمت‌الملوک دولتشاهی
۱۴۸. مکتوب عصمت‌الملوک دولتشاهی به عبدالرضا پهلوی
۱۴۹. نامه عصمت‌الملوک دولتشاهی به محمدرضا پهلوی
۱۵۰. مکتوب رضا پهلوی به عصمت‌الملوک دولتشاهی
۱۵۱. مکتوب محمدعلی صفاری به علی ایزدی درباره مخارج عصمت‌الملوک  
 دولتشاهی و فرزندانش
۱۵۲. نامه عصمت‌الملوک دولتشاهی به توران امیر سلیمانی
۱۵۳. نامه عصمت‌الملوک دولتشاهی به محمدرضا پهلوی
۱۵۴. مکتوب حمیدرضا پهلوی به محمدرضا پهلوی مبنی بر تقاضای عیدی،  
 مورخ ۱۳۴۸/۱۲/۲
۱۵۵. مکتوب دفتر مخصوص شاهنشاهی به وزارت دربار راجع به برقراری عیدی برای  
 عصمت‌الملوک دولتشاهی
- ۱۷۰ - ۱۵۶. اسناد مربوط به تاج‌الملوک پهلوی
- ۱۵۷ و ۱۵۶. مکاتبات رضا پهلوی با تاج‌الملوک
۱۵۸. مکتوب بهاء‌الدین دادستان درخصوص ارسال شراب برای ملکه پهلوی، مورخ ۱۷  
 شهریور ۱۳۱۱
۱۵۹. نامه علی دشتی به تاج‌الملوک مورخ ۱۱ فروردین ۱۳۳۱

۱۶۰. نامه محمدرضا پهلوی به تاج‌الملوک: توصیه برای نیامدن او به ایران، مورخ ۲۱ آبان ۱۳۳۱

۱۶۱. نامه محرمانه حسین علا وزیر دربار شاهنشاهی به جمشید نوروزی رئیس حسابداری دفتر تاج‌الملوک در خصوص اعتراض وزارت خارجه امریکا به ارسال بسته‌هایی به نام ملکه پهلوی برای نپرداختن مالیات و عوارض گمرکی مورخ ۱۳۳۱/۹/۱۵

۱۶۲. نامه علیرضا پهلوی به تاج‌الملوک

۱۶۳. نامه شمس پهلوی به تاج‌الملوک مورخ ۱۳۳۱/۱۲/۱

۱۶۴ و ۱۶۵. نامه دوزندگی ژاک ف. فات پاریس به سفارت ایران در پاریس درباره بدهی تاج‌الملوک

۱۶۶. نامه مهرداد پهلبد به تاج‌الملوک، مورخ ۲۸ فروردین ۱۳۳۲

۱۶۷. تلگراف علی ایزدی به علیرضا پهلوی در پاریس: توصیه برای نیامدن تاج‌الملوک به ایران مورخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۳۲

۱۶۸ و ۱۶۹. نامه‌های محرمانه اسد همایون کاردار موقت ایران در واشنگتن به اداره رمز وزارت امور خارجه در خصوص واقعه بورلی هیل (Beverly Hill) و اعتراض دانشجویان و ایرانیان مقیم لس آنجلس به هنگام ورود تاج‌الملوک به این شهر و به آتش کشیدن منزل وی مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۲

۱۷۰. کشف تلگراف رمز منوچهر اردلان از سانفرانسیسکو به اداره رمز وزارت امور خارجه در خصوص تظاهرات در مقابل اقامتگاه تاج‌الملوک مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۲

۲۳۰ - ۱۷۱. اسناد مالی رضا پهلوی

۱۷۶ - ۱۷۱. اسناد موجودی رضا پهلوی در بانکهای خارجی

۱۹۳ - ۱۷۷. اسناد املاک و داراییهای رضا پهلوی

۲۰۷ - ۱۹۴. اسناد حقوقی و قضایی رضا پهلوی در موضوع غصب املاک

۲۱۳ - ۲۰۸. اسناد درآمدهای مالی رضا پهلوی از سال ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۰۸

۲۱۴. صورت مالیاتهای املاک اختصاصی رضا پهلوی در ورامین به سال ۱۳۰۷

۲۱۵. صورت عایدات املاک اختصاصی مازندران مربوط به رضا پهلوی از سال ۱۳۰۲ تا سال ۱۳۰۸

۲۱۶. صورت املاک کجور که از اشخاص مختلف خریداری شده

۲۱۷. صورت محاسبه املاک تنکابن و کلارستان و سیارستاق، انتقالی بانک ایران به رضا پهلوی

۲۱۸. صورت خلاصه عایدات و مخارج رضا پهلوی در فروردین ماه ۱۳۱۱

۲۱۹. صورت خلاصه عایدات و مخارج نقدی یکساله کارخانه شاهی از اول مهر ماه ۱۳۱۱ تا آخر شهریور ماه ۱۳۱۲

۲۲۰. صورت خلاصه عایدات و مخارج رضا پهلوی در مرداد ماه ۱۳۱۳

۲۲۱. صورت حساب خرید ده فقره املاک واقع بین شیرگاه و شاهی در سال ۱۳۱۳

۲۲۲. گزارش هفتگی در خصوص عایدات و مخارج نقدی املاک رضا پهلوی در سال ۱۳۱۳

۲۲۳. صورت اسامی مالکانی که توقیف شده و تحت تعقیب قرار گرفته‌اند

۲۳۰-۲۲۴. بخشی از کتابچه های حساب جاری رضا پهلوی در بانک ملی ایران از سال ۱۳۱۰ تا سال ۱۳۲۰

۲۳۱. صفحاتی از صورت خلاصه جواهرات سلطنتی و طلاآلات و نقره‌آلات و ...



## ۱

[عریضه] خانه‌زاد داداش [بیگ] سواد کوهی [به علیرضا عضدالمک] تصدق وجود مبارکت شوم.

چاکر خانه‌زاد زیاده از این طاقت بی‌التفاتی را ندارد و قابل چنداین [چندین] صدمه نیست که یک طرف پریشانی گذران [زندگی] او یک طرف عقب نمودن قرض جوانان، و از طرف دیگر شب و روز برای چاکر مساوی می‌باشد که جناب جلالت مآب خدایگان اعظم آقا روحی فداه به خانه‌زاد خود بی‌میل است. برای این فقره، آنی آسایش برای چاکر نیست فردای قیامت در حضور [حضور] حضرت پیغمبر دامن سرکار شوکت مدار آقا روحی فداه را خانه‌زاد می‌گیرد که به حرف ارباب غرض بخواهند نان خانه‌زاد را قطع نمایند و خانه‌زاد را رسوا سازند. اگر خانه‌زاد قابل رحم نیست سی نفر عیال نان‌خوار دارد؛ به ایشان رحم بفرمایند و سرهنگ<sup>۱</sup> اگر بگوید خانه‌زاد اخلاص در کار سرباز و نظام می‌کند خانه‌زاد التزام به خون خودش می‌دهد که او سرهنگ باشد مداخل هم مال او باشد، انتظام امر قراولی و مشق و سایر زحمات با خانه‌زاد باشد. اگر نقصی وارد آید یا خانه‌زاد از دست او شاکمی شد سیاست شده و از منصب معزول باشد و یا خانه‌زاد همین طور گوشه‌نشین که هست باشد. اگر در کار او افساد بکند مقصّر باشد و همه کارها با سرهنگ باشد.

دیگر خانه‌زاد چه عرض کند؟ اگر او دلش بخواهد خانه‌زاد بعد از هشت پشت نوکری و جان نثاری آباء و اجداد حال یک لقمه نان در نوکری بخورد خانه‌زاد چه بکند؟ او در این نوکری اول سلسله می‌باشد و سرهنگ هم هست. خانه‌زاد در هشت پشت نوکری نبایست باشد؛ سرکار جناب جلالت مآب خدایگان اعظم آقا صاحب رحم و مروت می‌باشد، بعد از آنکه به حرف او قطع نان سی نفر زن [و] مرد را می‌کنند اختیار دارند و اگر هم رأی مبارک سرکار جلالت آثار آقا روحی فداه بر این است که خانه‌زاد بعد از شصت سال عمر برود دست سرهنگ را ببوسد تا او بر میل بیاید حکم فرموده یک دفعه این کار هم بشود و خانه‌زاد بلکه آسوده شود؛ آنچه حکم عالی هست حکم شود.

[۱۸۲۵۱ - ق]

۱. ابوالحسن خان، رئیس هنگ ولویی که بعداً به صمصام السلطان ملقب شده است. (محمد ترکمان، برگهایی از تاریخ، تاریخ معاصر ایران - کتاب ششم، ۱۳۷۳، ص ۲۹۱).



## ۲

به تاریخ ۱۳۳۴/۶/۱۵

حضور مبارک والامقام والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی ادامه‌اله [الله] بقاه

توقیراً خاطر خطیر ذات اقدس را مستخضر می‌دارد، چندین دفعه راجع به شناسایی اینجانب حسین ذریه اتابیک به حضور محترم عرضه نگار شده‌ام که مراتب تظلم و بیچارگی برادر خود را به پیشگاه اعلیحضرت همایونی معروض دارید؛ متأسفانه تاکنون منجر به نتیجه نشده، و علت این همه کم‌لطفی و بی‌وفایی شما را آیا می‌توانم بر خودم هموار نموده و آرزوی دیرین خود را به آغوش خاک سردی که انتظارم را می‌کشد ببرم؟ برادر عزیزم، بنا به دلایل مثبت و مدارک موجوده و بنا به گواهی چند تن از بزرگان سپاه آذربایجان، جناب تیمسار سرلشگر مقبلی و تیمسار سرتیپ شیروانی و سرهنگ شهروز رئیس ستاد لشگر ۳ تبریز و سرهنگ و خشوری رئیس رکن ۲ ستاد لشگر ۳ تبریز، چاکر پسر رضاشاه کبیر، آن شاه فقیدی که در زمان حیات خود همواره بر من مهربانی و شفقت عطا می‌کرد، می‌باشم که حال اینچنین در گوشه عزلت به سربرده و به امید اینکه روزی فرا خواهد رسید که در جوار محبت برادرانم خون دل چهل ساله‌ای را که خورده‌ام از یاد فراموش و برای همیشه به آسودگی زندگی خواهم کرد نشسته‌ام.

والاحضرتا یک قطعه عکس خود را که نمایش قلب چاک چاک من است به حضور مبارک تقدیم می‌دارم و استدعا دارم عکس مرا به حضور قبله‌گاهی معظم علیاحضرت ملکه و شاهنشاه جوان بخت ایران تقدیم دارید که برای من توجهی فوری را مبذول فرموده و به پیش خودشان احضار فرمایند که از نزدیک مکتومات [مکتوبات] قلبی خود را عرضه دارم. همیشه سلامتی و کامیابی شما برادران و خواهران عزیزم را از درگاه ایزد متعال خواهانم و امیدوارم که ایزد بزرگ مناجات و درخواست پسر حقیری چون مرا پذیرفته و مرا از لطف شما محروم نفرماید.

چاکر، استوار حسین ذریه اتابیک

[۳۶ - ۲ - ۱۲۶ - ب]

تاریخ ۱۳۲۲، ۱۵

حضرت بزرگ والا تمام والا حضرت شاهپور پهلوی در امر آلبانه

توفیرا حال خطیر ذات آدم را تسخیر میدارد چندی در جمع بنامانی در جنب  
 حینی ذریه آتیب بفرمودم عرض نگاهار شده ام که برآب تکلم و بیجاگی برار خود را به پیشگاه  
 اعلیحضرت هابونی معروف دارید تا نماند تا کنون منبر بیتیته شده و هست زینکه که لفظی و  
 بی دغائی تا آری می توانم بر خودم حمل نموده و در زوی دیرینی خود را با غرض خاک سردی که  
 آنقدرم را کینند برم؟ برادر عزیزم بنا بدلیل مبتد و مدرک موجوده و بنا بخواهی چندی از بزرگان  
 آذربایجان جناب نیا، مگر تقبل و تیار بر قیام بیرونی و سر بنک شهروز رئیس تهرانی و تبریز  
 و سر بنک و خوری رئیس کنی به تهرانی که تبریز چاکر پسر شاه شاه کبیر آری شاه فقیه که در زمان  
 حیات خود همواره برین مهربانی و شفقت مطلق میدی پس که حال این چنین در کوزه غرمت بر برده و باید اندید  
 روزی فرا خواهد رسید که در جوار رحمت برادرانم خون دل چهل ساله ای را که خورده ام نه باز فراوس و برای همیشه  
 با بودی زنی خوانم گردنسته ام والا حضرت یک قطعه عطر خود را که نایس قلب چاک چاک من است  
 بفرموده است تقدیم میدارم و استغفار دارم عطر را بفرموده تا این منظم علیا حضرت که در وقت جوانی  
 در آن تقدیم دارید که برای من توجیهی فوری را مبدول فرموده و به نیت خودشان اعصار فرمایند که  
 روز نزدیک کنوت قلبی خود را عرض دارم

همیشه ستم و کامیابی تا برادری و خواهری عزیزم را که در راه دین و سال خوانم و امید دارم که روزی بزرگ  
 مناجات و در خواست بر حقیر را چون را پذیرفته و در از لطف نامحروم نفرمایید <sup>چهار تومار عین ذریه آتیب</sup>  
 انشاء الله



حسین ذریه اتابکی

## ۳

## بانک شاهنشاهی ایران

تهران، ۲۸ ژوئیه ۱۹۲۱

شماره ۹۵

حضرت اشرف رئیس‌الوزراء

جناب وزیر مختار انگلستان توسط کلنل هادلستون، رونوشت نامه شما مورخ ۲۶ ماه جاری به شماره ۶۴۸۲ خطاب به وزیر مختار مبنی بر دستور پرداخت ۶۵۰۸۵ تومان به کلنل هادلستون را برایم فرستاد.

در نامه مذکور حضرت اشرف فرمودند که برای پرداخت این مبلغ هماهنگی‌هایی با بانک صورت گرفته است ولی از آنجا که ما در این باره هیچ دستورالعملی نداشتیم، مجبور شدیم که این درخواست را رد کنیم.

از این رو از حضرت اشرف استدعا داریم در اسرع وقت ممکن دستورالعمل خود را برایمان ارسال دارند.

با تقدیم احترامات عالیّه

رئیس بانک شاهنشاهی ایران

[۱۰۸۴۴-ن]



*The Imperial Bank of Persia.*

Teheran, le 28 Juillet, 1921.

No. 25.

Son Altesse

le Président du Conseil des Ministres,  
TEHRAN.

Altesse,

Son Excellence le Ministre d'Angleterre nous a envoyé par entremise de Monsieur le Colonel Huddleston une copie de Votre lettre au Ministre du 26 courant, No. 543B, en nous priant de payer au Colonel Huddleston la somme de Tomans 55,085.-

Dans Votre lettre précitée Votre Altesse dit que des arrangements ont été faits avec la Banque pour le paiement de cette somme, mais comme nous n'avions aucunes instructions à ce sujet nous étions obligés de le refuser.

Nous Vous prions donc de vouloir bien nous passer vos instructions aussitôt que possible, et Vous présentons, Altesse, assurance de notre plus haute considération.

*Handwritten mark*

*Handwritten signature*

*Handwritten mark*

*Handwritten mark*

## ۴

وزارت امور خارجه  
اداره تشریفات

نمره ۹۹۳۵/۹۶۹

مورخه ۴ اسد ۱۳۰۰

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

در جواب مرقومه محترمه مورخ ۲۷ سرطان ۱۳۰۰ نمره ۵۹۵۵ راجع به پیشنهاد ژنرال [ادموند] آیرنساید خاطر مبارک حضرت اشرف را مستحضر می‌دارد که در تاریخ ۱۸ حوت موافق صورتی که به وزارت امور خارجه رسیده بود فهرست و فرمان ده قطعه نشان شیر و خورشید از درجات مختلف درباره صاحب‌منصبان انگلیسی که ژنرال آیرنساید و این دو شخص که مرقوم فرموده‌اند جزو آنها بوده که نشان درجه اول شیر و خورشید با حمایل سبز برای ژنرال و نشان درجه چهارم در حق این دو نفر صادر و به حضور مقدس ملوکانه تقدیم داشته بودند. چون اخیراً برحسب امر و اراده سنیه همایونی کلیه فرامین و نامه‌جاتی که در کابینه سابق صادر شده بود برای تجدید اعاده فرموده بودند و این فرامین هم جزو آنها بوده لهذا اتمام و ارسال آنها تاکنون به عهده تعویق افتاده است. اینک فرامین را تجدید و به ضمیمه فهرست آنها تقدیم می‌دارد که پس از ملاحظه و مهر قدغن فرمایید که زودتر برای صح همایونی تقدیم دارند.

از طرف وزیر امور خارجه |

|مهر وزارت خارجه|

[۴۵۶۳ ن]





وزارت امور خارجه

اداره برت دانه

مورخه ۲۴ به ۱۳۰۵

نمره ۱۶۹، ۱۹۳

ضمیمه

تجدید تسلیحات

در جواب مرقوم محترم مورخه ۲۷ سرطان ۱۳۰۵

مبارک حضرت آرف دستخبر سعادت در تاریخ ۱۸ محرم ۱۳۰۵

وزارت در برقیه رسالت دولت در تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۰۵

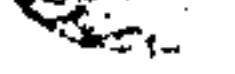
مستحصلان کتبی در تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۰۵

تجدید تسلیحات در تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۰۵

در تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۰۵

وزارت در برقیه رسالت دولت در تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۰۵

مستحصلان کتبی در تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۰۵



## ۵

## سفارت انگلیس تهران

۱۷ اسد ۱۳۰۰

جناب اشرف ارفع آقای قوام السلطنه رئیس الوزراء دامت شوکته العالی شرف [افتخار] دارم خاطر جناب اشرف را مراجعه دهم به یادداشتی که در تاریخ ۸ سرطان - ۲۹ ژوئن - مرقوم فرموده‌اند. در جمله آخری یادداشت مزبور اظهار فرموده بودند که دولت علیه خیال دارند صاحب‌منصبانی که در این اواخر در خدمت دیویزیون قزاق بوده‌اند نشان اعطا فرمایند.

اینک برای تصدیق جناب اشرف صورت اسامی صاحب‌منصبان مزبور و درجات نشان که به نظر دوستدار مناسب هر یک از آنها می‌باشد ارسال می‌شود. در صورتی که صورت مزبور را تصدیق فرمایند فوراً به دولت انگلستان مراجعه خواهم نمود که برای صاحب‌منصبان مزبور از اعلیحضرت پادشاه اجازه تحصیل نمایند که نشانها را قبول کنند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

[ن ۴۵۶۷]

## ۶

فهرست اسامی افسران انگلیسی شاغل در دیویزیون قزاق ایران که برای اخذ نشان «درجه شیر و خورشید» معرفی شده‌اند:

سرهنگ دوم اچ. اسمیت افسر مخابرات لشکر هنگ چشایر  
سرهنگ دوم اچ. هادلستون رسته بهداری افسر مخابرات لشکر، دارنده نشان سنت  
میشل و سنت جورج هنگ دورست

افسرانی که برای اخذ نشان درجه سه شیر و خورشید معرفی شده‌اند:

سروان ال.ئی. اچ. جاکینز هنگ یورک و لنکاشایر  
سروان جی. وی. مکارتینی رسته بهداری هنگ لینستر  
سروان تی. پی. الدورث گردان درجه سه، دارنده نشان، افسر مخابرات لشکر امپراتوری  
بریتانیا  
هنگ رویال وست کنت

سروان جی. آر. فریر  
 سروان دبلیو. آی. پی. پیکاک رسته تیربار، رسته بهداری  
 سروان ای. ال. رورک مهندسان سلطنتی، رسته بهداری  
 سروان ال. اس. ایلینگ ورث، دارنده نشان امپراتوری بریتانیا، رسته بهداری هنگ  
 منچستر  
 سروان ال. پی. روکوئنت، توپخانه هند، بخش کوهستان  
 سروان جی. دبلیو. دین توپخانه رویال فیلد  
 سروان اچ. اف. کنولی General list عضو طریقت امپراتوری بریتانیا  
 ستوان دی. اچ. تی. پراکتور هنگ یورک و لنکاشایر  
 ستوان ای. ال. نورمن هنگ نورتنز  
 ستوان جی. سی. ماوهود، سواره نظام پیشاهنگ، اداره اطلاعات  
 ستوان کی. والتون، رسته بهداری، تفنگداران لنکشایر

|۴۵۶۸|

۷

مجلس اعیان

لندن

۵ دسامبر ۱۹۷۳

عالیجناب اسدالله علم

فی الواقع، سعادت بزرگی بود که افتخار دیدار باشما و سخن از روزگاران گذشته دست داد. امیدوارم که شما و سرشاپور [رپورتر] چکیده‌های مناسبی از مکاتبات پدرم<sup>۱</sup> و پدر سرشاپور<sup>۲</sup> را به مناسبت پنجاهمین سالگرد حکومت خاندان پهلوی یافته و جمع‌آوری کنید. من نیز به نوبه خود خوشحال خواهم شد که از طرق ممکنه به شما در این خصوص کمک کنم. حقیقتی که در اینجا رخ می‌نماید این است که یک بار دیگر در تاریخ کهن ایران زمین یک فرد ایرانی میهن‌پرست قیام کرده است تا میهن خود را از خطرات حفظ کند. رضاشاه کبیر، چنین مردی بود و من به خاطر همکاری پدرم با چنین

۱. ژنرال ادmond ایرونساید ۲. اردشیر جی

چهره برجسته‌ای افتخار می‌کنم. امیدوارم یک بار دیگر شما را در انگلستان یا تهران ببینم. از مهربانی و مهمان‌نوازی شما بسیار سپاسگزارم.

ارادتمند، بارون آیرونساید دوّم  
آرخانگل و آیرونساید

[۳۱-۹۸-۱۲۹ الف]

## ۸

### وزارت جنگ

نمره ۵۲۸۴

پیشنهاد وزارت جنگ [رضاخان] به ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیداه ارکانه افتتاح مجلس مقدس شورای ملی<sup>۱</sup> را که یکی از آمال دیرینه اینجانب بوده و بدو به خود تبریک می‌گویم و بعد به عموم هموطنان خود و حقیقتاً از اظهار هرگونه شادمانی و شغف قلبی خودداری نمی‌کنم که در پایان دوره‌های فترت و موانع بی‌شمار و مشکلات گوناگونی که عمداً یا سهواً بر ضد اجتماع نمایندگان و عدم افتتاح مجلس شورای ملت حتی در بعضی از محافل رسمی صورت تمرکز به خود گرفته بود امروز خود را با جلسات رسمی و افتتاح قطعی آن مصادف می‌بینم و تصادف می‌نمایم با مقدس‌ترین محفل ملی و تجمع منتخبین و برگزیدگانی که البته از طبقات حساسه منورالفکر ملت و مملکت انتخاب گشته و خود را برای حفظ استقلال و صیانت موقعیت مملکت آماده و مهیا داشته‌اند.

صرف نظر از آثار دوره‌های فترت که عدم تجمع و کلاً را متدرجاً در اذهان ساده لوحان جزو طبیعت ثانوی قرار داده و موانعی نیز که اخیراً با وجود حضور وکلای محترم در مرکز باز راجع به عدم افتتاح پارلمان ایجاد و احداث شده بود خوشبختانه اضمحلال و افناء موانع اخیره را خداوند به دست من مقرر فرمود مرا مجاز می‌دارد که از تصادف با پیشگاه مجلس ملی بالمضاعف اظهار انبساط و شادکامی نمایم.

آری برای من، برای یک سربازی که در زیر لوای شیر و خورشید جای گزیده و حقیقت و عظمت آن پرچم ملی را سرلوحه دفتر وجود و هستی خود قرار داده است، برای یک عنصری که فقط به ملیت خود تکیه کرده و هیچ آرزویی جز خدمت به مملکت ندارد و «برای یک نفر سربازی که خود را هم برای مملکت می‌خواهد» و جز افکار

۱. منظور مجلس چهارم است که در تاریخ اول تیر ماه ۱۳۰۰ افتتاح شد.

صلحاء قوم و روح ملیت و ایرانیّت پشتیبانی دیگر برای خود سراغ ندارد و نخواهد داشت جای بسی خوشوقتی است که خود را مواجه ببیند با مرکزی که افکار تمام ملت در آنجا حاضر و ناظر اعمال عموم است. البته افتتاح پارلمان و وجود مجلس برای هر فردی که مختصر علاقه‌ای به استقلال مملکت دارد جای مسرت و خوشوقتی است و هیچ صاحب‌نظری از اظهار این خوشوقتی خودداری نمی‌نماید. و از آرزوهای شخصی اینجانب بود که یک هیئت دولتی بانهایت صمیمیت در پیشگاه پارلمان عرض وجود کرده به افکار نمایندگان محترم ملت تکیه داده مجلس را پشتیبان خود و خود را یگانه مجری صمیمی صدیق افکار ملت معرفی نماید تا این دو قوه بزرگ و این دو عامل مؤثر بدون تزلزل خاطر صمیمانه دست معنویت به خود داده آخرین تکالیف خود را در حفظ استقلال مملکت و دوام آسایش اهالی و ترقی و تعالی آنها عملاً به موقع اجرا بگذارند و در این موقع نیز که مقدمات امر فراهم و صمیمیت دولت در حفظ اساس شوروی و استحکام بنیان مجلس عملاً مشهود است البته برای من که تا یک درجه به آمال دیرینه خود نایل آمده‌ام بیشتر از حد معمول جای خوشوقتی است.

اما چون دنیای قرن بیستم همان قرنی که فقط سعی و عمل را قائل ترقی بشریت قرار داده است دیگر به ما اجازه نخواهد داد که در مقابل سعی و عمل و جهد و کوشش دیگران فقط به مبادله الفاظ و کلمات مجوّف که مدارج آن نه در پیشرفت مقاصد عالیّه اثری دارد و نه به قدر خردلی می‌تواند مملکت تاریخی ما را در انظار دیگران به حشمت و عظمت سابقه خود معرفی نماید پردازیم این است که با کمال تأسف و اجبار حق را باید گفت و حقیقت را مستور نداشت. باید با همان نظری که از خارج به ما نظاره می‌کنند متأثر گشته و از سرحدّ حرف و الفاظ تجاوز کنیم و جداً وارد سعی و عمل گردیم.

افتتاح مجلس شورای ملی برای تمام طبقات مملکت متبرک و میمون و بهترین ثمره‌ای است که از نهال مشروطیت عاید مملکت و ملت می‌گردد. تجمع نمایندگان ملت در مجلس و مداخله عموم ملت در حفظ مملکت و مبادله آراء تمام طبقات در ترقی و تعالی وطن یکی از قضایائی است که می‌تواند یک ملتی را به شاهراه آیدال [آیده‌آل] - کمال مطلوب - خود سوق نماید اما تقدس مجلس و تقدیس وکلای محترم و ورود در شاهراه آیدال از لحظه‌ای [ای] شروع خواهد شد که وکلای محترم و نمایندگان افکار ملت بدون دغدغه خاطر و تزلزل فکر بدواً اهمیت افکار یک ملتی که نمایندگی آن بر عهده آنهاست کاملاً منظور نظر داشته سپس حالت خستگی و فرسودگی و پریشان روزگاری عامه را نیز مطمح نظر قرار داده و وارد گردند به آن مرحله‌ای [ای] که حقیقت فکر و وجدان توأمأً برای آنها مقرر کرده است.

آقایان محترم، از دیرزمانی است که من کمر خدمت به این آب و خاک و این مملکت را بسته و وظایف سربازی خود را در هر مورد و هر میدانی اجرا کرده‌ام و از دیرزمانی است که در ضمن مسافرتها و مأموریت‌های مختلفه در اطراف و زوایای مملکت ناله ملهوفین و استغاثه مظلومین را به واسطه عدم امنیت و مظالم مأمورین اصفا کرده و روز به روز بر استغاثه‌های آنها و فجایع مأمورین افزوده شده است.

آن عائله‌های فقیری که سر اطفال بی‌گناه خود را روی خشت گذارده و از دود آه خود هوای ایران را تاریک و مکدر ساخته‌اند و هیچ انعکاسی ناله گلوگیر آنها را مکرراً تکرار نکرده است باید در فضای پارلمان منعکس گشته و زیاد بر این خاطر نمایندگان ملت را متأثر سازد.

آقایان نمایندگان محترم، دولتی که این جانب هم شریک در مسئولیت آنها بودم با تصادف هرگونه محذور [محدور] و موانع بالاخره موفق به افتتاح پارلمان گشته و می‌روند که مقدرات مملکت را از هر حیث به دست نمایندگان ملت تفویض نمایند ولی در اظهار این حقیقت تلخ نباید خودداری کرده که با آنکه مدتی است از افتتاح مجلس مقدس گذشته، با وجود پیشامدهای خطیر و اغتشاشاتی که هر آن و هر ساعت یکی از زوایای مملکت را شدیداً تهدید می‌نماید و با آنکه مقتضی بود در اولین دقیقه فرصت آراء نمایندگان ملت صرف معضلات مملکتی و گزارشات غیر مترقبه گردیده و تا هر درجه که میسر و مقدور است در تمام شبانه‌روز آسایش را بر خود حرام کرده و چاره‌ای [ای] برای موکلین مستغیث خود بیندیشند با کمال تأسف مذاکرات پارلمانی به یک نوع منازعات و مشاجرات شخصی بیشتر شباهت داشته است تا به آن مواد و فصولی که روح قانون و حقیقت وجدان و مسئولیت برای نمایندگان محترم مقرر فرموده است.

آنچه را که دیگران در کتب و السنه خود در مورد ما می‌گویند و می‌نویسند نباید شیوه تجاهل را شعار خود ساخته عامداً و عالماً راه تغافل بیماییم و به این حقیقت تلخ مجبور از اعتراف هستیم که تغافل و تجاهل ما وسیله تغییر عقیده دیگران نخواهد شد و یک مراجعه مختصر به مندرجات جراید پایتخت کافی تواند بود که در قسمت مذاکرات پارلمانی حقیقت اقوال سایرین را راجع به منازعات انفرادی اقرار و اعتراف نماییم. ستونهای جراید را از بدو افتتاح پارلمان تا امروز اگر عمیقاً مطمح نظر قرار داده و حل قضایای پارلمانی را به محکمه وجدان و فکر محول داریم خیلی مشکل است که در مقابل وجدان و فکر عموم خجل و سرافکننده نگذریم. تقدس عقاید احزاب و فرق پارلمانی تا زمانی مشکور علیه عامه است که بر روی مبانی جمعیت و حقیقت اجتماع استوار و مستحکم گشته و از مشاجرات انفرادی عاری و برحذر باشند والا آن عقیده که

صراط‌المستقیم خود را فراموش کرده و به مباحثات شخصی قناعت ورزد سرمشقی است که از مرکز قانون مستقیماً برای تولید هرج و مرج به تمام اطراف و نواحی مملکت اعطا و اهدا گردیده است. آری، از ذکر حقیقت نباید خودداری کرد و حق را در هر مورد و مقامی که باشد باید گفت. مدتی است از افتتاح مجلس می‌گذرد و تمام نمایندگان محترم مستقیماً استنباط و احساس فرموده‌اند که مملکت من غیرمستقیم داخل در مراحل جنگ و فرونت [جبهه] های عریض و طویلی است که هر روز در تحت یک عنوان برای وزارت جنگ باز می‌شود و هر آن به یک شکلی بر بدبختیهای مملکت افزوده می‌گردد؛ ولی از بدو افتتاح پارلمان تا امروز هنوز هیچ یک از نمایندگان محترم نخواسته‌اند یا مجال و فرصت آن را نکرده‌اند که این عظیم‌ترین قضایای مملکتی را مطرح شور و مشورت خود قرار داده و مختصر مرهمی بر پیکر مجروح مملکت بگذارند و هیچ کس زحمت این مختصر تفکر را به خود نداده است که این مونیسیون [سلاحها، مهمات] و گلوله [ها] و مهماتی که شبانه‌روز مثل تگرگ بر فرق متمرّدین و متجاسران] و دشمن در اضلاع و زوایای مملکت می‌بارد از کجا می‌آید؟ و بزرگترین ذخایر نظام آیا تا چه زمان این پریشانیها را تکافو خواهد کرد؟ آیا برای یک نفر که جان خود را برای حفظ نظام مملکت در دست گرفته و به هر سمت و هر جانب منعطف و معطوف است تا چه مدت مقدور است که با خون دل از هر ضلعی به کسب مهمات و ذخایر پردازد؟

من از ذکر این بیانات اظهار عجز و مسکنت نمی‌کنم. من فقط از سَخَط خداوندی و انتقام وجدان خائف هستم و به اعداد بی‌شمار متمرّد و متجاسر و خیانتکار واقعی نخواهم گذاشت.

من یک سربازی هستم که به فضل خداوند و به پشتیبانی و عظمت مقام اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری ارواحنا فداه و شمشیر ملت تکیه کرده و به اُبّهت مقام ملیت و ایرانیت خویش دلگرم و امیدوارم و مطمئن به مظفریت خود هستم زیرا فکر و وجدان توأماً قائد و راهنمای من است؛ ولی نمایندگان محترم را نیز مقتضی بود که در ضمن مباحث انفرادی لحظه [ای] موقعیت مرکز را در مقابل مملکت و موقعیت مملکت را در مقابل عالم به میزان سنجش بگذارند.

آقایان محترم و برگزیدگان ملت و مملکت، تقریباً هفت سال است که قضایای گیلان و فتنه جنگل راه هرگونه اغتشاش و ماجراجویی را برای ماجراجویان مملکت باز نموده و در پایان اقدامات سطحی که سابقاً در مورد آنها اعمال می‌شد امروز هزارها نفر قشون دولت در برابر آنها و سایر فروتنها ایستاده و با یک دیسپلین فوق‌العاده و استحکامات

غیرمنتظره بسط هرگونه بوالهوسی ابلهوسی را به روی آنها مسدود نموده ابدأ به آنها و امثال آنها اجازه نخواهند داد که دامنه هوس و تمرد خود را برطبق آمال دیرینه خود وسعت و اتساع بدهند هرچند که در مقابل اراده دولت هرگونه طریقی برای بسط خودسری و تمرد مسدود است اما تجمع هزارها نفر قشون در مقابل آنها باز مستلزم مخارج و صرف مهماتی است که امروز مملکت طاقت تحمل آن را ندارد. آیا تا چه وقت و تا کی عده زیادی از قشون دولت باید در مقابل جمعی متمرّد و متجاسر به حالت معطله باقی بمانند؟ و هر روز مبلغ معتابهی پول و ذخیره دولت به مصرف آنها برسد؟ آیا تا کی نمایندگان ملت با نظر ساده و بی‌اعتنایی به این قضایا خواهند نگریست؟ و بالاخره چه وقت باید وزارت جنگ تکلیف خود را با متمرّدین یکسره نماید؟ اگر آنها دشمنانی هستند خارجی که بر ضد مملکت اقدام کرده و هر روز مملکت را به یک بدبختی جدیدی سوق می‌دهند باید نمایندگان ملت قطعاً مطلب [را] تفکیک و متمایز نمایند تا تکلیف مملکت معلوم باشد و اگر بر عکس، چنانکه مشهود است، اینها یک عده فضول ایرانی هستند که از روی خودسری و خفتِ عقل راه بوالهوسی را پیموده و بر ضدّ مرکزیت و استقلال وطن قیام و عصیان کرده‌اند باز لازم است که نمایندگان محترم قضیه را تفکیک نمایند تا وزارت جنگ وظایف خود را دربارهٔ آنها بالمرّه اعمال نماید و این تارهای عنکبوتی را یکسره پاره کند.

همین حال را دارد فتنه خراسان که از چندی به این طرف شعله‌ور گشته و در تحت خودسری یک نفر جوان مختلف‌اللون نانجیب، مزاحم اهالی آن سامان شده‌اند. چنانکه تذکر داده شده، باز هم مطمئناً به پیشگاه مجلس مقدس خاطر نشان می‌نمایم که دولت به این سبک مغزیها اهمیتی نخواهد داد و هر آن مجلس شورای [ملی] مطلب را تفکیک و رأی قطعی خود را اظهار نماید بلا تردید در فاصله نزدیکی به این خودسریها خاتمه خواهد داد؛ ولی افسوس و هزار افسوس که اولاً اغلب از نمایندگان محترم مجال تصفیه رؤس قضایای مهمه مملکتی را نمی‌فرمایند و از آن گذشته مطلبی که باید از تمام قضایا زودتر تسویه شود تصفیه قضایای مرکز است که تمام وقایع جنگل و حدود شمال و خراسان و آذربایجان و غیره از متفرّعات آنهاست.

تهران است که موجد اغتشاش در نواحی شمال و غیره شده و شعله انقلاب را از هر طرف دامن می‌زند، تهران است که روابط خود را با جنگل و غیرجنگل مستحکم کرده من غیرمستقیم بر ضد مرکزیت مملکت اقدامات نموده در پیشگاه هر فتنه‌جوی غوغاطلبی واسطه‌تراشی کرده‌اند، منفعت‌طلبی ماجراجویان مرکز است که راه بهانه را به دست مفسده‌طلبان ایالات داده و هر روزه مملکت را به یک پرتگاه عمیق‌تری سوق



می دهند، این حس ماجراجویی در دسته جات مختلفه مرکز نموّ نموده و نفهمیده به تجزیه مملکت مبادرت می ورزند بلکه در اغلب هیئت دولتهای سابق هم رسوخ خود را از دست نداده از ابراز هر مفسده و فجایعی فروگذار نکردند و غالباً در دماغ طبقات ممتازه مرکز بود که این حس تجزیه و تقسیم یا منفعت طلبی شخصی احداث گشته علی الظاهر خود را طرفدار مرکزیت مملکت معرفی و در باطن سریعترین خط تجزیه را سیر می کردند. راپورتهای واصله به وزارت جنگ تمام حاکی است که منشأ فساد و منبع فتنه در مرکز و از مرکز است که دستور غوغا طلبی به فتنه جویان ولایات صادر می گردد. آیا ممکن است که قضایای مرکز نیز خاطر نمایندگان محترم را متأثر ساخته از روی حقیقت وجدان و حقیقت نمایندگی به این مسائل مهمه و معضلات امور تدقیقاً تکلیف مملکت را در مقابل مرکز و تکلیف مرکز را نیز در مقابل مملکت معلوم و مشخص فرمایند!؟

آقایان، قشون دولت امروز پایه اش از روی موهومات تجاوز کرده در مرکز و در تمام فروتتها و در تمام ایالات و ولایات با یک انتظام بی نظیری مشغول اجرای وظیفه هستند و سر و جان خود را از روی اشتیاق روحانی نه از روی عنف و اجبار به دست گرفته و در راه انتظام مملکت صرف می نماید. دیر زمانی است که مملکت محتاج به امنیت و عدالت است و این جاده های پست و بلند باید توسط قشون صاف گردد.

اما همان اندازه که مبانی این قشون از توهمات سابق خارج گشته و دیگر عبارت از سطور مجوفی نیست که در دفاتر دولت مدفون باشد به همان اندازه مصارف آنها نیز باید دقت و کلاهی محترم را به طرف خود جلب نماید آیا تاکی و تا چه وقت دست دولت برای مشتئی پول به جانب غیرایرانی دراز شده و هر روز تضییقات فوق العاده تری عاید دولت و مملکت خواهد گردید؟ و کلاهی محترم برای تعدیل این موضوع چه چاره اندیشیده اند؟ و در حالتی که امنیت مملکت را مربوط به قشون و وجود قشون را نیز خوشبختانه انکار نتوانند کرد از بدو افتتاح پارلمان تا امروز چه راه حلی به خاطر آنها خطور نموده و چه محلی را برای معاش یومیّه قشون تخصیص فرموده اند؟

مطلب دیگری که در درجه اول از اهمیت واقع خواهد گردید عمل مونیسیون و مهمات و ذخایر قشونی است که من نمی خواهم بگویم تاکی و تا چه زمان در مقابل شداید و انقلابات مقاومت خواهم کرد ولی مملکتی که هیچ کارخانه ای از خود ندارد، مملکتی که حتی یک دانه فشنگ را باید از خارج تهیه و خریداری کند فرضاً که دارای ملیونها [میلیونها] مهمات هم باشد باز چون منبع عایدی مستقیمی ندارد ناچار یک روزی تمام خواهد شد و تولید زحمت برای مملکت خواهد نمود.

یکی از مسائلی که علت العلل بدبختی دوره‌های اخیر مملکت واقع گشته عدم مآل‌اندیشی و پیش‌بینی کابینه‌ها و وزرا و نمایندگان سابق بوده که همیشه سیاست روزمره را اتخاذ و تا زمانی که دچار شدیدترین موقع اضطراب نشده‌اند هرگز به فکر چاره‌جویی نیامده موقعی احساس احتیاج در خود کرده‌اند که مرور روزگار فرصت و موقع را از کف آنها ربوده است و متأسفانه قسمت عمده قضایای معضله و مشکلات متراکمه به واسطه فقدان همین حس مآل‌اندیشی بوده که بالاخره مزاج مملکت را مسموم کرده است. اما امروز که بحمدالله با وجود تشکیل دولت فعال صمیمی و وجود مجلس مقدس شورای ملی و حضور نمایندگان محترم و صمیمیتی که از هر حیث و هر جهت بین دولت و ملت مشهود است اینجانب از موقع استفاده کرده با کمال عجله و فوریت خاطر نمایندگان محترم را به انجام رؤس پیشنهادی خود معطوف و آرزو می‌نمایم که در این موقعی که وزارت جنگ می‌خواهد به پلتیک [پلیتیک] روزمره خاتمه دهد نمایندگان محترم نیز غفلت نفرموده هر قدر زودتر ممکن است موجبات تسهیل جریان امر را فراهم فرمایند. چنانکه عرض کردم یکی از آرزوهای دیرینه من بود که یک هیئت دولت فعال صمیمی در پیشگاه پارلمان معرفی گشته به افکار ملت و نمایندگان محترم تکیه داده هر موانع [مانع] و محظوری [محذوری] را از مقابل مملکت دور [کنند] و در مقابل هر پیشامدی مستحکم و استوار بنشینند و به بازوی سعی و عمل تکیه کنند؛ اما چون حقایق را نباید کتمان کرد صریحاً می‌گویم که با وجود این لاقیدی و بی‌اعتنایی عمیقی که صفحه مرکز مملکت را احاطه کرده و مسائلی که از نقطه نظر افراد قائم مقام مباحث اجتماعی شده است و عدم توجهی که از موارد مربوطه به حل قضایای مملکتی مشاهده می‌گردد و احساس منفعت‌طلبی و خودپرستی که در کانون دماغ بعضیها احداث و ایجاد گشته و حتی حاضر می‌شوند که از مقام غیرنمایندگی ملت به فجایع جنحه و جنایات [جنایت] تنزل نمایند مرا به قبول و اظهار این حقیقت تلخ مجبور می‌نمایم که مسائل مملکتی با این سیره و اسلوب اصلاح نخواهد شد و با این پیکره دو تیره، برخلاف انتظار، هر روز به تمدید مشکلات مملکتی افزوده خواهد گردید. من به شرف ملیت و ایرانیت خود سوگند یاد می‌کنم و شمشیر خود و لوای مقدس شیر و خورشید را نیز شاهد می‌گیرم که جز به خیر ایران و نجات ایران و عظمت از دست رفته ایران علاقه دیگری ندارم، با هیچ‌کس قصد و غرض شخصی و حب و بغض شخصی و مباحثه و مشاجره شخصی ندارم، همه کس و همه چیز و حتی خود را هم برای ایران می‌خواهم. آرزویی جز این ندارم که اجنبیان حس احترام خود را در مقابل اوراق برجسته تاریخ وطن عزیز من

فراموش نکنند. به ایرانی اظهار امیدواری می‌کنم که دست نامحرم را - هر که می‌خواهد باشد - از بدن خود دور کرده به پای خود بایستد و به بازوی توانای خود تکیه کند. معلومات قرون اخیر که به دنیای متمدن تغییر قیافه و شکل داده است باید در کمال آزادی در وطن عزیز من هم جریان خود را شروع نماید.

خس و خاشاکهایی که مانع نمو قومیت ما هستند باید از میان بروند. هر کس به هر عنوان بر ضد مملکت و وطن قیام و اقدام می‌نماید باید بمیرد و معدوم گردد. جسد ایرانی در زیر بار منفعت طلبان دزد و سیاست مآبان مجوّف و مأمورین غارتگر خورد [خُرد] و فرسوده شد. شداید یغماگران چپاولچی - در هر لباسی می‌خواهند باشند - برای نوع ایرانی غیر قابل تحمل واقع گشته است. آن یاوه‌گوییانی که هر روز غم ملت را خورده و هر شب کیسه خود را مملوّ ساختند باید بعدها ارتزاق خود را از دسترنج خود فراهم نمایند. به خدای متعال و به مناظر دلگشای ایران قسم می‌خورم که از تمام این اظهارات و از تمام این بیانات و کلمات هرگز منفعت شخصی را منظور نظر نداشته قصد و منظوری ندارم مگر استخلاص نوع و خلاصی وطن و مراجعه دادن ایرانیان به تاریخ گذشته خود، همان تاریخی که شجاعت و شهامت ادبی بنیان ادب و منطق و حکمت و فلسفه راستی و درستی و صدق و صفا، آقایی و بزرگی و ترقی و تعالی در ضمن صفحات و اوراق آن سطر به سطر ملحوظ و مدّون است، همان تاریخی که به عظمت شاهنشاهی و علوّ کبریایی و مجد و شرف آن تمام نام‌آوران روزگار مجبور در [به] تعظیم و اطاعت بوده‌اند، آن قبه بارگاهی که سالها و سالیان دراز بر فراز کنگره‌های جهانداران عالم نصب‌العین بود باز باید حقیقت حشمت و عظمت خود را در بحبوحه تمدن قرن بیستم ثابت و پایدار بدارد. باید این بی‌حسیها و لاقیدی و بی‌اعتنائیهایی که آسمان ایران را تیره و تار کرده یکسره خاتمه یابند.

در کنام شیران و مکمن دلیران به طور پستی و دنائت زندگانی کردن و تمام مملکت را به جرم بی‌قیدی و بی‌حسی مضمحل خواستن و سعادت نوع را فدای منفعت شخصی کردن در پیشگاه بشریت اثبات عدم رشد نمودن و خاک در دیده مملکت انباشتن است. بالاخره چون بنیان مملکت به مویی آویخته و بلافاصله باید حرف و الفاظ را کنار گذارده و وارد در مرحله عمل گردید به ناچار انجام تسویه رؤس مطالبی که مذکور افتاد و نکاتی که در لوایح دیگر پیشنهاد خواهم کرد جداً تقاضا می‌نمایم. و از آنجایی که به حیات روزمره قطعاً باید خاتمه داده شود هرگاه باز مانند دوره‌های سابق تمام اعمال و نیات در ضمن قیام و قعود روزانه از صحنه حرف و لفظ تجاوز نمایند و عملاً

آقایان وکلای محترم وارد در مرحله سعی و کوشش نشوند با انتظاراتی که ملت و مملکت از مجلس و دولت دارند در فاصله نزدیک شروع و آغاز نگردد این جانب هم لاعلاج مسئولیتی را که دولت متبوع و روح ایرانیت بر عهده‌ام مفوض داشته است ترک خواهم گفت و سپس حل قضایا را به محکمه انتقام ملت واگذار خواهم نمود. تکلیف قطعی خود را در عالم نشو و ارتقا دانسته بروند به آن راهی که خدای ایران و حقیقت عدل و داد برای آنها سزاوار دانسته است.

[۱۱۱ تا ۹۷-ق]

## ۹

### دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی

سواد تلگراف رمز حضرت اشرف

نمره ۱۰۲۳

تاریخ ۲۷ قوس

آقای سرهنگ بصیر دیوان<sup>۱</sup>

با مفتاح رئیس اردو کشف شود.

تبریک درجه سرتیپی شما را می‌گویم و منتظرم با حسن ظنی که به لیاقت و کفایت شما دارم کشف اسلحه مخفی شده در جنگل را به نوبه خود شما نیز به من تبریک بگویید.

وزیر جنگ و رئیس دیویزیون قزاق، رضا

سواد مطابق اصل است.

[۸-۳۲۳-۱۱۴ ز]

۱. فضل‌الله زاهدی ملقب به بصیردیوان پس از کودتای ۱۲۹۹ درجه سرتیپی گرفت و در جنگ با اسماعیل آقا سمیتقو و فتح قلعه چهریق رشادت زیادی به خرج داد و به دریاقت نشان ذوالفقار، که عالیترین نشان جنگی در آن تاریخ بود، نائل شد. پس از ورود سردار سپه به اهواز، سرتیپ زاهدی فرماندار نظامی خوزستان شد و پس از چندی شیخ خزعل را دستگیر کرد و به تهران فرستاد. بعد به فرماندهی تیپ شمال منصوب شد و خلع سلاح عشایر را در مازندران و گیلان شروع کرد. وی همچنین از مهردهای معروف کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به شمار می‌رود (ر.ک: باقر عاقلی، نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۰، ص ۸۱۴).



د بوزبون  
قزاقم اعلیحضرت پهلوی  
سواد کلوت در حضرت ارف  
کلوخ ۲۷ قتر  
لرم ۱۲۱۱

آرک بصره

بفتح ابراهیم کف نو ترک در بر آتی شاد ایام و منظم با نطنی  
بوقت و کفیت شاد ارم کف ایام کفیت در حکم را بنویس خوشتر  
ترک بزرگ ۱۰۲۳ در حد و در درین اوق رضا

تهدیه ای است  
برای  
آرک بصره

## ۱۰

## وزارت جنگ

## اداره کابینه

نمره ۵۶۱۸

تاریخ ۱۵ برج میزان ۱۳۰۰

آقای کلنل علیخان رئیس اتا ماژور [استاد] کل ژاندارمری

در تعقیب مراسله نمره ۵۶۱۹ که به اداره ژاندارمری نوشته‌ام به موجب این ورقه جداگانه به شما هم امر می‌دهم که باید فوراً برای سرکشی و تنظیمات ژاندارمهای خراسان و تعیین یک نفر رئیس از صاحب‌منصبان آن اداره برای آن قسمت به صوب مشهد حرکت کرده مطابق دستوری که شفاهاً نیز به شما داده شده است موجبات انتظام ژاندارمری خراسان را عموماً فراهم کرده راپرت اقدامات و عملیات خود را برای من ارسال دارید و پس از انجام ماموریت مرجوعه و تکمیل انتظامات مترتبه ژاندارمری خراسان با حصول اجازه من معاودت به مرکز نمایید.<sup>۱</sup>

[امضا] رضا

[مهر] وزارت جنگ

[۲-۱-۲۲۶-م]

## ۱۱

## وزارت جنگ

## اداره کابینه

نمره ۱۰۲۴۵

مقام منبع ریاست وزرای عظام، دامت شوکته [مشیرالدوله]

چون مراتب کفایت و سوابق خدمات رضاخان سرتیپ مستلزم بذل توجه و التفات از

۱. کلنل محمد تقی خان پسیان در تاریخ دهم مهر ماه سال ۱۳۰۰ در اولین برخورد نظامی شکست خورد و با اسلحه خود را از پا در آورد. تاریخ این سند به فاصله پنج روز بعد از واقعه خراسان است.

[نمره ۱۸۷۳۱]

[۱۳۱ برج جدی ۱۳۰۰]

[اقوام السلطنه، ریاست الوزرا]

بر طبق راپورتی که به بنده رسیده است معادل مبلغ یکصد هزار تومان این دو روزه از تلگرافخانه انگلیس تحویل وزارت پست و تلگراف خواهد شد. و لزوماً خاطر انور را متذکر و پیشنهاد می نماید که مقرر فرمایید وجه مزبور را به مصرف ادارات نرسانیده و برای وزارت جنگ تخصیص بدهند.

[امضاء] رضا

[مهر] وزارت جنگ

[در حاشیه]

فوری به عرض می رسد. ۱۰/۳

[مهر] ورود به کابینه ریاست وزرا نمره ۱۵۴۷

به تاریخ ۱۶ جدی ۱۳۰۰

[۱۳۲۴-۸]

## The American High School

مدرسه عالی امریکایی در تهران

مورخهٔ یوم پنجشنبه ۲۵ دلو ۱۳۰۲  
 حضور محترم بندگان حضرت اشرف سردار سپه رئیس الوزراء دامت شوکته العالی  
 باکمال احترام دقت حضرت اشرف را به مطالب ذیل متوجه می‌دارد: البته  
 حضرت اشرف بیش از همه مستحضرنند که اغلب فساد اخلاق جامعه ناشی از  
 بیکاری است یعنی جوانان پس از فراغت از مشاغل یومیه به واسطهٔ  
 نداشتن مشغولیات و محل مناسبی برای ملاقات یکدیگر و قرائت کتب  
 علمیّه و روزنامهجات و مجلات و داشتن بازیهای فوتبال و تنیس و غیره اغلب  
 اوقات گرانبهای خود را صرف لهو و لعب و اباطیل می‌نمایند که بالنتیجه باعث  
 فساد اخلاق جامعه می‌گردد. اولیاء مدرسه عالی امریکایی در تهران مضمّم‌اند  
 برای رفع این نقیصه، مجمعی به نام مجمع جوانان ایران در خیابان لاله‌زار در



محلی که سابقاً بلوار ایران بوده تأسیس نمایند. این مجمع به همت دیپلمه‌های مدرسه عالی امریکایی و جمع‌آوری اعانات و تحت نظر یک نفر معلم ورزش امریکایی، مستر شرک نام، اداره می‌گردد. مقصود از افتتاح این مجمع اشاعه علوم و معارف و مخصوصاً تهذیب اخلاق جوانان ایرانی است.

مراسم افتتاح این مجمع در یوم جمعه سیم حوت ۱۳۰۲ مطابق ۲۲ فوریه ۱۹۲۴ اجرا می‌گردد. چون حضرت اشرف مروج تهذیب اخلاق محیط هستند لذا مستر شرک رئیس مجمع و اینجانب رئیس مدرسه عالی امریکایی بی‌اندازه مایلیم که به درک شرف ملاقات حضرت اشرف موفق و مفتخر گردیم و شفاهاً با حضرت اشرف در این خصوص شور و صلاح نموده [کنیم]، و نظریات آن وجود محترم را اصغاء و استماع نمائیم. لذا با کمال احترام خواهشمند است وقتی را برای این مقصود تعیین فرمایید که این جانب به معیت رئیس مجمع برای ملاقات شرفیاب شویم که فوق‌العاده باعث امتنانات قلبیه خواهد شد. خاتماً مراتب احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.<sup>۱</sup>

رئیس مدرسه عالی امریکایی، دکتر [ساموئل] جردن.

[۹۳۲۵ ن]

۱. گسیل داشتن مبلغان فرهنگی و اخلاقی و حتی مذهبی به کشورهای تحت سلطه به منظور ارائه چهره‌ای روشن و غیر واقعی از استعمار برای جذب اندیشه نخبگان فکری و سیاسی همواره پیش از ورود هیئتهای اقتصادی، سیاسی و نظامی صورت می‌پذیرفته است.

THE AMERICAN HIGH SCHOOL

مدرسه عالی آمریکائی در تهران

تاریخ مجید ۲۵ دلو ۱۳۰۲

تقدیرم به کمال تحف الشرف لایحه رسیده شیر الزرار و دالت شکره العالمی

بکمال احترام دقت تحف الشرف و مطالب ذیل را به بعد از التماس تحف الشرف شیر الزرار تقدیرم  
 انجمن فاد احقق جامعه دانش آموزان این جوانان شیر الزرار از من غیر درسیه که به خط ایشان  
 تخلیص و کمال تمایز به عقاید و عقاید کتب عقیده در روزهای مجتهدت و دالت شیر الزرار  
 فت بال و شیر غیر اغلب اوقات که اینها حرف می زدند و با اطمینان می نمودند و بالنتیجه باعث  
 فاد احقق جامعه می گردید. اولاً به رسیده عالی در تهران لایحه رسیده شیر الزرار این لایحه کتب  
 صحیح جوانان ایرانی در خیابان لاله زار در محله کهنه سابقاً بود و این لایحه تا شیر نماند. این لایحه کتب  
 مارسیه عالی در کمال بیجا بود در اعانات دلی نظر به نفی نعم و در شیر الزرار که در نام اداره  
 مقصد و کز اقصای این صحیح ارضاء علم و عارف مقصد ما تهذیب اخلاق جوانان است  
 مراسم اقصای این صحیح در یوم جمع ششم صبح ۱۳۰۲ مطابق ۲۳ ذریه ۱۹۲۳ اجراء می گردید  
 چون تحف الشرف ترجیح تهذیب اخلاق می داشت لذا شرکت شیر صحیح و این صحیح این  
 در رسیده عالی این لایحه به اندازه یادم به سبب کتب عقاید تحف الشرف لایحه رسیده شیر الزرار  
 در تمام اجزای تحف الشرف در این تقریر مورد و صلیح کتب و نظرات این لایحه رسیده شیر الزرار  
 نایم لذا کمال احترام خواهم نمود و حق را برابر این مقصد تعیین فرمائید و این صحیح  
 شیر صحیح به عقاید شیر صحیح لایحه رسیده شیر الزرار و حقوق العاصمه باعث اعانات قلبیه خواهد بود  
 مراتب احترامات فائده رسیده شیر الزرار

دکتر جردن

شیر رسیده عالی

*[Handwritten signature]*

استیو...

www.KetabFarsi.com

اسناد جمہوری

## ۱۵

[نشان سفارت انگلیس]  
سفارت انگلستان تهران

۳ حوت ۱۳۰۲

۲۲ فوریه ۱۹۲۴

حضرت اشرف آقای سردار سپه رئیس الوزراء و وزیر جنگ دامت شوکت

رئیس الوزرای عزیزم، مذاکراتی را که در صبح ۱۳ فوریه - ۲۴ دلو - با حضرت اشرف داشتم و اشعاراتی را که برای یک کمیسیون مختلط جهت انجام مسائل معوقه فیما بین دولتین ایران و انگلیس نمودم و قبولی حضرت اشرف را در این باب به صدراعظم و وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع داده‌ام. جواباً معزی‌الیه خواسته‌اند اطلاع دهم که آنچه را با حضرت اشرف مذاکره نموده‌ام<sup>۱</sup> و اقداماتی که مصمم شدیم که اتخاذ شود تصدیق نموده‌اند. و راپرت شخصی که پس از ورودم در لندن خواهم داد و مسلکی را که حضرت اشرف و جنابان وزیر امور خارجه و وزیر مالیه در کنفرانسهای مزبور اتخاذ می‌نمایند مأخذ عقیده جناب معظم‌له خواهد بود از احساسات و لیاقت هئیت دولت حالیه در اینکه روابط فیما بین مملکتین را بر یک اساس متین رضایت‌بخشی قرار دهند. ایام شوکت مستدام باد.

[وزیر مختار انگلستان] پرسی لورن

[۶۵۹۶]

۱. در فاصله آذر ماه ۱۳۰۲ تا آذر ماه ۱۳۰۳ ماجرای جمهوریت و بحران جمهورینخواهی به طرز گسترده‌ای مطرح بود و بعید به نظر نمی‌آید موضوع این نامه که در نهایت ابهام نوشته شده درباره مسائل پنهان جمهوری باشد.



British Legation,  
Tehran.

بسم الله الرحمن الرحيم

کسبون  
 هنک تا دیروز صبح ۱۳ جوزی ۱۳۲۲ در ۱ با حضرت شرف داشتند و بعد از آن که در این  
 نقطه جدا شدیم سائرس کوته فیاض داتین بران انگلیس فراموش و قیوما حضرت شرف در این باب  
 صبر و عزم و دردی بود عازبه علمیت پادشاه انگلستان بفتح دادیم (چون مسترزایه پستانه  
 بطریق دهم که آن پدرا با بخت شرف به ناره نمودیم و اندر پشته ستم شرم که آنکاز بود تصدیق نمود  
 در ابروت شخصی که پس از درودم در لندن حرام داد اسکی را که حضرت شرف و جابان روز  
 دور عازبه و وزیرانیه در کتوشها بر سر بر آنجا بنشیند تا بعد عقیده خوب سلطنت حرام بود در آن  
 دیانت شسته ادت عازبه در پشته روانه فیاض انگلستان را بر پشته پاس ستین خاتمه خبر دادیم

ایام نوکته مستدام  
 P. Cayton

## ۱۶

## ریاست وزراء

نیس [احمد شاه]

تلگراف مبارک زیارت شد. مطلب همان است که احساس فرموده‌اید. با بودن والا حضرت ولایت عهد به نمایندگی از اعلیحضرت و التزامی که ایشان در عرض این گونه مطالب داشته‌اند فدوی از کسب تکلیف معذور بوده‌ام.

موضوع این است: جراید و مجامع سیاسی مسافرت مکرر اعلیحضرت و سایر اعمال گذشته را مستمسک قرار داده و انتقاد می‌کنند. آنقدری را که قانون مطبوعات اجازه می‌دهد جلوگیری می‌شود لیکن اقدامات سخت و غیرقانونی با افتتاح مجلس دشوار است. نغمهٔ جمهوریت ساعت به ساعت بسط پیدا می‌کند و اعلیحضرت که خوب به تاریخ نهضت و انقلاب ملل آشنا هستید می‌دانید بدبختانه اینگونه قضایا وقتی در جامعه طلوع کرد خاموش کردن آن بی‌اندازه مشکل است؛ چاره [ای] جز اقدامات عاقلانه که موجب تسکین مردم باشد میسر نیست مخصوصاً با اینکه از نقطه نظر سیاست خارجی که از سه دولت متناسب با این مذاکرات محاصره شده‌ایم: روس بلشویک، ترکیهٔ جمهوری و انگلستان کارگر در اطراف این مملکت موجود شده‌اند. در این صورت قضاوت وضعیات را به آسانی می‌توانید بفرمایید.

[رضاخان]

[۱۰۸۲-ن]

## ۱۷

## استخراج تلگراف پاریس

تهران

جناب اشرف رئیس الوزراء [رضاخان]

تلگراف شما رسید. از آنجا که مسئولیت کلیهٔ امور دولت بر عهدهٔ شماست من همیشه منتظر بوده و هستم که شخص شما مرا از جریان امور مطلع بدارید. از اینکه نوشته‌اید جراید مسافرت و اعمال گذشته مرا وسیله تنقید قرار داده‌اند مطلع شدم. اولاً خودتان می‌دانید که مسافرت من علتی جز معالجهٔ مزاجی نداشت و با بودن مثل

شخص شما در مقام ریاست و وزراء ضرری متصور نیست؛ اکنون که معالجه قریب به اتمام است به زودی تصمیم و حرکت خواهیم کرد.

ثانیاً تنقیدات جراید نسبت به من با عدم مسئولیت من برحسب قوانین اساسی، که همیشه رعایت آن را وظیفه خود دانسته، متناقض می دانم.

سوء عاقبت این انتشارات برای مصلحت عموم بدیهی است، و من در این اظهار، منافع مملکت و ملت را در نظر دارم. چون صمیمت شما را نسبت به خیر و مصالح مملکت و آسایش عموم می دانم یقین دارم که به وسائل مقتضیه در رفع این انتشارات و تسکین اذهان اهتمام خواهید نمود.

|| احمد | شاه

|| ۱۱۴۱ - ن

## ۱۸

### وزارت جلیله جنگ

اداره کابینه

خیلی محرمانه و خصوصی است

دائرة خصوصی و شخصی

نمره ۱۶۵۴۱

تاریخ ۳ برج حوت ... نیل ۱۳۰۲

امیر لشکر جنوب

البته از آهنگ جراید مرکز نسبت به تغییر رژیم مملکت و شدت عملی که در این باب دارند مستحضر شده‌اید. برای آنکه دنباله امر به یک انقلاب خونینی منتهی نشود و سلب امنیت از عامه نگردد همه از من تقاضا کرده‌اند که قبول پیشنهادات آنها را کرده و من هم برای اینکه افتخار جدیدی برای عموم نظامیان تحصیل گردد به آنها قول مساعدت داده و این است که در ضمن این مختصر شما را متوجه می سازم که ملتفت امر بوده بلافاصله شروع به اقدام [نمایید] و ضمناً بدانید که موضوع جمهوریت یک امری است ملی و باید با دست مردم و صدای خود ملت صورت انجام یابد.

در میان مردم سه طبقه هستند که مداخلیت تام در پیشرفت کار دارند: اول تجار و

کسبه و اصناف بازار که در موقع لزوم اقدام به بستن بازار کرده، دویم روزنامه‌نگاران و احزاب سیاسی که معایب قاجاریه و سلطنت مطلقه و محاسن جمهوریت را با کمال آزادی و بدون ترس و بیم پروپاگاندا کرده عامه را بیدار نمایند، سوم سلسله علماء و روحانیون که فتوهای لازم در این مورد داده و تمام مردم را بر تغییر رژیم و تثبیت جمهوریت تهییج کنند.

شما باید بدون آنکه کسی بفهمد از طرف نظامیان مداخله مستقیمی می‌شود خیلی محرمانه اما با کمال جدیت سه طبقه فوق را در تمام خطه جنوب اعم از شیراز و اصفهان و بوشهر و نواحی و توابع و غیره تشویق و حاضر کار نموده به طوری که همه متحدالکلمه باشند تا به مجرد آنکه تلگراف رمز من به شما رسید فوری یک صدای هم‌آهنگ از تمام صفحه جنوب بلند شده پس از دادن میتینگ و غیره به وسیله نمایندگان خود به مجلس شورای ملی فشار آورده و به وکلاء همین مجلس اختیار تام و تمام بدهند که قانون اساسی را تغییر داده و رژیم مملکت را از مشروطیت به جمهوریت تبدیل نمایند.

در این صورت به شما تأکید می‌کنم که این امر باید طوری عاقلانه و ماهرانه و ملی باید صورت بگیرد که کمترین توهمی از طرف من و شما در انظار عامه در کار نباشد و باید ضمناً خیلی فوری و جدی و بلافاصله با تمام معنی زمینه کار را حاضر داشته باشید که عنقریب دستور تلگرافی من به شما خواهد رسید.

[امضا: رضا خان]

[۶۷۰۷]





۱۳۰۲/۱۲/۲۹

## مقام رفیع مجلس شورای ملی

نظر به تلگرافات عدیده [ای] که از تمام ایالات و ولایات و تمام طبقات مملکت در مخالفت با سیاست سلاطین قاجاریه و رأی به انقراض سلطنت خانواده مذکور رسیده و نظر به اینکه تقریباً در تمام تلگرافات واصله اظهار تمایل به جمهوریت شده و صراحتاً اختیار تغییر رژیم را به مجلس شورای ملی داده‌اند و چون قانوناً این تلگرافات کافی برای تغییر رژیم نیست ما امضاکنندگان، سه ماده ذیل را به مجلس شورای ملی به قید فوریت پیشنهاد می‌نماییم که به معرض آراء عامه گذاشته شود:

ماده اول- تبدیل رژیم مشروطیت به جمهوریت

ماده دوم- اختیار دادن به وکلای دوره پنجم که در مواد قانون اساسی موافق مصالح مملکت و رژیم جدید تجدیدنظر نمایند

ماده سوم- پس از معلوم شدن نتیجه آراء عمومی تغییر رژیم به وسیله مجلس شورای ملی اعلام شود.

سید محمد تدین، شیخ‌العراقین<sup>۱</sup>، سرکشیک‌زاده<sup>۲</sup>، مصباح‌السلطنه<sup>۳</sup>، سید محمد سلطانی<sup>۴</sup>، ناصرالاسلام گیلانی<sup>۵</sup>، شریعت‌زاده<sup>۶</sup>، عدل‌الملک<sup>۷</sup>، رئیس‌التجار خراسانی<sup>۸</sup> [و ۶ امضای ناخوانای دیگر]

[۸۳۷-۱۴۴-م]

۱. میرزا محمدرضا تجدد ملقب به شیخ‌العراقین زاده؛ مدیر روزنامه تجدد.
۲. سید کاظم‌خان اتحاد ملقب به سرکشیک‌زاده؛ مدیر روزنامه ایران.
۳. محمدولی اسدی ملقب به مصباح‌السلطنه.
۴. حاج سید محمد سلطانی ملقب به سلطان‌العلماء.
۵. سید یحیی ندامانی ملقب به ناصرالاسلام گیلانی.
۶. احمد شریعت‌زاده ملقب به مشاور.
۷. میرزا حسین‌خان دادگر ملقب به عدل‌الملک.
۸. رضا مهدوی ملقب به رئیس‌التجار خراسانی.

## ۲۰

## مجلس شورای ملی

خبر از کمیسیون فوق‌العاده راجع به تلگرافات ولایات در خصوص جمهوریت به مجلس شورای ملی

تاریخ ۱۲ شهر شعبان ۱۳۴۲ [۲۹ اسفند ۱۳۰۲]

کمیسیون فوق‌العاده راجع به تلگرافات ولایات در تقاضای جمهوریت، ۳ جلسه تشکیل [داده] پس از مذاقه در مضامین تلگرافات وارده و شور در آن این طور رأی می‌دهند: نظر به اینکه کلیه تلگرافات واصله حاکی از مخالفت با سلسله سلاطین قاجاریه است و رأی به انقراض خانواده سلطنت قاجاریه، نظر به اینکه تقریباً در تمام تلگرافات واصله اظهار تمایل به جمهوریت شده کمیسیون با اینکه در غالب تلگرافات تصریح شده است اختیار تغییر رژیم را به مجلس می‌دهیم، چون قانوناً این تلگرافات را کافی برای اقدامی نمی‌داند عقیده دارد که لازم است به طریق قانونی مفاد دو ماده ذیل به آراء عموم گذاشته شود.

۱. ملت ایران تغییر مشروطیت را به جمهوریت به وسیله مجلس شورا اعلام می‌دارد.
۲. وکلاء دوره پنجم اختیار دارند در مواد قانون اساسی موافق مصالح مملکت و مقتضیات دولت و رژیم تجدید نظر نمایند.

مخبر کمیسیون

[۸۳۷-۱۴۴-م]

## ۲۱

## مجلس شورای ملی

تاریخ ۲۹ حوت [۱۳۰۲] - ۱۲ شعبان ۱۳۴۲

خبر از کمیسیون به مجلس شورا

کمیسیون پیشنهاد آقای [سید محمد] تدین را در باب خلع شاه و ولیعهد مورد مطالعه قرار داده و مذاکرات مفصلی در موضوع آن به عمل آورد و نظر به اصل ۳۶ و ۳۷ متمم قانون اساسی اکثریت کمیسیون چنین اظهار نظر کرد که مجلس نمی‌تواند خلع شاه را قبل

از به دست آوردن نتیجه آراء ملت اعلان کند ولی برای حفظ مصالح مملکت کمیسیون لازم می‌داند مجلس درباب رجوع به آراء عمومی با منتها درجه سرعت اقدام نماید.

[امضا]

[۸۳۶-۱۴۴-م]

## ۲۲

نشان شیر و خورشید و تاج

ریاست وزراء

جناب اشرف الوزراء<sup>۱</sup>!!

روزنامه‌جات اروپا اخبار عجیب این چند روز از ایران نقل می‌کنند؛ منتظرم فوراً از چگونگی اوضاع مفصلاً تلگراف کنید.

شاه

[۱۱۴۰ ن]

## ۲۳

نشان شیر و خورشید و تاج

ریاست وزراء

||احمد شاه||

تلگراف مبارک وقتی رسید که کار از نشریات جراید تجاوز کرده میتینگهای چندین هزار نفری در تمام ولایات داده می‌شود و تمام اصناف و طبقات در تلگرافخانه‌ها متحصن و متحدالکلمه از دولت و مجلس تغییر رژیم را تقاضا می‌کنند. مجلس هم در مقابل این تقاضاهای عمومی تکانی خورده و از نقطه نظر حمایت موکلین خودشان و کلا رنگ تازه‌ای [ای] نشان می‌دهند. تمام مجاهدت و کوشش چاکر برای حفظ امنیت صرف می‌شود و یگانه توانایی فدوی شاید همین باشد. چیزی که خیلی توجه چاکر را مشغول داشته احساسات خشنی است که نسبت به خانواده سلطنتی عموماً ابراز می‌شود. برای

۱. جناب اشرف رئیس الوزراء

حمایت و حفاظت آنها اقدامات احتیاطی شده است و حفظ امنیت را تا آخرین نقطه در نظر گرفته و تعقیب می‌کند.

[امضا: رضا خان]

[۱۰۸۱ ن]

## ۲۴

### [نقشه عملی پارلمانی در تغییر رژیم]

پس از گذشتن اعتبارنامه‌ها و رسمی شدن مجلس و به جریان افتادن کارها به طور ساده و عادی، پانزده نفر وکیل که برحسب قانون پیشنهاد این عده قابل توجه مجلس می‌شود به مضمون ذیل پیشنهادی به مجلس علنی تقدیم می‌کنند:

### اصل پیشنهاد

نظر به اینکه بعضی از اصول مهمه قوانین اساسی به واسطه عدم تناسب به وضعیات اجتماعی امروزه غیر عملی و بعضی دیگر آن که راجع به حقوق عمومی و طرز حکومت ملی و تعیین و تحدید امور سلطنتی است امروزه کاملاً منافی با حفظ حقوق عمومی افراد جامعه ایرانی و مخالف آزادی حقیقی اهالی و مانع از پیشرفت ملت در طریق تجدید حیات بین‌المللی و مخل ترقیات مملکتی است و ... ما امضا کنندگان تجدیدنظر در قانون اساسی را لازم می‌دانیم بلکه از تکالیف فریضه اولیه جامعه می‌شماریم و چون مجلس شورای ملی صالح نیست برای تجدیدنظر در قانون اساسی و این حق ثابت برای عموم افراد ملت است لهذا پیشنهاد می‌کنیم که مجلس شورای ملی رأی بدهد به مراجعه به افکار عمومی ملت ایران به این معنی که دولت به مضمون ذیل متحدالمالی به ایالات و ولایات ایران عموماً صادر نموده و عقیده مجلس را به معرض افکار عمومی گذارده و از عموم ولایات تحصیل اراده نموده و به مجلس تقدیم دارد تا اگر افکار عموم تجدیدنظر در قانون اساسی را لازم دانست به موقع عمل گزارده شود.

### (ماده پیشنهادی قریب به این مضمون)

مجلس شورای ملی رأی می‌دهد که دولت به اسرع زمان به افکار عمومی ملت ایران مراجعه نماید و به اصطلاح «رفراندم» به عمل آورد [و] معلوم نماید که ملت ایران حق تجدیدنظر در قانون اساسی را به همین مجلس پنجم می‌دهند یا به عده معینی که محل

و ثوق خود بدانند می‌دهند. در هر صورت هر چه زودتر عقاید خود را به مجلس شورای ملی به توسط دولت متبوعه اظهار دارند تا بر طبق آن عمل شود.

پس از آن که مجلس به ماده فوق تقریباً رأی داد از طرف ریاست مجلس به مقام ریاست وزراء باید کتباً ابلاغ شود. آنگاه دولت امر مجلس را که با سند کتبی ضبط نموده به وسیله متحدالمال به تمام نقاط مرکزی ایالات و ولایات ابلاغ می‌نماید. در تحت نظارت نمایندگان دولت مراجعه به افکار عامه می‌شود و البته ملت ایران یعنی اهالی ولایات این حق بزرگ را به تمام مجلس نخواهند داد که وسیله مهمل سرایی اشخاص نالایق بشود و به علاوه مجبور باشند که در مجلس علنی مذاکره نمایند و مطالب عمده را در مجلس علنی نمی‌توان حل نمود. اگر این حق را به مجلس بدهند موجب محذور [محذور] شدید خواهد شد زیرا که به موجب قانون تصمیمات مجلس وقتی عملی و رسمی خواهد بود که در مجلس علنی باشد و در مجلس علنی هم که معرض و میدان عوام‌فریبی و یاوه‌سرایی است نمی‌شود قانون اساسی نوشت.

عیب دیگر مجلس این است وقتی که این حق به مجلس داده شد مجلس خودش هیئت مؤسسه خواهد شد و از وظایف مجلس و جریان امور عادی باز خواهد ماند ممکن است دولت کارهایی داشته باشد که باید سریعاً از مجلس بگذرد.

با دلایل مذکور ممکن است تمام ایالات به دوازده نفر معین این حق را بدهند یا اینکه ایالات مهم به دو نفر از وکلای خودشان و سایر ولایات به یک نفر که مجموع منتخبین از بیست نفر تجاوز ننماید و از دوازده نفر کمتر نباشد. پس از آنکه عده مؤسسه را اهالی ولایات معرفی کردند دولت به مجلس می‌فرستد و خودش ابدأ دخالت نمی‌نماید و مشغول حفظ انتظامات مملکتی و اجرای امور عادی و ارسال لوایح لازمه به مجلس می‌شود.

در آن وقت هیئت مؤسسه تشکیل می‌شود، قوانین اساسیه را تدوین می‌نماید و تمامی مؤسسين امضاء می‌کنند و به عموم ایالات و ولایات به توسط دولت ابلاغ می‌شود. آنگاه مجلس مشروطه را تبدیل به مجلس جمهوری می‌نماید. به علاوه، وکلایی که قانون جدید تعیین نموده است و مجلس جمهوری در اولین جلسه رسمی به انتخاب رئیس جمهوری به رأی مخفی اقدام می‌نماید [و] پس از تعیین رئیس و نایب رئیس به مبارکی به عمل می‌پردازد.

## ۲۵

## ریاست وزراء

فوری

نمره ۴۱۰۶

به تاریخ ۱۸ برج حمل ۱۳۰۳

ریاست محترم مجلس شورای ملی

مدت‌هاست خسته هستم و برای کناره‌جویی در خود رغبتی زیاد احساس می‌کردم ولی اجرای این نیت به نظر این جانب موقوف به این بود که موضوع صلاحیت‌دار و مرکز ثقلی برای مملکت آماده باشد که وضعیات در غیبت این جانب بتواند مدار خودش را تعقیب نماید. واقعاً همین منظور بود که مرا به سرعت افتتاح مجلس علاقه‌مند ساخت. اینک مجلس رسماً باز و خستگی مرا ملزم می‌نماید که فکر دیرین خود را اجرا نمایم. این است به وسیله این مراسله رسماً کناره‌جویی خود را به اطلاع مجلس شورای ملی می‌رسانم. در غیبت این جانب ارکان حرب کل قشون به امورات لشکری رسیدگی خواهد نمود.

رضا

[۸۵۰-۱۴۴م]



ریاست وزراء

شماره ۴۱۶

خورد

تاریخ ۱۸ برج مهر ۱۳۰۴

ضمیمه

### بیت‌نویسی

درین خصوص که در مورد خودت و دیگر  
 در این خصوص که در این مورد در وقت  
 در این خصوص که در این مورد در وقت  
 در این خصوص که در این مورد در وقت  
 در این خصوص که در این مورد در وقت  
 در این خصوص که در این مورد در وقت  
 در این خصوص که در این مورد در وقت  
 در این خصوص که در این مورد در وقت  
 در این خصوص که در این مورد در وقت  
 در این خصوص که در این مورد در وقت





## ۲۶

تهران ۱۰ آپریل ۱۹۲۴ مطابق ۲۱ حمل ۱۳۰۳

به خدمت ذیشرافت جناب اجل آقای اعتلاءالملک انصرالله خلعتبری | دام اقباله العالی معروض اینکه دوست محترم جناب مسیو باگدناف در کابل تشریف داشته و بنده مورد لطفشان بوده گاه گاه به مژده سلامتی ایشان مسرور می شوم و بنابراین وسیله مطلوبی به دست آمده بدین چند کلمه مزاحم می گردم و یقین دارم که ارادت و اخلاص بنده محسوس بوده لازم به معرفی جدیدی نیست. یقین دارم به لطف ایزدی همیشه به صحت مزاج و کامکاری موفق خواهید بود و همه دوستان را همیشه باعث افتخار خواهید ماند.

بنده و بستگانم به مهر سبحانی به صحت تن و من | جان | بهره مندیم و به درگاه ایزدی همیشه نسبت به خدام نوع و خیراندیشان ایران مشغول ادعیه خیریه ایم. خود بنده تا یک ماه دیگر از راه روسیه عازم لندنم و شاید زود برگردم. از اوضاع مملکت البته تلگرافاً مستحضرید. حکومت جمهوری که به روز عید نوروز خواستند دایر کنند به واسطه ضدیت علما و امتشان ممکن نشده قدری اوضاع درهم برهم گردید و سردار سپه قهراً استعفاء داده. مجلس و مملکت و ملت خیلی اندیشناک شده اند. مجلس برخلاف میل اعلیحضرت، رأی اعتماد به آقای سردار سپه داده است و مشغول مذاکرات با معزی الیه است. به روزهای عید نوروز که تولد صاحب زمان یا امام غایب نیز بود مجلس رسمی سلام به عمل نیامد و ایضاً به روز تولد و تاجگذاری شاه نیز دلیل سلطنت روشن و مکشوف نبود. می گویند جمهوری مطلوب اینگلیش [انگلیس] است. خوب مشاهده کردیم که دخالت روس باعث تشجیع علماء و مردم شده یک دفعه اوضاع دیگرگون گردید و الان که نه سلطنت است و نه جمهوری آثار روزگار بر این می باشد که دیکتاتوری نظامی سردار سپه مقبول افتد قوه و قدرت سلطنت تقریباً معدوم است و جمهوری ایرانی هم معلوم است جمهوری فردی بوده، روزگار ممکن است صورت ثالثه دیکتاتوری را ترجیح دهد و بپذیراند.

ما در اینجا به حظ بهار خوب موقیم و جناب اجل درک بهار کابل می فرمایید. گویا از طول اقامت قدری خستگی داشته باشید. بنده که الحمدلله به زیارت اکسپوزیشن اکسپوزیشن: نمایشگاه | بی نظیر لندن موفق می شوم و قدری به سیاحت اشتغال خواهم ورزید. به خدمت جناب آقای رفیع الممالک عرض سلام دارم. هرگاه لطفی فرماید به توسط دوست محترم مسیو باگدناف مشعوفم فرماید.

[ناخوانا] اردشیرجی

[۷۵۶۰۹]

طهران ● ۱۰ آوریل ۱۹۲۳ ع. ق. ۲۱ حمل ● ۱۳۰۳

خدمت ذی‌شرافت جناب آجل آقای امیرالممالک دام آقباله العالی  
 عرض آنکه دست محترم جناب مسیو باگدناف در کابل شریف  
 داشته و بنده مورد لطفشان بوده گواه گواه برورد سلامت ایشان  
 مسرور می‌شوم و تا برین وسیله مطلوبه است آمده بین صیغه کلمه نراحم  
 بگیرم و یقین دارم که ارادت و اخلاص بنده محسوس بوده لازم بعضی خبری  
 نیست یقین دارم بلطف ایزدی همیشه سعادت نراج و کامکار می‌شود  
 فراموش برد و همه دوستان را همیشه باعث افتخار فراموش مانده  
 بنده و شکرگزار می‌باشم سعادت تن و من بر همه ندم دیدارگاه ایزدی  
 همیشه نسبت خدایم زعم و خیرانه ایشان ایران سفیر ادعیه خیریه ازم  
 خود بنده تا یک ماه دیگر از راه روسیه مجازم لندن و شاید زود برگردم  
 از اوضاع مملکت البته تلگرافاً مستفسرید حکومت جمهوری که بروز عمیه  
 نروز خواننده دایر کشته براسط خدمت علما و امتشان ممکن  
 نشود قدری اوضاع در هم برهم گردیده و سردار سپهر استغفا داده مجلس  
 و مملکت و ملت غلیل اندیشه ناک شده اند مجلس بر خلاف میل

۱. محلیت رای احمد ● با قوا سردار سپه داده است ● سفول نه کرات  
 با مفری الیه است بروز باس محیه نروز کرد که صاحب زمان با انام نواب نیز  
 بود مجلس رسم سلام بدل نیامد و انفا بروز ترکه و ترا کفد این است با مفری  
 دلیل سلطنت روشن و مکشوف بود میگردد جمهوری عطلوب است  
 و فرب مشاهده کردیم که دفات روس باعث تشجیع ملها و سرده سرده  
 یکدفعه اوضاع دیگرگون گردید و آنان که نه سلطنت است نه جمهوری آثار  
 روزگار برین میباشند که دیکته ترن نظامی سردار سپه بقرال افند آرد و  
 قدرت سلطنت تقریباً معدوم است و جمهوری ایرانی هم معلوم است جمهوری خودمان  
 برده روزگار ممکن است صورت فماله دیکته ترن را ترجیح دهد و بنده برانند  
 ما درخوا حفظ بهار صوب موقیم و جناب آهل دیک بهار کابل میفرمایند  
 گریبا از طول اتقامت قدسی خستگی داشته باشی بنده که الحمد لله  
 بزبانت اکسپریز بیرون بی نظیر لندن موثق است و قدسی است  
 است فعال قوام و وزیر خیرت آقا زینع الممالک عرض سلام دارم  
 هرگاه نعلف فرمایند برسط دوست محترم سریر بالذنا غف شد هم فرمایند  
 سبزگیس اردشیرجی

## ۲۷

مذاکرات پارلمان ۱۴ مه ۱۹۲۴ [۲۴ اردیبهشت ۱۳۰۳]

«مجلس لردها» انگلیس |

لرد لامنکتن قبلاً از دولت تقاضا کرده بود که راجع به وضعیات فعلی ایران توضیحاتی داده و نوشتجات راجعه به آن را طبع و توزیع نمایند. در موقع توضیح تقاضا خود لرد معظم له چنین اظهار نمود:

لردهای محترم، تقریباً متجاوز از سه سال است که در این مجلس راجع به اوضاع ایران اطلاع و توضیحاتی داده نشده است. تصور می‌کنم دفعه اخیری که از اوضاع ایران مذاکره به عمل آمد در ژوئیه ۱۹۲۱ بود. به طوری که لردهای محترم تصدیق می‌فرمایند حالیه در جراید راجع به ایران اخبار کمی دیده می‌شود و خیلی مشکل است که به اوضاع ایران آگاهی حاصل نموده، بعضی اطلاعات از مجمعی که برای احداث روابط بهتری بین ایران و انگلیس تشکیل شده بود تحصیل نموده‌ام و همچنین از بعضی مجامع ادبی و تجارتنی اندک اطلاعات دیگری به دست آمده ولی کلیه این اطلاعات مبهم می‌باشد و گاهی هم صحت آن مشکوک است. لهذا خیلی خوب خواهد بود که دولت بتواند اطلاعات روشن‌تری بدهد.

وقتی که در دفعه آخر در ژوئیه ۱۹۲۱ در باب ایران مذاکره به عمل آمد کابینه‌های ایران پی در پی در تغییر بود و گمان می‌کنم در ظرف یک سال پنج مرتبه کابینه ایران تغییر کرد ولی در این ماههای اخیر که اوضاع ایران اشکال مختلف پیدا کرد خلاف آن مشاهده می‌شود. مدتی قبل که اعلیحضرت شاه از ایران حرکت کردند چنین منتشر شد که دیگر به ایران مراجعت نخواهند فرمود و یک هیجان قوی برای برقرار داشتن حکومت جمهوری در ایران ظاهر شد. مجلس درصدد مذاکره مسئله برآمده بود و مخالفین جمهوریت خواهان که رؤسای آنان علمای مذهب بودند به مجلس رفته اظهار داشتند که جمهوریت برخلاف اصول مذهبی بوده و بنابراین نبایستی اعلان جمهوریت نمود.

امروزه اوضاع ایران چگونه است؟ امیدوارم لرد محترم می‌که جواب خواهند داد - تصور می‌کنم رئیس محترم مجلس باشد - اطلاعات درستی راجع به اوضاع حالیه ایران خواهند داد.

در این تغییرات گوناگون اخیر یک وجود قابل توجه، رضاخان سردار سپه، بوده است

که رئیس کل قواست و می‌توان او را دیکتاتور ایران نامید. شکی نیست در تحت اداره ایشان ترقیات در وضع اداره ایران به عمل آمده است و اطلاعاتی که من تحصیل نموده‌ام این ترقی را نشان می‌دهد. یقین است که در جنوب ایران نظم و آسایش برقرار و تجارت تجدید شده و مالیات جمع‌آوری می‌شود. چنین مفهوم می‌شود که حتی از رؤسای ایلات که در نقاط دوردست هستند مالیات اخذ شده و گمان دارم با رؤسای بختیاری و شیخ محمره نیز همین معامله شده است. در هر صورت، این عقیده است که برای من حاصل شده است ولی صحت و سقم آنرا یقین ندارم. لیکن شبهه نیست که مالیات وصول شده است. و این نه فقط به واسطه فعالیت سردار سپه است بلکه به واسطه همراهی است که با دکتر میلسپو مستشار امریکائی قابلی که مشغول ترتیب و تنظیم مالیه ایران است دارا می‌باشد. به همین ملاحظاتی که ذکر شد احتمال دارد که امساله موازنه بودجه مملکتی به عمل آید. شکی نیست سردار سپه به واسطه وجوهی که مستشار مالیه فراهم می‌نماید موفق به تشکیل یک قشون قوی گشته و بنائاً علیه اعلیٰ هذا نظم و آسایش را در جنوب و شمال مستقر ساخته است زیرا حقوق افراد قشون و همچنین سایر ادارات مملکتی مرتباً پرداخته می‌شود. علاوه بر این، مواظبت کامل در جلوگیری از حیف و میل شدن مالیه مملکت به عمل آمده است که خود این خیلی رضایتبخش است.

راجع به روابط با ایران ظاهراً شکل آن آن طوری که بایستی باشد مسرت‌آمیز نیست. گمان می‌کنم همگی این را تصدیق داشته باشیم که دولت و ملت ایران کلیتاً به نظر سوءظن بلکه با یک خشونت بی‌انگلیستان می‌نگرند. و دلیل این همان انعقاد قرارداد منحوس - به عقیده من بی‌موقع - انگلیس و روس می‌باشد. بعد از قرارداد مزبور به ثبوت رسید که روسیه می‌خواست پنجه خود را به روی شمال ایران بگذارد و هرچند ایرانیها چنین خیالی را درباره ما در منطقه نفوذ ما نمی‌توانند بکنند ولی تنها مسئله قبول و تصدیق آن قرارداد از طرف ما کافی بود که مقام و حیثیت ما را در نظر ایرانیها سبک نماید ایرانیها حس کردند که دیگر ما قدرت و توانایی آن را نداشتیم که چنین قراردادی را که واقعاً برخلاف منافع ایران بود امضا نموده رد نماییم. تصور می‌کنم از اینجا است که حس سوءظن ایرانیها نسبت به ما شروع گردید. بعد هم پیش آمدن جنگ بین‌المللی. هر چند

ایران جزو دول متخاصم نبود ولی مملکت دچار خیلی از بدبختیهای جنگ گردید. در ایران آلمانها مشغول دسایس گشته و ترکها مملکت را استیلا نموده و این اقدامات آنها سبب گسیل داشتن قشون به آن مملکت گردید. بعد از انقلاب روسیه هم بلشویکها در شمال ایران پیش آمده و ناچار شدیم برای حفظ ایران قوای خود را در ایران زیاد کنیم. شکی نیست این مسئله نیز در اذهان ایرانیها سوءظن جدیدی را تولید نمود که ما قصد نگاهداشتن قوای خود را در ایران داریم. هرچند به طور غیرمستقیم ایران از تمام این اقدامات نظامی دچار خسارات گردید ولی از طرف دیگر نظر باینکه ما مبالغ زیادی برای حفظ استقلال حقیقی خود ایران و ایجاد طرق و شوارع و کلیتاً بواسطه استقرار امنیت خوبی مخصوصاً در جنوب و شرق ایران خرج کردیم ایرانیها بایستی متنفع شده باشند. بعد از جنگ، دوست محترم من لرد کرزن نقشه قرارداد انگلیس و ایران را ریختند که ما در همین مجلس در باب آن مذاکره نمودیم. مقصود ایشان از قرارداد مزبور بدون شک برای این بود که رفع احتیاجات ایران را نموده و این مملکت را مستقل سازند. ولی متأسفانه حس ملیت در ایران به طوری توسعه یافته و به قدری در آنجا نسبت به خیال ما که مقصود استقلال ایران بود سوءظن پیدا گردید که هیچوقت آن قرارداد تصدیق نشد بلکه باز این احساسات ایران بدتر گردید. اخیراً مسئله تبعید شیخ الخالصی<sup>۱</sup> از بین النهرین مزید بر علت گشته و آن را حمل بر نفوذ انگلیس می نمایند. و به همین واسطه حس خصومت در عالم اسلام بر علیه ما بروز نمود ولی بدون هیچ دلیلی زیرا انگلستان در این امر هیچ گونه مداخلیتی نداشت و به کلی به واسطه عملیات امیر فیصل بود.

اندازه خصومت ایرانیها بر علیه انگلستان از این مسئله پیدا است. به طوری که لردهای محترم مسبق هستند مذاکره امتیاز نفت شمال در میان بود. نمی خواهم داخل جزئیات این معاملات بشوم ولی مختصراً می گویم که چند سال قبل امتیازی به خوشتاریا داده شده بود و بعد هم یک قراردادی بین کمپانی استاندارد و کمپانی نفت جنوب منعقد گردید که آن امتیاز را متفقاً به کار اندازند. دولت ایران در رفتار خود به طوری مخالفت آمیز گشت که اظهار نمود چون امتیاز مزبور به تصویب مجلس نرسید از درجه اعتبار ساقط و آنرا لغو کرد. و حالا مشغولند امتیاز آن را به یک دسته که موسوم است به [شرکت نفت] سنکلا و اگذار نمایند و یکی از شرایط آن این است سرمایه انگلیس را و یا

۱. تبعید آیت الله محمد مهدی خالصی کاظمی در سال ۱۳۴۱ هـ ق اتفاق افتاد.

شرکت انگلیس را مدخلیت ندهند. این یکی از دلایلی است که چطور احساسات در ایران مخالف انگلیس است. همین طور در مسئله امتیاز راه آهن محمره که ما تقریباً برای مساحتی آن صد و هشتاد هزار لیره خرج کردیم و تصویب مجلس را بهانه ساخته و حالیه با یک کمپانی امریکایی داخل مذاکره هستند. جای تاسف است که ما اینقدر طرف سوءظن ایرانیها واقع شده‌ایم.

مسئله امتیاز سهام کمپانی نفت جنوب از طرف دولت انگلیس را هم می‌توان در این قضیه سوءظن نسبت به ما محسوب نمود. تصور می‌کنم این یک اشتباه سیاسی بود؛ ولی نقطه نظر من این نیست. خیلی طبیعی است که مملکتی کمپانی [ای] را که در آن مملکت مشغول کار است و ارتباط قوی با یک دولت خارجی دارد دوست نداشته باشد. به طوری که ما خودمان نیز به یک کمپانی بزرگ معدن ذغال [زغال] انگلیسی [که] چنین ارتباط قوی با یک دولت خارجی مثلاً فرانسه داشته باشد با چشم خوبی نبایستی بنگریم. به اندازه [ای] این مسئله محسوس شده بود که دولت سابق در صدد این برآمد که سهام مزبور را به فروش برساند و دولت فعلی کارگر از فروش سهام مزبور اجتناب دارد. اگر مسئله از این قرار باشد خیلی جای تعجب است که یک دولت کارگری سیاستی را که برخلاف منافع مملکت است تعقیب نماید. امیدوارم لرد محترم جواب قانعی [قانع کننده‌ای] که در این مسئله تجدید نظر خواهد شد خواهند داد.

این بود نکات مهمی که می‌خواستیم به اطلاع لردهای محترم برسانم و این را هم می‌گویم که چند سال قبل لرد لانزدون اظهار داشت هر دولتی برای تحصیل هر نوع امتیازی اقدامی در خلیج فارس بنماید ما آن اقدام را دوستانه نخواهیم شمرد. و دوست محترم لرد کرزن ایران را دروازه هندوستان خوانده است و صدها سال است که ما مبالغها [مبالغها] خرج کرده و این دریا را برای تجارت عالم و منفعت ایران امن نگاه داشته‌ایم، و امیدوارم دولت ایران به گذشته عطف نظر نموده به خاطر خواهند آورد [داشته باشند] که [ما] چشم به یک وجب از خاک ایران ندوخته‌ایم [و این سوءظن خود را نسبت به انگلستان تخفیف خواهند داد].

لرد پارمور رئیس مجلس - از طرف دولت - لردهای محترم، لرد محترم که این مذاکرات را به میان آورد نشان داد که خود در این مسائل که مذاکره می‌شود به کلی مطلع و بصیر هستند. قبل از آنکه از اوضاع دو ساله اخیر ایران و وضعیت آن مملکت بحثی بنمایم لازم است راجع به یکی دو نکته که خارج از موضوع به آن اشاره نمودند دو کلمه

عرض نمایم. در آخر نطق خود به خلیج فارس اشاره نمودند. تصور نمی‌کنم در هیچ موقعی به موقعیت ما در خلیج فارس صدمه وارد آمده باشد. و همان طوری که اظهار داشتند ایران بایستی از بابت خلیج فارس از ما ممنون باشد.<sup>۱</sup>

لرد لامنکتن: و آنچه ما در خلیج فارس کرده‌ایم برای منافع خصوصی خودمان نبوده است.<sup>۲</sup>

لرد پارمور: شاید این طور باشد [که] اظهار می‌دارید ولی می‌خواهم بگویم مسئله خلیج فارس را که به کلی به حالت خود باقی و به وضعیت آن خللی وارد نیامده است نبایستی با وضعیات دیگر ایران داخل نمود. لهذا اظهاراتی که خواهم نمود مربوط به خلیج فارس نخواهد بود. این را از اول می‌گویم چون این مسئله مربوط به موقعیت ما در شرق و هندوستان است.

لرد محترم به یک مسئله دیگری نیز اشاره نمودند آیا مقصودشان مسئله نفت موصل

۱. ایران به دلیل انحصار خلیج فارس در چنگال انگلیس باید از دولت بریتانیا ممنون باشد؟! لطفاً یک بار دیگر پاراگراف قبلی را مرور کنید!... «هر دولتی برای تحصیل هر نوع امتیازی اقدامی در خلیج فارس بنماید ما آن اقدام را دوستانه نخواهیم شمرد.»
۲. به رغم ادعای لرد لامنکتن دولت بریتانیا هیچ‌گاه نتوانسته اهمیت خلیج فارس و به ویژه رابطه آن را با منافع اقتصادی و منابع نفتی از نظر دور دارد. سر ادوارد گری وزیر خارجه بریتانیا محور سیاست انگلیس در ایران و خلیج فارس را چنین توضیح می‌دهد:
  - ۱- بریتانیا در هیچ جای جهان غیر از ایران نمی‌تواند منافع نفتی به دست آورد که جوابگوی نیازهای امپراتوری به خصوص نیاز نیروی دریایی آن باشد.
  - ۲- تنها در ایران است که نیروی دریایی بریتانیا می‌تواند قیمت نفت را تحت کنترل خود در آورد.
  - ۳- دولت بریتانیا با دادن کمک به ایلات محلی از نیروی آنها برای حفاظت منابع و لوله‌های نفت استفاده می‌کند.
  - ۴- بریتانیا به دولت ایران فشار می‌آورد تا با استخدام افسران انگلیسی به تربیت نیروی تحت فرماندهی این افسران برای حفظ منافع بریتانیا در جنوب مبادرت ورزد.
  - ۵- در صورت عدم موفقیت موارد ۳ و ۴ بریتانیا برای حفظ منافع خود هر وقت لازم بود دو تیب به ایران اعزام خواهد کرد و در موارد اضطراری، برای حفظ استمرار جریان نفت، بریتانیا به هر میزان لازم به ایران نیرو اعزام خواهد کرد.
  - ۶- بریتانیا از ترس پیشروی روسها در شمال، از گسترش منافع خود در جنوب نمی‌گذرد. به عبارت دیگر با توجه به نفوذ روسیه در شمال، بریتانیا به سیاست تقسیم عملی ایران به صورت منافع روس و انگلیس عمق می‌دهد. (دکتر رضا رئیس طوسی. نفت و بحران انرژی. تهران، کیهان، ۱۳۶۳. صص ۲۲-۲۳).



بود یا مسئله نفت شمال؟

لرد لامنکتن: مقصودم نفت شمال ایران بود.

لرد پارمور: راجع به سیاست دولت سابق در این مسئله خود لرد کورزن [کرزن] در اینجا تشریف دارند؛ اگر اشتباهی در اظهارات خود بکنم تصحیح خواهد نمود. بنده تصور نمی‌کنم که دولت سابق خیال فروش اسهام را داشتند به همین ملاحظه که وزارت بحریه در این مسئله مصر هستند که اسهام بایستی دست نخورد. و همین‌طور در مجلس مبعوثان اظهار شد و دولت حالیه هم خیال فروش آنها را ندارند و این برخلاف مسلک دولت نخواهد بود.

لرد لامنکتن: اشاره کردم به آنچه که سیاست دولت حالیه تصور می‌کردم.

لرد پارمور: تصور کردم که لرد محترم خواستند در این باب توضیحی داده شود. حالت کنونی مسئله این است: نظر به منافی که ملحوظ است دولت حاضر [به] فروش آنها نیستند.

موقعیت حقیقی ما در ایران از این قرار است: منافع انگلستان چنین اقتضا دارد که یک نوع حکومت ثابتی که حفظ نظم و آسایش و قانون را بنماید در ایران وجود داشته باشد و از طرف دیگر حتی المقدور اوضاع مالیه ایران خوب باشد. در ظرف دو سال اخیر در این دو مسئله پیشرفت بزرگی حاصل شده است. شکی نیست وقایعی که مانند احساسات جمهوری و احساسات ضد آن که لرد محترم به آن اشاره کردند و آن را خود نیز توضیح خواهم نمود رخ داد ولی کلیتاً اوضاع ایران از نقطه نظر داشتن یک دولت ثابت و ترتیب مالیه خیلی بهبودی حاصل نموده و این را دولت انگلیس به چشم نیک می‌نگرند.

لرد محترم به حیثیت ما در ایران اشاره نمودند. بدیهی است حملاتی به ما شد ولی نظر به اطلاعاتی که به من رسیده است نبایستی نگرانی داشته باشیم از اینکه به سیاست ما، یعنی خواستن یک دولت ثابت و تنظیم امور مالیه ایران لطمه وارد آید.

وضعیات سیاسی ایران، در این دو ساله تغییرات مهمی به هم رسانیده است؛ من جمله ظهور رضاخان سردار سپه که دارای صفاتی است که در ایرانیها کمتر پیدا می‌شود. این اوصاف او را قادر به این ساخته یک قشون مرتبی که عبارت از ۲۲ هزار پیاده‌نظام، ۸ هزار سواره‌نظام، ۹۴ عراده توپ و دو بیست دستگاه میترا لیزوز با مقداری طیاره و اتوموبیل زره‌پوش باشد تهیه نماید که نتیجه آن این شده نفوذ خود و دولت را در سرتاسر مملکت مستقر ساخته و شرایط ایجاد یک سیاست ثابتی را که ایران دارای آن نبود

فراهم نموده‌است و علاوه بر اینکه وزارت جنگ را اداره می‌نماید ریاست هیئت دولت [را] نیز به دست گرفته و در واقع همان موقعیتی را که کمال پاشا در ترکیه حائز گشته سردار سپه نیز در ایران دارای آن می‌باشد.

احساسات جمهوری طلبی از اوایل امسال ظاهر گشت ولی نظر به مخالفت علما متروک گردید. در این باب بعضی از نکات راپورتی که اخیراً رسیده است و اوضاع را روشن و آشکار می‌سازد قرائت می‌نمایم: «مسئله جمهوریت حالیه یک شکل مذهبی به هم رسانیده و علما خود را پیشوای ضد جمهوری طلبان قرار داده‌اند. بنابراین تمام اجتماعات ضد جمهوری شکل مذهبی داشته و نطقهای که ایراد گردید تماماً مذهبی بود. ملت ایران نادان و جاهل است<sup>۱</sup> ولی هیجان زیادی در مسایل مذهبی نشان می‌دهد بناثاً علیه [علی‌هذا] میان اهالی حس قوی بر ضد جمهوری ایجاد گشته است».

لهدا با وجود تظاهرات جمهوریخواهی معلوم می‌گردد نظر به احساسات مذهبی این تظاهرات جمهوریخواهی عواقبی نخواهد داشت.

لرد برکن هد: آیا خیال دارید این راپورت را طبع و توزیع نمایید؟  
لرد پارمور: ممکن است.

لرد برکن هد: یقیناً ممکن خواهد بود.

لرد پارمور: اگر لزوم داشته باشد.

لرد برکن هد: اگر تقاضا شود؟

لرد پارمور: بلی اگر تقاضا شود.

لرد برکن هد: پس من تقاضای آن را می‌نمایم.

لرد پارمور: آنچه می‌دانم این است که مخالفتی در طبع و توزیع آن نیست. شاه و درباریان از ترس اینکه آزادی و حیاتشان در خطر می‌باشد از تهران حرکت کردند ولی از آن وقت به بعد احساسات جمهوری طلبی در ایران از شدت خود کاسته است.

اکنون مایلم از وضع مالیه ایران صحبت نمایم. در نوامبر ۱۹۲۲ دکتر ملسپو [میلسپو] مستشار مالیه از امریکا وارد تهران شد و بدون فوت وقت شروع به تنظیم ادارات مالیه ایران نمود. از طرف مجلس به مشارالیه اقتدارات تام داده شده و بالنتیجه با وجود دو

۱. این خود نهایت حساسیت و ذکاوت ملتی است که در پس پرده فریبنده جمهوری رضاخانی بر حضور استعمار اشعار دارد.

مليون |میلیون| لیره که وزارت جنگ سالیانه برای قشون دریافت می دارد موفق به ترتیب امور مالیه شده و موازنه بودجه امساله که تاکنون در ایران معمول نبوده فراهم نموده است. شکی نیست که مطبوعات محل حملاتی به ما نموده و مناسبات ایران را با انگلستان در خطر انداخته بود ولی وجود سردار سپه که مردم از او ترس و واهمه دارند خاتمه موقتی به این داده و فعلاً از شدت آن کاسته شده است.

نظر به قروضی که ایران به انگلستان دارد اهمیت ترتیب مالیه ایران به خوبی آشکار است و قروضی که در مدت جنگ به دولتهای مختلف ایران داده شده و دولت هندوستان در آن شرکت داشته مبلغ چهار میلیون لیره است.

لرد لامکتن: برای چه مقصودی این وجوه قرض داده شده است؟

لرد پارمور: متأسفم که در این باب اطلاعی ندارم و الا عرض می کردم. به علاوه |علاوه بر| مبلغ مزبور از بابت آلات حربیه که به ایران داده ایم مبلغ سیصد و پانزده هزار لیره نیز ایران به ما مدیون است. و از بابت دعاوی اتباع خودمان هم مبلغ ۵۷۶ هزار لیره از ایران مطالبات داریم. این ارقام به خوبی نشان می دهد که دولت و ملت انگلیس در بهبودی اوضاع مالیه ایران ذینفع می باشند.

در باب ساختن راه آهن پیشرفت مهمی حاصل نگشته است. در موقع جنگ خط راه آهن هندوستان تا دزداب که در پنجاه و دو میل |میلی| آن طرف سرحد واقع است امتداد داده شد. از طرف غرب ایران در ۱۹۱۹ اقدامات جزئی یعنی مساحی به عمل آمده و از قرار معلوم سردار سپه خیلی مایل به ایجاد راه آهن است و کمپانی امریکایی را در این باب برای مذاکره به ایران خواسته است.

کمپانی نفت جنوب در خاک ایران موازی صد و چهل میل لوله نفت دارد و با کمال اطمینان، کمپانی مزبور مشغول توسعه کار خود می باشد و در این خصوص هیچ گونه نگرانی و اشکالی نیست و سالیانه مبلغ هفتصد هزار لیره سهمی دولت ایران را می پردازد. راجع به امتیاز نفت شمال که به کمپانی سنکلا امریکایی داده شده است هنوز به تصویب مجلس نرسیده. در خصوص خود سردار سپه اشتباه نشود تصور نمی کنم با ما اظهار مخالفتی داشته و یا دارد. ما مایل هستیم حکومت ثابتی در ایران باشد و امور مالیه هم به دست هرکس باشد منظم و مرتب بماند. اطلاعاتی که در باب ایران در دست است از قراری بود که به عرض رسانیدم.

لرد کرزن: لردهای محترم، لرد محترم در باب اوضاع ایران توضیحات واضحی دادند.

این توضیحات واضح بود ولی کلیه نکات آن کاملاً صحیح نبود. مثلاً درخصوص تاریخچه راه آهن ایران یعنی امتداد راه آهن هندوستان به سرحد ایران توضیحات معظم‌الیه [له] مبهم بود و ایجاد این خط راه آهن را به سنوات اخیر و موقع جنگ نسبت دادند در صورتی که خود این جانب بیست سال قبل افتخار ساختن آن را داشتم. باری بگذریم.

در یک نکته دیگر راجع به طبع و توزیع نوشتجات لازمه عدم اطلاع خودشان را از ترتیبات معموله نشان دادند زیرا قسمتی از راپورت وزیر مختار انگلیس را خواندند. در صورتی که چیز محرمانه نبود که چاپ شده و به نظر عامه نرسد ولی عادتاً فقط یک فقره از کلیه نوشتجات راجعه به یک مسئله طبع و توزیع نمی‌شود و این مسئله بسته به رأی دولت است که کتاب آبی راجع به اوضاع ایران طبع و توزیع نماید. و امیدوارم به لرد محترم برنخورد هرگاه عرض نمایم بهتر آن است از ترتیبات جاریه خارج نشوند.

لرد پارمور صحیح گفتند وقتی اظهار داشتند که نه از طرف دولت انگلیس و نه از طرف دولت ایران تغییراتی راجع به وضعیت خلیج فارس پیش نیامده است. مسئله را مانند لرد لانزدون و سایر وزرای خارجه خود اینجانب اساس سیاست خارجه انگلیس قرار داده بودم. گاه‌گاهی دولت ایران شاید نظر به بی‌اطلاعی [ای] که داشتند اعتراضی به موقعیت ما در خلیج فارس نموده‌اند ولی اظهارات لرد معظم‌له را حمل به این می‌نمایم که دولت حالیه انگلیس در این مسئله که اساس سیاست انگلیس قرار داده بودم مثل سلفای [اسلاف] خود با عزم و مصرّ خواهند بود.

لرد محترم خیلی به موقع رفع اشتباه را درباره فروش سهام دولت به کمپانی نفت جنوب نمودند. دوست محترم لرد لامنکتن تصور کردند که دولت سابق قرار داده بودند که سهام مزبور را به فروش برسانند و دولت جدید از این خیال منصرف گشته‌اند. در صورتی که مسئله فروش سهام اولاً در مطبوعات دیده شد و بعد خودم که درصدد تحقیق برآمدم گفتند که بدون تصویب کابینه در این باب اقدامی نخواهد شد، و به واسطه انتخابات جدید مسئله سکوت عنه ماند و هیچ وقت در کابینه سابق در این خصوص مذاکره نشد.

در باب سردار سپه آنچه طرفین اظهار داشتند تصدیق می‌نمایم. این شخص ریاستمدار نظامی که از ابتدا یک نفر سرباز بوده به واسطه کفایت و شخصیتی که دارد و خدماتی که به مملکت خود نموده خود را به یک رتبه [ای] رسانیده که در این پنجاه سال

اخیر نظیر آن در ایران دیده نشده است. سردار سپه فرمانده کل قوا و رئیس دولت ایران بوده و موفقیتی که در ترتیبات نظامی و استقرار امنیت در ایلات جنگجوی جنوب حاصل نموده حقیقتاً دارای خیلی اهمیت می باشد. در این مدت سیاستمداری خویش همیشه حس وطن پرستی را در منافع ایران نشان داده و تا درجه ای که من اطلاع دارم مخالفتی هم با ما نشان نداده است. خاطرمد قدری مشوش گشت وقتی لرد محترم رضاخان را با کمال پاشا مقایسه کردند. انشاءالله فقط مقصود ایشان این بود که سردار سپه هم مثل کمال پاشا سرباز باعزمی هستند که مایل به اقتدار و ترقی مملکت خویش می باشند.

یقین دارم وزیر مختار انگلیس در تهران سر پرسی لورن که در این دو سال اخیر از عهده وظایف خود کاملاً برآمده و دولت انگلیس جز تشویق نسبت به این شخص ریاستمدار چیز دیگری نشان نداده اند. اینجانب نیز با احساسات لرد محترم شراکت جسته موفقیت کامل سردار سپه را در ترقی و تعالی ایران خواهانم. فقط نکته دیگری که می خواهم به آن اشاره کرده باشم مسئله حیثیت و نفوذ انگلیس در ایران است، ثانیاً مسئله امریکایی هاست.

راجع به فقره اولی لرد لامنکن راست گفتند که از امضای قرارداد روس و انگلیس به این طرف بدگمانی ایرانیان نسبت به ما شروع گشته و در موقع جنگ که برای حفظ منافع خود ایران ما مجبور به اشغال نظامی شدیم این احساسات توسعه پیدا کرده است. ولی دو چیز را خوب بیان نکردند. یکی مسئله پروپاگاندا علنی روسها از وقتی که بولشویکها به ایران آمده اند بر علیه منافع ما می باشد و این مسئله بر اشکالات ما در ایران افزوده است. ولی مسئله حقیقی سیاست انگلیس در ایران اینهایی که عرض کردم نبوده بلکه حس ملیت است که از زمان جنگ عالم به این طرف در سراسر شرق از چین گرفته تا ترکیه طلوع نموده است. این حس در یک ملت حساسی مثل ایرانیها در غلیان است و مثل سابق نمی توان انتظار پیشرفت مقاصد خود را داشته باشیم و واضح است وقتی که این حس ملی شکل مخالفت با منافع یک مملکت خارجی به هم می رساند آن مملکت خارجی تصور می کند که این مخالفت برضد او است. من این طور تصور نمی کنم. این جریان جهانگیری است که در هندوستان نیز در مقابل خود می بینم و ما را دچار اشکالات نموده و هنوز علاج آن را اروپا اختراع نکرده است. کم کم به این حس ملیت عادت کرده و تظاهر آن که ایران نمونه آن را نشان می دهد هر چند موجب نگرانی است

ولی به عقیده من نبایستی موجب تعجب گردد.

بالاخره مسئله مستشاران امریکایی است. عقیده من همیشه این بوده که ایران مملکتی است که محتاج به هرگونه مستشار خارجی است و هرگاه به یک نظر سوئی به مستشاران انگلیسی می‌نگرد بگذار از هر جا که خود مایل است آن مستشاران را جلب نماید. لهذا خود من با کمال میل استخدام مستشاران امریکایی را استقبال نموده، و هرگاه به نوشتجات وزارت خارجه عطف نظری بشود ملاحظه خواهد شد نه فقط به چشم حسادت به استخدام امریکاییها ننگریسته بلکه دولت امریکا را درخصوص فرستادن مستشاران به ایران تشویق نمودم. وزیر مختار ما در ایران در ترتیب امور مالیه ایران مداخله نداشته و من شخصاً موفقیت مستشاران امریکایی را قلباً خواهانم. نکته دیگر مسئله قروض ایران به انگلستان است. لرد محترم اظهار داشتند که طلب ما چهار میلیون [میلیون] و نیم لیره است. این قروض از تراکم مساعده‌هایی که در موقع جنگ و غیره به ایران نموده‌ایم و دعاوی [ای] که اتباع انگلیس دارند سالهاست تشکیل گشته است. این مسئله مساعده به ایران چیز تازه [ای] نیست؛ متجاوز از بیست سال است که معمول بوده است. خودم وقتی که در هندوستان بودم دولتین انگلیس و هندوستان مساعده مالی به ایران دادند لهذا این سیاست تازه نبوده و کلیتاً برای ایران فایده داشته است. ولی نبایستی ایران از زیربار آن در رود بلکه برعکس، ما باید همیشه ایران را در موقع لزوم یادآوری نماییم که تعهدات خود را به جا آورده نه انگلستان را و نه هندوستان را مثل گاو شیرده ندوشد.

این است اظهاراتی که خیال داشتم به عرض برسانم. و نمی‌گویم کلیتاً اوضاع ایران خوب است ولی بودن یک شخص کافی در مسند امور ایران خود علائم خوبی است. و دولت ایران همیشه باید به دوستی دولت انگلیس - از هر حزب و دسته باشد - اطمینان داشته باشد. و راجع به مستشاران امریکایی کمال اطمینان را دارم که همگی موفقیت کامل آنها را آرزو مندیم.

لرد لامنکتین: لردهای محترم، از لرد محترم که از طرف دولت به اظهارات من جواب دادند کمال تشکر را دارم. لرد محترم تصور کردند که من خواستم دولت حالیه را متهم سازم که سبب نکث حیثیت ما در ایران شده‌اند. این را من اظهار نکردم. گفتم به حیثیت ما در موقع بستن قرارداد با روس نکث وارد آمده و از آن به بعد موجب مخالفت ایرانیها نسبت به ما شده است. لرد محترم اظهارات اینجانب را راجع به مخالفت ایرانیها نسبت به ما جواب ندادند. برای همین بود به خلیج فارس اشاره کردم که ما برای منافع دنیا در

آنجا متحمل مصارف گشته و خودمان در آنجا یک وجب خاک را متصرف نگشته‌ایم و حسن نیت خودمان را بایستی به ایرانیها بگوییم؛ شاید قدری در احساسات خود نسبت به ما تخفیفی بدهند.

لرد کرزن محترم به حس ملیتی که در شرق و اقصای شرق در غلیان است اشاره نمودند. تصور نمی‌کنم که تولید این حس از اثر جنگ بین‌المللی باشد بلکه نطقهای سیاستمداران انگلیس و امریکا راجع به آمال و خیالات عالی که درباب این جنگ داشتیم این حس را تولید نموده است...

خاتماً اظهار می‌دارم هرگاه دولت حاضر نیست نوشتجات راجعه به ایران را طبع و توزیع نمایند پیشنهاد خودم را پس می‌گیرم.

لرد پارمور: از لرد محترم خواهش می‌کنم که پیشنهاد خودشان را استرداد نمایند. لرد لامنکتن: فعلاً پیشنهاد خود را استرداد داشته و در آتیه موقعی که لرد محترم وقت آن را داشتند نوشتجات را تهیه و طبع نمایند پیشنهاد خود را تجدید خواهم نمود.

[۳ - ۹۸ - ۱۱۴ ز]

## ۲۸

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

نمره ۱۴۰

تاریخ: ۵ عقرب ۱۳۰۳

استخراج تلگراف مسکو

حضرت اشرف سردار سپه

تعاقب تلگراف سابق اعزاز السلطنه پسر کامران میرزا دستورالعمل‌هایی دارد که در [از] هیچ قبیل اقدامات پرخطری فروگذار نکند. رتشتین<sup>۱</sup> تمنا می‌کند کلیه مسائل مخفی بماند و اسم او افشا نشود.

۲۷ مفاخر<sup>۲</sup>

[۱۰۹۷ - ن]

۱. تئودور رتشتین سفیر روسیه شوروی در ایران

۲. غلامرضا نورزاد ملقب به مفاخرالملک، کاردار ایران در مسکو.

۷ نمونہ: ۲

۱۳۰

بناریخ



ریاست وزراء

◀ ورقہ تذکرافی ▶

روزانہ  
۵ محرم ۱۳۰۴

نومرہ

انوار تجلیات سلوک

حضرت اشرف سردار سپہ تعاقب تہنات سابق افراد سلطنت سپہ کامران سیرا اہل شہرہ دارو  
در دیبج قبرا اقدامات برخط رفرو گذار کنند تسمین تہا یکنہ کلیہ سائیر محض تہا بند و اسم او آفسار  
نشہ ۲۷ سفاخر



## ۲۹

۷ برج قوس ۱۳۰۳

انّ من الدّین النصیحة

[رضاخان رئیس الوزرا]

اگر حضرت اشرف را از تجربه ماسبق بر حقیقت‌گویی استخاره بنده اعتقادی هست  
به حکم همان استخاره این چند کلمه به عرض می‌رسد:

حضرت اشرف تلگرافی به مجلس مخابره کنید که کار از صلح گذشته منجر به جنگ  
خواهد شد. اگر مجلس معتقد است که به کناره‌گیری من رفع فساد خواهد شد من در این  
موقع ریختن خون یک ایرانی را ولو از طرف مقابل باشد در پیشگاه حق جل و علی به  
گردن نگیرم، و به طیب خاطر حاضرم که از تمام تعلقات و شئون خود دست بردارم و  
در انتظار خارجه محرک این جنگ داخله نشوم.

اگر حضرت اشرف، روحی فداه، این اولین قدم را بردارد بالقطع قدم چهارم را بر  
روی همان مسندی که آرزوی همه نیکخواهان است خواهند گذاشت. در این اقدام یعنی  
این از خود گذاشتن بدیهی است که محرکین این فساد را به کدام درکه از درکات ذلت  
پرتاب خواهد کرد. والله علی مانقول وکیل.

پیر معارف، [میرزا حسن] رشدیه

[محل امضا:]

[۳۱۶۴۹-ن]

www.KetabFarsi.com

در آستانه تغییر سلطنت

## ۳۰

ریاست وزراء  
ورقه تلگرافی

استخراج رمز خراسان

[رضاخان رئیس الوزرا]

نظر بنده در باره شخص حضرت اشرف همان مقدمات است که چند مرتبه حضوراً عقیده خود را به حضور مبارک عرض کردم. در آن زمینه هم مدتی است مشغول کار هستم و با هر کس از عقلاً مذاکره کرده و می‌کنم کسی را مخالف نمی‌بینم. چون جذب قلوب به خوبی پیشرفت می‌کند. اگر صلاح است به قدری که لازم بدانند بنده را از نظریات ظاهر بی اطلاع نگذارند مخصوصاً رسید این تلگراف را اعلام فرمائید.

۱۲ دلو ۱۳۰۳ | نمره ۷۱

ابوالفتح طباطبائی<sup>۱</sup>

[۱۰۹۵-ن]

## ۳۱

ریاست وزراء  
ورقه تلگرافی

ایالت جلیله جواب ۷۱ خصوصی کشف شود

[در پاسخ به تلگراف رمز خراسان]

تفصیل قضیه این است، مطابق اسناد و مدارکی که اخیراً به دست آمده معلوم و ثابت می‌شود که دربار، مخصوصاً ولیعهد [محمد حسن میرزا] وسایل و تحریکاتی که مستقیماً منتهی به ضرر مملکت و خیانت به ملت می‌گردد به کار می‌برند و دامنه این عملیات هم هنوز ممتد است. این جانب، صرف نظر از مسئولیتی که به طور کلی برعهده دارم، به اقتضای حب وطن او و وظیفه ملی ناچارم بالاخره مراتب را به اطلاع عالی برسانم که هم عموم مردم به وضعیات مملکت خود آگاه شوند و هم مسئولیت مخاطراتی که در نتیجه

آن تحریکات پیش می‌آید متوجه من نباشد. به این جهات در نظر دارم با کمال بیطرفی و صمیمیت حقایق را با وجوه طبقات و نمایندگان ملت به میان گذارده و چاره‌جویی بخواهم که هر طور مصلحت بدانند تکلیف مملکت را معلوم نمایند. غیر از این هیچ نظر خصوصی در کار نیست و نقشه هم ندارم که جناب عالی را از کیفیات آن مستحضر سازم. |امضا|

[در حاشیه:]

مخابره شود

[۱۰۹۴-ن]

۳۲

[احمد شاه]

عدم حرکت موکب مبارک موجب نگرانی فوق‌العاده در افکار شده و مسئولیت آن را از هر طرف متوجه این چاکر |محمد حسن میرزا| و جناب اشرف |رضاخان| رئیس‌الوزراء می‌نمایند. در نتیجه این اوضاع و اینکه حضرت آقای مدرس نیز با سابقه به تمام تلگرافات اخیر اعلیحضرت دایر به تشریف‌فرمایی بعد از حرکت علیاحضرت ملکه<sup>۱</sup> اظهارات شدیدی در این موضوع می‌نمودند. روز دوشنبه هفتم ثور برای ناهار اجتماعی در سعدآباد در منزل جناب رئیس‌الوزراء نموده و اشخاص مفصله حضور داشتند آقای مدرس، شاهزادگان عضدالسلطان و نصره‌السلطنه<sup>۲</sup>، آقای |میرزا حسن خان| مستوفی‌الممالک، نصره‌الدوله |فیروز میرزا فیروز| قوام‌الدوله |شکراالله خان صدری| و مدت طولانی در اطراف این وضعیّت مذاکرات به عمل آمده و تصمیم بر این شد که عرایض ذیل را اجماعاً به عرض خاک‌پای مبارک رسانده استدعای جواب فوری قطعی بنمایند:

خلاصه تقریرات آقای مدرس این است:

در صورتی که ولیعهد جداً اظهار می‌دارند که تمام احساسات و انتظارات مردم که

۱. ملکه جهان، مادر احمد شاه.

۲. ابوالفضل میرزا عضدالسلطان و حسینقلی میرزا نصره‌السلطنه فرزندان مظفرالدینشاه و عموهای احمد شاه.

توسط آقای مدرس پیغام شده به عرض رسانده و راجع به حرکت اعلیحضرت اصرار نموده و می نمایند و جناب رئیس الوزراء هم متوالیاً این استدعا را کرده و اخیراً حسب المقرر وسایل حرکت اعلیحضرت ملکه را فراهم نموده [و] ناقصی که دارد همین دو روزه انجام خواهند داد، با این حال البته اگر حرکت اعلیحضرت باز به تأخیر بیفتد و یا چند روز دیگر روانه نشوند موجب یأس عموم مردم و صاحب این عقیده خواهند شد که اعلیحضرت حقیقتاً به احساسات و مصالح مملکت وقعی نمی گذارند.

در تکمیل اظهارات آقای مدرس که به عرض رسید چاکران استدعا می نمایم اگر اعلیحضرت دلیلی برای تأخیر دارند صریح بفرمایند تا رفع سوءظن بشود و مخصوصاً چاکر و چاکران دیگر اعلیحضرت که امروز در منزل رئیس الوزراء مجتمع هستیم عاجزانه استدعا و درخواست می نمایم که تاریخ قطعی را فوری تلگراف و راضی نشوند که احساسات و وضعیات خوبی که فعلاً از هر جهت موجود است مبدل به جریانهای غیر مترقبه بشود.

این تلگراف در سه نسخه با رمز چاکر و رئیس الوزراء و نصره السلطنه به عرض رسید.

[۱۱۳۷-ن]

### ۳۳

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۴

استخراج تلگراف پاریس

جناب اشرف رئیس الوزراء

تلگراف شما که مطالب آن را رجوع به تلگراف ولیعهد نموده بودید رسید. جواب تلگراف ولیعهد را مخابره کرده ام؛ البته ملاحظه خواهید کرد. با کمال اشتیاقی که به مراجعت داشته و دارم، مخصوصاً پس از ابراز صمیمیتهایی که از آن جناب اشرف نسبت به خودم مشاهده می کنم خاصه در این موقع و اظهار شرکت و همدردی در تسلیت که حقیقتاً قلباً مرا از خود ممنون نموده اید، قصد دارم هرچه زودتر به مسافرت خود خاتمه بدهم. و چون می خواهم در آتیه نیز موجبات صمیمیت بین من و شما تکمیل، و به

هیچ وجه سوء تفاهمات رخ ندهد، به بعضی ملاحظات، بهتر می‌دانم شخص محترم می‌را که طرف اطمینان باشد قبل از وقت اطلاع داده و از تهران روانه نمایند تا مطالبی که اظهار آنها به وسیله تلگراف میسر نیست به وسیله مشارالیه گفته شود تا هرچه زودتر طرف ایران حرکت و با موافقت تمام و وحدت نظر کامل امورات مملکت انشاءالله پیشرفت نماید.

شاه

[۱۱۳۹-ن]

شماره ۱۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۴



تاریخ

۷ آبان ۱۳۰۴

۱۳۰

ریاست وزراء

نشان نامه

مخارج تلگراف بارشیر <> ورقه تکرانی

جناب اشرف رئیس الوزراء تلگراف نام مطالب آنرا مجموع به تلگراف ولعهد نموده  
بودید رسید جواب تلگراف ولعهد لایحه که ام التیة للاحظه خواهمید که باکلیت استیکه برصحت  
دائمه ودارم مخصوصاً هر از ابراز صحت استیکه از آن جناب اشرف نسبت بخدمت شاه میگویم  
خاصه در این موقع واطار رشک وهدرد و تسلیت در حقیقت قبلتاً مرا از حرفه منون نموده  
مصدق دارم هر چه زودتر مباحثت حذف نموده برام وخرج بخوام در آتیه نیز موجدات صحت  
میں رخ و لائحه و پیچیده کوه قنایات رخ ندر به سعیر لاحتضات بر رسید انم سخن حق را  
در طرف ایمن باغ قبر از وقت اطلاع داده و از طهران روانه نایب تا سطح بلکه اظهار  
آنها بوسیله تلگراف سینه نیت بوسیله نشان نامه لکته نموده تا هر چه زودتر طرف ایران  
حرکت و با موافقت تمام وودت نظر کامل امور است مکتب انشاء الله شرفست نماید

شاه

www.KetabFarsi.com

اسناد مطبوعات و سانسور



## ۳۴

[نشان سفارت انگلیس]  
سفارت انگلیس تهران

نمره ۳۲۳

۱۳۰۲/۹/۳

جناب مستطاب اشرف ارفع [آقای سردار سپه رئیس الوزراء]  
نظر به محاورات روز ۲۱ نوامبر - ۲۸ عقرب - در موضوع نشریات ضدانگلیسی که  
مدیر روزنامه فکر آزاد منطبعه در مشهد، موسوم به میرزا احمدخان دهقان، انتشار  
می دهد مبادرت نموده اینک به رسم نمونه از مطبوعات ضدانگلیسی مزبور دو نمره از  
آن جریده [را] لفاً ایفاد می دارم.  
در یکی از نمرات مزبور لایحه [ای] در تحت عنوان «حوادث مهمه در ایران» درج شده که  
مقصود نویسنده این است که انگلیسیها با قوام السلطنه در سوء قصد بر علیه سردار سپه  
دخیل بوده اند. نمره دیگر محتوی لایحه ای است که به امیر فیصل مستند است و  
مشحون از اتهامات توهین آور نسبت به انگلیسیها در ایران و در عراق می باشد.  
در تاریخ ۲۸ صفر - ۱۰ اکتبر - جریده فکر آزاد مراسله...

[۹۵۱۱ن]

## ۳۵

وزارت جنگ  
اداره کابینه

نمره ۱۳۴۸۴

۹ برج قوس ۱۳۰۲

ضمیمه مراسله سفارت انگلیس و دو شماره روزنامه  
وزارت جلیله امور خارجه

مراسله [ای] از سفارت انگلیس دایر به نشریات روزنامه فکر آزاد منطبعه در مشهد بر  
علیه انگلیس به ضمیمه دو شماره از روزنامه مزبور به عنوان این جانب رسیده است که  
عیناً ارسال، و قدغن خواهید نمود جواب مراسله مزبور را به هر قسم که مقتضی است  
تهیه نمایند.

[امضا]

[در حاشیه]

ورود به کابینه ریاست وزراء تاریخ ۱۳۰۲/۹/۱۶ نمره ۱۲۷۶۲

[۹۵۱۰ن]



وزارت جنگ

کابینه

شماره

۱۳۴۱۴

تاریخ ۹ شهریور ۱۳۰۳  
صوبه پهلوی وزارت جنگ

وزارت جنگ

رئیس دفتر

رئیس دفتر

رئیس دفتر

رئیس دفتر

وزارت جنگ  
تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۰۳  
شماره ۱۳۷۶۴

## ۳۶

## انشان سفارت انگلیس |

۲۴ ژانویه ۱۹۲۴

۴ دلو ۱۳۰۲

آقای رئیس الوزراء

اینکه دولت ایران نتوانسته‌اند رضایت دوستدار را در موضوع اینکه روزنامه ستاره ایران بی ادبانه ابلاغیه رسمی دوستدار را تکذیب نموده است تحصیل نمایند مجبورم تصور نمایم که حضرت اشرف نمی‌خواهند اطمینانهایی را که شخصاً به دوستدار دارند که استرضای کامل به عمل خواهد آمد مجری دارند. بنابراین به محض اینکه هیئت جدید دولت انگلیس مشغول وظیفه خود شدند مسئله را به آنها اطلاع خواهیم داد. می‌دانم که حضرت اشرف قصد دارند اقداماتی برای جلوگیری از این قبیل وقایع بنمایند و امیدوارم که به زودی این اقدام [را] مؤکداً و تعجیلاً به موقع اجرا گذارند. مع‌هذا این مسئله به حمله [ای] که ستاره ایران مستقیماً به دوستدار نموده و از آن بابت ترضیه خواسته نشده و ترمیمی به طوری که از حضرت اشرف خواسته بودم به عمل نیامده است مربوط نمی‌شود. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نمایم.

اپرسی لورن |

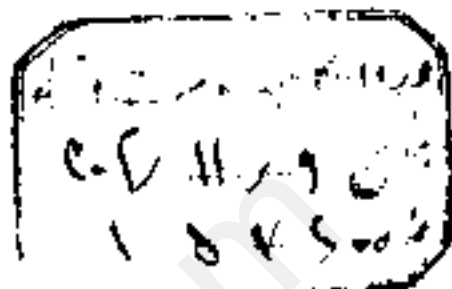
|گیرنده| حضرت اشرف آقای سردار سپه رئیس الوزراء و وزیر جنگ

|ن-۹۵۰۴|

۱۹۲۳  
مهر فروردین  
۴ دهر



British Legation.  
Tehran



تاریخ سپردن

بیت دولت ایران در این تاریخ به جهت دسترس در موصوع بیک روزنامه ستان ایران به ارباب  
 سرایستد رسو تجویب نموده است قصیده ای که در این مقدمه نام حضرت شرف پهلوی  
 در شفا دستار دارند دستار که در هر جا که مقرر دارند نام این کفر یک است بعد از  
 شرف پهلوی در دستار است و این شعر را در هر جا که مقرر دارند نام این کفر یک است بعد از  
 قصیده ای که در هر جا که مقرر دارند نام این کفر یک است بعد از  
 این شعر را در هر جا که مقرر دارند نام این کفر یک است بعد از  
 هر یک از این شعر را در هر جا که مقرر دارند نام این کفر یک است بعد از

Persepolis

حضرت شرف پهلوی در هر جا که مقرر دارند نام این کفر یک است بعد از

۳۷

شرکت روزنامه جارچی ملت  
تهران

نمره ۱۱

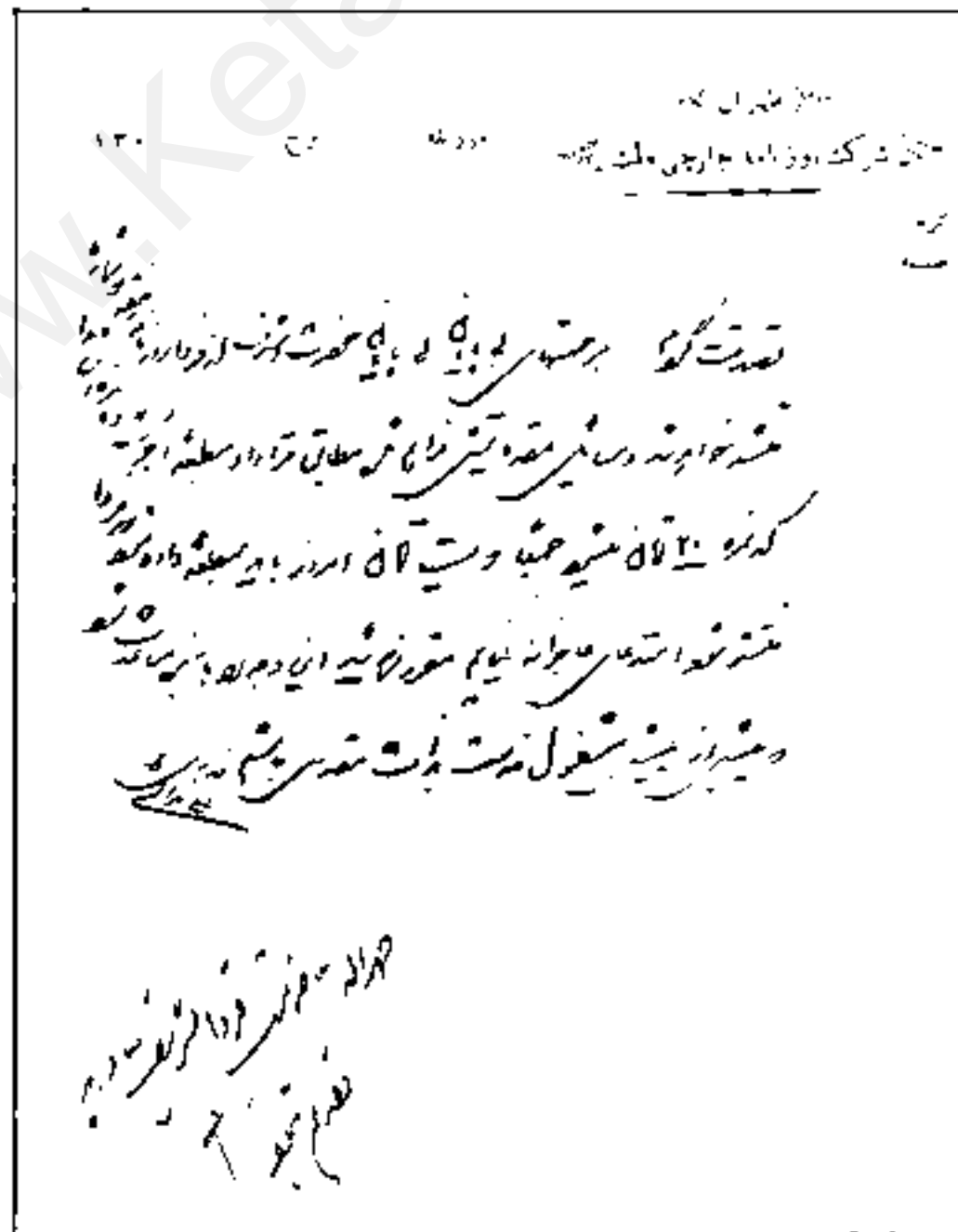
تصدقت کردم، به مرحمتهای بی پایان حضرت اشرف از فردا روزنامه هفته [ای] دو شماره منتشر خواهد شد. وسایل مقدماتی اش فراهم شده. مطابق قرارداد مطبعه، اجرت ده نمره اش را که نمره [ای] ۲۰ تومان می شود جمعاً دو بیست تومان امروز باید به مطبعه داده شود که فردا منتشر شود. استدعای عاجزانه می نمایم مقرر فرمایید این وجه را با بنده مساعدت شود که بیش از پیش مشغول خدمت به ذات مقدس باشم.

فدوی، علی فدایی

[در حاشیه:]

حمدالله حاضر نیست؛ فردا تشریف بیاورید تقدیم می شود. [امضای رضاخان]

[۵۱۱۸-ق]



## ۳۸

روزنامه یومیّه ایران  
تهران

نمره ۷۱۳

تاریخ ۱۵ برج سنبله سنه ۱۳۰۳

توسط حضرت اشرف آقای ذکاءالملک |محمد علی فروغی| - مقام محترم وزراء عظام  
دامت شوکتهم

چنانچه خاطر محترم وزرای عظام مسبوق است استقرار حکومت نظامی برای  
جلوگیری از پاره‌ای |دسایس و آتتریکهایی بود که دولت ناگریز از آن بود. پس از استقرار  
حکومت نظامی از طرف نظمیہ مفتش در مطابع گذاشته شد که مطبوعات را کنترل  
نمایند. ماده ۸ قانون مزبور راجع به جراید است که حق ندارند بر علیه دولت انتشاراتی  
بدهند. در تمام این قانون اسمی از سانسور برده نشده است. معذالک از نقطه نظر لزوم،  
سانسور برقرار گردید. حالا مأمور سانسور هم حقیقتاً جنبه افراط را گرفته است و اسباب  
شکایت تمام شده است. روزنامه ایران در این شکایات شرکت نکرده است ولی از  
نقطه نظر علاقه به دولت لازم می‌داند که مراتب را به اطلاع آن هیئت محترم برساند تا  
جلوگیری نموده و نگذارند بیهوده مردم را برنجانند.

به مأمور سانسور اظهار کردیم که آنچه ممنوع است، بگویید تا خودمان ننویسیم و  
اسباب زحمت ما و شما نشود. اظهار داشت: «راجع به گاومیری - خرابی زراعت - سیل -  
برف - حریق - اینها ممنوع از نوشتن است.» اخیراً بر این مسئله اضافه شده است که نطق  
وکلاء را راجع به مسائل اقتصادی سانسور می‌کنند. روزنامه ایران می‌نویسد: قند و چای  
چون زیاد وارد می‌شود مردم باید متوجه زیان آن باشند. در اینجا هم اظهار می‌کنند که  
نوشته نشود زیرا عامه مضطرب خواهند شد. برای اطلاع هیئت وزراء عظام مطالب  
عرض [شد] و قضاوتش بسته به نظر آن آقایان محترم است. به عقیده این اداره ممکن  
است از مسائلی که بر علیه دولت انتشار می‌یابد جلوگیری کنند ولی جلوگیری از مسائل  
اقتصادی و مسائل مربوط به امور مالی خیلی عجیب به نظر می‌آید. دیگر بسته به نظر  
وزرای عظام است.

[امضا] رهنما

[در حاشیه:]

ورود به کابینه ریاست وزراء تاریخ ۱۳۰۳/۶/۱۹ نمره ۶۲۵۷  
سواد برای نظمیة فرستاده تأکید در صحت سانسور کرده و توضیح خواسته شود.

۸۶۵-ن

## ۳۹

### ریاست وزراء

نمره ۶۲۵۷

تاریخ ۱۹ برج سنبله ۱۳۰۳

اداره تشکیلات نظمیة

سواد مکتوب آقای ازین العابدین | رهنما نماینده محترم مجلس شورای ملی را تلوأ  
ملاحظه می نماید. مقصود از سانسور جراید جلوگیری از انتشار مطالبی است که  
مخالف سیاست دولت و یا موجب تهییج و اغتشاش بشود. در این صورت از درج  
مقالاتی که راجع به فلاح و تجارت و سایر مسائلی که مربوط به سیاست جاریه نیست  
نباید جلوگیری نمود. به هر حال، با ملاحظه سواد مراسله آقای رهنما لازم است به  
مأمورین سانسور تعلیماتی بدهید که، برخلاف ترتیب، مزاحم ارباب جراید نشده و در  
آن مورد به خصوص، توضیح نمایند که مطلب از چه قرار بوده است.

امضا |

۸۶۴-ن

## ۴۰

### وزارت داخله

اداره تشکیلات نظمیة ایران

شماره ۵۳۵۰/۱۵۴

۲۶ سنبله ۱۳۰۳

اداره جلیله کابینه ریاست محترم وزراء عظام  
در جواب مرقومه مطاعه به نمره ۶۲۵۷ متضمن سواد مراسله آقای ازین العابدین |  
رهنما مدیر جریده ایران و نماینده محترم دارالشورای ملی راجع به شکایت از مأموریت

سانسور جراید لزوماً به عرض می‌رساند که سانسور جراید تاکنون به میل و نظر شخصی واقع نشده بلکه بالعکس هر قسمتی را که مأمور مزبور سانسور نموده بنا به دستوری است که قبلاً در دست دارد و با این کیفیت بدیهی است نمی‌شود استرضای خاطر مدیران جراید را فراهم ساخت و اما اینکه می‌نویسند چیزهای غیرلازمی سانسور می‌شود که ابدأ مربوط به سیاست نیست این مطلب به کلی مخالف با واقع است زیرا سانسور جراید در روی کاغذ است و اگر متشکیان فی الحقیقه در اظهار خود محق می‌باشند خوب است عین آن مطالب را در کمیونی که در این باب تشکیل شده و می‌شود مورد مذاقه قرار داده و تجاوز مأمور را اطلاع دهند پر واضح است در صورت صدق مدعا فوراً جلوگیری از نظایر آن خواهد شد. و اما اینکه مدعی هستند که از مأمور مذکور سؤال کرده‌اند که چه مطالبی باید در جراید درج نشود جواب کافی نداده این قضیه محتاج به عرض نیست که اگر بنا باشد عین دستور مرجوعه و نظریات خود را مأمور سانسور به مدیران جراید اظهار بدارد این قضیه بر مصالح دولت معکوس نتیجه بخشیده و اشکالاتی حاصل خواهد شد که بالمآل برخلاف منظور دولت واقع می‌گردد. و به‌طور کلی هم عین مذاکرات مطروحه مجلس بدون حشو و زواید در جراید معمولاً سانسور نشده، مخصوصاً نطق آقای [یحیی] دولت‌آبادی که در کلیه جراید هم درج شده. این است مأخذ شکایت مدیران جراید از مأمور سانسور. با این ترتیب تصور نمی‌رود که مأمور مزبور در اجرای وظیفه خود تخطی یا تجاوزی کرده باشد. به هر تقدیر، برای خاتمه دادن به همین شکایات بنا به تقاضای این اداره کمیونی در حکومت جلیله نظامی تشکیل شده که در چنین موارد به شکایات طرفین رسیدگی نموده و از روی حکمیت موضوع را حل و عقد نمایند.

رئیس کل تشکیلات نظمیه [امضا]

[در حاشیه:]

از طرف کابینه به آقای [زین العابدین] رهنما بنویسید بر اثر شکایتی که از طرز سانسور فرموده بودید حکومت نظامی کمیونی برای رسیدگی به سانسور جراید تشکیل داده است تا هر وقت اختلافی بین مأمورین سانسور و متصدیان جراید یا شکایتی از ناحیه جراید به عمل بیاید در آنجا برای تحقیق و رسیدگی درآید. ۲۹ سنبله

[۷۸ و ۸۷۷-ن]



## ۴۱

## ریاست وزراء

نمره عمومی ۶۶۸۷

تاریخ ثبت ۲ برج میزان ۱۳۰۳

قربانت شوم. بر اثر شکایتی که از طرز جریان مطبوعات فرموده بودید حکومت نظامی برای رسیدگی به سانسور جراید کمیسیونی تشکیل داده است تا هر وقت اختلافی بین مأمورین سانسور و متصدیان جراید حاصل شده یا شکایتی از ناحیه جراید به عمل آید در کمیسیون مزبور مورد تحقیق و رسیدگی واقع گردد. ایام جلالت مستدام.

[امضاء: بدرالدوله

[درحاشیه:]

از طرف کابینه به آقای رهنما

[۸۷۶-ن]

## ۴۲

## وزارت جنگ

حکومت نظامی تهران و توابع

نمره ۳۸۴۲

تاریخ ۲۷ برج عقرب سال ۱۳۰۳

مقام محترم وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

در جواب مرقومه مورخه ۲۶ برج جاری تصدیق می‌دهد: علت اینکه از طرف حکومت نظامی درج وقایع خوزستان در جراید ممانعت شده بود برای این نکته بود که اخبار غیر صحیح و افواهی انتشار پیدا نکند. بدیهی است چنانچه اخبارات، متکی به مراکز مربوطه بوده و در صحت آنها تردیدی نباشد از طرف مأمورین حکومت نظامی جلوگیری نخواهد شد. همین قسم هم به اداره نظمیہ دستور داده شد که از انتشار اخبار صحیح ممانعت ننمایند.

سرتیپ [امضا]

[۸۶۳-ن]

## ۴۳

## دفتر مخصوص شاهنشاهی

نمره ۵۹۹۲

بتاریخ ۵ اسفند ۱۳۰۴

امارت محترم لشکر جنوب

محرمانه و خصوصی است

قربانت شوم. اطلاعاً خاطر شریف را تذکر می‌دهم و شاید خودتان هم مستحضر و مسبوق باشید که آقای دشتی<sup>۱</sup> مدیر شفق سرخ کاملاً مورد توجه و عواطف مخصوص بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه هستند. در این موقع که به حدود جنوب عزیمت نموده‌اند مقتضی است با ایشان نهایت توجه و مساعدت را مرعی، و به هر نقطه که می‌خواهند حرکت نمایند نه از روی تظاهر و عنوان رسمی بلکه من غیر رسم و خصوصی به مأمورین قدغن فرمایید در تمام موارد با ایشان موافق و مساعد بوده و از هر حیث موجبات آسایش خاطر ایشان را فراهم دارند.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[امضا] بهرامی<sup>۲</sup>

[۱۱۲۵۶-ق]

۱. معروف به شیخ علی سانسورچی، رئیس اداره نگارشات و وکیل مجلس منتخب رضا پهلوی.  
 ۲. فرج‌الله بهرامی ملقب به دبیراعظم برادر دکتر حسین بهرامی ملقب به اعیاءالسلطنه



دفتر مخصوص شاهنشاهی

نمبر ۵۹۹۲

مکرمه و مخصوص است  
ضمیمه  
بتاریخ ۵ آغست ۱۳۰۴

«درت کرمه کسرت»

کسرت

رطبه شاه شریف زاده کریم شاه نجاتی که در کسرت

در آغست کسرت در کسرت در کسرت

بدون کسرت در کسرت در کسرت

تصرفات کسرت در کسرت

و کسرت در کسرت

با کسرت در کسرت

در کسرت در کسرت

بزرگواران  
[Signature]

www.KetabFarsi.com

اسناد مجلس شورای ملی و انتخابات

## ۴۴

## وزارت داخله

سواد تلگراف حکومت رشت

بندگان حضرت اشرف وزیر داخله بر حسب اوامری که رسیده بود و مکرر نتیجه را استعلام و تأکید در سرعت انجام می فرمودند همین که امر وزارت جلیله به انجمن نظار برای ادامه بقیه مدت و اتمام امر انتخابات اعلان شد انجمن هم، بعد، تهیه موجبات دیده دیروز قبل از ظهر اعلان داد که از بعد از ظهر شروع به کار و تکمیل امر انتخابات خواهد نمود. بعد از ظهر همین که انجمن تشکیل و شروع به عمل نمود جمعیت که از قبل از ظهر در مسجدی جمع شده و کفن پوش شده بودند روی کفن به عبارات مختلفه نوشته بودند «مرگ باشرافت، مردن باسعادت» و نظایر این عبارات در میدان جلوی بلدییه و تلگرافخانه حاضر شده به اتفاق یک جمعیتی به طرف انجمن متوجه شده. در آن وقت چند صدای تیر بلند شد. از نظمیه که مراقب حفظ انتظامات محلی، حسب الوظیفه، بودند خبر رسید کفن پوشیدگان به اتفاق جمعیت حمله به طرف بلدییه و انجمن کرده با سنگ شیشه های درب بلدییه را شکسته برخی می گفتند برویم انجمن را از پای برکنده، بعضی طرزهای دیگر صحبت می کردند که خطر برای انجمن داشته. ضمناً پلیس متهاجمین را منع از دخول به این احوال در انجمن و بلدییه نموده؛ با پلیس گلاویز، یک رولور از کمر صاحب منصب باز و دو نفر پلیس را سخت می زنند. پلیس هم چند شلیک به هوا کرده متهاجمین پراکنده می شوند و قسمتی از سران آنها را که مضروب هم شده اند به نظمیه جلب می نمایند که هنوز در نظمیه و تحت استنطاق هستند.

اما مسئله قشون چون بعد از اعلان دیده شد تهیه هیجانانی هست و قطع شده بود که ممکن است اقداماتی بشود عده ای | نظامی برای احتیاط در مراکز مهسه شهر گماسته شده بودند. در این پیشامد قدمی از قدم، قشون برنداشت؛ فقط در بعضی مواقع ایستاده بودند که اثر حضور آنها نظم ظهر را تأیید می کرد. این که آقایان تلگراف کرده اند در اثر ضرب شلاق نظامیان، نمی توانم عرض کنم حقیقت چیست زیرا در غوغا نبوده ام که ملاحظه کنم بینم آن نظامیانی که می گویند آیا نظامی بودند یا پلیس یا اینکه نظامی به کمک پلیس برآمده اند. در هر صورت، تحقیق از تمام جزئیاتش شده بدون این که ذره ای | از حقیقت دور باشد؛ به عرض خواهد رسید.

## ۴۵

کشف تلگراف رمز نمره ۸۳۵ فرمانده محترم لشکر شرق  
با مفتاح آقای امیر شوکت‌الملک توسط حکومت محترم قاینات  
سلطان اعتمادی رئیس ساخلوی. مقرر است از سیستان سلمان خان پسر آقای  
اسدی انتخاب شود. لازم است در این موضوع اقدام و جدیت نمایید که پیشرفت نماید.  
نمره ۸۳۵.

فرمانده لشکر شرق سر تیپ امان‌الله جهانبانی

۷-۳۲۲-۱۱۴ع

کشف تلگراف رمز نمره ۸۳۵  
با مفتاح آقای امیر شوکت‌الملک توسط حکومت محترم قاینات  
سلطان اعتمادی رئیس ساخلوی. مقرر است از سیستان سلمان خان پسر آقای  
اسدی انتخاب شود. لازم است در این موضوع اقدام و جدیت نمایید.  
که پیشرفت نماید. - ۸۳۵ - فرمانده لشکر شرق سر تیپ امان‌الله جهانبانی

سند شماره ۴۵

۱. سلمان اسدی پسر مصباح‌السلطنه اسدی (نایب‌التولیه آستان رضوی) نماینده دوره‌های هفتم، هشتم و نهم مجلس شورای ملی از سیستان و زابل و نماینده دوره پانزدهم از مشهد.

## ۴۶

ایالت جلیله فارس

رمز نمره ۴۰ واصل و از مفاد آن مستحضر شدم. اگرچه این جانب شخصاً هم به ضیاءالواعظین<sup>۱</sup> حسن نظر ندارم ولی چون اعلیحضرت با او مخالفت دارند و مخصوصاً امر فرموده‌اند از آنجا تبعید شود البته در صورتی که انتخاب شود اسباب دلتنگی فوق‌العاده شده و تصور نمی‌کنم انجام‌پذیر باشد. راجع به تبعید او نظریه ایالت چیست و به چه ترتیب باید اقدام شود؟ بعضی نامزد [ها] را هم از قبیل سید محی‌الدین، شیخ عبد، ابوالحسن بزاز، سید عبدالله مهذب‌الدوله حکمت چون نمی‌شناسم لازم است مسلک و مشی آنها را معرفی فرمایند تا نظریات خود را اظهار دارم. نمره ۹۳۳  
نمره ۴۷ اول جوزا ۱۳۰۲

رضا، وزیر جنگ و فرمانده کل قوا  
[۱۰۳۴۸۲-ق]

## ۴۷

[نشان شیر و خورشید و تاج]  
ایالت فارس

مورخه [۱۳۰۲]

ایالت جلیله فارس، از هیئت [در اصل ؟] اتحاد اسلام فارس تلگرافی رسیده؛ حاکی است که وضع انتخابات فارس موجب عدم رضایت و ایادی متنفذین در کار و اطمینان ملیون سلب و افکار عمومی از تعیین و عملیات انجمن ناراضی است. لازم است در حسن جریان انتخابات و تعیین انجمن نظار بر طبق [در اصل ؟] عامه و جلوگیری کامل از مداخلات غیر مشروع متنفذین، بر طبق قانون انتخابات، مساعی جدی مبذول گردد که رفع شکایت بشود. ۲ جوزا نمره ۱۰۱  
نمره ۴۹

۳ جوزا ۱۳۰۲

حسن بن یوسف [مستوفی الممالک]  
[۱۰۳۵۲۴-ق]

۱. سید ابراهیم ضیاء قشقایی ملقب به ضیاءالواعظین نماینده دوره‌های پنجم، ششم و هفتم مجلس شورای ملی از آباءه و مدیر روزنامه ایران آزاد.

## ۴۸

[انشان شیر و خورشید و تاج]

وزارت جلیله داخله

ایالت فارس

تهران

تاریخ: برج اجوزا ۱۳۱۰۲

مقام منیع ریاست وزرای عظام، دامت شوکته، در جواب نمره ۱۰۱، با مراجعه به نمره ۴۲ رمز مورخه ۲۶ ثور معروضه به وزارت جلیله داخله، عرض می‌نماید: خود این تلگرافات از ناحیه همان متنفذین محلی است که از بنده منتظر و متوقع بودند انجمن نظار را از بستگان مخصوص و به میل خودشان انتخاب نمایم و هرچه رامیل دارند با این حق مشروع عمومی بنمایند. چون بنده شرافت و نام نیک خود را به میل آنها ترجیح داده و مثل دیگران کاندید شخصی نداشتم ناچار متوسل و متشبث به این قبیل تلگرافات شده‌اند. در صورتی که افراد اتحاد اسلام از این که شنیده‌اند به عنوان آنها تلگرافی شده برآشفته و شدیداً با چند نفری که این اقدام را کرده‌اند مخالف شده و عموماً، از علما و احزاب و طبقات دیگر، از انجمن نظار و طرز جریان انتخابات و حفظ و انتظام و بیطرفی کاملی که بنده اختیار کرده‌ام کمال تشکر را دارند. و اطمینان می‌دهم که، انشاءالله، انتخابات شیراز از هر جهت موافق با قانون و حفظ مراتب بیطرفی و مراعات جهات لازمه به عمل آید و خاطر مبارک از هر جهت مطمئن باشد.

[امضا] اکبر اصرارالدوله]

[۱۰۳۵۲۲ - ق]



نمره ۱۵۶۱

۳ سرطان ۱۳۰۲

ایالت جلیله فارس، شخصاً کشف فرمایید: مقتضی است در عوض ضیاء الواعظین [سید ابراهیم ضیاء قشقایی] و ضیاء الادباء<sup>۱</sup> اقدام فرمایید حاجی آقا و سلطان العلماء<sup>۲</sup> رئیس معارف انتخاب شوند و الا خاتمه خوش ندارد.<sup>۳</sup>

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون، رضا

[پاسخ والی فارس:]

مقام منیع حضرت اشرف وزیر جنگ دامت شوکته

در جواب نمره ۱۵۶۱ عرض می نماید انتخابات خاتمه یافته چند روز دیگر از قرائت آرا فراغت حاصل می نمایند و هیچ گونه اقدامی مقدور نیست.

اکبر

لیله چهارم سرطان مخابره شد.

[۱۰۳۵۳۲ - ق]

۱. نماینده دوره های چهارم و پنجم مجلس شورای ملی از شیراز.

۲. حاج سید محمد سلطانی (سلطان العلماء) نماینده دوره پنجم مجلس شورای ملی از شیراز.

۳. تهدید رضاخان مؤثر واقع شد و به طوری که مشاهده کردیم افراد مذکور به رغم خاتمه یافتن انتخابات و اظهارات والی فارس به مجلس دوره پنجم راه پیدا کردند.

اینجده نادر شاه گزیده سعادت و عین فیاض و عین غنای و عین ابرام و عین

عین سینه پهلوی سرفراز تاب آورده و الله ماله عین سرفراز

۱۵۶۱

در دهک و فرزند شاه گزیده

سفر ۱۵۶۱ - ۲ - ۱

شاه نیک مجلس از شاه و وزیر و سایر کرم

در مجلس ۱۵۶۱ عین نادر شاه گزیده و عین ابرام و عین

از فرزند اراد فرزند شاه گزیده و سایر کرم و عین سرفراز

## ۵۰

وزارت امور خارجه

اداره رمز

نمره ۱۱۲۶

بتاریخ ۲۴ دی ماه سنه ... ثیل ۱۳۰۵

رمز سفارت پاریس

شیکاگو تریبون می نویسد موقع انتخابات نظامیان می خواستند کاندیداهای دولت را به مردم تحمیل [کنند]. مردم قشون [تهیه و] حمله [کردند]. عده [ای] مقتول [شدند و عده ای] دستگیر. مردم الغاء انتخابات [را] از کابینه خواستند. کابینه هم از ترس روسها قبول [کرد] به هر طور رأی مبارک علاقه گرفت تکذیب شود تلگراف کنید.

نمره ۴۸ - اسد

[در حاشیه:]

۴۸ - اخبار فقط راجع به انتخابات رشت است که برخلاف ماده ۲۱ قانون انتخابات خواسته بودند انتخابات قبل از موعد قانونی شروع شود و از آنها جلوگیری به عمل آمده است. ابدأ کسی مقتول نشده و این که می نویسند کابینه از ترس روسها انتخابات را ملغی کرده ابدأ صحیح نیست. تکذیب بفرمایید.

[۱۲ - ۱ - ۱۵۵ ن]

## ۵۱

از تهران

ایالت جلیله فارس، در تعقیب تلگرافات سابق، مقتضی است قدغن فرمایید که در انتخاب نوبخت از بوشهر مساعدت نشود. حکمت<sup>۱</sup> هم که جزء [جزو] کاندید [های]

۱. میرزا رضاخان حکمت ملقب به سردار فاخر نماینده دوره های چهارم و پنجم مجلس شورای ملی از آباده و همچنین نماینده دوره های هفتم، هشتم، چهاردهم، پانزدهم، شانزدهم، هجدهم، نوزدهم و بیستم مجلس شورای ملی از شیراز.

شهر شیراز است از جهرم بفرمایید بشود. راجع به ضیاءالواعظین [سید ابراهیم ضیاءقشقای] بایستی هر طور است اقدامی بفرمایید که از انتخاب مشارالیه جلوگیری به عمل بیاید.

نمره ۱۲۳۳

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون، رضا  
[۱۰۳۵۱۶ ق]

## ۵۲

وزارت داخله  
ایالت فارس

نمره ۲۱۲

به تاریخ ۱۳۰۸/۱/۲۴

ایالت جلیله فارس عطف نمره ۱ راجع به انتخابات [انتخاب] میرزا محمود، تاکنون نتیجه اقدامات خودتان را اعلام نفرمودید. قدغن فرمایید مراقبت نمایند که مشارالیه از لار انتخاب شود.

وزیر دربار پهلوی  
[عبدالحسین] تیمورتاش  
[۱۰۳۵۰۳ ق]

## ۵۳

وزارت داخله  
ایالت فارس

نمره ۶۹

به تاریخ ۱۳۰۸/۱/۲۵

حکومت جلیله لار و مضافات، به علاوه تلگراف وزارت داخله که سوادش ابلاغ شده و ملاحظه خواهید نمود، اینک از وزارت جلیله دربار پهلوی تلگراف رمزی داشتم که درخصوص انتخابات لار و خمسه تأکیدی فرموده‌اند. لازم است هرچه زودتر شروع به عملیات، انتخابات انجام بشود.

[۱۰۳۵۰۲ ق]

## ۵۴

## ریاست وزراء

کشف تلگراف رمز حکومت گرگان نمره ۳۳۷ تاریخ ۱۳۱۵/۱۲/۲۲  
 جناب آقای رئیس الوزراء، موقعی که فدوی حسب الامر تهران آمده بودم از پیشگاه  
 مبارک همایونی درخواست نمایندگی دوره یازدهم مجلس شورای ملی را برای آقاخان  
 معززی نموده و موقع قبول یافته. اینک از وزارت داخله رمزاً دستور انتخاب آقای  
 محمدعلی اوحدی<sup>۱</sup> بازرس وزارت عدلیه رسیده. اجرای امر مرکز به اطاعت عموم  
 اهالی گرگان درباره هرکس نهایت آسان و هیچ گونه نظر شخصی ندارد؛ فقط برای این که  
 در خاک پای مبارک مورد استیضاح واقع نشوم مراتب به حضرت اشرف راپورت، اگر  
 انتخاب آقای اوحدی به اراده و امر همایونی باید بشود مستدعی است اشعار فرمایید  
 فوراً اطاعت نماید و اگر امریه شفاهی که به فدوی در انتخاب آقاخان معززی فرمودند در  
 خاطر ملوکانه تغییری حاصل نشده آن را هم دستور اجرا فرموده و به وزارت داخله نیز  
 اوامر مقتضی در جریان و چگونگی امر صادر فرمایند. ۱۵/۱۲/۲۱ شماره ۵۷۱  
 نمره ۳۳۷ | تاریخ | ۱۳۱۵/۱۲/۲۳ رمز شد.

سرهنگ حکیمی

[در حاشیه:]

سرهنگ حکیمی حاکم گرگان [به] دفتر مخصوص تلگراف می کند موقعی که تهران  
 شرفیاب بودند به عرض رسانده اند که معزز گسرگانی از گرگان انتخاب شود و اجازه  
 فرموده بودند. در صورتی که باید معزز انتخاب شود ممکن است اوحدی که برای گرگان  
 در نظر گرفته شده بود از اصفهان انتخاب گردد. توضیحاً عرض می شود اوحدی اصلاً  
 اصفهانی است.

[۳ - ۱۳۸ - ۳]

۱. نماینده دوره های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی از اصفهان.

## ۵۵

## ریاست وزراء

نمره ۹

تاریخ ۱۳۱۶/۱/۵

کشف تلگراف رمز ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی، بوشهر  
ریاست وزراء، حسب الامر مطاع مبارک ابلاغ می نماید سیدحسین معینی<sup>۱</sup> که در گیلان  
مقیم و دارای علاقه ملکی است مقتضی است به جای همراز فاضل الملک<sup>۲</sup> نماینده  
فعلی گیلان انتخاب شود. همراز را به جای هزار جریبی<sup>۳</sup> در گرگان انتخاب نمایند؛ به  
حکومت گیلان و حکومت گرگان دستور لازم صادر فرمایند. اوحدی هم که در نظر بود  
از گرگان انتخاب شود به طوری که در تلگراف شماره ۳۳۷ مرقوم داشته بودید چون  
اصلاً اصفهانی است مناسب تر است در عوض دکتر احتشام<sup>۴</sup> انتخاب شود. به حکومت  
اصفهان نیز دستور بدهید که در انتخاب اوحدی مساعدت نمایند.

شماره ۱۶/۱/۳

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، حسین<sup>۵</sup>

[درحاشیه:]

سواد برای اطلاع آقای فریدونی ارسال گردید. ۱۶/۱/۵ رمز شد.

[۲ - ۱۳۸ - ۳]

- 
۱. سید حسین معینی نماینده دوره‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی از طوالش - گرگانرود.
  ۲. محسن همراز ملقب به فاضل الملک نماینده دوره‌های هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم مجلس شورای ملی از گرگان.
  ۳. علیقلی خان هزارجریبی نماینده دوره‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم مجلس شورای ملی از گرگان.
  ۴. دکتر سید احمد احتشام ملقب به احتشام‌الحکما نماینده دوره‌های پنجم، هشتم، نهم، دهم مجلس شورای ملی از اصفهان.
  ۵. حسین شکوه ملقب به شکوه‌الملک.

## ۵۶

ریاست وزراء

نمره ۱۰

تاریخ ۱۶/۱/۵

کشف تلگراف رمز دفتر مخصوص شاهنشاهی، بوشهر  
ریاست وزراء، راجع به انتخاب یک نفر نماینده سقز نظر فرمانده لشکر کردستان این  
است که علی اشرف وزیری و افتخار ناهید که هر دو ملاک هستند صلاحیت انتخاب  
شدن را دارند. مقرر فرمودند یکی از این دو [را] نفر برای سقز در نظر گرفته دستور  
فرمایید در انتخاب او مساعدت شود.

۱۶/۱/۳ شماره ۱۰

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، حسین

[در حاشیه:]

سواد برای اطلاع آقای فریدونی ارسال گردید. ۱۶/۱/۵ رمز شد.

[۳ - ۱۳۸ - ۵]

## ۵۷

ریاست وزراء

نمره خصوصی ۷

تاریخ ۱۳۱۶/۱/۴

تلگرافخانه برسانند

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی، چون سه روز دیگر بیشتر به توزیع تعرفه و اخذ  
آرا در گرگان باقی نمانده مستدعی است در صدور جواب رمز شماره ۳۳۷ تسریع  
فرمایید [تا] تکلیف معلوم باشد.

[در حاشیه:]

رمز شود.

۱۶/۱/۴ رمز شد.

[۳ - ۱۳۸ - ۱]

www.KetabFarsi.com

اسناد مربوط به علما و تغییر لباس



## ۵۸

## جنرال قونسولگری دولت علیه ایران

بین‌النهرین - بغداد

خیلی محرمانه است

مورخه ۱۲ آذر سنه ۱۳۰۶

نمره ۲۴۴۲

جناب اجل آقای یاور هدایت‌الله خان فرمانده قوای سرحدی قصرشیرین به طوری که محرمانه اطلاع حاصل کرده است آقا شیخ احمد شاهرودی<sup>۱</sup> و حاجی آقا حسین بروجرودی که دو نفر از طلاب اهل علم هستند با بعضی نوشتجات که از طرف آیتین آقای میرزا حسین نائینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی بر ضد دولت و سیاست اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنا فداه به بعضی از علماء ایران نوشته شده است در طریق قصرشیرین قصد مسافرت به ایران دارند. از برای منع مسافرت آنها از طرف جنرال قونسولگری اقداماتی شده است، ولی هرگاه احیاناً با مساعدت مأمورین عراقی عازم ایران شدند به مجرد ورود مشارالیه به سرحد آنها را توقیف و جمیع نوشتجات ایشان را ضبط و آنها را مجدداً به بین‌النهرین اعاده بدهید و نوشتجات ایشان را به مقامات لازمه تقدیم و نتیجه را به جنرال قونسولگری اشعار فرمایند.

نمره ۲۵۲۳ ۱۲ آذر سنه ۱۳۰۶

[امضا] محمد حسن بدیع

[در حاشیه:]

یک سواد از این مراسله برای اطلاع وزارت جلیله امور خارجه تقدیم می‌شود.

[۷-۱-۱۵۵ ن]

## ۵۹

نمایندگی سیاسی و جنرال قونسولگری دولت علیه ایران - در بین‌النهرین

نمره ۶۷۸/۲۴

مورخه ۲۶ مهر ۱۳۰۷

سواد راپرت ویس قونسولگری نجف

بعدالعنوان

صبح ۲۵ شهر جاری به قنسولگری اطلاع رسید که شب را حضرت حجت‌الاسلام آیه‌الله آقای نائینی دامت برکاته به واسطه خطوطی که از ایران به طلاب و آقایان راجع به کلاه و لباس رسیده درس را تعطیل نموده‌اند. از آن جایی که حقیقت مطلب را معلوم نمایم خودم صبحی خدمت حضرت آیت‌اللهی رسیده تفصیل را اشعار نمودم. فرمودند طلاب درخواست تعطیل درس را نموده‌اند ولی من قبول نکرده و آنها را ملامت نمودم و درس را گفتم و طلاب خیلی هیاهو می‌نمودند که دیگر درس برای چیست به ما می‌دهید؟ ایران بعد از این دیگر اهل علم و دین لازم ندارد. ما در اینجا درس می‌خوانیم روحانیین و اهل علم را در ایران مجبور و بازداشت نموده جبراً لباس و کلاه به سر می‌گذارند و برای ما هم همین کار را خواهند نمود. عرض کردم خطوط به کی آمده و کدام اهل علم در کجا بازداشت شده که جبراً لباس او را عوض نموده‌اند؟ فرمودند از تمام نقاط ایران خطوط زیاد به شخص من و سایر حجج اسلام و علماء خط رسیده و شکایت از تبدیل لباس می‌نمایند. آیا ممکن است یک نفر روضه‌خوان یا واعظ یا امام جماعت با کلاه بالای منبر رفته و عظ نماید؟ و نمی‌دانم چرا اولیاء امور دولت ملاحظه نمی‌فرمایند که نتیجه این اخبار متجر به یک اغتشاش عظیمی نشود. جواب عرض کردم اولاً اینکه می‌فرمائید اهل علم را مجبور کرده‌اند به تبدیل لباس به کلی دروغ و کذب است و اصل ندارد و با کمال اطمینان عرض می‌نمایم آنهایی که در اینجا و یا از ایران به حضور محترم عرض نموده‌اند به کلی دروغ و مبثی بر غرض بوده است. اگر می‌فرمایید روزنامه‌ها را بیاورم ببینید که مخصوصاً قید شده آقایان علماء و اهل علم و واعظ با لباس سابق و عمامه خواهند بود. ثانیاً از حضرت مستطاب عالی استفسار می‌نمایم در گذاشتن

کلاه پهلوی شرعاً اشکال می‌کنید؟ فرمودند نه اشکال ندارد، ولی چرا مردم را در استعمال لباس قومی خود محروم می‌دارند؟ جواب عرض نمودم لباس قومی نزد حضرت عالی کدام لباس است؟ فرمودند لباس دراز. جواب دادم اگر تصدیق می‌فرمایید که نصف بیشتر اهالی ایران لباس دراز ندارند پس لباس اینها به خلاف لباس قومی بوده. به طوری که عرض شد، اصل حقیقت مسئله را می‌خواستند به حضور محترم عرضه بدارند و ضمناً هرگونه کذب را جعل نموده برای تشویش خاطر مبارک آقایان می‌نویسند بلکه نظر دولت از این تبدیل لباس این است که لباس قومی را برای ملت ایران ترتیب بدهند که تماماً وحدت شکل و لباس داشته باشند و در تبدیل لباس و کلاه هم شرعاً اشکالی را نفرمایید. و راجع به لباس علماء و روحانیین لباس سابق خود را خواهند داشت. بعد فرمودند از قول ایشان به مقامات عالی عرضه بدارد که قدغن فرمایند که به صنف روحانیین در ایران توهین و جبر در تبدیل لباس نشود.

عصر همین روز چند نفر از آقایان اهل علم به قنسولگری آمده منشأ خبر را تفتیش نمودند. از همدان خطی به حضرت حجت‌الاسلام آقای میرزا علی آقای شیرازی نوشته‌اند که حاجی آقا محمد نامی که عمامه بر سر داشت موقع عبور از بازار عمامه او را برداشته یک پوست هندوانه به سرش گذاشته‌اند. بعد حاجی آقا محمد به دایره عدلیه رفته شکایت نموده. رئیس محکمه جواب داده خوب است عجبالتاً لباس ذلت را درآورید و لباس عزت بپوشید که توهین نکنند و شکایت او را استماع نکردند. ولی قنسولگری جواب داد همیشه این خبرهای دروغ و عجیب و غریب از ناحیه حضرت آیت‌اللهی در می‌آید و جداً این خبر را تکذیب می‌کنم که اصل نداشته و دروغ نوشته‌اند استحضاراً عرض شد.

[امضا:]

[۲- ۱- ۱۵۵ ن]



## ۶۰

نمایندگی سیاسی و جنرال قونسولگری دولت علیه ایران - در بین النهرین

نمره ۶۷۹/۲۴

مورخه ۲۶ مهر ۱۳۰۷

سواد راپرت ویس قونسولگری نجف

بعدهالعنوان

یک نفر از علماء مازندران به پسر خودش در نجف نوشته به آقایان حجج اسلام ابلاغ نمایند که حال ما مثل حال یهود گردیده در اول اسلام. از خانه‌ها بیرون نمی‌توانیم بیاییم می‌خواهند عمامه‌ها را برداشته کلاه به سرمان بگذارند؛ چاره نمایند. ویس قونسولگری با دلایل و مندرجات جراید ایران که علماء از تبدیل لباس مستثنی هستند را تکذیب نموده و اظهار داشتیم این اشخاص مغرض و یا تحریک شده‌اند؛ می‌خواهند اذهان را مشوش نمایند. ابدأ چنین واقعه [ای] در ایران رخ نداده و به احدی از علماء توهین نشده و نخواهد شد. استحضاراً عرض شد.

[امضا: محمود]

[۹-۱-۱۵۵ ن]

## ۶۱

نمایندگی سیاسی و جنرال قونسولگری دولت علیه ایران در بین النهرین

نمره ۴۰۹۸

مورخه ۲۸ مهرماه سنه ۱۳۰۷

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

برای مزید استحضار خاطر مبارک به عرض می‌رساند: ویس قونسولگری نجف در طی دو فقره راپرت نمره ۶۷۹ و نمره ۶۷۸ اشعار می‌دارد که اخباری برخلاف واقع درباب تبدیل عمامه به کلاه در نجف انتشار یافته که بالاخره مجلس درس حضرت حجت‌الاسلام آقای نائینی را تعطیل نموده‌اند. سواد هر دو فقره را لفاً تقدیم و نظر به اینکه این قبیل نشریات از ناحیه مغرضین و برای اجرای مقاصدی است جواباً ویس

قونسولگری مزبور را از عدم صحّت اخبار مزبور مطلع نموده که در تکذیب آن اقدام نماید.

کفیل نمایندگی و ژنرال قونسولگری [اسم ناخواناست]

[۸-۱-۱۵۵ ن]

## ۶۲

نمایندگی سیاسی و جنرال قونسولگری دولت علیه ایران در بین‌النهرین

نمره ۵۵۷۱

مورخه ۱۶ دی ماه سنه ۱۳۰۷

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

برای مزید استحضار خاطر مبارک به عرض می‌رساند: پس از اینکه وزارت جلیله معارف سرپرستی امور کلیه مدارس بین‌النهرین به جنرال قونسول محول گردید فدوی به ترتیب مخصوص اقداماتی برای متحدالشکل شدن مدیران و معلمین مدارس نموده و حالیه کلیه کارکنان مدارس ایران - غیر از سه نفر - کلاه پهلوی و کت و شلوار را استعمال و حتی اکثر از ایرانیان نقاط مختلفه بین‌النهرین هم این لباس را اختیار و بدیهی است تدریجاً ایرانیان به لباس مزبور ملبس و کلاه پهلوی را استعمال خواهد نمود.

کفیل ژنرال قونسولگری.

[۱۰-۱-۱۵۵ ن]

## ۶۳

ویس قونسولگری دولت علیه ایران

نجف اشرف

نمره ۷۳۱/۲۴

تاریخ ۴ آبان ۱۳۰۷

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت عظمته

بعد از انتشار اخبار توقیف آقای مدرس<sup>۱</sup> و اخبار [ی] که در معروضه نمره ۷۲۳ و نمره

۱. در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۰۷ سرتیپ محمد درگاهی رئیس نظمیه - معروف به محمد چاقو - به اتفاق

۷۲۶ به جنرال قونسولگری محترم بغداد راپرت عرض و سواد آنها در نمره ۷۳۰ به آن مقام منیع تقدیم گردیده عده [ای] از علماء محترم با حضرتین حجتین آیتین آقای نائینی و آقای اصفهانی محرمانه ملاقات و مذاکرات نموده‌اند. چه باید کرد؟ و چه اقدامی باید نمود؟ بعضیها رأیی داده‌اند شرحی به خاک پای مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه عرض کردم. درخواست توجهات ملوکانه را نسبت به حجج اسلام و قاطبه روحانیین بخواهند. در جواب فرموده‌اند هنوز تفصیل کیفیت کاملاً معلوم نیست قضیه چه بوده است، و موقع هیچ گونه اقدامات نیست تا قضایا کاملاً معلوم و روشن شود [یک کلمه خوانده نشد] کتباً به تهران و قم نوشته تفصیل را خواسته‌اند بنویسند استحضاراً عرض شد.

[امضا]

[۳-۱-۱۵۵ ن]

۶۴

### قونسولگری دولت علیه ایران در بصره

نمره ۱۰۲۷

تاریخ ۷ دی ماه

فوری است

آقامیرزا عبدالله خان یگانه مدیر مدرسه پهلوی بصره

نظر به اینکه مجلس شورای ملی و هیئت وزراء عظام امر فرموده‌اند به استثنای طبقه علماء جمیع اتباع ایران به خصوص مستخدمین دولتی باید متحدالشکل باشند و از این ماه به این طرف به آقامیرزا علی قمشه [ای] معلم مدرسه پهلوی خاطر نشان گردید مثل

عده‌ای صاحبمنصب و وکیل و آژان وارد منزل سید حسن مدرس روحانی مبارز و نماینده ادوار گذشته مجلس شورای ملی می‌شوند تا وی را دستگیر نمایند. بین مدرس و درگاهی زد و خورد آغاز می‌شود. چون تعداد مأمورین زیاد بود مدرس را به سختی مضروب و مجروح می‌نمایند و او را کشان کشان از خانه خارج کرده سوار اتومبیل نموده و به خارج از تهران می‌برند. سرانجام در شهر خواف واقع در سرحد ایران و افغان او را در محبس نظمیه زندانی می‌کنند. (ر.ک: باقر عاقلی. روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب. تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۹. ج ۱، ص ۱۶۶.)

سایر معلمین کلاه لبه‌دار بپوشد و مشارالیه همه را به طفره و تعلل گذرانده است. لازم است به ایشان اخطار نماید در صورتی که مطیع مقررات اولیای دولت نباشد و از پوشیدن کلاه لبه‌دار استنکاف نماید از وظیفه مستعفی و معلم دیگری به جای او در نظر گرفته خواهد شد.

[امضا] محمدحسن بدیع

[در حاشیه:]

یک سواد به وزارت جلیله امور خارجه تقدیم می‌شود.

[۱۱-۱-۱۵۵ ن]





فونو لکری دولت علیه ایران در بصره

تاریخ ۷ دی ماه

فوری است

نومبر ۱۲۲۷

ضمیمه



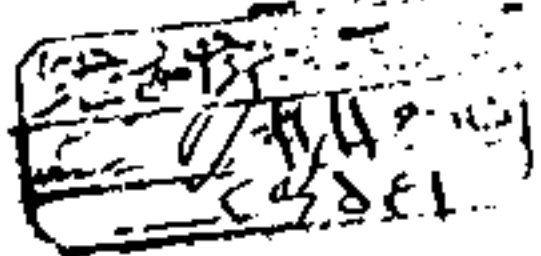
اقا میرزا عبد الله خان یگانه مد برمد رسه پهلوی بصره

نظرها بنگه مجلس شورای ملی و هیئت وزراء عظام امر فرموده اند  
 با ستثنای طبقه علماء جمیع اتباع ایران بخصوص مستخدمین دولتی  
 با بد متحد الشكل باشند و از این ماه با این طرف مکرر به آقا میرزا  
 علی قمشه معلم مدرسه پهلوی خا طرنشان گردید مثل سایر مسلمین  
 کلاه لبه دار بپوشند و مشارالیه همه را بطفره و تعلل گذرانده است  
 لازم است با ایشان احضار نماید در صورتیکه مطلع مقررات اولیای  
 دولت نباشند و از پوشیدن کلاه لبه دار استکفاف نماید از وظیفه

مستثنی و معلم دیگری بجای او در نظر گرفته خواهد شد .  
 مستثنی  
 مستثنی

کیورد بر راز خستید اسور خارجه تقدم نمود

الله بر سر  
۷ / ۱۱ / ۱۱



## ۶۵

نمایندگی سیاسی و جنرال قونسولگری دولت علیه ایران - در بین‌النهرین

ترجمه از جریده العراق مورخه ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۴۷ نمره ۲۵۹۶

از جمله تلگرافات خصوصی دفتر جراید شرق

تهران - حکومت ایران ابلاغیه صادر و به تمام مأمورین و ملت خود امر کرده است لباس اروپایی پوشیده و کلاه پهلوی بر سر بگذارند و نیز وسایلی می‌انگیزد که نفوذ مذهبی را از نفوذ مدنی مجزا کند و لوایح جدیدی هم قریباً به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود و از مفاد آنها همچو فهمیده می‌شود که حکومت ایران نسبت به اصلاحات، رویه ترکها را تعقیب کرده است و راجع به حروف کتابت هم پیشنهاد شده است یا حروف فارسی قدیم و یا حروف لاتین استعمال شود. یک کمیسیون مخصوصی مشغول مطالعه این پیشنهاد است و از قراری که می‌گویند کمیسیون مزبور شق ثانی را ترجیح می‌دهد. ترجمه مطابق اصل است.

[امضا]

[۶-۱-۱۵۵ ن]

## ۶۶

وزارت داخله

اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

تاریخ فروردین ماه ۱۳۰۸

مقام محترم وزارت جلیله داخله

بر اثر صدور دو نسخه متحدالمال از مرکز، راجع به اجرای قانون اتحاد شکل البسه، در نظمیه همدان راپرت می‌دهند کلیه معممین همدان که عده آنها بالغ بر ۱۳۵ نفر می‌باشد اجازه اجتهاد یا محدثی تحصیل کرده و از اداره حکومتی جواز ابقاء عمامه خود را دریافت نموده‌اند. علاوه بر اینکه از معممین کسر نشده، ممکن است به این ترتیب بر عده فعلی آنها نیز افزوده شود و به طوری که معلوم شده مجتهدینی که تصدیق محدثی به اشخاص می‌دهند، بدون هیچ ملاحظه و دقت، هر کس به آنها مراجعه می‌کند تصدیق می‌دهند و مایلند که بر عده معممین افزوده شود. فعلاً به این طریق قضیه در جریان است

و اجرای حکم با این حال صورت خوشی نداشته و نتیجه معکوس خواهد شد.  
 رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی، سر تیپ درگاهی  
 [امضا]  
 [شماره ۱۵ واقعه کشف حجاب]

۶۷

به تاریخ ۲ دی ماه ۱۳۱۴

نمره ۱۷۲۲

وزارت داخله

عطف به نمره ۱۶۲۳ صادره از اداره کابینه، معروض می‌دارد که اقدامات لازمه به عمل آمده. البته خاطر آن وزارت متبوعه مستحضر است که قم راجع به اجرای این دستور غیر از سایر شهرهاست و باید با کمال حزم و احتیاط شروع به اقدام این موضوع شود، و [من] هر روز با رئیس شهربانی مشغول تهیه مقدمات برای اجرای این دستور هستم. امروز هم نظر به اینکه عده خود معلمات در اطراف موضوع مذاکراتی نموده بودند که حاضر برای رفع حجاب نخواهند بود و استعفا می‌دهند و عده آنها هم بیش از شش نفر نیست و اغلب اهالی هم به واسطه انتشار خبر راجع به رفع حجاب دخترهای خود را از مدرسه بیرون آورده‌اند. جلسه در اداره معارف با حضور شش نفر معلمات و رئیس شهربانی و رئیس معارف تشکیل آنچه لازمه اظهار بود به آنها شد و حاضر شدند که در این دو سه روزه شروع به تبلیغات لازمه در خانواده‌ها نموده که پس از تشریف‌فرمایی جناب آقای وزیر معارف و تشکیل کنفرانس در این موضوع، اقلأ یک صد نفر از خانمها در جلسه مزبور حاضر شوند و ضمناً صورت کلیه محصلات را از مدرسه گرفتم که اشخاصی که دختران خود را از مدرسه خارج کرده‌اند آنها را به وسایل مختلفه تعقیب و مجبور نمایند که مراجعت بدهند، که این صورت خوشی نخواهد داشت و اعلانی نیز امروز در یکی از محلات الصاق شده بود که روز کار و فعالیت می‌باشد و به مسلمانها خطاب نموده بود که دختران خود را از مدارس خارج کرده و بر ضد این موضوع باید اقدام نمود که شهربانی مشغول تحقیقات است.

به نظر این جانب عده پاسبانی شهر قم فعلاً برای اجرای این دستور کافی نیست، اگرچه رئیس شهربانی جداً کار نموده و از هیچ نوع اقدامات کوتاهی ندارد، ولی برای

اینکه در تمام محلات شب و روز باید پست گذاشته شود که مراقب فرد فرد اهالی بوده که سوء احترامی نسبت به زنی نشود که موجب اخلال جریان کار بشود لازم است سی نفر بر عده پاسبانی شهر قم اضافه نمایند که از هرگونه پیش آمد سویی جلوگیری شود، و از طرف شهربانی هم تلگرافاً در این موضوع درخواست شده. فدوی به اهمیت این موضوع در قم کاملاً واقف. امیدوارم با کمال ترتیب و نظم دستورات صادره به موقع اجرا گذاشته شود.

حکومت قم

[شماره ۳۲ واقعه کشف حجاب]

۶۸

تاریخ ثبت ۱۳۱۴/۱۱/۲۰

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

در بدو جریان نهضت بانوان کردستان و حاضر نبودن کلاه و لباس زنانه به حد کفایت برای عده‌ای از بانوان طبقه سوم آنجا، حکومت کردستان تلگرافاً اجازه خواسته بود که اجازه داده شود بانوان آنجا با لباس محل (کردی) ترک چادر نمایند تا بعد به تدریج تهیه کلاه و لباس نموده و همصورت سایر بانوان شوند. حسب الامر به حکومت جواباً دستور داده شد پس از اینکه بانوان ترک چادر کردند باید حتماً کلاه اروپایی استعمال نمایند و اگر اجازه داده شود که آنها همان لباس و کلاه کردی محلی خود را نگهدارند تغییر آن در ثانی مشکل خواهد شد. اینک حکومت جواب می‌دهد در اجرای نیات مقدس ملوکانه با نهایت افتخار اقدام شده و نهضت بانوان کردستان به خوبی در جریان و پیشرفت است.

برومند

[۴۲ - ۶۴۹ - ۳]

۶۹

کابینه ریاست وزراء

نمره ۶۲ ۱۴/۱۱/۱

استخراج تلگراف رمز ایالت خراسان

جناب آقای رئیس‌الوزراء

حکومت سبزوار با ارسال سواد راپرت نظمیہ آنجا اطلاع داده است شیخ محمود،

پیشنماز مسجد جامع، اظهاراتی بر ضد رفع حجاب نموده و همچنین خانم شریعتی برادرزاده مشارالیه که مدیره مدرسه است، مخالف رفع حجاب بوده است. تلگرافاً به حکومت سبزوار فوراً آخوند مزبور را جلب و تعقیب نموده و عنداللزوم شبانه به یک نقطه دیگری تبعید نمایند. همچنین خانم شریعتی را، در صورتی که اظهاراتی برخلاف تجدد نسوان نماید، از مدرسه خارج و جلوگیری نمایند. به نظمیة مشهد نیز دستور داده شد به نظمیة سبزوار دستور لازم صادر نمایند.

۳۰/۱۰/۱۴ نمره ۳۰۱

پاکروان<sup>۱</sup>

۱. به ایالت جواب داده شود که اقدام ایالت صحیح بود.
۲. به وزارت معارف دستور داده شد مدیر مدرسه را هم منفصل نمایند.
۳. به وزارت معارف نسبت به انفصال مدیره نوشته شود.

[۱۷ - ۶۴۹ - ۳]

## ۷۰

کابینه ریاست وزراء

نمره ۹۱ ۱۴/۱۱/۲۶

استخراج تلگراف ایالت خراسان

جناب آقای رئیس الوزراء

جشنهای تجدد نسوان که از طرف کلیه طبقات و حتی طبقات پست در مشهد گرفته اند، روزافزون و به شکل باشکوهی ادامه دارد. دیروز در پنج نقطه شهر جشن بود که یکی از آنها در ناحیه چهار نوغان منعقد و در آنجا حدود سه هزار مرد و زن حاضر بودند. امروز هم پایین خیابانها جشن مفصلی می گیرند. با ترتیباتی که پیش می رود تا چند روز دیگر هیچ صنفی در مشهد باقی نخواهد ماند که جشن نگرفته باشد. در نظر است پس از خاتمه جشنها ورود به صحن و جرم مطهر و بیوتات شریفه برای زنهای با چادر قدغن شود، البته زوار خارجه که تذکره ارائه بدهند مستثنی خواهند بود. فعلاً دستور داده شد زنهای با چادر را در ادارات دولتی و محاضر رسمی نپذیرند. امیدوارم به

۱. فتح الله پاکروان والی خراسان.

زودی موضوع تجدد نسوان در مشهد به کلی عملی شود. مستدعی است مراتب را به عرض خاک‌پای مبارک ملوکانه اروحنا فداه برسانید.

پاکروان

[۳۸ - ۶۴۹ - ۳]

## ۷۱

نمره ۱۰۵ ۱۴/۱۲/۵

استخراج تلگراف رمز ایالت خراسان  
ریاست وزراء

جشنهای تجدد نسوان در مشهد ادامه دارد. هفته گذشته چندین جشن، از آن جمله از طرف قائم‌مقام به نام سادات رضوی، گرفته‌اند. پس فردا نظام شهیدی و روز پنجشنبه اهالی عیدگاه که توده مردم را تشکیل می‌دهند، جشن می‌گیرند. در خیابانهای بزرگ زن با چادر دیده نمی‌شود. دستور داده شد که از فردا زنها را با چادر به حرم و اماکن شریفه راه ندهند. البته زنهاى اتباع و زوار خارجه مستثنی خواهند بود. رئیس شهربانی می‌پرسد برای ورود زنها به مسجد و مجالس روضه ترتیبات و مقررات دیگری موجود است یا خیر؟ زنها با کلاه وارد شوند یا دستمال سر ببندند؟ مستدعی است ترتیباتی که در تهران مجری است تلگراف فرمایید.

۱۴/۱۲/۵ نمره ۳۶۴

پاکروان

جواب داده شود بستن دستمال توسط خانمها که صورت خوبی ندارد، به هر اندازه که پیشرفت داشته باشد، اقدام نمایید بهترین است.

[۱۱۱ - ۶۴۹ - ۳]

## ۷۲

ایالت خراسان

نمره ۵۴۱ مورخه ۱۵/۳/۳۰

سواد راپرت حکومت کاشمر

ایالت خراسان - به پاسخ مرقومه شماره ۴۱۱۰ راجع به بانوانی که با چارقد خود را

مستور می سازند، لازم است خاطر مبارک در اقداماتی که قبل از وصول مرقومه فوق‌الذکر به عمل آمده است، مستحضر نماید.

۱. به وسیله شهرداری از حمامهای زنانه التزام گرفته شده که هیچ زنی را بدون کلاه به حمام راه ندهند و در صورتی که زنی با چارقده برود به او اخطار کنند که بار دیگر چارقده را ترک و با کلاه برود و اگر بار دیگر با چارقده به حمام رفت اسم او و شوهرش را راپرت دهند.

۲. از لحاظ اینکه مبدا حمامیها در اجرای التزام خود مراقبت نکنند، مأمورینی به‌طور محرمانه گماشته شد که وضعیت خانمها و مراقبت حمامی را اطلاع دادند. در اوائل ماه جاری اطلاع رسید که در حمامها درخور انتظار ابراز جدیت نمی‌شود و ناچار مجدداً احضار و ملتزم شدند.

۳. اداره شهربانی به بازار و خیابان پاسبان گماشته و به خانمهایی که چارقده دارند، اخطار می‌کند که چارقده خود را ترک نمایند و تا موقعی که امر را اجراء و همین قدر که دور شدند مجدداً به استعمال چارقده مبادرت می‌ورزند.

۴. در گاراژهایی که در شهر است، التزام گرفته شد که زنهای با چارقده را سوار نکنند.

۵. در باغ مزار که شبهای جمعه به‌عنوان زیارت رفت و آمد می‌شود مأمور گماشته شده که زنهای با چارقده را اجازه دخول ندهند.

۶. چون عده‌ای در بدو امر متعذر بودند استطاعت خرید کلاههای گران قیمت فرنگی را ندارند و در محل هم کلاه ارزان قیمت یافت نمی‌شود ناگزیر از استعمال چارقده می‌باشند. برای رفع این بهانه کلاهها را احضار و دستور و نمونه داده شد که از نمده کلاه تهیه کنند و همین‌طور [به] خیاطها دستور داده شد که از نمده کلاه تهیه کنند و همین‌طور به خیاطها دستور داده شد در کلاه تالی ساده - لبه - دوخته داشته باشید که در موقع مراجعه شهری حاضر باشد. با این مراقبت و جدیت و با تهیه وسایل هنوز عده‌ای به علت عدم بضاعت قادر به تهیه کلاه نبوده و در میان آنها نیز شاید معدودی باشند که برای رفع ملاحظات محلی تا مجبور نشوند از استعمال کلاه خودداری می‌کنند. بنا بر این شهربانی که مذاکره شد مشارالیه عقیده دارد که در طبقات مختلفه تناوباً به‌عنوان عکسبرداری از ناحیه حکومت دعوت و مقید شوند که با کلاه حضور پیدا کنند تا این نقیصه رفع شود. بدیهی [است] این اقدام با داشتن مخارجی جهت پذیرایی مدعوین و عکسبرداری برای یک مرتبه مفید خواهد بود ولی دوام ندارد و اگر پاسبانها، همان طوری که در همه جا معمول است، قدری مختصر اعمال نمایند و در صورت امکان [به]

بهانه تخلف از مقررات چند نفری را به شهربانی جلب و به محکمه احضار نمایند مفیدتر خواهد بود و همچنین برای زنهای بی بضاعت که قادر به خریداری کلاه نیستند و عموماً چارقد استعمال می‌کنند در صورت امکان اجازه فرمایند از بودجه شهرداری تحت نظر کمیسیونی مرکب از رئیس شهربانی و رئیس مالیه و دو یا سه نفر معتمد محل، کلاه تهیه و تقسیم گردد که سایرین خود را به استعمال کلاه مجبور دیده از استعمال چارقد خودداری نمایند.

البته در نتیجه این اقدام دیگر زنی با چارقد در شهر دیده نخواهد شد. چنانچه خرید کلاه برای اشخاص بی بضاعت از بودجه شهرداری مقدور نباشد اجازه فرمایند اعانه جمع‌آوری و به مصرف برسد زیرا انجام این منظور به برانداختن چارقد کمک بزرگی خواهد کرد.

امضا | حکومت کاشمر

ش ۱۲۴ واقعه کشف حجاب |

۷۳

اداره ایالت خراسان

اداره شهربانی شرق

نمره ۳۴۵۲

مورخه ۱۵/۴/۱۶

محرمانه

ایالت خراسان

والی ایالت خراسان عطف به مرقومه نمره ۵۵۷۴ و نمره ۵۷۲۴ متضمن سواد راپرت ژنرال قنسول دولت شاهنشاهی در هرات معروض می‌دارد: به طوری که ژنرال قنسول مزبور تشریح نموده، چادر ملی بانوان افغان همان چادرهای سفید رویند سرخود می‌باشد. چادر مشکی و پیچه مخصوص خانمهای ایرانی بوده که آنها اقتباس نموده‌اند چون از عبور و مرور بانوان افغانی با چادر سیاه ممکن است خانمهای ایرانی سوءاستفاده نمایند لذا مأمورین ناچارند که بازجویی و تحقیقات نمایند. بنابر این، عقیده دارد هر آینه اجازه فرمایند از خانمهایی که با چادر سیاه خارج می‌شوند ممانعت و بانوان افغانی را محدود نمایند که با چادر ملی خود ایاب و ذهاب نمایند.

رئیس شهربانی ناحیه شرق، سرهنگ نوایی

۳۵۱۱ - ۴۳۹ - ۱۳



## ۷۴

## حکومت ولایات ثلاث

با دستورات اکیدی که راجع به پیشرفت نهضت نسوان و اتحاد شکل صادر شده، مع هذا طبق اطلاع صحیحی که رسیده در اجرای امر از طرف آن حکومت اقدامی به عمل نیامده مثلاً آخوندهای حکم آباد همه در لباس آخوندی و زنها در چادر و سایر اشخاص با لباس قدیمی هستند. به طوری که اگر شخصی به محل مزبور وارد شود، گمان می کند اهالی آنجا ایرانی نیستند. از این سهل انگاری و غفلتی که در اجرای مقررات و دستورات صادره به عمل آورده اید کاملاً توبیخ می شوید. لازم است برای پیشرفت نهضت بانوان فوراً اقدامات لازمه نموده، اشخاصی هم که تاکنون به لباس متحدالشکل ملبس نشده اند آنها را ملزم به پوشیدن لباس نمایند. نسبت به اشخاصی هم که مطابق مقررات و دستورات صادره از پوشیدن لباس متحدالشکل معاف هستند مطابق دستورات صادره در این باب اقدام نمایید. چنانچه اقدامات فوری به عمل نیاید شدیداً مؤاخذه خواهید شد.

والی ایالت خراسان

رونویس شرح فوق به اداره امنیه شرق فرستاده می شود که دستور فوری و اکید به امنیه محل صادر نمایند. چنانچه از طرف امنیه محل در این باب سهل انگاری شده جداً او را مورد تعقیب و بازخواست قرار داده نتیجه را اعلام دارید.

والی ایالت خراسان

نمره ۱۶۸۷۵ ۱۵/۱۰/۷

رونویس برای استحضار ریاست وزراء تقدیم می شود.

والی ایالت خراسان

ش ۱۵۴ واقعه کشف حجاب |

## ۷۵

مشهد

ایالت، نمره ۳۶۴ به عرض رسید. مقررات خاص برای مجالس روضه وضع نشده. در صورتی که زنها بی حجاب به آستانه می روند، قائل شدن ترتیب خاصی برای مجالس

روضه و ورود به مساجد صورتی ندارد. مخصوصاً بستن دستمال به سر، که هیچ مورد ندارد، ممنوع است. اگر میسر است ترتیبی به مجالس روضه بدهید که روی صندلی و نیمکت مرد و زن بنشینند.

[امضاء جم]

نمره ۱۰۵ ۱۶/۱۲/۷ رمز شد.

[ش ۵۵ واقعه کشف حجاب]

## ۷۶

نمره ۷۱ ۱۴/۱۱/۱۸

فوری است

تبریز

ایالت، خاطر خطیر ملوکانه از بطوء جریان پیشرفت نهضت بانوان در آذربایجان رضایت ندارد. مقرر فرمودند جناب عالی را برای عدم جدیت ملامت نمایم. کوشش نمایید که در هر طبقه در تبریز و ولایات جزء این اصلاح مهم پیشرفت، و جریان آن را مرتباً راپورت دهید.

جم

[۳۰ - ۶۴۹ - ۳]

## ۷۷

نمره ۷۸ ۱۴/۱۱/۳۰

استخراج تلگراف رمز ایالت شرقی آذربایجان

ریاست وزراء - نمره ۷۱ البته هر چه بفرمایید، مطاع است. از اوایل ماه گذشته، جلسات دعوت در منزل بنده از رؤسای ادارات و محترمین شهر و در اداره لشکری از رؤسای ادارات و افسران شروع و تکرار شده. در اطراف همه جا مجالس جشن، اول از ادارات و بعداً از اهالی، تشکیل شده است و ادامه دارد. برای تسهیل کار اشخاص، خیاطان و پارچه فروشان از حیث قیمت محدود و تحت نظر هستند. پس از مذاکرات

مقدماتی هفته قبل تجار و ملاکین ولایات با خانمهای خودشان سیصد و پنجاه نفر دعوت شدند. پس از آن هم عبور با چادر در خیابانها و معابر ممنوع است. سه روز دیگر بازار هم قدغن می شود. تاکنون طوری اقدام شده است که اهالی خودشان با خوشوقتی استقبال کرده اند. بنده هر قدر به انجام وظیفه مقید هستم، بیش از آن با تظاهر مخالفم. ولی تعجب در این است که آژانس پارس و جراید مرکزی چرا از انتشار این اخبار آذربایجان خودداری می کنند.

نمره ۱۱۶۷ ۱۴/۱۱/۱۹

فهیمی

[۲۹ - ۶۴۹ - ۳]

## ۲۸

کابینه ریاست وزراء

نمره ۱۳۹ تاریخ ۱۴/۱۲/۲۸

استخراج تلگراف رمز زنجان

ریاست وزراء، بعد از ورود دائماً مراقب موضوع نهضت بانوان هستم و تا حدی هم اجرا شده است ولی با استحضار کاملی که از روحیه علما و اهالی زنجان دارید پیشرفت کامل آن مستلزم فشار است. متأسفانه وسیله اجرا در زنجان منحصر به شهربانی با عده نفرات خیلی کم است که حتی خود رئیس شهربانی حضوراً از عادات اهالی در دهه عاشورا، خصوصاً که تصادف به [با] موضوع رفع حجاب کرده، صریحاً اظهار نگرانی می کند. در این صورت مقتضی است امر فرماید یک عده از پاسبانهای شهربانی تهران با یک عده بیست نفری سرباز، با یک نفر صاحب منصب آزموده، موقتاً مأمور زنجان و طبق تعلیمات حکومت مراقب انتظامات باشند و بعد از دهه عاشورا مراجعت نمایند و الا با این ضعف شهربانی اتفاقات اخیر این دو سه سال ممکن است نظایر پیدا کنند، و بالضرورة مراتب را به عرض رسانیدم که در آتیه مسؤل نباشم.

نمره ۵۲۰۸ ۱۴/۱۲/۲۷

منظم حکومت خمسه

[۲۷ - ۶۴۹ - ۳]

## ۷۹

## ریاست وزراء

نمره عمومی ۳ تاریخ ۱۵/۱/۴

زنجان

نمره ۵۲۰۸ واصل، به اداره کل شهربانی دستور داده شد که نظمیۀ زنجان را تقویت نمایند. هر یک از علما یا کسان دیگر در موضوع نهضت بانوان اظهار مخالفتی نمایند بدون تردید توسط نظمیۀ تبعید نمایند. از طرف شهربانی کل بررسی، به نظمیۀ زنجان دستور داده شد.

جم

[۳-۶۴۹-۲۶]

## ۸۰

نمره ۵۹ تاریخ ۱۴/۱۰/۲۷

استخراج تلگراف رمز ایالت کرمان

ریاست وزراء، نمره ۵۸ در پیشرفت نهضت نسوان طرزی به طور خوبی و به متانت جلو می‌رود. علاوه از معلمات و محصلات، عده [ای] از خانمها هم کشف حجاب نموده‌اند. یک ماه قبل جمعی در منزل این جانب دعوت داشتند و برای فردا هم از خانمهای تجار علماء و عده زیادی دعوت شده‌اند. اشکالات عمده تهیه لباس و کلاه است که در کرمان ممکن نیست و از تهران خواسته‌اند. قرار است که در ظرف این هفته رؤسا و اعضای دوایر دولتی هم با خانمهایشان دعوت شوند. این جانب معتقد به تظاهرات نیستم، در عرض راپورت و ارسال عکس خودداری نموده متناً مرتباً راپورت عرض و عکسها هم تقدیم خواهد شد. نمره ۲۴

دفتر مخصوص

ابوالحسن پیرنیا

[۳-۶۴۹-۵۳]

## ۸۱

نمره ۷۶ تاریخ ۱۴/۱۱/۲۰

استخراج تلگراف رمز ایالت کرمان

ریاست وزراء، نمره ۷۳ اتحادیه بانوان کاملاً پیشرفت دارد. در بم و رفسنجان معدودی شماره از زنهای پیر باقی مانده. سایر بلوکات نیز قریباً در [شرف] اتمام است. در شهر هم خانمهای کلیه مستخدمین و عده زیادی از اعیان تجار و معاریف کشف حجاب نموده. چندی است از طرف تجار و کسبه نیز شروع به دعوت شده است. چون در کرمان محل اجتماع و تردد زنها منحصر به بازار است، نظر به تسریع امر، مستدعی است اجازه فرمایید به مأمورین شهربانی دستور داده شود که از رفتن زنهای با چادر به بازار ممانعت نمایند که هرچه زودتر کشف حجاب عمومیت پیدا کرده خاتمه پذیرد.

۳۱ محمدآراسته

|۳-۶۴۹-۷۶|

## ۸۲

۱۵/۱/۴

ریاست اداره کل احصائیه و ثبت احوال

بانهایت ادب و کمال احترام، راپورت دو ماهه مربوط به هیئت تفتیشیه [را] ذیلاً به عرض عالی می‌رساند:

۱. طرز رفتار و حسن سلوک مأمورین دولتی بر حسب ظاهر موافق مقررات است.
۲. حکومت محل در عمران و آبادانی لار اقدام لازمه معمول خواهد داشت.
۳. روحیه اهالی در ظاهر متوجه دولتخواهی ولی از نقطه نظر خمودی، که فطری و جبلی آنهاست، کوچکترین قدمی در مرحله تمدن برنداشته و به همان خرافات سابق خویشت معتقد و در زاویه خود پیوسته معتکف خواهند بود. حتی در مسئله رفع حجاب که تا حال شاید قریب ۳۰ مرتبه از طرف بلدی و معارف کنفرانسهای مخصوص تشکیل و در هر مرحله ضمن لایحه و نطقی که از طرف مأمورین و غیره عرصه ظهور رسیده، اهالی را

تشویق کرده، مع هذا به کلی اثری در وجود آنها مترتب نیست؛ یعنی در یکی دو دعوت که از طرف بلدیہ و مدرسه دختران که قسمتی از طبقات تجار دعوت شده، برخی به بهانه مریض‌داری حاضر نشده و عذر این قسمت را برای رفع نگرانی آتیه خود خواسته، بعضی دیگر که حاضر شده با چه کیفیتی خانم خود را آرایش داده با وضعی که از پوشش لباس سیاه و سرپوش سیاه که کلیه صورت را مستور داشته، مانند خمره متحرک طوری خود را آراسته که جلب نظر حاضرین از منحوسی شکل خویش متوجه نموده در حالتی که صرف نظر از کنفرانسها و دعوت‌های معمولی در باغ ملی و غیره کلیه خانمهای مأمورین دولتی برای ترغیب اهالی قسمتی از امور خانه‌داری خود [را] فرو گذاشته و همه روزه عصر با چهره بشاش و خرمی هرچه تمامتر با فرق و اندام بی‌چادر در کوچه، بازار، خیابان عبور می‌کنند؛ مع الوصف تأثیر بر اهالی نبخشید و از طریق بامهای خود راه ایاب و ذهاب برای ملاقات یکدیگر باز و از ساختمان به حمام.

[ش ۹۰ واقعه کشف حجاب]

۸۳

وزارت داخله

اداره سیاسی

نمره ۱۰۱  
۵۸

۱۷ فروردین ۱۳۱۵

ریاست وزراء

محرمانه

طبق راپورت حکومت بم به ایالت کرمان، در یک مجلس روضه‌خوانی ربانی واعظ صحبت کرده است که باز بودن دست و صورت نسوان شرعاً عیب ندارد ولی نمایان بودن موی سر آنها خلاف شرع است. ایالت به وسیله شهربانی دستور داده است که او را به کرمان تبعید نمایند.

نمره ۳۶ ۱۵/۱/۱۸ ضبط شود

از طرف وزیر داخله

[۳-۴۴-۹۷]

## ۸۴

## وزارت داخله

اداره کل شهربانی - اداره سرکلانتری

تاریخ ۱۵/۱۱/۱۹

شماره ۲۵۱۷۹

محرمانه

پیوست ۲۹۵۳۸

موضوع: اخطار به وعاظ راجع به حاضر شدن در مؤسسه وعظ

ریاست وزراء، عطف به نامه شماره ۴۶۷ معروض می دارد به کلانتریها دستور داده شد به وعاظ و اهل منبر اخطار نمایند در صورت خودداری از تحصیل در مؤسسه وعظ و خطابه از پوشیدن لباس روحانیت ممنوع خواهند شد.

رئیس اداره کل شهربانی، سرپاس مختار<sup>۱</sup>

ش ۱۵۵ واقعه کشف حجاب |

## ۸۵

شماره ۵۳۱۰ مورخه ۱۳۲۰/۷/۲۳

رونوشت مراسله زنه‌ای یزد

مجلس شورای ملی

بعدالعنوان، به عرض می‌رسانیم: در این موقع که اراده شاهنشاه بر پایه قانون مشروطیت استوار، زبان و قلم آزاد، شما نمایندگان ملت می‌توانید برای بیچارگان و ستمدیدگان دادرسی فرمایید. متأسفانه آنچه در رادیوها شنیده و روزنامه‌ها مطالعه می‌شود هیچ اسمی از ظلم و ستمهایی که چندین سال است به ما بیچارگان شده، نیست که به واسطه یک روسری یا چادر نماز در محله‌ها حتی از خانه به خانه همسایه به طوری در فشار پاسبان و مأمورین شهربانی واقع بوده و هنوز هم هستیم که خدا شاهد است از فحاشی و کتک و لگد زدن هیچ مضایقه نکرده و نمی‌کنند و اگر تصدیق حکما آزاد بود از آمار معلوم می‌شد که تا به حال چقدر زن حامله یا مریضه به واسطه تظلمات و صدمات که از طرف پاسبانها به آنها رسیده جان سپردند و چقدر از ترس و حرس [کذا] فلج شدند

۱. سرپاس رکن‌الدین مختاری

و چقدر مال ما را به اسم روسری یا چادر نماز به غارت بردند و چه پولهایی از ما به هر اسمی و رسمی گرفته شده.

خدا می‌داند اگر یک نفر از ماها با روسری یا چادر نماز به دست یک پاسبان می‌افتاد مثل اسرای شام با ماها رفتار می‌کردند. بهترین رفتار آنها با ماها همان چکمه‌ها [و] لگد بر دل و پهلوی ما بود، و اگر به پول گرفتن قانع نمی‌شدند یا پولی نداشتیم به آنها بدهیم ما را به شهربانی و کمیسر می‌بردند؛ اذیت ما بیشتر و مخارج ما زیادتر.

لذا استدعای عاجزانه داریم اولاً انتقام ما ستمدیدگان را از این جابران بکشید و بعد هم آزادی حجاب به ما بدهید کما اینکه در ممالک اسلامی حجاب معمول است. به علاوه، در انگلستان و هندوستان که آنقدر ادیان مختلف هست مخصوصاً مسلمانان دارای حجاب هستند. لذا از نمایندگان محترم مسلمان کلیه ملت ایران استدعا داریم استرحاماً حال دیگر دست ظلم و تعدی و شکنجه از سر ما زنهای مسلمان ایران کوتاه و ماها را آزاد فرمایید.

در خاتمه، با تقدیم احترامات، امضای جمعی از زنهای یزد

[در حاشیه]

رونوشت برابر اصل است. رئیس اداره دبیرخانه مجلس شورای ملی [امضا] ۲۹/۸/۲۰  
[ش ۱۸۵ واقعه کشف حجاب]

## ۸۶

وزارت کشور

اداره کل شهربانی

— رونوشت —

پاسخ حضرت آقای نخست‌وزیر به حضرت حجت‌الاسلام آیت‌الله آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی دامت اقباله تاریخ ۲۰/۱۰/۱۹ نخست‌وزیر عرض می‌شود:  
نامه شریف به تاریخ ۲۰/۱۰/۱۹ وصول یافت. این جانب از روزی که مصدر خدمت شدم در این باب به شهربانی سفارش کردم که متعرض کسی نشوند و از قراری که شهربانی اظهار می‌دارد به همین دستور رفتار می‌شود. این که شاکیان نوشته‌اند پاسبانها در کوچه‌های خلوت متعرض زنها می‌شوند بعید به نظر می‌آید زیرا که در کوچه‌های خلوت پاسبان گماشته نشده است.



در هر حال به جای این که شکایت کلی کنند خوب است اگر واقعاً موردی پیدا می شود که کسی به زنی تعرض کند به شهربانی یا خود این جانب اطلاع بدهند تا اقدام لازم بشود.

با تجدید عوالم خلوص، محمدعلی فروغی  
[ش ۱۹۱ واقعه کشف حجاب]

## ۸۷

وزارت کشور  
اداره سیاسی

تاریخ ۱۶ ماه ۱۱ سال ۱۳۲۰  
بخشنامه شماره  $\frac{۶۶۹}{۷۱۵۹۹}$   
فرمانداری

با وجود این که متجاوز از شش سال است که رفع حجاب در تمام کشور عملی شده است مع ذلک طبق گزارشهای رسیده از شهرستانها غالباً در کوچه و بازار زنها با چادر نماز و گاهی هم با چادر سیاه دیده می شوند. چون این ترتیب برخلاف سیاست دولت است قدغن نمایند شهربانی به نحو مقتضی جلوگیری نموده متخلفین را به دادگاه خلاف جلب نماید. نتیجه اقدامات را نیز اطلاع دهید.

وزیر کشور  
[ش ۱۹۲ واقعه کشف حجاب]

## ۸۸

وزارت کشور  
اداره سیاسی

محرمانه

تاریخ ۱۳۲۰/۱۱/۲۷

اداره کل شهربانی

در پاسخ نامه شماره ۶۸۴۹۳ - ۲۰/۱۱/۱۹ اشعار می دارد: به طوری که سابقاً نیز

تذکر داده شده است مقررات مربوطه به لباس متحدالشکل مطابق سابق است و هیچ گونه تغییری در مواد آن داده نشده است. بنابراین جلوگیری از اشخاصی که کلاه پوست دارند و بانوانی که چادر نماز یا چادر سیاه سر می‌کنند جزو متخلفین محسوب و طبق مقررات باید به محاکم صالحه جلب شوند. منتهی رفتار مأمورین باید خیلی با نزاکت بوده چادر از سرزنها بردارند. ولی در هر مورد تذکرات لازم به آنها بدهند و به طور کلی رفتار و اقدامات مأمورین شهربانی باید با قوانین و مقررات جاریه کشور کاملاً مطابقت نموده با مردم از روی حسن سلوک و نزاکت رفتار شود.

وزیر کشور

[ش ۱۹۴ واقعه کشف حجاب]

www.KetabFarsi.com

اسناد شهریور ۱۳۲۰

## ۸۹

## ریاست وزراء

نمره ۲۴۱۰

تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۱۸

کشف تلگراف رمز رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی از پهلوی

جناب آقای نخست‌وزیر | دکتر احمد متین دفتری |<sup>۱</sup>

به شرف عرض پیشگاه همایونی شاهنشاهی رسید و از مطالعات و مذاکرات | که | در باب تجارت به عمل آورده‌اید خاطر مبارک قرین اطلاع گردید ولی مقرر فرمودند در چنین موقعی که کار تجارت کشور در معرض تضییق و تحدید واقع شده است این اقدامات کافی نیست، به این معنی که دولت نباید فکر خود را فقط به یک نقطه متوجه و متمرکز کند که با آلمان و شوروی بتواند تجارت نماید بلکه لازم است نظر خود را بسط داده سعی کند که بتواند با کشورهای دیگر هم مثل ژاپن، امریکا و انگلیس که مشکلات تجارت دریایی آنها کمتر است ارتباط تجارت برقرار نماید و الاً اینها | ضرر بزرگ اجتناب‌ناپذیر خواهد بود بلکه موضوع اقتصاد کشور از بین خواهد رفت. مثلاً در سنوات اخیر که تجارت خشکه‌بار ایران ترقی داشت به این جهت بود که توانستیم با آلمانها معاملات بنماییم و بازاری در آنجا به دست بیاوریم و چون این امر میسر گردید مردم تشویق شدند و امر آبادی و عمران را توسعه دادند ولی حالا با این پیشامدها مسلم است که اصل تولید و تهیه محصول نقصان پیدا می‌کند و بالتیجه موضوع اقتصاد و عمران دچار انحطاط خواهد شد.

اینکه اشاره نموده‌اید شنیده شد از طرف عمال تجارتنی شوروی به تجاری که مشغول انجام معاملات با آلمانها هستند اظهار می‌شود که با آلمانها معامله نکنند و وعده می‌دهند که نمایندگان شوروی با آنها معامله خواهند کرد و نوشته بودید که محرمانه مشغول تحقیقات هستید، البته تحقیق ضروری ندارد ولی ظن غالب این است که مقصود روسها بر هم زدن و تخریب است و از آنها نمی‌توان انتظار حسن‌نیت داشت. چنانچه فرستادن هیئتی را به آلمان مفید و لازم می‌دانید البته بفرستید بلکه به هر جای دیگر هم بعد از مطالعه | ای | که لازم بدانید ممکن است هیئتهایی اعزام نمایید. همین طور بعد از این راه ترانزیت را نباید از دست بدهید بلکه باید سعی کنید راههای دیگر هم به دست

۱. احمد متین دفتری در تاریخ ۳ آبان ۱۳۱۸ به سمت نخست‌وزیر منصوب شد و بعد از وقایع شهریور

۱۳۲۰ به اتهام گرایش به آلمان به زندان متفقین افتاد.

بیاورید. چنانکه گفته شد محدود کردن و |خواننده نشد| جایز نیست و هر نوع تسهیل باید اتخاذ گردد نگرانیها و عاقبت آنها فوق العاده وخیم است و مرتفع شود.

۱۳۱۸/۸/۲۷ نمره ۲۴۱۰

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، حسین |شکوه|

|در حاشیه|

فرمودند اقدام شده است. ۱۳۱۸/۹/۳۰

[۳-۱۰۷-۸]

## ۹۰

رمز خیلی خیلی فوری اردبیل

|نمره ۲۹۸|

تاریخ ۱۳۲۰/۶/۴

کفیل فرماندهی لشکر ۱۵

طبق امریه ستاد ارتش فرمان شاهانه چنین شرف صدور یافته چنانکه قبلاً هم دستور داده شده بود، چرا تاکنون آن لشکر از شاهشونها |را| مسلح ننموده که برای دفاع حاضر باشند و در این موقع با متجاوزین بجنگند و چرا غفلت کرده اند؟ این عمل از همه چیز مهمتر بود و حال هم باید زودتر اقدام و انجام شود. مقتضی آن است قدغن نماید فوراً اقدامات لازمه بعمل آورده نتیجه را نیز گزارش دهند. علی هذا در اجرای اوامر شاهانه اقدامات سریع بعمل آورده نتیجه را گزارش دهند.

سرلشکر |ایرج| مطبوعی

|۲۳۶۲|

## ۹۱

از |وزارت| جنگ به تبریز

|نمره ۳۵۰|

|تاریخ ۱۳۲۰/۶/۴|

فرمانده لشکر

در این موقع که دشمن شمالی و باختری مرزهای کشور شاهنشاهی را مورد تجاوز قرار داده و بعضی از شهرهای آذربایجان و جنوب باختری را بمباران نموده اند و نیروی

ارتش شاهنشاهی در جبهه‌های شمال و باختر مشغول مقاومت می‌باشند به فرمان مبارک شاهانه مقرر است واحدهایی که هنوز با دشمن تماس حاصل ننموده در مواقع مقتضی به حال تدافعی استقرار یافته و با توانایی مقاومت نمایند.

سرلشکر [عزیزالله] ضرغامی

[در حاشیه:]

وصول در سقز شب ۲۰/۶/۷

در تاریخ ۲۰/۶/۷ شهریور پس از وصول فرمان مطاع مبارک دایر بر ترک مقاومت در سقز زیارت گردید.

[۲۳۷۳]

۹۲

حضور از سقز به وزارت | جنگ

تاریخ | ۱۳۲۰/۶/۶

کفالت ستاد ارتش

محترماً معروض می‌دارد: امریه شماره ۴۲۴۱ ساعت ۱۰ $\frac{۱}{۴}$  زیارت، فوراً به قسمت دستور داده شد که به هیچ وجه مقاومت نمایند و یک نفر اعزام گردید که به فرمانده مربوطه اطلاع دهد که مقاومت نخواهد شد. افسر معروضه ساعت ۱۴ مراجعت و اظهار نمود با اینکه بیرق سفید در دست داشت مورد تیراندازی قوای موتوریزه واقع گردید و قوای شوروی با کمال عجله به سمت میان‌دوآب پیشروی می‌نمودند. لذا مجدداً افسر دیگری فرستاده شد و بنده از شهر میان‌دوآب خارج شدم. اینک افسر اعزامی گزارش می‌دهد که ابتدا به فرمانده گروه شناسایی شوروی معرفی و بعداً که ژنرال فرمانده آنها آمده به ایشان معرفی شده. ژنرال مزبور دستور خلع سلاح کلیه نفرات را داده و ضمن اظهار عدم اطلاع راجع به خاتمه عملیات اظهار نموده که بایستی فرمانده نیرو با ستاد و اسکورتش فوراً به میان‌دوآب حاضر شوند و الاً مجبورم تعقیب نمایم مستدعی است مقرر فرمایند ابلاغ شود حاضر شوم یا چه قسم مقرر می‌فرمایند.

سرلشکر مطبوعی

[۲۳۹۱/۲]

## ۹۳

[تلگراف] رمز حضوری خیلی خیلی فوری

از ملایر [به وزارت] جنگ

انمره | ۳۴۵

[تاریخ] ۱۳۲۰/۶/۹

ریاست ستاد ارتش

محترماً، تعقیب گزارش حضوری  $\frac{۳۴۴}{۲۰/۶/۸}$  معروض می‌دارد بنده و ستاد و خزانه لشکر بلا تکلیف، چون اینجا هم محتمل است به زودی اشغال گردد به عراق حرکت، و ممکن است برای اشغال آنجا هم اقدام کنند و غفلتاً اسناد و اوراق ستاد و خزانه لشکر به دست آنها بیفتد، مستدعی است مقرر فرمایند به هر کجا که معین می‌فرمایند اعزام و فرستاده شوند. ساعت  $۷\frac{۱}{۲}$

سرلشکر مطبوعی

[۲۴۰۲]

## ۹۴

از [وزارت] جنگ [به] ملایر

انمره | ۳۵۸

[تاریخ] ۱۳۲۰/۶/۱۰

تیمسار سرلشکر مطبوعی

سرتیپ پوریا ورود جناب عالی را به ستاد مربوطه به ملایر گزارش نموده بود که مراتب به شرف عرض پیشگاه مبارک شاهانه رسید. فرمودند: ناقابل، لشکر کجاست؟ چرا تماس را قطع نمودی؟ این چه بی‌ترتیبی‌هاست که پیش آمده است؟ ساعت ۱۰ شب سرلشکر ضرغامی

[در حاشیه]

وصول ۱۳۲۰/۶/۱۱

[۲۴۰۵]

## ۹۵

## تلگراف

از [وزارت] جنگ به اراک

[نمره] ۵۴۰

[تاریخ] ۱۳۲۰/۶/۹

سرلشکر مطبوعی


گزارش ۳۴۰ از شرف عرض گذشت. فرمودند همیشه ناقابل، و پنج هزار کیلومتر از قسمت فاصله دارید.

سرلشکر ضرغامی

تاریخ وصول ۱۳۲۰/۶/۱۰

[۲۴۰۴]



		شماره کتاب ۳۳	وزارت پست و تلگراف و تلفن تلگراف			
نمونه ۳۶۵		سال ۱۳۰۳				
از کتاب	شماره قبضه ۱۹	عدد کلمات ۲۶	تاریخ اصل ۶	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
	شماره تلگراف ۱				روز / ماه / سال	

رستگرمهری  
 تاریخ رسیدن ۱۳۰۳ / ۵ / ۲۰  
 در تهران  
 مهر  
 ۱۳۰۳ / ۵ / ۲۰

ابه وزارت | جنگ فوری

[نمره | ۳۶۱]

تاریخ ۱۳۲۰/۶/۱۲

تیمسار ریاست ستاد ارتش

محترماً در اجرای امریه ۶۹۶۰ معروض می‌دارد: لشکر سه از ارتفاعات صوفیان به تبریز و در محور مراغه در مدت چهار روز در مسافت ۱۸۰ کیلومتر با قوای موتوریزه شوروی در تماس و زد و خورد بوده. موقعی که امریه ۴۲۴۱ زیارت گردید وضعیت قسمتهای لشکر به شرح معروضه در تلگراف حضوری ۱۳۲۰/۶/۶ | بوده که فقط قوای معدودی در میان دو آب جمع آوری شده بود که در آنجا هم موضع گرفته شود. آنها را هم شورویها پس از ابلاغ ترک مقاومت خلع سلاح نمودند و به قراری که تلگرافچی شاهین دژ اطلاع حاصل کرده و اظهار می‌نمود افراد موجود | در | میان دو آب را پس از خلع سلاح با کامیون به تبریز برده‌اند. در این صورت چنانچه از نفرات لشکر سه پراکنده شده باشد فقط اشخاصی هستند که در محاربات صوفیان - کنار تبریز - باغات آذرشهر در ارتفاعات شیرامین و عجبشیر بوده‌اند که قسمتی از هنگ سوار و هنگهای پیاده به‌طور دستجات کوچک با افسرانشان در کوهستانهای سه‌نند رفته‌اند و مابقی را روسها خلع سلاح نموده‌اند. اینک چنانچه آنها را هم روسها پس از خلع سلاح مرخص نموده باشند چون عموم نفرات لشکر سه از اهالی آذربایجان هستند فقط به منازل خود رفته‌اند که برای جمع آوری عده | ای | افسر تعیین گردیده که در صورت تصویب فوراً اعزام شوند و چون تمام منطقه لشکر سه و حتی تا دیوان‌دره که در مسافت زیادی از منطقه لشکر سه واقع شده در تصرف روسهاست مستدعی است مقرر فرمایند ابلاغ شود چنانچه روسها مانع از انجام مأموریت افسران مزبور برای جمع آوری نفرات در تمام منطقه حتی خود شهر تبریز هم نخواهند شد فوراً اعزام گردند و چنانچه ممکن است مخالفت کنند مستدعی است مقرر فرمایند اقداماتی شود که جلوگیری نکنند که زودتر نفرات جمع آوری شوند و یا هر قسم مقرر می‌فرمایند اقدام شود.

سرلشکر مطبوعی

[۲۴۱۰/۱]

## ۹۷

از اوزارت | جنگ به ملایر

|نمره| ۳۶۴

سرلشکر مطبوعی فرمانده لشکر سه

سرهنگ ارفع گزارشی تقدیم نموده بود که افراد لشکرهای سه، چهار و دوازده در منطقه صحنه و کن آور و اسدآباد با اسلحه پراکنده می باشند و تقاضا نموده بودند که جهت جلوگیری از تفریط اسلحه و ساز و برگ و از نظر انتظام، افراد منظور جمع آوری شوند و اعتباری برای اجرای این کار در اختیار فرمانداری همدان گذارده شود که از دارایی همدان دریافت نماید. مراتب از شرف عرض پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی گذشت. مقرر فرمودند شما کلیه افراد متواری لشکرهای سه و چهار را در ملایر جمع آوری نموده نظم و ترتیبی به کار آنها دهید. راجع به ارسال وجه نیز اجازه فرمودند اقدام شود. اینک در اجرای اوامر شاهانه اقدام سریع نموده و راجع به امورات مالی آن از طریق وزارت جنگ اقدام نمایید.

سرلشکر ضرغامی

|در حاشیه|

تاریخ وصول ۱۳۱۲/۶/۲۰

[۲۴۱۳]

www.KetabFarsi.com

اسناد تبعید رضا پهلوی

۹۸

کنسولگری بریتانیا در کرمان  
ویزای مخصوص

کرمان ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۱ | ۳ مهر ۱۳۲۰

این ویزا صرفاً برای یک بار مسافرت به هند معتبر بوده و به طور دسته‌جمعی به هشت نفر اشخاص نامبرده ذیل از اتباع ایرانی که در خدمت و معیت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی هستند، اعطا می‌گردد.

مجوز صدور این ویزا از سوی سفارت بریتانیا در تهران داده شده است.

نام کامل	سن	شغل
۱. بانو قمر مبشر - خواهر زن رضاشاه -	۳۵ ساله	خانه‌دار
۲. بانو بهجت مشار	" ۲۷	خدمتکار خانگی
۳. ملوک زمانی	" ۱۵	" "
۴. بانو فاطمه مهستی	" ۱۷	" "
۵. جعفر توکلی	" ۲۷	" "
۶. حسن مالکی فرزند علی	" ۲۱	" "
۷. مهدی صفر فشندی	" ۲۱	" "
۸. نصرالله ناوکی	" ۵۰	آشپز

کرمان، ایران، ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۱

کنسول سفارت بریتانیا | در | کرمان

گراتیس

[ ۱ - ۳۲۷ - ۱۱۲ - الف ]

۹۹

تهران

جناب | محمد علی | فرزین وزیر دربار

خواهشمندم دو پیشخدمت مناسب و دو کلفت و یک آشپز و یک دلاک برای خدمت اعلیحضرت استخدام نموده و اعزام دارید. اگر کلفتها عیال پیشخدمتها باشند البته مرجح است.

[ ۶ - ۳۲۹ - ۱۱۲ - الف ]

## ۱۰۰

کرمان ۳/۷/۱۳۲۰ | ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۱ |

## اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

نورچشم عزیزم، نامه پر از محبت مورخه ۲۹ شهریور شما که توسط نورچشم عزیزم شاهپور علیرضا فرستاده بودید رسید. خیلی از احساسات محزون و مهربان شما متأثر گردیدم. نوشته بودید امیدوارید یک زندگانی خوش و بی دردسری با بچه‌ها تشکیل بدهم تصور نمی‌کنم در کشور بیگانه خیلی خوش بگذرد؛ خوشی من با پیشامدهایی که شد سلامتی و موفقیت آن اعلیحضرت است که بتوانید انشاءالله کارهای کشور را به طوری که اظهار امیدواری کرده‌اید سر و سامان بدهید. راجع به مخارج اقامت این خانواده پر جمعیت در عزیمت خارجه اظهار نکرده‌اید که از چه محل و به چه ترتیب و به چه اطمینان به ما خواهد رسید. آخر متوجه هستید در ولایت غربت بیگانه نمی‌توان هر ماه منتظر حوادث و رسیدن وجه از تهران بود؛ لازم است محل پرداخت ماهیانه معلوم شود و ترتیبی داده شود که به یک بانک خارجه اعتبار و اطمینان داده شود بدون اینکه هر دفعه محتاج مرکز باشد، مبلغی که معین می‌شود مرتباً به ما پردازند. به غیر از این، هیچ اطمینانی به این وضع مجهول و نامعلوم فعلی نیست. تقسیمی هم که برای ماهیانه بچه‌ها کرده‌اید لازم نبود. هیچ فکری برای پرداخت یک مبلغ بالنسبه قابلی برای اینکه بتوانم بعد از رسیدن به مقصد ترتیب زندگانی و سامانی بدهم نداده و مسکوت گذاشته‌اید. انتظار دارم با ما به طور عادی و بیگانه رفتار نشود؛ ممکن است اشخاصی را مأمور نمایند که ترتیب این مسائل را به طور اساسی بدهد [بدهند]. در خاتمه می‌نویسم از قراری که شنیدم اشرف مبلغی به علی قوام بدهکار است؛ قروض آن را بدهید که فکرش آسوده باشد.

ارضا پهلوی |

[۱۹ - ۳۲۸ - ۱۱۲ - ج |

## ۱۰۱

نورچشم عزیزم [محمد رضا پهلوی]

در این موقع که از ایران دور می‌شوم از آن فرزند گرامی وداع می‌کنم. امیدوارم باز به دیدار شما نائل بشوم. از خداوند سلامت و سعادت و موفقیت شما را مسئلت می‌نمایم.

توسط قوام اسناد موجودی بانک ملی را که جمع آن ششصد میلیون ریال است برای شما می فرستم؛ این وجه در اختیار شما خواهد بود. وجوهی که در تهران باید پردازید عبارت از ماهی پنجاه هزار ریال به علیاحضرت ملکه [تاج الملوک] است و چهل هزار ریال به اشرف و چهار هزار ریال به مادر شاپور غلامرضا [ملکه توران امیر سلیمانی]. از اعتباری که از طرف دولت برای مصارف ما معین می شود لازم است برای مخارج مسافرت ۲۵ نفر به ارز حواله شود. همچنین برای مصارف اقامت امریکا هم باید میزان آن را اعلیحضرت در نظر گرفته وجه کافی ارسال دارید که معطل نباشم. به محض ورود به امریکا هم برای مرتب کردن منزل و مصارف اولیه محتاج به وجه بالنسبه مهمی است. توجه خواهید نمود که به ارز حواله کنید. در خاتمه، روی آن عزیز را بوسیده عجالاً خدا حافظی می نمایم.

[رضا پهلوی]

[۱۶ - ۳۲۸ - ۱۱۲ - ج ۱]


## ۱۰۲

### وزارت پست و تلگراف و تلفن

دفتر مخصوص شاهنشاهی، به طوری که در تلگراف قبلی معروض گردید، بحمدالله ذات مبارک در ساعت  $۷\frac{۱}{۴}$  به اتفاق والاحضرتها به سلامت به بندرعباس تشریف فرما شدند و از قراری که امر فرموده اند فردا صبح ساعت ۷ به کشتی تشریف فرما خواهند شد. راجع به لزوم انطباق تاریخ انتقالنامه جدید با انتقالنامه اولیه این رعایت به عمل خواهد آمد ولی راجع به وجوهی که به بانک دهلی حواله فرموده اند چون در انتقالنامه اخیر ذکر می شود که در آن تاریخ یعنی تاریخ انتقالنامه سابق که قبل از حواله وجه بدهی می باشد وجوه منتقل می گردد. بنابراین، تصور می رود به خودی خود امر مطاع به موقع اجرا گذارده می شود، و بنابراین ذکر مجدد وجوه تصور نمی رود لزومی داشته باشد. معهداً متمنی است مراتب را به شرف عرض رسانیده هر طور امر می فرمایند ابلاغ نمایند که از همان قرار اطاعت می گردد.

[علی ایزدی]

[۳ - ۳۲۷ - ۱۱۲ - الف]

سوة ۳۶۰				شماره کتاب		
سال ۱۳۱۰		وزارت پست و تلوگراف و تلمن				
		تلگراف				
نام گیرنده	تاریخ وصول		توضیحات	تاریخ اصل	عدد کلمات	شماره قبض
	روز	ماه				شماره تلگراف

دختر محترم من شایسته هم بطریق در تلگراف قهر عرض گردید لحد الوادیت ممد کرد  
در وقت ۷ با اتفاق و الا انظر تقاسم است بر بند عبا شریف فرما شدند و از قرار که  
از فرم صدمه فرجام است ۷ بکشتی شریف فرما خواهند شد راجع مردم لطفا  
تاریخ انتقال نام جدید با اتفاق اولی این دعوت صدمه خواهد بود ولی راجع به جوی  
که بابت دلی حال فرم صدمه چون در تقاسم غیر ذکر شود که در آن تاریخ یعنی تاریخ  
انتقال سابق که قهر از حال روح بدلی میدهند و چون تقتر میگردد بنابر این تقدیر  
فردی در مطبع برقع هر آنکه از روی بنابر این ذکر ممد و دعوه تقدیر نمودن  
مانند همه سعادت منبر است در تمام این عرض میدانید هر طومار سفارنده  
اطلاع نمایند که از با فقر آمد احوال است میگردد و ایندی



## ۱۰۳

بانک شاهنشاهی ایران  
 سرمایه ۱۰۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیس  
 شماره ثبت در ایرن ۴۹

شماره: م.ل / ۵۴۷۷

تهران ۹ مهر ۱۳۲۰ [۱ اکتبر ۱۹۴۱]

نشانه تلگرافی: باکتريا

تهران، دربار شاهنشاهی ایران

محترماً عطف به نامه شماره ت.ل ۵۳/۵۱۰۰ این بانک مورخ ۳۰ شهریور ۱۳۲۰ اشعار می دارد که از اداره لندن این بانک تقاضا شد مبلغ ۲۵۳۳۷/۱۰٪ لیره - بیست و پنجهزار و سیصد و سی و هفت لیره و ده شلینگ - را در اختیار لویدز بانک لیمیتد دهلی که کارگزاران این بانک می باشند نگاهدارند ولی در تاریخ ۷ مهر جاری تلگرافی تحت تاریخ ۲۶ سپتامبر - چهارم مهر - واصل گردیده که ترجمه آن به قرار پائین است:

«راجع به تلگراف شما، موضوع ۲۵۳۳۷ لیره تصویب نشده است»

برای مزید اطلاع اضافه می نماید که پرداخت کلیه وجوه لیره که از ایران حواله می شود اکنون موکول به تصویب اولیا کنترل ارز لندن می باشد و با این که منظور و مقصود پرداخت قلم بالا معلوم است معذالک در این مورد از تصویب آن امتناع شده است. در هر حال این بانک حتی الامکان برای انجام هرگونه اقدامی که جهت تصفیه این امر لازم است حاضر و در اختیار دربار محترم شاهنشاهی می باشد.

برای بانک شاهنشاهی ایران

نایب رئیس

۴۹ - ۹۹۶ - ۱۵

## ۱۰۴

لویدز بانک بمبئی، تلگراف ارسالی از بانک شاهنشاهی تهران ناشی از اشتباه و سوء تفاهم بوده است. نیازی به موجودی ۲۵۳۳۷/۱۰ لیره ای نیست. لطفاً صورت حساب بانکی که نشان دهنده موجودی ما در آن بانک است ارسال شود.

رضا پهلوی

[۱ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

## ۱۰۵

بانک شاهنشاهی ایران  
 سرمایه ۱۰۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیس  
 شماره ثبت در ایران ۴۹

شماره: آ.ل / ۵۴۷۸

تهران ۱۲ مهر ۱۳۲۰ [۴ اکتبر ۱۹۴۱]

نشانه تلگرافی: باکتريا

تهران، دربار شاهنشاهی ایران

در تعقیب نامه شماره م.ل / ۵۴۰۷ مورخ ۹ مهر ماه جاری اینک به طوری که اداره لندن این بانک تلگرافی آگهی می‌دهد مبلغ - / ۱۰ / ۲۵۳۳۷ لیره مورد گفت و گو برحسب حواله و در مقابل تضمین حکومت هندوستان در دهلی پرداخت گردیده است.

برای [کذا] بانک شاهنشاهی ایران  
 نایب رئیس

[در حاشیه:]

جناب آقای وزیر دربار ملاحظه فرمودند مقرر فرمودند. برای تکمیل سابقه امر این نامه عیناً به اداره حسابداری فرستاده شود. ۲۰/۷/۱۳

[۴۸ - ۹۹۶ - ۵]

## ۱۰۶

تلگراف

۱۱ نوامبر ۱۹۴۱ | ۲۰ آبان ۱۳۲۰ |

اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، موریس<sup>۱</sup>

ما تلگرافی از بانک شاهی در تهران دریافت داشته‌ایم با این مضمون که شما به دربار تلگرافی ارسال و اعلام داشته‌اید که حواله مربوط به مبلغ ۲۵۳۳۷/۱۰ لیره استرلینگ را

۱. جزیره‌ای است در اقیانوس هند ابتدا از متصرفات فرانسه بود و از سال ۱۸۱۰ به بعد به تصرف انگلیس در آمد. شهر مرکزی آن بندر لوئی - Port Louis - می‌باشد.

دریافت نداشته‌اید و از ما خواسته شده تا با شما تماس بگیریم و اگر اجازه فرمایید موجودی شما را به موريس انتقال دهيم. لطفاً دستورات لازم را ارائه دهید.

بانک لویدز

[۱ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

## ۱۰۷

تلگراف

از تهران

ایزدی، ملتزم رکاب اعلیحضرت رضا پهلوی - موريس

تلگراف والاحضرت شاهدخت شمس واصل گردید اما نامه‌ای از معظم‌لها [معظم‌له به] ما نرسیده است. حال مزاجی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و علیاحضرت ملکه در منتهای سلامت است. اگر تا به حال ۳۴۸۰۰ لیره انگلیسی را که از بانک لویدز دهلی حواله شده دریافت نداشته‌اید از بانک تجارتي موريس مطالبه نمایید.

[محمد علی] فرزین وزیر دربار

[۲ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

## ۱۰۸

تلگراف

۱۴ نوامبر ۱۹۴۱ | ۲۳ آبان ۱۳۲۰

شاهزاده شمس پهلوی - موريس

ده هزار لیره انگلیسی ارسال شده است. سه هزار لیره برای شما و شاهپور و هفت هزار لیره به اعلیحضرت اختصاص دارد. همسرم و من برای همگی شما سلامت کامل آرزو مندیم و منتظر خبرهای شما هستیم. رسید وجه را ارسال دارید.

محمد رضا [پهلوی]

[۳ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

## ۱۰۹

دربار شاهنشاهی  
اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

قسمت

شماره ۲۳۹۵

تاریخ ۲۰/۹/۱۷ | ۸ دسامبر ۱۹۴۱

از بابت هزینه انتقال ۹۵۰۰ لیره انگلیسی به جزیره موریس اجازه داده می‌شود مبلغ دو هزار و پانصد و شصت ریال و هشتاد دینار (۲۵۶۰/۸۰ ریال) در وجه بانک ملی ایران پرداخت نماید.

وزیر دربار شاهنشاهی

[امضا] محمدعلی فرزین

[۴۷ - ۹۹۶ - ۵]

## ۱۱۰

جناب فرزین، وزیر دربار - تهران

از ۳۴۸۰۰ لیره ۹۵۰۰ لیره که به بانک لندن حواله شده تا به حال منتقل نشده است. اعلیحضرت [و] والا حضرتها در کمال سلامت هستند.

[علی] ایزدی

[۲ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

## ۱۱۱

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

تهران

تلگرافی راجع به استعلام از علت تغییر عزیمت ما از امریکا به جزیره موریس در بمبئی به آن اعلیحضرت مخابره شده بود که تا به حال پاسخ آن نرسیده است. مستدعی است پاسخ تلگراف را مرحمت فرمایند تا از قید انتظار خارج شویم. همگی سلامت هستیم.

علیرضا پهلوی

[۲ - ۳۲۲۹ - ۱۱۲ - الف]

## ۱۱۲

جناب فرماندار<sup>۱</sup>

در تعقیب مذاکراتی که تا به حال به عمل آمده است توجه جناب عالی را به این موضوع جلب می‌نمایم که بدی و ناسازگاری آب و هوای اینجا موجب شده است که همیشه من و تمام افراد فامیلم بیمار بوده و ضعف مزاج روز به روز رو به تزاید است. با اینکه مکرر وعده داده شده است که به زودی نسبت به تغییر وضعیت اقدام به عمل آید مع هذا تا به حال پاسخ مناسبی دیده [داده] نشده است.

صرف نظر از گرمای روزافزون، عدم وسایل زندگانی نیز بیشتر مؤید این ناراحتی و سختی شده و طوری ما را توأمآ تهدید می‌نماید که تشریح آن غیر ممکن است. این نکته را نیز متذکر می‌شود خروج ما از ایران و تفصیل آمدن به موریس به قدری جنبه افسانه‌ای دارد که من نمی‌خواهم در این موضوع اساساً وارد شده و از عللی که موجب این پیشامد شده استعلام نموده و اطلاع حاصل نمایم -<sup>۲</sup> و با این ترتیب سکوت جناب عالی، که نماینده رسمی دولت متبوع خود هستید، در مقابل تقاضای مشروع من بسیار ناگوار می‌باشد.

علت اصلی خروج من از ایران - و صرف نظر کردن از تمام کیفیات زندگانی این بود که وسایل آسایش فرزندانم، چه آنهایی که در تهران هستند و چه آنهایی که همراه من می‌باشند، از هر جهت تأمین گردد و بعد از خارج شدن هم محیط ساکت و آرامی را برای زندگانی انتخاب نموده و از هر حادثه و سر و صدایی دور باشم - برای احتراز از خسارت و جلوگیری از خرابی بوده است. این رویه به نفع دولت انگلستان تمام شده است و با اینکه سوء غرضی نسبت به بریتانیا ابراز نداشته‌ایم و با اطمینان کامل و اخذ پاسپورت تصمیم به رفتن به امریکا داشتیم ولی حال نتیجه آن طوری معکوس شده که غیرقابل تصور می‌باشد و روی هم رفته وضعیت ما به صورت بدترین عذابی درآمده که ممکن است برای یک خانواده پیش بیاید.

در خاتمه توجه جناب عالی را به این وضعیت ناگوار خود، به طوری که در بالا گفته شد، جلب نموده و توقع دارم ترتیبی فراهم آید که به این طرز زندگانی غیرقابل تحمل ما خاتمه داده شود. در انتظار رسیدن جواب قطعی، احترامات فائقه اظهار می‌شود.

[رضا پهلوی]

[۶-۳۲۷-۱۱۲ الف]

۱. سر بد کلیفورده، فرماندار جزیره موریس.

\* عبارتهای داخل خط تیره، در اصل سند، خط خورده است.

## ۱۱۳

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی |محمدرضا پهلوی|

چندی قبل در موریس مسافرت ما به کانادا به طوری شهرت یافته بود که حتی هر بچه کوچکی از آن صحبت می‌کرد ولی از آن تاریخ قریب چهل روز می‌گذرد نه تنها اثری ظاهر نشده بلکه با مراجعات مکرری که از طرف ما به عمل آمده به عنوان نبودن کشتی موضوع معوق مانده است. اساساً قصد ما از تغییر محل به علت بدی آب و هوا و ناخوشی دائمی ما همگی می‌باشد، و الاً با خرابی وضع دریاها ما شیفته رفتن به کانادا نیستیم و هر نقطه دیگری را که از آن بویی از تمدن استشمام شود و هوای آنجا با مزاج ما مناسب باشد و بشود اقللاً از منزل خارج شد بر اینجا ترجیح می‌دهیم.

[رضا پهلوی]

[۱۵ - ۳۲۷ - ۱۱۲ - الف]

## ۱۱۴

موکا، ۱۹ ژانویه ۱۹۴۲ [۱۳۲۰/۱۰/۲۹]

عالیجناب، [سرید کلیفورد، فرماندار جزیره موریس]

در پی گفت و گوهایی که با جناب عالی داشتم، توجه شما را به این امر معطوف می‌دارم که نظر به آب و هوای کسالت‌آور جزیره وضع مزاجی تمامی اعضای خانواده و خود من به هیچ وجه خوب نیست. علی‌رغم وعده‌هایی که به من دادید، پاسخی مساعد و چندان مورد انتظار از شما واصل نشد.

جناب عالی به خوبی شاهد هستید که در این اوضاع و شرایط، سکوت دولت بریتانیا در پاسخ به خواسته‌های مشروع چقدر می‌تواند بر من سخت و دشوار باشد. وقتی ایران راترک می‌کردم از همه چیز خود گذشتم تا برای فرزندانم چه آنها که در تهران هستند و چه آنهایی که مرا همراهی می‌کنند آتیه‌ای خوب و زندگی به دور از تشویش و دغدغه فراهم آورم. خود من هم در نظر داشتم که به دور از سختی ایام زمانه، مأمنی راحت و آسوده بیابم. جناب عالی بهتر از هر کس دیگری می‌توانید قضاوت کنید که آیا این خواسته‌ها برآورده شده است یا خیر.

به جناب عالی صراحتاً می‌گویم که وضعیت فعلی ما سخت‌ترین و ناگوارترین

شرایطی است که می‌تواند بر یک خانواده حادث شود. معتقدم که دولت پادشاهی  
بریتانیا برای خاتمه دادن به این وضع، سرانجام تصمیمی اتخاذ نماید.  
ضمن ابراز احترامات فائده، منتظر دریافت تصمیمی در مورد اینجانب هستم.

رضاپهلوی

[۶ - ۳۲۷ - ۱۱۲ الف]

## ۱۱۵

فرزند ارجمند عزیزم [محمد رضا پهلوی] را قربان می‌روم

موضوع ثانوی دیگری را که محتاج به ذکر می‌دانم این است که مدت [مدتی است]  
که وجه برای من فرستاده نشده است. من موقعی که از ایران خارج می‌شدم حساب  
جاری خودم را که بالغ بر هشتاد و پنج میلیون ریال بود به وسیله جم فرستادم که در موقع  
لزوم به ارز برای من حواله شود. بعد از مدتی کاغذی از او رسید که به علت رفتن  
مأموریت وجه را به شما تحویل نموده است و تاکنون نسبت به اصل موضوع یعنی تبدیل  
آن به ارز اثری دیده نشده است. به هر حال، برای این که به انتظار رسیدن وجه نباشیم  
[لازم است] وجه قابلی در خارج از کشور موجود باشد. مناسب است ترتیبی بدهند که  
تمام آن وجه پس از تسعیر به اسم من حواله شود.

ارضاپهلوی

[۱۲ - ۳۲۱۶ - ۱۱۲ الف]

## ۱۱۶

فرمانداری جزیره موریس

۲۱ ژانویه ۱۹۴۲ | ۱ بهمن ۱۳۲۰

اعلیحضرت، ارضاپهلوی

افتخار دریافت نامه مورخ ۱۹ ژانویه شما را داشتم و می‌توانم به اعلیحضرت اطمینان  
دهم که اوامرشان را به اطلاع دولت انگلیس رسانده‌ام. از پاسخهایی که دریافت نموده‌ام  
بسیار خوشوقتم که می‌بینم دولت انگلیس این مسئله را مورد دقت دائم و توجه خاص  
خود قرار داده است و به محض اینکه انجام این امر برایشان مقدور باشد، از طریق

تلگراف مرا در جریان هرگونه ترتیباتی که بتوانند در جهت برآوردن خواسته‌های اعلیحضرت صورت دهند قرار خواهند داد.

بدون تردید، اعلیحضرت تصدیق خواهند کرد که صرف‌نظر از مشکلات سیاسی غیرقابل احترازی که مسافرتشان به یک مملکت مستقل یا نیمه‌مستقل در بردارد مسائل بیشمار دیگری، مانند تهیه کردن کشتی مناسب، وجود دارد که باید ترتیبات آنها را فراهم نمود. اعلیحضرت به طور حتم در مطبوعات مشاهده فرموده‌اند که برای به کارگیری کشتیها در امورات نظامی، مردم انگلیس مجبورند به محدودیتها و تنگناهای بیشتری در استفاده از امکانات کشتیرانی تن در دهند. با وجودی که اطمینان دارم دولت انگلیس در نظر دارد تقاضاهای اعلیحضرت را برآورد، تمایل آنها تا حدود بسیاری تحت تأثیر ضروریات نظامی فعلی قرار دارد، و اعلیحضرت می‌دانند موقعیت نظامی در وضعیت حاضر بسیار خطیر است. صرف‌نظر از این مسائل، اصولاً موقعیت طوری است که دولتها در اخذ تصمیم کند هستند و در این باب مطمئن هستم که ممالکی وجود دارند که از دولت انگلیس هم در اتخاذ تصمیم بطنی‌تر هستند.

از اینکه اعلیحضرت از گرمای اینجا صدمه می‌خورند بی‌نهایت متأسفم و تنها امید من این است که شروع بارانها تحمل این گرما را فعلاً برای اعلیحضرت آسان‌تر خواهند نمود.

امیدوارم که به زودی بتوانم اطلاعات جامع‌تر و مشروح‌تری به اعلیحضرت بدهم. با عمیق‌ترین احترامات، افتخار دارم خدمتگزار مطیع اعلیحضرت باشم.

امضا | بد کلیفورد

| ۷-۳۲۷-۱۱۲ الف |

## ۱۱۷

عالیجناب،

با وجود مذاکراتی که سعادت داشتم با عالیجناب به عمل آورم و به رغم درخواستهای مکرری که از طریق آقایان اسکریبن<sup>۱</sup> و پیک وود<sup>۲</sup> عنوان گردیده است، با تأسف در می‌یابم که به نظر نمی‌رسد دولت پادشاهی قصد داشته باشد پاسخی به این



و عده‌ها ارائه دهد.

باتوجه به ضعف مزاجی فرزندان و خودم بار دیگر توجه عالیجناب را به اوضاع سخت خود جلب می‌کنم.

با احترامات فائقه، رضایپهلوی

[۱۶ - ۳۲۴۲ - ۱۱۲ - الف]

## ۱۱۸

سی‌ام ژانویه ۱۹۴۲ [۱۰ بهمن ۱۳۲۰]

اعلیحضرتا، [رضا پهلوی]

آیا می‌توانم از حضور اعلیحضرت اجازه بخواهم که موذّب‌ترین [موذّبانه‌ترین] و صمیمی‌ترین [صمیمانه‌ترین] تبریکات خود را به مناسبت امضای پیمان دوستی<sup>۱</sup> بین کشورهایمان از شرف عرض بگذرانم.

من یقین دارم در این واقعه بزرگ به شروع یک دوره طولانی همکاری دوستانه سیاسی و تجارתי بین دولت امپراطوری انگلیس و متحدین ایرانی - ترک - مصری و عراقی او خواهد بود.

بزرگترین آرزوی قلبیمان این است که اعلیحضرت که اینقدر در راه عظمت ایران زحمت کشیده‌اند بتوانند سالیان دراز شاهد ترقی و عظمت میهن بسیار عزیزشان در تحت پیشوایی اعلیحضرت پسرشان باشند.

با کمال احترام افتخار دارم خدمتگزار مطیع اعلیحضرت باشم.

بد کلیفورده

[۸ - ۳۲۷ - ۱۱۲ - الف]

## ۱۱۹

موکا، ۱ فوریه ۱۹۴۲ [۱۲ بهمن ۱۳۲۰]

جناب فرماندار،

نامه جناب عالی که مبنی بر ابراز خوشوقتی از انعقاد پیمان بین ایران و انگلیس بود واصل شد. کمال شرف را دارم از این که مشاهده می‌کنم جناب عالی به استحکام روابط

۱. پیمان اتحاد بین سه کشور ایران، شوروی و انگلستان در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۲۰ صورت پذیرفت.

بین دولتین ایران و انگلیس علاقه دارید و این موجب نهایت خوشوقتی من است. از موقع پیشامد جنگ اروپا تا قبل از پیشامدهای اخیر هر زمان از طرف مأمورین انگلیس از وضعیت ایران اظهار نگرانی می‌شد به دستور من دولتهای وقت، حاضر بودن خود را برای عقد پیمان به مأمورین انگلیس تذکر می‌دادند ولی توجهی نمی‌شد. حال که پیمان به این صورت لباس عمل پوشیده است امیدوارم مؤید خدمات فرزند عزیزم اعلیحضرت محمدرضا شاه به کشور ایران [باشد] و از نتایج آن او و ملت ایران بهره‌مند گردیده، در خاتمه آرزومندم این دوستی دیرزمانی پایدار بماند و ما هم ناظر ثمر و نتیجه آن باشیم.

رضا پهلوی

[۹-۳۲۷-۱۱۲ الف]

۱۲۰

۲ فوریه ۱۹۴۲ [۱۳ بهمن ۱۳۲۰]

اعلیحضرت،

امروز صبح کاپیتن پیکود [پیکوت یا پیک وود] به بنده اطلاع داد بعد از این که استحضار حاصل فرموده‌اند که تصمیماتی برای تشریف فرمایی اعلیحضرت از موریس گرفته شده و منحصر به مذاکرات نبوده است اسباب تسلی و آسایش خاطرشان فراهم شده است، در تعقیب تقاضای آن اعلیحضرت و پس از مذاکره با دولت کانادا طبق اطلاعی که چند هفته قبل به دست آمده تشریف فرمایی اعلیحضرت موجب منتهای خوشوقتی دولت کانادا خواهد بود.

در آخرین دفعه‌ای که افتخار ملاقات دست داد فوق‌العاده مایل بودم که بتوانم اطلاع قطعی راجع به مسافرت در اینجا عرض نمایم ولی به طوری که کاپیتن پیکود بی‌تردید عرض کرده‌است پیشامد اشکال در وسایط نقلیه مانع انجام آرزو گردید. دولت شاهنشاهی فعلاً در نظر دارد وسایل و ترتیبات دیگری فراهم نماید که تصور می‌رود در ظرف چند روز دیگر جواب و اطلاع قطعی در این خصوص واصل گردد.

همچنین، طبق اطلاع واصله، لازم خواهد بود برای حمل و نقل لوازم مسافرت اعلیحضرت چند روزی در افریقای جنوبی مسافرت را به تعویق انداخته و تشریف داشته باشند و در آنجا البته پذیرایی در روی کشتی دیگری انجام خواهد گرفت. دولت

شاهنشاهی ضمن این که موافقت نموده است که تمام هزینه مسافرت از اینجا تا کانادا را پردازد پیش‌بینی نموده است که هزینه چند روز توقف در افریقای جنوبی و همچنین کانادا از طرف اعلیحضرت پرداخته خواهد شد. بی‌اندازه موجب امتنان خواهد شد اگر معلوم فرمایند که نظریات بالا مورد تصدیق و قبول واقع می‌شود.

از قراری که والا حضرت شاهدخت شمس اطلاع داده‌اند مایلند که با شوهرشان به ایران مراجعت نمایند و با قولی که به شاهدخت داده بودم که به مقامات مربوطه تلگراف نمایم مطابق پاسخی که رسیده خوشوقت خواهند شد که آمال ایشان را عملی نمایند. و برای تأمین مسافرت مستقیم از اینجا به ایران اقدامات لازم به عمل آمده به این ترتیب که حرکت شاهدخت و شوهرشان یا قبل و یا بعد از تشریف‌فرمایی اعلیحضرت به افریقای جنوبی خواهد بود.

به طوری که کاپیتن پیکود اطلاع داده است، با موافقت اعلیحضرت، آقای ایزدی و خانم مشار نیز مایلند که به ایران مراجعت نمایند.

چون ممکن است که اعلیحضرت نیز مایل باشند چند نفر از مستخدمین نیز مراجعت نمایند مستدعی است نظر اعلیحضرت را در این موضوع معلوم فرمایند. بااحترام زیاد مفتخرم که خدمتگزار آن اعلیحضرت باشم.

بدکلیفورده

۱۰۱ - ۳۲۷ - ۱۱۲ الف |

## ۱۲۱

موکا، ۵ فوریه ۱۹۴۲ | ۱۶ بهمن ۱۳۲۰

در پاسخ به مراسله مورخه ۲ فوریه مبنی بر موافقت حرکت من به افریقای جنوبی و بعد به کانادا و ترتیب هزینه که مدت توقف در آفریقا و در کانادا به عهده من خواهد بود و در ضمن از قبول نظریات بالا استعلام نموده‌اند، پس از تشکر از احترامات و زحماتی که [برای] حرکت من دولت امپراطوری و جناب عالی کشیده‌اید، ترتیباتی که برای هزینه داده شده البته مورد قبول است زیرا در محلی که زندگانی اختیاری داشته باشیم طبیعی است که مخارج نیز به عهده خودمان باشد.

و بعد کمال تشکر را دارم از اینکه اقدامات جناب عالی اسباب مراجعت شاهدخت شمس شده و مخصوصاً اطلاعاتی که کاپیتن پیکود دیروز راجع به مراجعت خانم من و شاهدخت فاطمه و شاهپور حمیدرضا را داده‌اند بسیار ممنون متشکرم؛ از این که ترتیب مسافرت به ایران مستقیماً داده شده است بیشتر باعث اطمینان خیال من شده است.

راجع [به] ملتزمین، مراجعت ایزدی موکول به اجازه - در تعیین عرض درخواست -  
 اعلیحضرت پادشاه ایران خواهد بود، و بعد راجع به سایرین خانم مشار، دام دنور  
 اندیمه | شاهدخت شمس و ملوک و مهستی رفتنی خواهند بود، اما راجع به نوکرها چون  
 از تهران عوض خواسته شده تا آفریقا همراه خواهند بود.

[۱۱ - ۳۲۷ - ۱۱۲ الف]

## ۱۲۲

### وزارت دارایی

دائرة غیربازرگانی - کمیسیون ارز

تاریخ ۱۸ ماه ... ۱۳۲۰

فوری مستقیم

بانک شاهنشاهی ایران

به موجب نامه شماره ۳۶۲۷ مورخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۲۰ اداره حسابداری دربار  
 شاهنشاهی، موافقت می‌شود مبلغ دوازده هزار لیره - ۱۲۰۰۰ لیره - به نرخ ۱۴۲ ریال  
 برای اعلیحضرت پادشاه سابق به سمت موریس حواله نماید.

کمیسیون ارز

رونوشت پاسخ مرقومه شماره ۳۶۲۷ مورخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۲۰ برای استحضار اداره  
 حسابداری دربار شاهنشاهی ارسال می‌شود.

رئیس کمیسیون ارز

دکتر نخعی

[۴۶ - ۹۹۶ - د]

## ۱۲۳

بانک شاهنشاهی ایران

شماره ۱۰۲۳۷

تهران | ۷ فوریه ۱۹۴۲ | ۱۸ بهمن ۱۳۲۰

اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

با عطف به مرقومه ۱۸ جاری شماره ۳۶۲۷ به عنوان کمیسیون ارز محترماً اشعار

می‌دارد که طبق دستوری که در تاریخ امروز طی نامه شماره ۳۹۸۵۱/۳۶۹۵۵ از

کمیسیون نامبرده به بانک رسیده مبلغ -/۱۲۰۰۰ لیره از طرف این بانک تلگرافاً به لندن ارسال شد که به شرح زیر به سنت موریس<sup>۱</sup> انتقال دهند:

برای پرداخت به اعلیحضرت رضاشاه پهلوی پادشاه سابق ۱۰۰۰۰ لیره، برای پرداخت به والا حضرت شاهدخت شمس پهلوی ۲۰۰۰ لیره. بهای مبلغ -/۱۲۰۰۰ لیره مزبور که از قرار هر لیره ۱۴۲ ریال بالغ به مبلغ -/۱۷۰۴۰۰۰ ریال می شود به وسیله چک عهده بانک ملی ایران به این بانک پرداخت گردید. بهای تلگرافات نیز بعداً تعیین و به استحضار آن اداره محترم خواهد رسید. با تقدیم احترامات.

برای بانک شاهنشاهی ایران

رئیس کل

[۴۵ - ۹۹۶ - ۵]

۱۲۴

۱۷ فوریه [۱۹۴۲] | ۲۸ بهمن ۱۳۲۰

اعلیحضرت، [رضا پهلوی]

من راجع به حرکت اعلیحضرت با دولت انگلیس دائماً ارتباط تلگرافی داشته‌ام علی‌الخصوص راجع به تهیه کشتی. نهایت تأسف را دارم از اینکه هنوز نمی‌توانم به اعلیحضرت اطلاع دقیقی بدهم، اما اعلیحضرت می‌توانند مطمئن باشند که در این امر منتهای سعی به عمل می‌آید.

آیا اجازه دارم تشکرات قلبی خود را از الطاف مبارک در ارسال دو جعبه ویسکی به عرض برسانم، خصوصاً که در جزیره کمیاب و در این موقع تحفه ذیقیمتی است. بانهایت احترام خدمتگزار اعلیحضرت هستم.

بد کلیفورد

[۱۲ - ۳۲۷ - ۱۱۲ الف]

۱. سنت موریس شهری است در سوئیس. چون این سند عطف به سند شماره ۱۲۲ می‌باشد عبارت «به سمت موریس» سهواً «به سنت موریس» خوانده شده است.

## ۱۲۵

فریدون [جم] عزیزم، نامه شما که حاکی از احساسات پاک و بی‌آلایش آن عزیز بود رسید و اسباب خوشحالی کامل من را فراهم آورد. من غیر از این هم انتظاری نداشته و به علاقه و صمیمیت شما نسبت به خود اطمینان دارم. اینکه نوشته‌اید مردم دست حسرت و ندامت به دندان گزیده و به ایام گذشته تأسف می‌خورند باید دانست که این وضعیت معلول سوء اخلاق افراد بوده که آن نیز ناشی از جهل و نادانی می‌باشد و چون جهل با غفلت که جلی ایرانی است<sup>۱</sup> همواره هماغوش و توأم است ناچار چنین ملتی باید موقعیتهای مناسب را از دست داده و بعد با پشیمانی و تأسف که آن نیز سودی ندارد دست به گریبان باشد. اما من خدای را شاکرم که وظیفه و تکلیف خود را تا آنجا که از قوه یک نفر ساخته بوده نسبت به کشور و ملت انجام داده و برای حفظ کشور و احتراز از ناگواریهای سخت‌تری که ممکن بود ملت دچار شود از همه چیز صرف‌نظر کردم و حال هم با نگاه تأثرآمیز از دور شاهد جزئیات بوده و تنها آرزویم این است که دیگر بار کشتی استقلال کشور از خلال تندباد حوادث تحت لوای فرزند عزیزم اعلیحضرت به ساحل نجات رسیده و آلام روحی من تسکین یابد. سعادت شما را همواره خواهان و شما را به خدا می‌سپارم.

[رضا پهلوی]

[۳۸۰۵۹]

## ۱۲۶

## شاه سابق ایران به کانادا خواهند رفت

لندن پنجم مارس - در اتاوا مطلع شده‌اند که دولت کانادا به شاه سابق ایران رضا پهلوی و فامیلشان اجازه داده است که به کانادا بیایند و شاه سابق در تابستان گذشته بر اثر عملیات روس و انگلیس بر علیه ایران، ایران را ترک گفته‌اند. از آن تاریخ حرکت شاه ایران محرمانه بوده است. شاه سابق می‌توانستند چند کشور را برای اقامت خود انتخاب

۱. رضا پهلوی پا را از «لرد پارمور» انگلیسی - سند شماره ۲۷ - فراتر گذارده و جهل و نادانی را صفت ذاتی ایرانیان قلمداد می‌کند.

نمایند و بر حسب اطلاعاتی که به دست آمده اجازه خواسته‌اند که در کانادا که آب و هوای آنجا تقریباً شبیه نقاط مرتفع ایران است زندگانی نمایند و این تقاضا در چند هفته قبل قبول شده بود اما از انجام آن خبری نبوده و تصور می‌کردند که این تصمیم به عهده تعویق و فراموشی افتاده است تا این که رادیوی آلمان سه‌شنبه اعلام داشت که شاه سابق ایران در کانادا پیاده شده‌اند.

اداره امور خارجه کانادا هنوز خبر رسمی دایر به حرکت به کانادا و در راه بودن شاه سابق دریافت نداشته اما منتظر است که به زودی از جریان حرکت مسبوق گردد.

[۳۷۷۸۸]

## ۱۲۷

تلگراف

۲۵ ماه مه ۱۹۴۲ | ۴ خرداد ۱۳۲۱

ایزدی، ملتزم رکاب اعلیحضرت همایونی - دوربان

یازده هزار و هشتصد لیره استرلینگ تلگرافی ارسال شده است: ده هزار لیره به اعلیحضرت، هزار لیره به شاهپور علی‌رضا، و هشتصد لیره به طور تساوی به شاهپور غلامرضا و شاهپور عبدالرضا اختصاص یافته است. وصول آن را اعلام فرمایید.

وزیر دربار، [محمد علی] فروغی

[۷ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

## ۱۲۸

۴ شنبه ۵ شهریور

جناب فروغی - تهران

یازده هزار و هشتصد لیره که برای اعلیحضرت و والاحضرتها حواله شده بود تا به حال منتقل نشده است.

[علی] ایزدی

[۷ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

## ۱۲۹

اعلیحضرت فاروق<sup>۱</sup>

برادر گرامی، نامه آن برادر ارجمند که از ابراز احساسات برادرانه و علاقه قلبی آن اعلیحضرت نسبت به من حکایت می‌کرد به توسط شاهدخت اشرف واصل و بی‌اندازه موجب مسرت و امتنان گردید. مخصوصاً پیامی که به توسط شاهدخت اشرف فرستاده بودید بیشتر به مراتب تشکر افزود و به طوری که پاسخ داده‌ام منتهای سعی را در انجام آن دارم.

در خاتمه، سعادت و سلامت دائم آن اعلیحضرت را از خداوند خواستار و امیدوارم سالهای سال با کمال موفقیت و خوشی روزگار را بگذرانید.

[رضا پهلوی]

[۱ - ۳۲۲۵ - ۱۱۲ - الف]

## ۱۳۰

## تلگراف

به اعلیحضرت همایون شاه - تهران

از بدو ورودمان به دوربان بسیار معذب هستیم. در اینجا منزل راحتی نداریم. نزد مقامات اقداماتی جهت تغییر محل سکونت به عمل آورده‌ایم، ولی متأسفانه تاکنون پاسخی دریافت نشد [ه]. واسطه شما شاید بتواند شرایط ما را بهبود بخشد.

[۲ - ۳۲۱۵ - ۱۱۲ - الف]

## ۱۳۱

## تلگراف

۲۳ اکتبر ۱۹۴۲ | آبان ۱۳۲۱

آقای علی ایزدی - ژوهانسبورگ

به ده تخمه الماس بزرگ خوب احتیاج دارم که بعضی از آنها باید سفید و برخی پشت گلی - آبی - زرد روشن باشد. به قیمت توجه نداشته باشید. تقویم را به عرض

۱. ملک فاروق؛ پادشاه مصر و برادر فوزیه، همسر محمدرضا پهلوی.



اعلیحضرت برسانید. قیمت را بدون تأخیر تلگراف کنید.  
دستهای پدر قابل ستایش را می بوسم.

شمس پهلوی

[۳۷۱۱۵]

## ۱۳۲

تلگراف

۴ اوت ۱۹۴۳ | ۱۲ مرداد ۱۳۲۲

آقای ایزدی - ژوهانسبورگ

پانزده هزار لیره به وسیله بانک شاهنشاهی به عنوان اعلیحضرت حواله شده است.

احسین | شکوه

[۱۱ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

## ۱۳۳

تلگراف

۱۲ | آوریل ۱۹۴۴ | ۱۳۲۳/۱/۲۳

آقای ایزدی - ژوهانسبورگ

هفده هزار لیره توسط بانک شاهنشاهی حواله شده: پانزده هزار لیره برای اعلیحضرت پهلوی، هزار لیره برای والاحضرت علیرضا، پانصد لیره برای والاحضرت عبدالرضا، پانصد لیره برای والاحضرت غلامرضا.

شکوه

[۱۲ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

## ۱۳۴

از: قصر همایونی، تهران

به: آقای ایزدی، ملتزم رکاب همایونی رضا پهلوی، ژوهانسبورگ

از کمیسیون عالی انگلیس در پرتوریا درخواست شده تا سفارت با جدیت همه گونه

تسهیلات در اختیارتان قرار دهد. با شما تماس می‌گیرد.

شکوه

[تاریخ ورود تلگراف به ژوهانسبورگ: [اول اوت ۱۹۴۴] [۱۰ مرداد ۱۳۲۳]

[۲۳ - ۳۲۱۱ - ۱۱۲ الف]

www.KetabFarsi.com

حبیب ثابت و خرید محل اقامت  
رضا پهلوی در موریس

## ۱۳۵

تاریخ ۵۱/۱/۲۸

به شرف عرض خاک پای مبارک برسد:

در دو سال قبل موقعی که برای شرکت در یک کنفرانس به جزیره موریس رفته بودم شنیدم قصری را که محل اقامت شاهنشاه عظیم‌الشان رضاشاه کبیر بوده به قیمت بسیار ارزان قصد فروش دارند. با علاقه‌ای که به حفظ این محل پیدا نمودم برای اینکه از دست نرود بلافاصله آن را خریداری نمودم تا تقدیم به خاک پای مبارک که حقیقتاً مدیون آن همه بزرگواری و مهربانی و عطوفت هستم بنمایم و مراتب پس از مراجعت معروض گردید. نظر به اینکه از جزیره موریس اطلاع داده‌اند که دولت ایران جداً علاقه‌مند به خرید محل مزبور می‌باشد و تقاضا دارند که معامله را فسخ نمایم. بلافاصله جواب داده شد که جان و مال ما متعلق به شاهنشاه و رهبر عالیقدرمان است. اینک هم بدین وسیله اعلام می‌دارد چنانچه اراده ملوکانه با استفاده دولت از این محل تعلق گرفته باعث افتخار است این هدیه بلاعوض از طرف این چاکر که صمیمانه عاشق آن خاندان است مورد قبول قرار گیرد. امر امر مبارک است.

جان نثار حبیب ثابت<sup>۱</sup>

۴۷۱ - ۳۲۲۱ - ۴۵۱۳ - ش |

۱. حبیب ثابت پسر میرزا عبدالله بزاز، معروف به ثابت است. نوه دختری میرزا خلیل کلیمی طبیب که بهایی می‌شود. میرزا خلیل از یهودیهایی است که بهایی می‌شود. چند پسر داشت و یک دختر. پسر بزرگش میرزا رحیم خان ارجمند که مدیرکل پست شد پسر دومش دکتر مسیح ارجمند که طب خواند و بعد موفق نشد و وارد پست شد، شوهر خواهر سرتیپ دکتر عبدالکریم ایادی است. پسر سوم ابراهیم ارجمند بود، او هم در گمرک و پست بود. خواهر اینها زن یک نفر یهودی بود به نام میرزا عبدالله که در دروازه قزوین در ایستگاه واگن دکان بزازی محفوری داشت. حبیب مدرسه ابتدایی دید و بعد شاگرد پدر بود، بعد شوفر شده و در جاده‌های ایران راننده شد. بعد دکان نجاری باز کرد، زنش رشتی است از سادات خمسی گیلان، گویا نوه برادر حاج سید نصرالله رشتی معروف به باقراف. (ر.ک: قاسم غنی. یادداشتهای دکتر قاسم غنی، به کوشش سیروس غنی، تهران، انتشارات زرار، ۱۳۶۷، جلد چهارم، صص ۱۵۷ - ۱۵۸).

## ۱۳۶

## بنیاد پهلوی

تاریخ ۱۳۵۱/۲/۲

شماره ۲۶۵۸/د

پیوست دارد

جناب آقای خلعتبری<sup>۱</sup> وزیر امور خارجه

با ارسال عین نامه آقای حبیب ثابت و دو قطعه عکس ضمیمه آن دائر به اهداء محل اقامت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر در جزیره مورس مراتب به شرف عرض مبارک شاهانه رسید. مقرر فرمودند که ترتیب لازم در این خصوص از طرف وزارت امور خارجه داده شود ولی مبلغی را که آقای ثابت برای انجام معامله پرداخته است به ایشان مسترد و مالکیت ساختمان و اراضی مربوطه برای دولت تأمین شود.

نکته قابل توجه این است که هرگاه معامله انجام شده توسط آقای ثابت فسخ شود مالک زمین با توجه به علاقه‌ای که دولت ایران نسبت به خرید این ملک دارد قطعاً قیمت بیشتری تقاضا خواهد کرد و لذا بهتر است که معامله انجام شده به هم نخورد و ترتیب انتقال بر اساس شرائط معامله انجام یافته صورت گیرد. برای کسب اطلاعات بیشتر از جزئیات امر خواهشمند است دستور فرمائید با آقای ثابت تماس گرفته شود.

نایب التولیه

[۳۶۸۳/۱]

## ۱۳۷

در سنه ۱۹۷۰ که حبیب ثابت به جزیره مورس مسافرت کرده بود قصری را که اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر در آن مدتی سکونت داشتند به مبلغ تقریبی یازده هزار دلار خریداری کرد و پانصد دلار بیعانه داد که به انجام تشریفات لازمه و ثبتی بقیه را پردازد.

به علاوه، در حدود سی هزار متر اراضی اطراف این قصر که قبلاً جزء قصر بوده و

۱. عباسعلی خلعتبری فرزند نصرالله خلعتبری اعتلاءالملک.

باغ آن را تشکیل می‌داده صاحب قصر به یک کارخانه شکر برای زراعت نی شکر فروخته بود ثابت موفق شد که زمین مزبور را که قیمت تقریبی آن هم در حدود یازده هزار دلار [بود] خریداری [کند] و پانصد دلار دیگر به این کارخانه شکر پرداخته که با انجام تشریفات لازمه و ثبتی بقیه را پردازد و منظورش تقدیم هر دو قطعه به شاهنشاه آریامهر بود.

پس از مدتی از طرف دولت مورس اطلاع دادند که دولت ایران علاقه به خرید این ملک دارد.

ثابت مجدداً پیشنهاد تقدیم ملک مزبور را نمود و مطالب فوق به شرف عرض ملوکانه رسید. فرمودند که آنچه ثابت پرداخته به او مسترد گردد و ملک خریداری شود. با ثابت مجدداً صحبت شد و اظهار داشت که هزار دلار جمعاً به فروشندگان به موجب قراردادها پرداخته شده و صورت سایر مخارج آن بعداً تقدیم خواهد شد؛ فقط مبلغی که باید به صاحبان ملک پرداخته شود با مخارج ثبت و وکیل شاید در حدود ۲۵ هزار دلار باشد. ثابت اظهار می‌دارد که معامله باید به نحوی انجام شود که خرید او فسخ نشود زیرا فروشندگان مبادا پی به اهمیت موضوع برده و مبالغ بیشتری مطالبه کنند. بنابراین هر چه زودتر با حبیب ثابت یا آقای انورناتان که یکی از مدیران ایشان هستند در شرکت ثابت پاسال تماس گرفته شود و اقداماتی به عمل آید که از قرارداد اولیه که املاک را به قیمت بسیار بسیار نازلی خریداری کرده استفاده گردد. ثابت برای هرگونه همکاری و مساعدت در انجام معامله، آقای انورناتان را در غیاب خودش در اختیار شما می‌گذارد.

[۳۶۸۳/۲]

## ۱۳۸

بیست و ششم جولای ۱۹۷۲

اینجانب، حبیب ثابت بنا بر رونوشت‌های تصویری اسناد اولیه فروش، از تمام حقوق خود نسبت به زمینها و ساختمانهای وال اوری، پرت لوئیس و مارینیوس به نفع وزارت امور خارجه ایران که نمایندگی دولت شاهنشاهی را عهده‌دار است چشم‌پوشی می‌نمایم.

علاوه بر آن، بنا بر اسناد فروش ضمیمه، وجهی به مبلغ ۵۷۱۰ روپیه مارینیوس که به

فروشنندگان پیش پرداخت شده می بایست توسط دولت پادشاهی ایران مسترد شود.  
تصریح می کنم که در این راستا هیچ ادعایی ندارم.

حبیب ثابت

۴۷ - ۳۲۲۱ - ۴۵۱۳ - ش |

## ۱۳۹

حبیب ثابت

تاریخ ۵۱/۵/۴

وزارت امور خارجه

موضوع: قصر والروی اوال اری | در جزیره موریس

در تاریخ ۵۱/۵/۲ نماینده آن وزارتخانه به اینجانب مراجعه و طرح نامه را به ضمیمه چکی به مبلغ ۷۸۳۰۸ ریال به اینجانب تسلیم نمود که اقرار نامه را برای تنفیذ خرید قصر والری مورد استفاده قرار دهند. در این خصوص لازم دانست که مطالب زیر را به استحضار برساند:

چندی قبل در تاریخ اوت ۱۹۷۰ به اینجانب اطلاع رسید مالک قصر والروی که قصر سکونت موقت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر در جزیره موریس بوده است به علت هزینه سنگین نگاهداری و عدم توانائی مالک آن از نظر تعمیرات و نگهداری به خصوص استفاده نکردن از قصر تصمیم به فروش آن با قیمت مناسبی دارد.

با اطلاع از این جریان بلافاصله قصر مزبور را از نزدیک معاینه و معلوم شد که متاسفانه قسمت مهمی از اراضی قصر را به Mon Desert Alma Limited , Port Louis شرکت قند و نیشکر برای زراعت فروخته اند و شرکت مزبور در نظر داشته که اراضی مزبور را تقسیم و به قطعات بسیار کوچک به کارگران خود بفروش برسانند علیهذا با مالک قصر و اراضی تماس گرفته شد و خوشبختانه موفق گردیدم طی قراردادی که سواد آن به ضمیمه فرستاده می شود قرار خرید اراضی فوق الذکر را هم با شرکت قند و نیشکر و خود قصر و اراضی اطراف آن را به صاحب قصر داده و برای تنفیذ قراردادها بیعانه پرداخت شد.

منظور اصلی از این اقدام این بود که باعلاقه و احترام خاصی که به ناجی بزرگ ایران رضاشاه کبیر داشتم به سهم خود خدمت کوچکی در بزرگداشت این شخصیت بزرگ

تاریخی انجام داده باشم و مانع از دست رفتن این نقطه تاریخی و اراضی اطراف آن گردم و تصمیم داشتم محل را به صورت اولیه درآورده و به پیشگاه مبارک شاهانه تقدیم کنم. اینک که بر حسب امر مطاع ملوکانه مقرر است که وزارت امور خارجه این اقدام را انجام دهد سواد قرارداد ۱۸ ماه اوت ۱۹۷۰ را تقدیم و چک مرحمت شده را نیز اعاده نموده و خواهشمند است آن را پذیرفته تا وسیله خوشحالی اینجانب که این امر به صورت مطلوب به نتیجه نهائی می‌رسد بشود. بدیهی است هرگونه اقدامی جهت انجام معامله قطعی لازم باشد در اختیار بوده و انجام خواهم داد. ضمناً برای انجام معامله علاوه بر مواد قرارداد شرحی به مراجع مربوطه نوشته شده که به پیوست ارسال می‌شود.

در پایان لازم است این نکته را به استحضار برساند که چنانچه وزارت خارجه از همین قرارداد استفاده نکنند این احتمال در بین است که مالکین قیمت ساختمان و اراضی را به چندین برابر بالا ببرند. چون واقعاً ارزش حقیقی آن خیلی بیش از این مبلغ قرارداد است.

باتقدیم احترام

حبیب ثابت

[۳-۲/۲۶۸۲]

۱۴۰

وزارت امور خارجه

اداره حقوقی

شماره ۳۶۶۹/۱۸

۱۳۵۱/۵/۱۵

نایب‌التولیه بنیاد پهلوی، جناب آقای جعفر شریف‌امامی

عطف به مرقومه شماره ۲۶۸۵/د مورخ ۵۱/۲/۲ درباره خرید قصر Val Orj

اوال اری | محل اقامت اعلیحضرت رضاشاه کبیر در جزیره موریس اشعار می‌دارد:

به طوری که استحضار دارند حسب‌الامر مطاع شاهنشاه آریامهر مقرر شد معادل

مبلغی که آقای حبیب ثابت به صاحبان قصر وال اوری به عنوان پیش قسط پرداخته بود به

ایشان مسترد و ساختمان و اراضی مربوطه برای دولت شاهنشاهی خریداری شود. در

امثال اوامر ملوکانه جناب آقای مشایخ فریدنی سفیر شاهنشاه آریامهر در پاکستان پس از



مذاکره با سفیر موریس در اسلام آباد طی تلگراف مورخ ۱۵/۴/۵۱ اعلام داشتند که مبلغ پرداختی آقای ثابت به صاحبان قصر ۵۵۴۰ روپیه موریس بوده و لازم است ضمن استرداد این مبلغ به ایشان اقرارنامه‌ای مبنی بر اعلام وصول وجه مذکور و اسقاط کلیه حقوق مشارالیه نسبت به ملک مزبور از آقای ثابت اخذ و در موقع امضای اسناد معامله در محضر رسمی ارائه شود.

مراتب به جناب آقای نخست‌وزیر اعلام گردید و متعاقباً مبلغ ۷۸۳۰۸ ریال معادل ۵۵۴۰ روپیه موریس بابت استرداد پیش قسط پرداختی آقای ثابت از طرف نخست‌وزیری به وزارت امور خارجه واصل و چکی معادل مبلغ مزبور همراه با متن اقرارنامه تنظیمی برای امضا به آقای ثابت تسلیم شد ولی ایشان پس از امضای اقرارنامه مورد نظر، چک ارسالی را طی نامه مورخ ۵۱/۵/۴ به وزارت امور خارجه عودت داد. فتوکی نامه مورخ ۵۱/۵/۴ آقای حبیب ثابت و رونوشت اقرارنامه تنظیمی برای ملاحظه و امان نظر به ضمیمه ایفاد می‌شود.

ارادتمند، قائم‌مقام وزیر امور خارجه

احمد میرفندرسکی

[۳۶۸۱]

www.KetabFarsi.com

اسناد عصمت الملوك دولتشاهی  
و حمیدرضا پهلوی

## ۱۴۱

ژوهانسبورگ

اعلیحضرت پهلوی

از خداوند سلامت و عمر طولانی اعلیحضرت را خواهانم. ضمناً به استحضار خاطر اعلیحضرت می‌رساند که مالکین فردیس ادعاهایی نموده‌اند که برای خاتمه دادن به آن خرید قریه مجاور موسوم به قرچک مورد لزوم می‌باشد. جهت خرید به دوست هزار تومان احتیاج فوری دارد؛ در صورتی که چنین کرامتی را مبذول نفرمایند با وضعیت فعلی فردیس از دست خواهد رفت. در انتظار مکرمت آن اعلیحضرت، امیدوار است که آن اعلیحضرت مرا از این وضعیت نجات دهند.

عصمت پهلوی

۱۱۳۹۱۹۱

## ۱۴۲

تهران

والاحضرت عصمت پهلوی

تلگراف شما راجع به ملک واصل گردید. اصولاً این طور استنباط می‌شود که شما مایل نیستید کوچکترین آسایشی برای بچه‌های شما موجود باشد و الا تا این اندازه تحت تأثیر القانات سایرین واقع نمی‌شدید. روی هم رفته بهتر این است بگذارید ما با بدبختیهای خود بسوزیم.

مراجعات شما از قبیل [مراجعات شما برای] خرید ملک با این وضعیت من بسیار جای تعجب و تأسف است.

[رضا پهلوی]

[۱۵-۳۲۱۷-۱۱۲ الف]

## ۱۴۳

۲ اردیبهشت ۱۳۲۱

والاحضرت عصمت پهلوی

همسر عزیزم را قربان می‌روم

اطلاع از مدلول دو نامه، که یکی به عنوان شخص من و دیگری برای شاهپور عبدالرضا ارسال داشته بودید، در عین اینکه چون مرده سلامت شما و بچه‌ها را متضمن

بوده اسباب نهایت مسرت گردید ولی بیشتر موجب منتهای تعجب و تأسف شد که چطور ممکن است کسی با این صراحت به قصد خود در زندگانی اعتراف نموده و با معاذیر غیرموجه کوشش نماید آن را به صورت دیگری جلوه داده و امر را مشتبه نماید. گرچه هر کس که کوچکترین شناسایی به اخلاق شما داشته باشد می‌تواند - خدای نکرده - تصور نماید که شاید از روی کمال سادگی نوشته شده و اصولاً هم معنای حقیقی زندگانی تا به حال بر شما پوشیده مانده باشد اما بدبختانه به نکاتی در این نامه اشاره شده که اگر بخواهم به تشریح و روشن کردن آنها پردازم جز انفعال نتیجه دیگری نخواهد داشت. فقط برای اینکه شما متوجه باشید که هیچ لفافه‌ای نمی‌تواند مرا از دیدن حقیقت بازدارد یکی دو مطلب را گوشزد می‌نمایم: از همه مهمتر موضوع ارتباطی است که شما بین پول و احساسات خودتان نسبت به من قائل شده و این طور وانمود کرده‌اید که تا از پول سرشار و لبریز نمی‌شود [نشوید] علاقه قبلی شما بارز و آشکار نمی‌شود. و چون هنوز از این حیث به حد اعلی نرسیده‌اید نمی‌توانید با مخابره تلگراف مرا از مزده سلامت خودتان و بچه‌ها مطلع نمایید و حتی پا را بالاتر گذاشته و گفته‌اید که نباید هم از شما چنین توقعی را داشت.

دیگر اینکه نوشته‌اید طرز رفتار من با شما در دوره زندگانی بر حسب دستور دیگران بوده است؛ فکر این مطالب به قدری بچگانه و غیرمنطقی و تحقیرآمیز است که اگر من اطمینان نداشتیم که این اظهارات و طرز فکر نتیجه القائات و تحریکات بادمجان دور قاب چینه‌ها که هیچ منظوری جز از بین بردن و خفیف کردن شما ندارند می‌باشد طوری به پاسخ حقیقی این نامه مبادرت می‌کردم که تجدید مطلع امکان نداشته باشد. اصولاً با آن همه سفارشات لازمه به طرز غریبی شما تسلیم گفته‌های نزدیکان هستید که نسبت به پیشنهادات آنها کوچکترین غور و فکر یا اظهارنظر نمی‌نمایید. مثلاً شما همین قدر که از طرف آنها گفته شده است که اگر ملک قرچک خریداری نشود، آن هم با دو میلیون ریال، فردیس هم از بین خواهد رفت شما بدون تعقل و تأمل عین این مطلب را با اصرار هرچه تمامتر به من تلگراف نموده‌اید. باید دید اگر این ارتباط صحیح باشد چند روز دیگر بعد از خریداری قرچک همین کیفیت هم برای آن پیش آمده و حفظ قرچک نیز موکول به ابتیاع ملک بزرگتری در مجاورت آن خواهد بود و این رشته به درازا خواهد کشید. همین جاست که شما دچار اشتباه شده‌اید و الا من در پرداخت وجه و تأمین آسایش فکری شما و بچه‌ها نه تنها مضایقه نداشته بلکه غیر از این فکر دیگری را تعقیب نمی‌نمایم.

از همه کار واجبتر برای شما، همانطور که به کرات گفته شده است، این است که دور نزدیکان و اطرافیان نادرست را قلم کشیده و چندی هم نصایح من را پیروی نمایند و با دقت آزمایش کنید؛ اگر رجحان این روبه را بر طریقه سابق تشخیص داده و قلباً تصدیق کردید آن وقت اعتراف خواهید کرد که من هیچ منظوری جز راحتی شما نداشته و نخواهم داشت. بالاخره گو اینکه دستوراتی سابقاً برای تعیین یک نفر مستخدم صدیق لایق داده شده بود ولی چون می‌خواهم به شما بفهمانم که پول نزد من قدر و قیمتی نداشته و اگر در طرز فکر شما بتواند تغییری ایجاد نماید ضرری ندارد با تقاضای شما امتحاناً موافقت شود شرحی به فرزند گرامی، اعلیحضرت، نوشته‌ام که قبل از همه چیز دستور بدهند یک مستخدم لایق برای شما معین نمایند که دست تقلبات را در کارهای شما کوتاه نموده و به کار زندگانی شما هم سر و صورتی بدهد و ضمناً دو میلیون را پردازند که با مطالعه و دقت و دیدن اطراف و جوانب با نظر خودتان و مستخدم جدید ملک قرچک هم خریداری شود. و البته در صورتی مأمور جدید می‌تواند به کار خود پردازد که اشخاص سابق خار راه نباشند و به همین جهت هم رفیعا از دستگاه شما خارج خواهد شد، و برای یک دفعه اقلأ از جانبداری خودداری نمایید که به زودی نتیجه آن بر شما ثابت شده و مطلع شوید که بودجه شما کافی بوده و از هر حیث هزینه شما را تأمین می‌نماید. به عقیده من بهتر است خودتان هم نسبت به وضعیت مستخدمین که عده آنها خیلی بیشتر از احتیاج می‌باشد مطالعه و جرح و تعدیل نموده اشخاصی را که وجودشان مورد استفاده نمی‌باشد خارج نمایید که از خرج بیهوده جلوگیری به عمل آید. ضمناً، به طوری که سابقاً هم به شما نوشته‌ام، باز برای اطلاع شما می‌نویسم در صورتی که من اینجا به علت نداشتن نوکر، غالب کارهای شخصی را خودم باید انجام نمایم تناسب نخواهد داشت که شما بدون جهت بیست و یک نفر نوکر که قطعاً پانزده نفر آنها جزو تشریفات محسوب می‌شوند داشته و برای تجلیل نخواهید از آنها صرف نظر نمایید. مخصوصاً برای اینکه از این حیث با من شریک باشید باید هرچه زودتر به خدمت مستخدمین زیادی خاتمه داده و زندگانی خودتان را طوری مرتب نمایید که در مقایسه با زندگانی من، اگر در فکر من هستید خیالتان ناراحت نشود.

باری، آنچه که تا به حال نوشته و گفته‌ام از راه دلسوزی و تأسف به طرز زندگانی شما بوده و حقیقتاً تا موقعی که به وضع جدید خاتمه داده نشود فکر من از این حیث راحت نخواهد بود. اصرار و لحن شدید گفته‌ها بزرگترین دلیل بر علاقه و توجه من به اوضاع

داخلی شما و بچه‌ها بوده و تأثرات قلبی مرا ظاهر و آشکار می‌سازد و به همین جهت شما باید از آنها استفاده نموده و هرچه زودتر صفحه جدیدی در زندگانی خود باز نموده و مرا مطلع سازید که به کلی از نگرانی خارج شوم.

در خاتمه سلامت و سعادت شما را از خداوند مسئلت داشته و بچه‌ها را در آغوش محبت می‌فشارم و به انتظار پاسخ فوری این نامه حاکی از تغییر زندگانی خودتان، شما را به خدا می‌سپارم.

[۳-۳۲۱۷-۱۱۲ الف]

## ۱۴۴

### والاحضرت عصمت پهلوی

همسر عزیزم را قربان می‌روم

امیدوارم که همواره شما سلامت بوده و با روح پر از نشاط زندگانی با سعادت می‌را که تربیت فرزندان باشد تعقیب نمایید. اصولاً تنها چیزی که محرک اصلی من در فرستادن شما به تهران بود توجه و علاقه خاص به آموزش و پرورش بچه‌ها بود و تقریباً نه تنها فکر می‌کردم بلکه اطمینان داشتم که شما هم در این نظر با من شریک بوده و با عشق کاملی پس از رسیدن به تهران آن را اجرا خواهید نمود. اما متأسفانه به کلی برخلاف آنچه که تصور می‌رفت بعد از ورود به آنجا طوری شما تحت تأثیر محیط واقع شدید که تمام نصایح و گفته‌های من را فراموش کرده یا اگر بخواهم درست بگویم عمداً آنها را در طاق نسیان گذاردید تا برای اجرای مقاصد و تعقیب نظریات آنها هیچ گونه مانعی وجود نداشته باشد. و حقیقت نفس‌الامر این است آنچه که من شخصاً از قرائن و طرز فکر شما می‌فهمم تنها چیزی که طرف نظر و علاقه شما می‌باشد زندگانی خودتان است که با اصرار تمام کوشش می‌نمایید از آنچه که من فکر می‌کنم زندگانی شما روز به روز تاریکتر و مبهم‌تر گردد و الا چه دلیلی دارد که فکر شما همیشه متوجه یک نقطه آن هم افراط در مخارج بوده اولاً بدون جهت به مصارف غیر لازم رسانده و ثانیاً با داد از بی‌پولی گوش فلک را کر نمایید. حرف در این است که گمان می‌کنم چون نمی‌توانید محل خرج را برای من بنویسید یا را از جاده حقیقت بیرون گذارده مطالب را طور دیگری جلوه می‌دهید. از جمله راجع به نهصد و پنجاه هزار ریال که تصور می‌رفت بنا به گفته خود شما به قرض داده شده و حتی چون ابوالفتح واسطه بوده مدیون از پرداخت دین خودداری کرده باشد. حال معلوم می‌شود که موضوع غیر از این بوده و این عناوین مجعول برای از بین

بردن و به مصرف بیهوده رساندن آن بوده است. حتی به آن هم اکتفا نکرده زینت آلات خودتان را گروگذارده و، به علت عدم کفایت، سیصد هزار ریال هم مقروض شده‌اید. باید دانست که ادامه این رویه امکان‌پذیر می‌باشد یا خیر؟ به عقیده من همان طور که مکرر گفته‌ام، پایه‌ای را که شما برای بنای زندگانی خودتان و بچه‌ها تهیه کرده‌اید به قدری سست و نادرست است که با این نحو نمی‌تواند پابرجا و استوار باشد. توصیه و سفارش هم گمان نمی‌کنم بیشتر از آنچه شده و می‌شود ممکن و مؤثر باشد و، روی هم رفته، نتیجه‌ای که از این تأکیدات تا به حال حاصل شده این بوده است که شما از فرستادن اخبار سلامت بچه‌ها خودداری کرده و اگر هم تلگرافی مخابره نموده‌اید در شکایت از زندگانی و بی‌پولی و تقاضای وجه بوده است. همین جریانات است که بیش از پیش من را متأسف کرده و استنباط می‌کنم به کلی آنچه که درباره شما فکر می‌کردم اشتباه بوده و به خطا رفته بودم و بی‌تردید هر کس به جای شما بود در این موقع که زندگانی من با ناراحتی دائم توأم است و شما هم بهتر از همه آگاه هستید نه تنها موجبات تشویش و تزلزل خاطر من را فراهم نمی‌ساخت بلکه با رفتار عاقلانه ولو به هر نحو که ممکن بود از افراط و تفریط خود کاسته اقلأً بر فشار روحی من نمی‌افزود.

بدبختانه توجه به همین نکته است که مؤید تصورات من نسبت به شما بوده به خوبی بر من ثابت می‌نماید که شما به آسایش من و بچه‌ها اهمیتی نداده و مفهومی برای زندگانی جز گذراندن وقت و مصرف کردن وجه قائل نیستید. از ظاهر امر این طور فهمیده می‌شود که حتی خرید ملک هم بهانه دیگری برای اخذ وجه بوده و قصد داشتید دو میلیون ریالی را نیز که برای خریدن ملک حواله شده است گرفته و به همین قبیل مصارف برسانید.

به هر حال، چون تصور می‌کنم مراجعت احمد و محمود صفحه جدیدی در زندگانی شما از حیث راحتی خیال باز نماید امیدوارم در طرز تغییر فکر شما هم بی‌تأثیر نبوده با توجه به آسایش و تعلیم و تربیت آنها بیشتر به دقائق زندگانی آگاه شده و از تعقیب نظریات دیگران صرف‌نظر نمایید. فکر من هم به آسایش شما و بچه‌ها محدود و مقصور بوده آرزوی دیگری جز راحتی تمام افراد فامیل ندارم. در خصوص وجهی را که قرض کرده‌اید به فرزند عزیزم، شاه، نوشته‌ام که دستور پرداخت آن را صادر نمایند و راجع به کسری مخارج ماهانه نیز حال که صفاری مأمور کارهای شما شده و من شخصاً به طرز کار او آشنا بوده و به او اطمینان دارم به شاه توصیه کرده‌ام که اگر کسری تصدیق شود بپردازد. در این صورت، هیچ‌گونه جای نگرانی برای شما باقی نمانده و می‌توانید با

قوت قلب اوقات خود را به مراقبت احوال بچه‌ها که حال بیشتر نیز شما را مشغول می‌نمایند مصروف سازید.

در خاتمه سعادت و سلامت شما و بچه‌ها را همواره از خداوند خواستار بوده و امیدوارم روزی جنگ با تمام رسیده و سائل تجدید دیدار فراهم گردد. فاطمه و حمید را در آغوش محبت فشرده هزار بار می‌بوسم.

[در حاشیه] طبق زمانبندی که از شاه رسید [خواننده نشد] تعجب می‌کنم چطور رفتار شما بچه‌گانه می‌باشد.

[رضا پهلوی]

[۳۲ - ۳۲۱۷ - ۱۱۲ الف]

## ۱۴۵

۲۷ سپتامبر، فرانسه

پیشگاه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی جانم فداه

مدتها بود که از نرسیدن تلگراف و بشارت سلامت وجود مقدست نزدیک به هلاکت بودم. حقیقتاً در کار دیوانه شدن بودم تا اینکه تلگراف شاهپور عبدالرضا رسید. از زیارت آن گویا روح به بدنم دمیده. چیزی که به فریاد کمینه می‌رسد همان آمدن تلگراف و خبر سلامتی وجود مبارک است. تصدقت شوم، هیچ نمی‌توانم آنچه در این مدت محرومی از خاک‌پای مبارک به کمینه گذشته است عرضه بدارم. یقین تصور خواهند فرمود از آمدن به ایران آسایش خواهم داشت؛ الهی نصیب هیچ کس نشود این روزگاری را که من دارم. پرواضح است هر نقطه و مکانی را با وجود مبارک بر کمینه خوش و گوارا می‌باشد. بدون وجود مبارک، ایران و دنیا را می‌خواهم چه کنم؟! و از درگاه الهی هر ساعت مسئلت می‌کنم که خدایا، خرم آن لحظه که چون گل به چمن بازآید، آیا می‌شود من آن روز را بار دیگر ببینم و از این غصه و غم آسوده بشوم؟

اگر بدانید امسال چه شمیرانی به کمینه گذشت. نظرم به هر طرف می‌افتاد آتش می‌گرفتم. حال هم که به شهر آمدم صد مراتب بدتر. استدعا دارم که زودتر کمینه را احضار فرمایید. واضح عرض می‌کنم که اگر مرا نخواهید بیایم، خونم گردن شما است. هیچ از مردنم باقی نمانده. چه کنم خودم دسترس ندارم؛ راهی نیست که بتوانم بیایم. بسته به مرحمت همایونی که عاجی فرمایند. و اطمینان هم ندارم عریضه‌ام کی به



حضور مبارکت می‌رسد. اگرچه... کمال مرحمت را در حق کمینه می‌فرمایند و متشکر هستم اما مفارقت خاک‌پای مبارکت بی‌اندازه سخت می‌گذرد و گرفتاریم نهایت ندارد. استدعا دارم به هر وسیله ممکن است کمینه را از تهران نجات داده به حضور مبارکت شرفیاب بشوم. زیاده نمی‌توانم شرح کنم حالت خودم را و از دور قربان خاک‌پای مبارکت می‌گردم. شاهپور عبدالرضا و شاهپوران را بعد از توکل به خدا به مراحم اعلیحضرت می‌سپارم و کمینه را از حالات خودتان این قدر بی‌خبر نگذارید.

جانم فدایت باد

کمینه، عصمت پهلوی

[۱۳۱ - ۳۲۱۷ - ۱۱۲ الف]

## ۱۴۶

ژوهانسبورگ

اعلیحضرت همایونی رضاشاه پهلوی

چند روز قبل علیاحضرت ملکه مادر [تاج‌الملوک] اتومبیل مرا توقیف کرده است و این اسباب زحمت من شده. به شکایات من هم ترتیب اثر داده نشده است. به توجهات مخصوصه آن اعلیحضرت متوسل می‌شود که امر فرمایند اتومبیل مرا مسترد دارند.

کنیز شما، عصمت پهلوی

[۳۷۹۹۸]

## ۱۴۷

ژوهانسبورگ

اعلیحضرت پهلوی

از خداوند سلامت آن اعلیحضرت را استغاثه می‌نماید. مستدعی است امر فرمایند ده خاتون‌آباد که در نزدیکی فردیس است به عوض قرچک که به بهای آن صددرصد افزوده شده خریداری شود. خاتون‌آباد از حیث عایدی و حاصل مُرَجَّح است. شاهدخت و حمیدرضا سلامت هستند.

کمینه، عصمت پهلوی

[۳۷۹۸۸]

## ۱۴۸

ژوهانسبورگ

والاحضرت عبدالرضا پهلوی

ارزش زندگانی در تهران پنجاه برابر شده است؛ تغییر رفیعا و انتخاب مأمور جدید به هیچ وجه مشکلات را مرتفع نخواهد نمود. اگر ممکن باشد شخصاً کمک نمایید. هر سه سلامت هستیم.

عصمت پهلوی

[۵-۳۲۲۸-۱۱۲ الف]

## ۱۴۹

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

مفتخراً به شرف عرض مبارک می‌رساند، قبل از این که تهیه اثاثیه برای شاهپور احمدرضا و شاهپور حمیدرضا ببینید، به طور امانت مقداری اثاثیه از کمینه گرفته که بعداً تهیه شده مسترد دارند. با این که مدتی است تهیه شده و دیگر احتیاجی ندارند در تحویل دادن آن اثاثیه خودداری می‌نمایند و اثاثیه دیگری در کاخ جعفرآباد می‌باشد از قبیل تختخواب و ظروف و کارد و چنگال و غیره که در زمان اعلیحضرت فقید که کمینه از حقوق خود خریداری نموده مکرر در مکرر مطالبه نموده. [سلیمان] بهبودی اظهار می‌دارد تحویل آن موکول به امر و اجازه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است. مستدعی است امر و مقرر فرمایند هر دو فقره اثاثیه را به کمینه تحویل بدهند. استدعای دیگر کمینه این است اوامر ملوکانه به امیرپور صادر شود سه اطاق در خارج کاخ سعدآباد برای سکنای مستخدمین کمینه بدهند که منزل نمایند زیرا هر کدام از آنها از شوfer و آشپز مجبوراً شبها را به شهر آمده ممکن است در موقعی پیشامدی بشود که احتیاج مبرمی به آنها بشود و از طرف دیگر در موقع خدمت بتوانند خود را حاضر نمایند و در ویلای سکنای خود کمینه هم‌اطاقی ندارد که آنجا منزل نمایند. عرض دیگر، در ویلای مرحمتی گاراژی نداشته، کمینه هم محتاج به گاراژ بوده. طبق صورتی که از لحاظ

شرف خاک پای مبارک می گذرد هزینه نموده چنانچه اراده سنیه مبارک اقتضا فرمایند امر ملوکانه شرف صدور یابد که مخارجی که شده مرحمت شود.

کمینه، عصمت پهلوی

[۳۳-۲-۱۲۶-پ]

## ۱۵۰

تهران

والاحضرت عصمت پهلوی

از رسید تلگراف سلامت شما خوشوقت شدم. راجع به امور شما به طور کلی سفارشات به اعلیحضرت شده است؛ راجع به این قبیل مسائل مستقیماً به ایشان رجوع نمائید.

[۱۸-۳۲۱۷-۱۱۲ الف]

## ۱۵۱

مورخ: ۱۳۲۲/۸/۳۰

از: تهران

پیوست: دو صورت

آقای ایزدی

تعقیب معروضه تلگرافی، اینک راجع به وضعیت صورت مصارف مربوط به والاحضرت عصمت پهلوی، دامت شوکتها، حاصل بررسیها را مشروحاً اشعار می دارد که مراتب را از عرض پیشگاه مبارک بگذرانند:

الف: مصارف مربوطه عبارت از اقلام زیر است:

۱. هزینه آشپزخانه ۲. هزینه ملبوس اختصاصی و غیره ۳. حقوق مستخدمین
۴. مصارف اتومبیلها.

ب: قبل از تشریح میزان ارقام بالا، لازم می آید به عرض برسانم که سطح هزینه زندگی اصولاً در تهران فوق العاده بالا رفته و هیچ شیئی، اعم از خواربار و اجناس دیگر، نیست که از ۵۰ الی ۶۰۰ درصد بالا نرفته باشد و آثاری هم که موجب تنزل بهای کالاها باشد به هیچ وجه به نظر نمی رسد. و واقعاً زندگانی برای تمام طبقات، بلااستثنا، مشکل

و دشوار شده است. اینک اصل موضوع:

ج : به طوری که به جزء صورت گرفته شد، ناظر آشپزخانه که فعلاً خود آشپز است ماهیانه در حدود ۵۰۵۹۳ ریال صورت خرید اغذیه آشپزخانه را داده که پس از رسیدگی تصور می‌رود مبلغی زیاده روی کرده زیرا صورت خرج شهریور ماه آشپزخانه بنابر تصدیق خود او به ۴۵۵۹۲ ریال بالغ شده. بدیهی است اگر اجناس اولیه را که عبارت از برنج و روغن و سوخت و اشیاء متشابه آنها است معمولاً یکجا خریده انبار کنند و تدریجاً به مصرف برسانند، طبعاً مبلغی از این رقم کاسته خواهد شد. خلاصه به عقیده بنده می‌توان مصارف آشپزخانه را در حدود چهل هزار ریال با رعایت صرفه‌جویی تقلیل داد.

د : هزینه ملبوس والا حضرت، به طوری که خودشان صورت داده‌اند، در حدود ماهی سی هزار ریال است که البته رسیدگی به آن مخالف ادب بوده. بدیهی است با مراعات صرفه‌جویی این رقم را در نظر گرفته‌اند. از طرفی روی همان اصل اولیه، که به عرض رسید، قیمت پارچه خارجه و اجرت دوخت ملبوس فوق‌العاده گران شده و پارچه متناسب با معظم‌لها کمتر از متری دو سه هزار ریال به دست نمی‌آید. - صورت پیوست است -

ه : مستخدمین والا حضرت عصمت‌الملوک والا حضرتان شاهپور حمیدرضا و شهدخت، اعم از آموزگاران و پیشخدمتها و دایه‌ها و شوفرها و غیره، با تقلیلی که اخیراً والا حضرت داده‌اند در حدود ۲۶ نفر می‌باشند. مطابق صورت پیوست مجموعاً ۱۸۰۰۰ ریال به آنان حقوق داده می‌شود. چنانچه در صورت ارسالی ملاحظه خواهند فرمود، میزان حقوقات نسبت به مستخدمین خارج فوق‌العاده قلیل در نظر گرفته شده. با وضعیت امروز بی‌اهمیت‌ترین مستخدمین دولت در حدود ماهی هزار ریال حقوق دریافت می‌دارند. بنابراین در این مورد تصور زیاده روی نمی‌رود سهل است صرفه‌جویی هم شده است و اکثر مستخدمین به ملاحظه سختی معیشت ناراضی، و طبیعی است که در صورت تصویب بایستی اضافاتی برای آنها بعداً منظور شود.

و : مصارف اتومبیل‌های والا حضرتها نیز که با نظارت ابوالفتح آتابای، متصدی گاراژ سلطنتی، انجام می‌شود از بنزین و روغن و غیره در حدود ماهی شش هزار ریال بالغ می‌شود که اگر مصارف مرمت اتومبیلها را در نظر آوریم با گرانی فوق‌العاده لوازم یدکی اتومبیل که اکثر نایاب است در حدود چهار هزار ریال هم خرج تعمیر باید منظور گردد، و روی هم رفته برای مصارف اتومبیلها ماهیانه ده هزار ریال مورد نیاز خواهد بود و طبعاً با

این رقم بایستی مراعات صرفه جویی را بنمایند.

ز : عجالتاً از محل هفتاد هزار ریال مصارفی که ماهیانه به دستگاه والاحضرت عصمت پهلوی، دامت شوکتها، داده می شود ده هزار ریال آن به طور مطلق برای صرف لباس و جیب والاحضرتان شاهپور و حمیدرضا و شهدخت پرداخت می گردد - شش هزار ریال والاحضرت شهدخت، چهار هزار ریال والاحضرت شاهپور - به طوری که رسیدگی شد این ارقام ناچیز با خرج تهیه لباس و اصلاح و صرف جیب والاحضرتها تطبیق و تکافو نمی کند و چون اتخاذ تصمیم در این قسمت منوط به نظر ملوکانه است در این مورد عرض نظر را جایز نمی داند.

ح : همه ساله مبلغی خرج تعمیر و تجدید اثاثیه و لوازم کاخ مسکونه والاحضرتها می شود که تقریباً غیرقابل احتراز است کما اینکه امسال در اثر انتقال از کاخ تابستانی به شهر در حدود ۱۱۰۰۰ ریال مخارج تعمیر و رنگ آمیزی مبل و غیره را داده اند و البته همه ساله گاهی هم ماهیانه این نوع هزینه های ضروری پیش می آید. برای این خرج و همچنین مصارف غیرمترقبه دیگر به طور تقریب ماهیانه دو هزار ریال در نظر گرفته می شود.

خلاصه با عرض مراتب بالا در صورتی که ماهیانه یکصد و ده هزار ریال بابت کلیه مصارف والاحضرت اعطا شود می توان امیدوار بود که فعلاً زندگانی معظم لها با وضع نسبتاً مناسبی اداره خواهد شد - کمتر کردن از این ارقام البته منوط به نظر مبارک ملوکانه است -

خاتمتاً، محض استحضار زحمت می دهد که آقای رفیعا مدتی است به سمت پیشکاری والاحضرت مشغول خدمت، مردی متین و شریف به نظر می آید و تا حد توانایی در خدمتگذاری به طور شایسته انجام وظیفه می نماید.

محمدعلی صفاری

[۳۸۴۲۲ تا ۳۸۴۱۹]

## ۱۵۲

خانم محترم عزیز، [توران امیر سلیمانی] قربانت شوم.

امیدوارم که وجود عزیزتان خوش و سلامت بوده باشد. از این که مزاحم اوقات شریف شدم خیلی معذرت می خواهم. البته حضرت علیه از خواهر خود [م] محترم و عزیزتر هستید... اندازه ای از وضعیت زندگی بنده آگاه هستید. از سرکار خواهش می کنم

این عریضه را تمنا از طرف بنده نفرمایید، از والاحضرت شاهپور غلامرضا، که به عرض اعلیحضرت برسانند و خواهش را التفات بفرمایند. موضوع این عریضه راجع به حقوق بنده است که شاه کمک بفرمایند به زیردستان. چون به اطرافیان بی‌اندازه التفات می‌فرمایند، بنده جای خود دارم. پناهی غیر از اعلیحضرت کسی را ندارم؛ چون محل ندارم برای زندگی اولاد عزیز شما برای خاطر برادر خود والاحضرت شاهپور عبدالرضا بزرگی کنند. در این دربار هر کسی به فکر خود می‌باشد؛ بنده تنها واقع شدم... من اندازه میل و تعارف سرکار را همه اوقات دارم؛ اگر اجازه بفرمایید برای عصر سه‌شنبه یا پنجشنبه عصر حضورتان شرفیاب شوم؛ میل عزیزتان می‌باشد. نهایت تشکر را دارم.

قربانت عصمت پهلوی

[۵-۰۳۴-۸۲۵ الف]

حاکم محترم عمیر درایت داری ایبه دارم که در خدمت برتوان خوش و سلامت بدهد ان شاء الله که  
 تراحم ادعای سرب شه رحیح سعادت عمیایم ایبه حضرت قلبه از خواهر خود محترم و عمیر ترشیدیه ...  
 آنکه از رخ اردو صحبت ترشح سر آگاه سینه پید آر کار جوایش کیم این ترشید را متاد از طرف تنه  
 ترشیده از اول حضرت شاه دیه بلام رضا که به ترشید اعطرت سینه شده و خواهر را انعامت  
 غیر ما تقدیر ترشح ای ترشید را فتح به چون تنه است که شاه امک ترشیده به تبر دستان حین  
 به اطراف میان له آزاره انعامت ترشیده تنه ها خود دارم تنه پیر ترشید را انعامت است را  
 نه دارم حق عمل نه دارم بر است ترشح اولاد ترشیدها بر را خاطر برادر خود اولاد حضرت شاه دیه  
 عبدالرشاد ترشح نشد در این دربار بر است که خود میباشد تنه تنه و ادعای شه ...  
 فتح آزاره بهیل رسالت سرکار را تنه او مات دارم از آزاره ترشیده بر است ترشیده  
 ما همه ترشیدها تنه ترشید نام بهیل مرتبات میباشد نهایت شکر را دارم

ورایت سعادت پهلوی

## ۱۵۳

پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

اعلیحضرتا، شب و روز دست توسل و نیاز به سوی خداوند دراز نموده و از ساحت اقدسش طلب صحت و سلامتی آن شاهنشاه پرمهر و محبت را می‌نمایم و همواره از درگاهش آرزو مندیم که ذات شاهانه و ولیعهد عزیزم را در کهف [کنف] حفظ و حمایت خود قرار دهد.

پدر تاجدار و مهربان، چون نزدیک عید است، ضمن عرض تبریک و تشکر از مراحم ملوکانه، استدعا دارد امر و مقرر فرمایند مقرری عید را که طبق معمول سنواتی به مبلغ پنج هزار تومان به این جان نثار اعطا می‌فرمایند. حال نیز اوامر شاهانه شرف صدور یابد که مقرری سالیانه را به جان نثار پرداخت نمایند.

در خاتمه، مجدداً صحت و سلامتی آن پادشاه رؤف [رثوف] و همچنین سلامتی شهبانوی گرامی و والاحضرت ولایتعهد عظمی را از خداوند عز و جل خواهانم.

کمینه، عصمت پهلوی

[۹۱ تا ۸۹-۹۹۷-د]

## ۱۵۴

به خاک پای مقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر ارواحنا فدا، به عرض مبارک می‌رساند: همه ساله امریه برای پرداخت مبلغ پنجاه هزار ریال به عنوان عیدی شرف صدور می‌یافت. اینک که موقع سال نو فرا رسیده از خاک پای پدر تاجدار خود استدعای بذل توجه و مرحمت را دارم.

۱۳۴۸/۱۲/۲

جان نثار، حمیدرضا پهلوی

[۹۰-۲-۹۹۷-د]



## ۱۵۵

دفتر مخصوص شاهنشاهی

حضور محترم جناب آقای بهبهانیان، معاون وزارت دربار شاهنشاهی  
پس از تجدید مراتب ارادت، حسب الامر ملوکانه عریضه والاحضرت عصمت و  
عریضه دیگر حضور عالی ایفاد می‌گردد. امر و مقرر فرمودند نظیر سال گذشته عمل  
شود.

۴۸/۱۲/۱۹

ارادتمند [امضا]

| در حاشیه: |

حسابداری کل دربار شاهنشاهی، طبق معمول سنواتی عمل فرمایند. ۱۳۴۸/۱۲/۲۱  
به پیوست ارسال شد. ۱۳۴۸/۱۲/۲۶  
دو فهرست به دربار شاهنشاهی ارسال شد که عیدی والاحضرت شاهپور حمیدرضا و  
والاحضرت عصمت پهلوی طبق سال گذشته پرداخت شود.

[۸۹-۱-۹۹۷-د]

www.KetabFarsi.com

اسناد تاج الملوك پهلوی

## ۱۵۶

همسر عزیزم [تاج الملوک] را قربان می‌روم

هرچند به وسیله تلگراف از سلامت شاه و شما و شاهدختها گاه اطلاع حاصل می‌شود ولی این وسیله کافی نبوده و با توجه به علاقه‌ای که من شخصاً به کارهای داخلی شما دارم، مایلیم که کتباً هم مرا از جریان احوال خودتان مسبق سازید. از جمله مسافرت شما با شاهدخت به مصر در بدو امر، پس از اطلاع به وسیله رادیو برای من صورت معمایی به خود گرفته و قریب یک ماه به کلی خواب را از من سلب نموده بود به طوری که دقیقه‌ای از این خیال منصرف نبودم و هر لحظه تصوّرات گوناگونی در خاطر خطور می‌کرد تا اینکه از قاهره تلگرافی از شما دایر به ذکر علت مسافرت و رفع کسالت خودتان رسید و تا حدّی اسباب تسکین خاطر فراهم گردید، اما چون در تلگرافاتی که بعد از آن تاریخ از شمس رسیده اسمی از فریدون به هیچوجه برده نشده است، فکر مرا متوجه این نکته کرده که شاید تغییری در زندگانی شاهدخت شمس رخ داده و علت غایی این مسافرت بوده است.

به هر صورت با این فکر که ممکن است تبادل مکاتبات طول مدّت لازم داشته باشد من را از نظر اطلاع از احوال خودتان در تاریکی گذاردن و بر اثر افکار دچار تألمات ساختن به کلی از رویه انصاف دور می‌باشد، زیرا به طوری که مسبق هستید تنها چیزی که در روحیه و فکر من تأثیر مستقیم می‌نماید اطلاع از اوضاع و احوال فامیل است و به همین جهت، همین که تأخیری در وصول تلگرافات رخ بدهد حواس من پریشان و مختل می‌گردد، خصوصاً اینکه امری به وقوع بپیوندد که از آن خبر تصویری آن هم به وسیله قرائن چیزی در ذهن نباشد و بی‌جهت به علت غفلت شما یا به علل دیگری که بر من پوشیده است در فرستادن خبر دائماً دستخوش ناراحتی خیال و تشویش باشم. به دلایل بالا مخصوصاً خواهشمندم مطالب خانوادگی را که گمان نمی‌رود رساندن آن هیچ مانعی داشته باشد هرچند روز یک دفعه خودتان شخصاً برای بنده نوشته و به طور عادی ارسال دارید.

از این رهگذر گذشته از اینکه مرا از احوال خودتان مطلع نموده‌اید اوقاتی هم که در اینجا به مصرف خواندن یا فرستادن مکاتبات می‌شود بهترین دقایق عمر محسوب می‌گردد. راجع به این دو مطلب که در بالا گفته شد یعنی علت اصلی مسافرت و وضعیت

شاهدخت شمس هرچه زودتر مرا مشروحاً مسبق سازید.

مسئله دیگری نیز که در زندگانی فعلی حائز اهمیت است موضوع مستخدمین است با اینکه خواسته شده بود که چند نفر مستخدم صحیح‌العمل اعزام نمایند ولی چون اطمینان دارم کسی که علاقه و توجهی به این امور داشته باشد وجود ندارد مستخدمینی که فرستاده شده‌اند از بین طبقات پست و فاسد‌الاخلاق و در حقیقت از همه جا مانده و بیکار انتخاب شده‌اند و چهار نفر از آنها هم فعلاً مراجعت داده شده‌اند در اینجا جز تضييع وقت و آبرو و ایجاد نفاق بین خودشان و بروز دادن اصل خود کار دیگری از آنها بر نمی‌آید به این دلیل بدون اینکه استفاده‌ای از آنها شده باشد به خدمت آنها خاتمه داده شد بالاخص جعفر آدم صحیح مرتبی نبوده و حتی به کار تقلباتی هم دست زده است، هرچند از تعقیب آنها صرف نظر شده ولی چون حامل صفحه هستند مقصود این است مراقبت نمایند که نتوانند آنها از این عنوان استفاده کرده و مجدداً در آنجا به خدمتی گمارده شوند و باید اقلأ از استخدام آنها به کلی صرف نظر گردد. ضمناً در صدد باشید دو سه نفر مستخدم کارآزموده صحیح‌العمل که سابقه آنها بر خود شما روشن شود در نظر گرفته و بعد از اینکه از وضعیت و سوابق آنها اطمینان پیدا کردید آنها را اعزام دارند که از این حیث بیش از این در زحمت نباشیم. هرچند تصور نمی‌کنم وضعیت زندگانی ما در اینجا با نداشتن مرکز و غیره بر شما پوشیده مانده و محتاج به توضیح بیشتری باشد، مع‌هذا اطمینان داشته باشید اگر طرز زندگانی من اجازه می‌داد که زندگانی راحت بی‌سر و صدایی از لحاظ مستخدم و غیره داشته باشیم بی‌تردید دقیقه‌ای دوری شما و شاهدخت‌ها را تحمل ننموده و به هر وسیله‌ای که بود درخواستن شما اصرار می‌ورزیدم اما با این وضعیت راحتی و آسایش شما را ترجیح داده و به هیچوجه مایل نیستم که برای خاطر من شما نیز دچار زحمت شده و زندگانی عادی هم از شما سلب گردد.

مقصود این است تصور ننمائید که من در خوشی و راحتی زیسته و از خیال شما فارغ و آسوده هستم. اگر درست کسی از ضمیر من آگاه گردد خواهید دید که حس فامیل دوستی و علاقه به خانواده به قدری در من زیاد و شدید است که شاید شخصاً آن طور که در عالم مقایسه می‌بینم بی‌نظیر و بی‌سابقه باشد زیرا من به هر صورت و وضعی باشم به آن تن داده و به راحتی خود اعتنایی ندارم فعلاً هم در اینجا کوششم برای آسایش اطفال است که همراه من هستند و الا زندگانی برای من حکم جان‌کندن را داشته

و آن قدر سخت جانی نیز در خود سراغ نداشتم و اگر از وضعیت شما هم همانطور که هست مرتباً آگاه و مطلع شوم شاید آرزوی دیگری نداشته باشم.

در خاتمه سعادت و سلامت دائم شما را از خداوند خواستار بوده و امیدوارم شما را برای سرپرستی اطفالتان محفوظ بدارد. به انتظار داشتن مژده سلامت شما کتباً و تلگرافاً، شما را به خدا می سپارم.

ارضا پهلوی |

[۲۲-۳۲۱۲-۱۱۲ الف]

## ۱۵۷

همسر عزیزم | تاج الملوک | را قربان می روم

با اینکه اطمینان دارم به هیچ وجه بر شما پوشیده نیست که تنها دلخوشی فعلی من اطلاع از احوالات و جریانات زندگانی افراد فامیل می باشد معهداً متعجبم که چه چیز موجب می شود نه تنها از این رهگذر در صدد کمک و همراهی با من بر نمی آید بلکه از ارسال پاسخ نامه های من نیز خودداری می نمایید، اینجا است که این انتظار هم سربار سایر آلام روحی شده بر اثر مختصر غفلت شما بیش از پیش من باید در بی خبری دقیقه ای از تهاجم اضطراب و پریشانی آسودگی نداشته باشم محتاج به توضیح نیست که اساس و منشاء این توقع مخصوصاً از شخص شما روی این پایه و نظر است که مسئولیت وجدانی شما به این علت که فعلاً آنجا در رأس فامیل واقع شده اید از سایرین بیشتر بوده و به همین نسبت هم باید توجه شما به آسایش معنوی یکایک افراد فامیل معطوف گردد. در صورتی که خودتان هم به این معنی متوجه بوده و از روی ایمان و حقیقت مایل باشید در راه تکلیف قدم مؤثری بردارید تنها گوشه عزلت گزیدن و دست تأسف و تلهف به دندان گزیدن کافی نبوده و لازم است با منتهای دقت شاهد جریانات بوده و با هدایت عقل و منطق فرزند عزیزتان شاه را در خصوص امور داخلی و کارهای فامیلی آگاه و بیدار سازید، من هم شخصاً هیچ فکر و آرزویی جز فراهم آمدن وسایل آسایش فرزندانم نداشته و می خواهم به هر نحو که ممکن باشد روح یگانگی و معنویتی بین آنها ایجاد گردد که هیچ وقت تحت تأثیر القانات واقع نشده و راه استفاده مغرضین و مفسدین که برای مقاصد سوء خود همواره در صدد بینوینت | اینونت | هستند به کلی بسته شود در

تعقیب همین فکر هم محمود و احمد را که اوقاتشان تقریباً در اینجا به عطالت و بطالت می‌گذرد به تهران فرستادم که هم به تکمیل تحصیلات و ادبیات فارسی پرداخته و هم اسباب تقویت روحی مادرشان که داد از تنهایی دارد تا حدی فراهم گردد البته نتیجه غائی دیگری را هم آمدن آنها در بردارد که به نظر من دارای اهمیت فوق‌العاده می‌باشد و آن این است که هر چند برحسب ظاهر آنها نمی‌توانند کمک فکری مهمی به برادر معظمشان نمایند اما همین قدر که نزدیک بوده و مقداری از اوقات شاه در روز صرف صحبت با آنها بشود خواهی نخواهی موجب تقویت روحیه شاه خواهد گردید.

نکته دیگری که اشاره آن را لازم می‌دانم این است هر چند اطمینان دارم طرز رفتار شما با مادر شاهپور عبدالرضا [عصمت‌الملوک] کاملاً محبت‌آمیز است ولی من از شما انتظار دارم در غیبت من از او حمایت کرده و برای اینکه من از فشار خارج شوم غالباً او را طرف محبت قرار بدهید و همچنین نسبت به وضعیت تحصیلی و اخلاقی شاهپورها و فاطمه هم خودتان کسب اطلاعات نموده مراقبت نمائید که به وجود شما دلگرم باشند، بیشتر قصد من به طوری که در بالا گفتم این است که بر اثر توجه و کوشش شما کانون محبت‌آمیزی در فامیل ایجاد گردد که مجال هیچ‌گونه رخنه‌ای برای نمامین و منقشین باقی نماند.

در خاتمه سلامت و سعادت یکایک افراد فامیل را از خداوند خواستار بوده و امیدواریم که آرزوی تجدید دیدار که همه در آن شریک هستند به خواست خدا به هدف اجابت رسیده جبران محرومیتها بشود.

[رضا پهلوی]

[۱۵-۳۲۱۲-۱۱۲ الف]

۱۵۸

۱۷ شهریور ۱۳۱۱

دفتر امور املاک شاهنشاهی

حسب الامر مبارک بندگان علیاحضرت ملکه پهلوی [تاج‌الملوک]، دامت عظمتها، ابلاغ می‌نماید که قدغن نمایید حسب الامر جهان مطاع ملوکانه ارواحناه این ۱۰ بظر از شراب مخصوص تحویل کارکنان درب اندرون نمایید.

بهاء‌الدین دادستان

[۹۳۱-۹۹۶-د]

## ۱۵۹

علی دشتی

۱۱ فروردین ۱۳۳۱

قربان وجود مقدست گردهم. امیدوارم سال نو برخلاف سال گذشته بر آن علیاحضرت [تاجالملوک] مبارک و میمون بوده و حامل سعادت و خوشی باشد و خاندان جلیل پهلوی در کنف حمایت و مرحمت خداوند قرین کامیابی و موفقیت باشد. گمان نفرمایید که علیاحضرت تنها در غربت هستید و دور از مرکز زندگانی و سلطنت، ما هم که در تهران هستیم روزهای غمناکی را می‌گذرانیم و مخصوصاً نبودن علیاحضرت در تهران برای تمام آن کسانی که از نزدیک مکارم و سجایای عالیہ علیاحضرت را دیده‌اند و به همین جهت سرارادت سپرده‌اند یک فقدان غیرقابل جبرانی است. بدون تعارف و بدون اینکه بخواهم فقط یک رسم ادب و بندگی به جای آورم عرض می‌کنم نبودن علیاحضرت در تهران برای بنده یک ضایعه فوق‌العاده اسفناک و محسوس است. در خاتمه دست مبارک را بوسیده و مجدداً سلامتی و سعادت وجود مقدس را از درگاه خداوندی مسئلت کرده و امیدوارم به زودی ما را به زیارت محضر مبارک برخوردار سازد. تأخیر در عرض بندگی ندانستن محل اقامت بوده است.

ع. دشتی

[۲۱ - ۳۲۳۷ - ۱۱۲ الف]

علی دینی

۱۱ ماه اردیبهشت ۱۳۳۱

قرآن دگر گفته است که: ای پهلویان! ز [بر خند خیال]

گفته است [بر آن] میں حضرت با بزرگ و بزرگوار و صاحب سبقت و

بیشتر و خاندان مدبر پهلوی گفتار است و اولی که خداداد قرآن

گایا بود و وصیت است. کما فی قرآن: ای پهلویان!

از بزرگان و بزرگواران است که در آن است و در آن است که

و خصوصاً آنکه آن حضرت در آن است و در آن است که

سگاره رسالت بر عالم پهلوی حضرت است و در آن است که

سپردانند یک نغمه آن نغمه را بر پهلویان است. ای پهلویان!

ای که بخوانند و کلام ادب است که پهلویان در آن است که

پهلویان در آن است که در آن است که پهلویان در آن است که

ای که در آن است که در آن است که پهلویان در آن است که

و خداوند ستر است که در آن است که پهلویان در آن است که

سنت کرده و ای پهلویان! بزرگواران و بزرگواران

بر خرداد سازد. ای پهلویان!

ای پهلویان!



## ۱۶۰

## مادر عزیزم

نامه اخیر شما رسید و از مندرجات آن مسبوق شدم. برای مزید اطلاع تصریح می‌نماید مصلحت‌مان بوده است که از تهران به خارجه مسافرت نمایم،<sup>۱</sup> زیرا بعد از حرکت آن مادر عزیزم نه تنها وضعیت بهتر نشده بلکه روز به روز پیچیده‌تر شده و اینکه بر اثر ناراحتی خیال خودتان اظهار نموده‌اید مراحم من متوجه دشمنان دوست‌نما می‌باشد باید اعتراف نمایم که از شئونات متصوره چیزی باقی نمانده است که تا دشمنان دوست‌نما بهره‌مند شوند. و اما اینکه بدون توجه به وضعیت آشفته و ناگوار تهران در صدد هستید که برای جبران خسارت وارده بی‌خبر مراجعت به ایران نمایید با اوضاع فعلی یقین داشته باشید اجرای این خیال جز ندامت نتیجه و ثمره دیگری نخواهد داشت. سایرین نیز پس از فراهم نمودن وسایل مسافرت حرکت خواهند کرد. با سوابق و اطلاعاتی که به روحیات من دارید، البته می‌دانید مقصود از این توضیحات برای تکمیل اطلاعات و فراهم داشتن آسایش خیال آن مادر عزیزم می‌باشد. عجالاً در درجه اول باید مراقب باشید که پای شما به کلی صحت یابد و از این حیث جای نگرانی نباشد.

۲۱ آبان ماه ۱۳۳۱

[امضا] محمدرضا پهلوی

[۶۷۰۸]

۱. منظور، تبعید ناج‌الملوک از ایران و عزیمت او به همراه شمس پهلوی به کالیفرنیا در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق است.



باد عزتم

نام خیرشایرسید و ازنده بخت آن سبوق شوم برای درید طبع صحیح نیز معلوم است  
 که از دران بخار و سافرت نیز بریابند از حرکت آن در غرض زنده و صنعت بسر زنده بخار و دراز  
 بیکجه ترند و بیکجه برین خلیج خردان اظهار نمودند بر هم می شود بختان و است نامی باشد  
 بر طرف نیام که از شرفات سوره خیرشایر زنده است که نام و بخت نام برده شده و نامی  
 بدون وجه و صنعت بخت و ناگواران در صدد بخت که برای جبران خسارت در آورده به جرات  
 بایران نیز با اوضاع طبع یقین داشته باشد اجرای این خلیج بخت است که در نزد  
 نخواهد داشت سایرین نیز پس از فراغ نمودن و سایر سافرت حرکت خواهند کرد و بخواهند  
 بعدی که بر حیات هم در آورده اند سید اند مقصود از این توخیات برای گنجه طاعت و فراغ  
 و این است خلیج آن مادر عزتم می باشد در وجه مریه و مریه بخت که در این  
 و از این همیشه بخار و زنده است ۱۳۰۱

## ۱۶۱

## حسابداری دربار علیاحضرت ملکه پهلوی

شماره: ۱۵۴۱

تاریخ: ۱۳۳۱/۹/۱۵

محرمانه

آقای جمشید نوروزی، رئیس حسابداری علیاحضرت ملکه پهلوی

از قرار گزارشی که از سفارت کبرای شاهنشاهی در واشنگتن رسیده است وزارت امور خارجه امریکا به سفارت کبرای شاهنشاهی مراجعه و استعلام نموده است چه مقدار دیگر بسته‌های شخصی از ایران به نام علیاحضرت ملکه پهلوی وارد خواهد شد. و علت این سؤال هم از این جهت بوده است که خزانه داری کل امریکا نمی‌تواند من بعد با ورود اشیاء شخص دیگری به اسم علیاحضرت معظم لها بدون دریافت مالیات و عوارض گمرکی موافقت نماید. مدلول گزارش سفارت کبرای شاهنشاهی به عرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسید. در این خصوص اوامری فرمودند که به جناب آقای اللهیار صالح سفیر کبیر دولت شاهنشاهی در واشنگتن ابلاغ گردید.

علی‌ایّ حال برای اینکه در آتیه حمل اشیاء به امریکا به اشکال برنخورد لازم است دقت نمایند بعد از این از تهران کمتر اسباب و اثاثیه به امریکا فرستاده شود.

[حسین علا] وزیر دربار شاهنشاهی

[۴۰-۳۲۳۷-۱۱۲-الف]

## ۱۶۲

تهران ۲۵ آذرماه ۱۳۳۱

مادر عزیز و بهتراز جانم را هزاران بار قربان می‌روم

امیدوارم که وجود عزیزت در نهایت صحت و سلامت باشد و آنقدر که ممکن است کسالت روحی و جسمی نداشته باشید. مادر جان شما حتماً از من گله‌مند هستید و گله شما نیز چندین دلیل دارد. مطمئن باشید که من همان فرزند پر عاطفه هستم و عوض نشده‌ام و خصوصاً در این موقع که شما از من دور هستید و در وضعیت نامناسبی زندگی می‌کنید شاید از هر کس بیشتر، من متأثر هستم. اگر در روز حرکتتان در تهران نبودم نباید

نسبت به من عصبانی و مأیوس شوید. همان روزی که شما حرکت کردید - البته ساعت ۵ صبح - ساعت ۷، پس از دو ساعت از حرکت شما، من به سعدآباد وارد شدم با شتاب سؤال کردم که مادرم کجاست؟ سیف‌الله گفت، تشریف بردند، ناگفته نماند که تمام شب را در راه بودم که به شما برسم و بالاخره اینطور شد. تازه، روز حتمی حرکت شما را نیز نمی‌دانستم. دلیل دومی که ممکن است شما از من رنجیده باشید این است که چرا تا به حال برای شما کاغذی ننوشتیم؛ مطمئن باشید که شما مادر عزیزم را فراموش نکرده‌ام و از هر کس بیشتر در زندگی به فکر شما هستم. عزیزم، اگر شما فقط چند دقیقه به فکر زندگی ما، در ۳۰ تیر به این طرف بوده باشید به خوبی درک خواهید کرد که روحیه ما، در چه حالی بوده است. البته اینها هیچ کدام دلیل ننوشتن کاغذ نمی‌شود، یعنی انسان همیشه آنقدر وقت دارد به مادرش کاغذ بنویسد در هر صورت این نکته دوم را نیز خواهید بخشید. برادرمان مدت چندین ماه دائم می‌فرمودند که چرا پس بساتتان [بساطتان] را جمع نمی‌کنید و حرکت نمی‌کنید؟ ما را هم به کلی گیج و مأیوس کرده بودند ولیکن فعلاً یک ماهی است که اوضاع خیلی بهتر است و دیگر صحبتی در آن زمینه نمی‌شود. خود من دائم هر دفعه ۱۵ روز و ۲۰ روز برای تسریع کارهای گنبد یعنی ملکم به گرگان عزیمت می‌کردم و حالا که کارها تقریباً رو به اتمام است اوضاع خیلی ساکت‌تر و بهتر شده است. در هر صورت می‌توان گفت که فعلاً آنها از آسیاب ریخته و وضعیت خیلی ساکت است. آینده چه دربر خواهد داشت، آن را هیچ نمی‌توان پیش بینی نمود. در هر صورت امیدوارم، که به نفع اعلیحضرت و مملکت تمام شود و هر چه زودتر فامیل دور هم جمع شویم.

به قدری از خبر ناگوار شکستگی پای مادر عزیزم متأثر شدم که حد ندارد. حقیقتاً گاهی اوقات انسان در زندگی بسیار بد می‌آورد البته این خبر نه فقط در فامیل بلکه در تمام محافل تهران با تأثر و اندوه تلقی گشت. مادر عزیزم، خواهش می‌کنم که لااقل چند سطری برای من از اوضاع و اصول خود بنویسید. عزیزم، در آنجا چکار می‌کنید. و الحمدلله که شمس در آنجاست و گرنه که زندگی برای شما غیرقابل دوام بود. امیدوارم خوش و خرم باشید. در هر صورت مشروح زندگی خود را درج فرمایید به بدری دستور دهید که مفصلاً بنویسد. خواهشمندم که سلام مرا به همگی برسانید. راجع به زندگی شخصی خودم اگر بخواهید چند سطری برایتان شرح خواهم داد. اولاً خودم بحمدالله

نسبتاً سلامت هستیم و بچه نیز بحمدالله بد نیست. از لحاظ روحی البته این دوران اخیر خیلی تعریف نداشته است. همان طوری که گفته‌ام این چند ماهه اخیر را بیشتر در گرگان گذرانده‌ام چون وضعیت محصول ایجاب می‌نمود. البته همان طور که لابد اطلاع دارید، احمد شفیق نیز از ایران رفت و من فکر می‌کنم که خیلی اسباب تأسف است.

چیزی که می‌بایستی البته در قسمت اول کاغذم می‌نوشتم ولیکن چون حدس می‌زنم که تا اندازه‌ای اطلاع دارید همانا موضوع وضع مزاجی و روحی برادر گرامی‌ام است. البته ایشان در چند ماهه اخیر از لحاظ روحی خیلی ضعیف شده‌اند ولیکن از آنجایی که - خدای ۱۵ بهمن - همیشه همراه ایشان هستند از این لحاظ فکر می‌کنم که مطمئنم که هیچ وقت خطری متوجه ذات مبارکش نخواهد شد و این غمگینی و تأثر نیز شاید با مرور زمان عادت شود و کم کم به وضعیت فعلی که غیر قابل قبول است عادت بکنند. در هر حال، ماندن شاه در این مملکت کاملاً از واجبات است و فکر می‌کنم که وضعیت ایران در هر صورت تفاوت فاحشی با وضعیت مصر دارد مادر عزیز، چون دیگر مطلبی که قابل توجه باشد ندارم اینک کاغذم را در همین جا به اتمام رسانده و روی ماهت را به امید دیدار زودت از دور می‌بوسم.

فرزند با عاطفه و دوستدار شما علی [علیرضا]

[۷ - ۳۲۳۷ - ۱۱۲ الف]

۱۶۳

اول اسفند ۱۳۳۱

شمس پهلوی

مادر عزیز و بهتر از جانم را قربان می‌روم

امروز درست ۱۶ روز است که، مادر عزیزم، ما را ترک کرده‌اید. یقیناً مهرداد در سه کاغذی که به آن مادر مهربان نوشته تا حدی تأثر و دل‌تنگی ما را از جدایی مادر عزیز شرح داده است. این است که من نوشتن شرح حالت روحی خود را به آن مادر نازنین دیگر زاید می‌دانم. همانقدر می‌نویسم، ای کاش اصلاً مادر عزیز اینجا نمی‌آمدید و من آنقدر به آن وجود عزیز انس نمی‌گرفتم که از دوری مادر مهربانم غصه بخورم. باری،

مادر بی‌همتا خیلی متعجبم که چطور آن مادر عزیز پس از یک هفته هنوز با تلفن با من صحبت نکرده‌اید. اگر مطمئن بودم که شما تلفن نخواهید کرد من حتماً با وجود وضعیت خرابی که داریم با مادر بی‌مانندم با تلفن صحبت خواهم کرد [می‌کردم].

از دیروز صبح تا حالا خیال ما برای ایران و مخصوصاً برادر بی‌همتا خیلی ناراحت است. لابد همان موقعی که ما در رادیو آن اخبار<sup>۱</sup> را شنیدیم همان موقع نیز مادر عزیزم از جریان اتفاقاتی که افتاد مسبوق شدید. خوشابه حال مادر عزیزم که می‌توانید اگر بخواهید هم با برادر عزیزم و همچنین با شاهپور [علیرضا] با تلفن صحبت کنید و کاملاً از حقیقت مطلب مطلع شوید! در هر حال من که غیر از غصه خوردن و دعا برای سلامتی و سعادت آن مادر مهربان کار دیگری از دستم بر نمی‌آید.

از حالت [حال] ما خواسته باشید الحمدالله نسبتاً همگی سلامتیم. شهرآزاد حالش خوب است و کم‌کم می‌تواند تنها بنشیند. شکلش هم همان است که بود. موشی هم الحمدالله خوب است فقط شهناز از امروز صبح تب کرده و گمان می‌کنم گریپ سختی شده است شهناز نیز کمی زکام است اما الحمدالله تب نکرده. عفت و فخرالملوک نیز حالشان خوب است و روی هم رفته همگی سلامتیم. مهرداد چند عکس از شهرآزاد گرفته که انشاءالله اگر خوب شده باشند برای مادر عزیزم خواهم فرستاد. هر میز، هر وقت که اینجا می‌آید راجع به آن مادر عزیز خیلی صحبت می‌کند و همیشه سلام می‌رساند. وضعیت مالی ما بینهایت بد است و یکی از این روزها ممکن است ما را حبس ببرند چون از هر طرف طلبکارها سر ما ریخته و طلب را مطالبه می‌کنند. بیش از این سر مادر عزیزم را درد نیاورده و کاغذم را به امید دیدار مادر بی‌همتایم تمام می‌کنم. مادر عزیزم، شهناز به آن مادر عزیزم خیلی سلام رسانید [می‌رساند] و روی ماهتان را می‌بوسد. مهرداد نیز دستهای مادر عزیز را بوسیده فخرالملوک و عفت نیز سلام فراوان دارند. از طرف من هم به همه همراهان سلام برسانید.

قربان مادر عزیزم

[۱۷ - ۳۲۳۷ - ۱۱۲ الف]

۱. احتمالاً منظور، اخبار ویرانیهای حاصل از زلزله طرود است.

## ۱۶۴

دوزندگی

ژاک ف. فات و شرکا

پاریس، ۳ مارس ۱۹۵۳ | ۱۲ اسفند ۱۳۳۱

پاریس

جناب کاردار،

احتراماً، به پیوست صورت حساب آخرین سفارشات علیاحضرت ملکه مادر ایران را حضورتان ارسال می‌داریم. لطفاً در صورت امکان بابت پرداخت باقیمانده اندک این صورت حساب، در صورت امکان دستور تسویه آن را از علیاحضرت تحصیل نمایید که مزید امتنان خواهد بود.

با تشکر، مراتب احترامات فائقه ما را بپذیرید.

حسابداری، پیر آمیز

[گیرنده] پاریس، کاردار سفارت ایران، خیابان فورتونی، شماره ۵

[۵۳ - ۳۲۲۷ - ۱۱۲ الف]

## ۱۶۵

دوزندگی

ژاک ف. فات و شرکا

صورت حساب

پاریس

فروشنده: دوشیزه میشلین

علیاحضرت ملکه مادر سفارت ایران

لباس ابریشمی شماره ۴۷۴ ..... ۲۴۸,۰۰۰ فرانک

لباس نیلی شماره ۵۴۰ ..... ۳۲۸,۰۰۰ فرانک

لباس مخمل آبی مراسم، حاشیه دوزی شده با نقره و یاقوت کبود ..... ۱,۸۴۰,۰۰۰ فرانک

تغییر دور یقه و برگردان لباس به نوع خز ..... ۹۰,۰۰۰ فرانک

بوتیک ..... ۲,۵۰۴,۰۰۰

دو جفت دستکش ..... ۲۰,۰۰۰ فرانک

پرداخت‌ها ..... ۲,۵۲۶,۰۰۰

چک مورخ ۱۹۵۱/۸/۱۳ ..... ۱,۶۱۳,۷۳۴ فرانک

چک مورخ ۱۹۵۱/۱۰/۲۳ ..... ۵۳۷,۹۱۱ فرانک

باقیمانده ..... ۲,۱۵۱,۶۴۵

۳۷۴,۳۵۵

[۵۳ - ۳۲۳۷ - ۱۱۲ الف]

## ۱۶۶

لوس آنجلس - جمعه ۲۸ فروردین ۱۳۳۲

علیاحضرت ملکه بسیار عزیز و مادر پرمهر و گرامی تمام فامیل

اکنون که مهین مهربان رخت سفر بسته است و انشاءالله به زودی دستهای نازنین آن وجود گرامی را خواهد بوسید. لازم دیدم که با عرض این چند سطر [مطالب] خود را یادآوری نماید. آرزو مندم هنگامی که این نامه دستهای مبارکتان را می‌بوسد خوشحال و خرم و خندان باشند و بار غم از دلشان برطرف شده باشد.

قبل از همه چیز باید [از] سوغاتیهایی که برای عید نوروز ارسال فرموده بودند تشکر کنم ... باید تشکر کنم ولی نمی‌دانم به چه زبان. همه از سوغاتیهایشان خوشحال شدند، نه برای اینکه سوغاتی بود، بلکه برای اینکه علیاحضرت فرستاده بودند.

زندگی ما در اینجا وضع عجیبی به خود گرفته است. مثلاً امروز در منزل جز والاحضرت و بنده و علی کس دیگری نیست. حالا خودشان حدس بزنند که چقدر تنها هستیم. فخرالملوک رفته به فارمزر مارکت برای خرید شوید. مادام و مهرشید هم رفته‌اند برای انجام کارهای مربوط به پاسپورتشان. عفت هم همان طوری که خاطر گرامیشان مسبوق است چند روز پیش حرکت [کرد] و الآن در واشنگتن است.

کار ما اغلب این است که پای رادیو بنشینیم و منتظر باشیم تا از تهران خبری برسد و این روزها نیز موضوع مخالفت اقلیت مجلس و تشکیل نشدن جلسات است.

الان در اتاق کتابخانه نشسته‌ایم. یک ملافه بزرگ وسط اطاق روی زمین پهن کرده‌اند. یک طرف شهرآزاد چهار دست و پا روی ملافه قرار گرفته و خیره خیره به یک آینه که طرف مقابل روی ملافه است نگاه می‌کند. یک دفعه یک خیز برمی‌دارد و چند انگشت به آینه نزدیک می‌شود، آخر چون نمی‌تواند سرعت جلو رود ملافه را به طرف خودش جمع می‌کند و به تدریج آینه به او نزدیک می‌شود. والاحضرت همیشه جای علیاحضرت را خالی می‌کنند چون شهرآزاد به طور واضح بزرگ شده است. شبها همیشه یک پا برای کاناستا، کم داریم. مگر شاهدخت یاسمین بیایند والا باید دور هم بنشینیم و به تلویزیون نگاه کنیم.

دلیل اینکه تا به حال تتمه حساب علیاحضرت را نفرستاده‌ام این است که از انباری



که اسبابهای علیاحضرت در آن است صورتی آمده در حدود شصتصد دلار که البته خیلی زیاد است؛ از پرداخت آن خودداری کرده‌ام. این مبلغ را برای حمل و نقل اسبابها به انبار، بازکردن قالیها، نفتالین زدن و بستن آن [و] اجازه چندماه مطالبه می‌کنند. البته مشغول زدو خورد و چانه زدن هستم تا انشاءالله نتیجه بگیرم.

ضمناً موضوع دیگر این است که هنگامی که قالیها را یکی یکی باز می‌کردند، اندازه می‌گرفتند و بعد می‌بستند مشاهده شد که تعداد قالیها فقط ۱۱۰ عدد است. مطابق صورتی که از تهران رسیده دو عدد کم است، متأسفانه غیرممکن است معلوم کرد که دو عدد قالیچه کم است یا قالی. چون همانطور که خاطر گرامیشان مسبوق است برای فرشهای ارسالی از تهران هیچ معلوم نکرده‌اند که اندازه هر کدام چقدر است و مشخصات آن را نداده‌اند. چنانچه دستور بفرمایند که نوزوزی دو مرتبه موضوع را مورد توجه قرار داده و تحقیق کند یا تعداد ۱۱۲ فرش فرستاده شده یا ۱۱۰ عدد و به بنده خبر دهند، البته خیلی به مورد خواهد بود.

مطابق صورتی که اکنون در دست است و بعداً تقدیم خواهم کرد در حال حاضر تقریباً چهارصد دلار از حساب علیاحضرت نزد این بنده موجود است. می‌خواهم خاطر عزیزشان را آگاه سازم که از این به بعد هنوز مخارجی در لوس آنجلس دارند از قبیل پرداخت ماهیانه برای اسبابها، سه عدد صندوقی که هنوز در گمرک است و باید به انبار حمل شده و برای آنها نیز ماهیانه پرداخت شود. همچنین اسبابهایشان که در گاراژ است و در مورد فروش این منزل می‌بایستی به انبار منتقل کرده و برای آنها نیز ماهیانه پرداخت شود. می‌دانم که باز خیالشان ناراحت خواهد شد و حق هم دارند چون اتصافاً خرجهای بی‌موردی است ولی بنده ناچارم این حقایق را به عرضشان برسانم. شاید هم در این مخارج که اکنون زاید به نظر می‌رسد مصلحتی است که از نظر ما مخفی است.

به هر حال راجع به مبلغ باقیمانده که قبلاً عرض شد و مقدار قطعی آن را با فرستادن صورت حساب قطعی معین خواهیم کرد هر طور دستور بفرمایید اطاعت می‌کنم. بیش از این برنگرانیهای علیاحضرت عزیزم نمی‌افزایم و مصدع اوقات گرانبهایشان نمی‌شوم.

مهرداد [پهلبد]

راجع به سه صندوقی که با هواپیما حمل شده و هنوز در گمرک است فکر هم نمی‌کنم به این زودیها اجازه استخلاص آن صادر شود چنانچه اجازه می‌فرمایید با تشریفات گمرکی آن را از گمرک خارج کنم.

## ۱۶۷

۲۱ مه ۱۹۵۳ [۳۱ اردیبهشت ۱۳۳۲]

حضور مبارک والا حضرت شاهپور علیرضا پهلوی

تلگراف والا حضرت به عرض رسید. مقرر فرمودند مراجعت علیاحضرت ملکه پهلوی فعلاً صلاح نیست و در موقعی دستور لازم صادر خواهند فرمود.  
[در حاشیه]

تلگراف از تهران به پاریس توسط علی ایزدی

[۷ - ۳۲۴۵ - ۱۱۲ الف]

## ۱۶۸

وزارت امور خارجه

اداره رمز

محرمانه

از واشنگتن

شماره ۲۲۶۲۴

بتاریخ ۵۷/۱۰/۱۲

وزارت امور خارجه

الساعه، ساعت ۰۷/۳۰ بعد از ظهر آقای Newsom معاون سیاسی وزارت خارجه امریکا تلفنی با اینجانب صحبت و گفت از طرف وزیر خارجه امریکا مأموریت دارد در مورد واقعه تأسف‌انگیز Beverly Hill<sup>۱</sup> با شما صحبت و مراتب تأسف خودمان را در مورد این واقعه امروز عصر ابراز داریم.

ما از لحاظ امنیتی تا ده ساعت دیگر علیاحضرت ملکه پهلوی را به Century Plaza Hotel انتقال می‌دهیم زیرا در آنجا مراقبتهای ایمنی را بهتر خواهیم توانست فراهم کنیم و به شما اطمینان می‌دهیم که کاملاً مراقب هستیم. وی گفت باز با شما در این باره تماس خواهم گرفت. به نامبرده گفتم فوراً مراتب را به تهران اطلاع خواهم داد.

۵۷/۱۰/۱۲ - ۶۹۹۶

کاردار موقت، اسد همایون

[۱ - ۲۸ - ۱۱۵ ز]

۱. Beverly Hills شهری است در لس آنجلس و در جنوب غربی ایالت کالیفرنیا. تاج‌الملوک در آستانه انقلاب از ایران گریخت و به هنگام ورود به این شهر با اعتراض و تظاهرات دانشجویان و ایرانیان مقیم این شهر مواجه شد.



محرمانه وزارت امور خارجه

اداره رمز

از واشنگتن تاریخ ۱۳/۱۰/۵۲ شماره ۲۲۶۲۴

وزارت امور خارجه

موضوع:

الاصاحات . ۷۳ . بعد از ظهر آتی

معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا تلفنی با اینجانب صحبت و گفت از طرف وزیر خارجه آمریکا با موضوعه اورد رمورد والعه تاسف انگلیس در SEVERLY HILL با اصاحات و مراقب تاسف خود مان

واد رمورد این والعه امروز صرا برا زه اوم .

تا از لحاظ امنیتی تا د ساعت د یگر طیا حضرت طگ بهل سوی را

به CENTURY PLAZA HOTEL از ل مده هم زهرا

د و آتجا مراقب های ایمنی را بهتر خوا هم توانست فراهم کنیوه همسا

اطمینان مده هم کفکاملا مراقب حسنیم . وی گفت با زها شعاد را این باره

کما سر خوا هم گرفت . بهنا مورد مگتفخورا مراقب را بهتران اطلاع خوا هم

واد .

۶۶۶۶-۱۲/۱۰/۵۲ کاره ارموقت اسد هابون

ساعت ۰۵۲

۱۶۹

## وزارت امور خارجه

اداره رمز

محرمانه

از واشنگتن

شماره ۲۲۶۲۲

به تاریخ ۵۷/۱۰/۱۳

وزارت امور خارجه

پیرو ۶۹۹۶-الساعه رئیس اداره ایران در وزارت خارجه به اینجانب تلفنی اطلاع داد که در حدود ۱۵۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی در برابر محل اقامت علیاحضرت ملکه پهلوی دست به تظاهرات زده و خانه مجاور محل اقامت ایشان را آتش زده‌اند. وی گفت دستورات لازم به پلیس آنجا برای جلوگیری از توسعه آتش سوزی و مراقبتهای لازم برای حفظ محل اقامت علیاحضرت ملکه پهلوی صادر شده است.

۵۷/۱۰/۱۲-۷۰۱۸

کاردار موقت، اسد همایون

[۲ - ۲۸ - ۱۱۵] ز

۱۷۰

## وزارت امور خارجه

اداره رمز

تلگراف کشف از سانفرانسیسکو

شماره ۱۸۳۷۱

به تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۳

وزارت امور خارجه

همانطور که استحضار دارند، با تشریف‌فرمایی علیاحضرت ملکه پهلوی جهت پیشگیریهای لازم امنیتی در اطراف اقامتگاه والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی با مقامات مربوطه لس آنجلس مذاکراتی به عمل آمده بود.

امروز صبح اطلاع حاصل گردید که حدود ۲۰۰۰ نفر قصد انجام تظاهرات در برابر اقامتگاه را دارند که بلافاصله اقدامات احتیاطی پیش‌بینی و معمول گردید. با توجه به تعداد بسیار زیاد تظاهرکنندگان و علی‌رغم کوشش مجدانه پلیس عده‌ای از تظاهرکنندگان دست به خرابکاری زده و در نتیجه یکی از اتومبیل‌های اقامتگاه و جوی‌های اچوب‌های | دور باغ آتش زده شد و بعضی از پنجره‌های ساختمان نیز صدمه دید. پلیس لس‌آنجلس تظاهرکنندگان را متفرق نموده، و در برخوردی که روی داد ۲۸ نفر مجروح و ۸۰ نفر تاکنون بازداشت شده‌اند. به منظور اطمینان خاطر از استقرار نظم با جناب آقای پهلبد در اقامتگاه صحبت شد. ایشان ضمن تأیید و حشیگری تظاهرکنندگان اظهار داشتند که مقامات پلیس بسیار مسلط، مجهز و بر اوضاع مسلط هستند و همگی سلامت می‌باشند. هم‌اکنون با آقای ری رنی که در غیاب مایور برادلی امور شهرداری لوس‌آنجلس را به عهده دارد صحبت شد و توجه ایشان مضمناً به حساسیت موقعیت و لزوم اتخاذ تدابیر احتیاطی فوق‌العاده جلب گردید. مشارالیه قول داد، همان‌طور که قبلاً هم پیش‌بینی شده بود، نهایت کوشش و دقت را در تأمین نظر نمایندگی به عمل آورد.

۵۷/۱۰/۱۲-۶۴۴

منوچهر اردلان

[۳-۲۸-۱۱۵-ز]

www.KetabFarsi.com

اسناد مالی رضا پهلوی

## ۱۷۱

محرمانه

تهران ۱۷ اوت ۱۹۳۱ [۲۵ مرداد ۱۳۱۰]

ریاست محترم بانک ملی ایران

بر حسب امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی متمنی است تلگرافاً به بانک میدلند لندن دستور دهید یک صد و پنجاه هزار دلار به حساب اعلیحضرت همایونی به بانک وست مینستر پردازند و تلگرافاً به ما اطلاع دهند.

باتجدید احترامات فائقه، رئیس کل سرهنگ امیر خسروی

۱۳۱/۵/۱۶۹۰۵

BANQUE PEHLEVI.

SUITE DE LA LETTRE No.

CONFIDENTIELLE

Teheran, 17, Aout, 1931.

Monsieur le President  
de la Banque Nationale de Perse,  
TEHERAN.

Excellence,

Selon l'ordre de Sa Majeste je vous prie de vouloir bien  
donner instruction par telegramme a Midland Bank de Londre de verser  
£ 150000 a Westminster Bank au compte de Sa Majeste et nous aviser  
par fil. Veuillez Monsieur le President, agreer mes salutations  
bien distingues.

Directeur General

Col. Amir Khasrovi

طهران ۱۷ اوت ۱۹۳۱

مروان

ریاست محترم بانک ملی ایران

بر حسب امر اعلی حضرتها بین شاهنشاهی شمر است تلگرافاً بیانک میداند لندن دستور دهید یک صد و پنجاه  
هزار دلار بمساب اعلی حضرت همایونی بیانک وستیمینتر پیودازند و تلگرافاً بنا اطلاع دهنند

با تجدید احترامات فائده  
و شکر کل سوهند امیر خسروی



## ۱۷۲

بانک ملی ایران

دفتر ریاست

تهران - مورخه ۲۸ مرداد ماه ۱۳۱۰

خاک پای جواهر آسای مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس

همایون شاهنشاه رضاشاه پهلوی خلدالله ملکه

بانهایت افتخار یک طغرا چک رایش کردیت گزلفافت برلن را بابت منافع یکصد و پنجاه هزار دلار امانت ثابت از تاریخ سی ام ژوئن لغایت سوم اوت ۱۹۳۱ - ۸ تیر لغایت ۱۱ مرداد ۱۳۱۰ - به مبلغ ۷۴۳/۸۳ دلار تقدیم خاک پای مبارک می نماید.

در تاریخ چهارم اوت ۱۹۳۱ مطابق با ۱۲ مرداد ۱۳۱۰ مبلغ امانت ثابت فوق حسب الامر جهان مطاع مبارک به میدلاند [میدلند] بانک لندن منتقل و در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۱۰ به موجب ابلاغ بانک پهلوی به وست مینستر بانک لندن تسلیم گردید.

منافع مدتی که نزد میدلاند [میدلند] بانک لندن بوده مطالبه شده؛ به مجرد وصول چک تقدیم آستان مبارک خواهد گردید.

موقع را برای تقدیم عرض عبودیت مغتنم می شمارد.

بانک ملی ایران

[۶۹۰۵/۲۳]

## ۱۷۳

WESTMINSTER BANK LIMITED

لندن ۴ سپتامبر ۱۹۳۱ مطابق ۱۲ شهریور ۱۳۱۰

به شرف عرض خاک پای جواهر آسای همایونی

اعلیحضرت رضاشاه پهلوی روحی فداه

بانهایت احترام به عرض ملوکانه می رساند: به موجب دستور بانک پهلوی مبلغ یک صد و پنجاه هزار دلار دریافت نمود. مبلغ مزبور به حساب امانی اعلیحضرت همایونی وارد و قبض امانی به مدت یک سال با فرع سه درصد در سال صادر گردید. قبض مزبور

ارا] که ممهور با مهر بانک وست مینستر است تلواً تقدیم می‌دارد.

غلام مطیع، رئیس بانک وست مینستر

شعبه خارجه

[۶۵۹۲]

## ۱۷۴

دفتر امور املاک شاهنشاهی

تاریخ ۳۱ مرداد ماه ۱۳۱۱

ریاست محترم بانک ملی ایران

در جواب مراسله مورخه ۲۴ مرداد ۱۳۱۱ حسب الامر جهان مطاع مبارک ملوکانه ارواحناده ابلاغاً اشعار می‌دارد که به بانک اونیون دو بانک سویس اجازه داده شود مبلغ یکصد و پنجاه هزار دلار امانت ثابت بندگان اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی ارواحناده را به مدت شش ماه از اول سپتامبر ۱۹۳۲ الی اول مارس ۱۹۳۳ از قرار فرع صدی یک در سال طبق تقاضائی که نموده‌اند به امانت ثابت قبول نمایند.

رئیس دفتر امور املاک شاهنشاهی

[۶۹۰۵/۶]

## ۱۷۵

بانک وست مینستر با مسئولیت محدود

اداره شعبه خارجی

شماره ۳۷۸

تاریخ ۲۵ آگوست ۱۹۳۲ [۳ شهریور ۱۳۱۱]

بدینوسیله اعلام می‌شود مبلغ یک صد و پنجاه هزار دلار از اعلیحضرت رضاشاه پهلوی به بستانکاری حساب سپرده نزد بانک وست مینستر با مسئولیت محدود به مدت شش ماه تا تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۳۳ با نرخ بهره ۱/۵ درصد در سال دریافت گردید.

[امضا] صندوقدار، گاس حیسون

[۶۵۹۲]

## ۱۷۶

بانک پهلوی

مرکز تهران

شعب: تهران - رشت - مشهد - تبریز - همدان - قزوین

اصفهان - سلطان آباد - شیراز

اداره مرکزی

نمره ۲۹۷۱

تاریخ ۱۳ مهر ماه ۱۳۱۱

خدمت حضرت مستطاب اجل عالی

آقای سرتیپ کریم آقاخان بوذرجمهری<sup>۱</sup> دامت شوکته

محترماً یک قطعه قبض امانی بانک وست مینستر لندن به مبلغ یکصد و پنجاه هزار دلار |دلار| به اسم اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحناقداه به مدت شش ماه از ۲۹ اوت ۱۹۳۲ الی ۲۵ فوریه ۱۹۳۳ با قید منافع از قرار  $1\frac{1}{4}\%$  در سال تقدیم، متمنی است قبض امانی سابق را به اینجانب ارسال فرمایید تا به بانک مزبور با اولین پست عودت داده شود.

با تقدیم احترامات فائقه

[۶۵۹۲]

## ۱۷۷

دفتر امور املاک شاهنشاهی

نمره ۶۷۶

مورخه ۱۳۰۸/۷/۲۹

سواد راپرت مباشرت املاک غرب

بعدالعنوان

۱. علت تأخیر در تقدیم راپرت به واسطه رسیدگی به محاسبه سنوات ۱۳۰۸ و

۱. از امرای مورد وثوق رضا پهلوی که مشاغل عدیده‌ای داشته است از جمله ریاست دفتر محسوسین شاهنشاهی و ریاست املاک پهلوی.

۱۳۰۹ و خاتمه تحویل گرفتن مباشرت بوده که هنوز خاتمه پیدا ننموده است، در صورتی که کمیسیون متشکله که تحت نظر جناب سرهنگ غلامحسین خان دنبلی حکومت باوندپور همه روزه تشکیل و اغلب خودشان نیز در کمیسیون مزبور حضور به هم می‌رسانند مشغول رسیدگی، ولی به واسطه عدم تنظیم محاسبه، و قدری هم به مناسبت جریان امور فلاحتی به مقتضای فصل و سرعت در خاتمه ساختمانها، خاتمه نقل و انتقال امور مباشرتی به تأخیر افتاده. بدیهی است خاتماً نتیجه را مشروحاً به عرض خواهد رسانید.

۲. عطف به اوامر شفاهی راجع به بدهی حاج علیخان اکبری و ابتیاع قریه حسن آباد ملکی مشارالیه آنچه معلوم شده بدهی مشارالیه از سنوات - ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ - طبق صورتی که بعداً تقدیم خواهد شد بالغ بر نه هزار و هشتاد و هشت تومان می‌باشد که در مقابل آن علاقه ملکی مشارالیه نیز ارزشش در همین حدود است چنانچه عواید سنواتی او نیز با عواید وجه بدهی مشارالیه تقریباً مطابقت نموده است. لذا در صورتی که رأی مبارک علاقه گیرد امر و مقرر فرماید علاقه ملکی مشارالیه را به مبلغ فوق قباله نموده و جزء املاک اختصاصی ذات اقدس ملوکانه ارواحنافداه محسوب گردد.

۳. قریه لرینه و دستکی که در یک فرسنگی شاه‌آباد واقع و دودانگ و دو شعیر آن جزو املاک شاهانه است از سنه ۱۳۰۸ محمودخان نام نادری مالک دو دانگ و چهارده شعیر آن درصدد فروش علاقه خود برآمده. در آن موقع ملک مزبور از طرف مباشرت املاک و حکومت وقت خریداری نشده و حسین خان رضائی که یکی از خوانین باوندپور است به قیمت نازل - دوهزار و هفتصد تومان - خریداری و املاک در تصرف اوست. چون محل مزبور مخصوص دستکی که مزرعه لرینه محسوب می‌شود به واسطه احتمال پیدایش نفت در اراضی و مرغوبیت کامل خریدارانش نهایت ضرورت را داشته و دارد در صورتی که رأی مبارک علاقه گیرد امر مقرر فرمائید حسین خان مزبور که مبلغی نیز به اداره مباشرت املاک مقروض است قباله آن را به اداره مباشرت به قیمت خریداری احاله داده و جزء املاک اختصاصی ذات اقدس ملوکانه محسوب گردد. توضیح آن که شش دانگ قریه لرینه مزبور و مزرعه آن معروف به دستکی عبارت از نود و شش شعیر است از قرار هر دانگی شانزده شعیر، بقیه آن که شانزده شعیر است باقی خواهد ماند و آن هم متعلق به مهدی حسین نام اسکندری است و برای خریداری آن نیز در صورت حصول اجازه اقدامات لازمه را خواهد نمود تا تمام شش دانگ محل

- مزبور جزء املاک اختصاصی ذات اقدس شاهنشاهی ارواحنآفده محسوب گردد.
۴. راجع به آب سومار پس از خاتمه تحویل گرفتن مباشرت در حین سرکشی به املاک شاهانه آب مزبور را نیز بازدید و مراتب را به عرض خواهد رسانید، ولی آنچه فعلاً در نتیجه تحقیقات مفهوم شده چون اهالی مندلیج احتیاج فوق‌العاده به آب مزبور که مبدأ جریان آن از املاک اختصاصی ذات اقدس شاهنشاهی است دارند در سال مبالغی از آب مزبور می‌توان استفاده نمود که آن هم به وسیله تعیین یک کمیسیونی که اهالی ذی نفع مندلیج نیز در آن عضویت داشته باشند به موجب یک قرارداد رسمی می‌باید صورت بگیرد.
۵. در املاک شاهانه عجاتاً در بوربور و در سومار کمپانی مشغول حفر چاه و استخراج نفت می‌باشد و چاه نمره ۱۲ که در سومار حفر شده و به نفت رسیده از قرار اطلاع به اقبال بی‌زوال بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنآفده پنجمین چاه نفت دنیا محسوب می‌شود و چاه نمره ۱۴ و ۱۵ نیز در سومار حفر ولی از قرار اطلاع به نفت نرسیده در عین حال محتاج به بازدید محل است که پس از بازدید مراتب را به عرض خواهد رسانید.
۶. راجع به جمع‌آوری تقاوی [مساعده] که در سنوات قبل به رعایا داده شده حسب الامر مبارک بیست نفر نظامی از قسمت ساخلو شاه‌آباد در اختیار فدوی گزارده شده و یک قسمتی از آنها را نیز برای وصول وجوه مزبور مأمور نموده ولی نظر به تنزل فاحش قیمت غله همه روزه رعایا در صدد شکایت برمی‌آیند. فدوی در صدد است آنچه ممکن است مطالبات را نقد و بقیه را به نرخ عادلانه جنس قبول نماید. همچنین برای فروش همان اجناس مشغول پیدا نمودن خریدار حتی از تجار بین‌النهرین و غیره می‌باشد، مع ذلک تصور نمی‌رود رعایا قادر به اداء تمام قرض خود بشوند.
۷. نرخ گندم در این حدود قریب سه تومان و دو قران الا الی [سه قران و جو هیجده قران الی دو تومان است و کرایه از شاه‌آباد الا الی] تهران در حدود چهارده قران است. در این صورت حمل نمودن جنس به تهران به هیچ وجه صرف ننموده بلکه ضرر خواهد داشت. با این حال ناچار است برای فروش غله با تجار بین‌النهرین داخل مذاکره شود.
۸. زمان ورود فدوی به شاه‌آباد قسمت اعظم خرمنها برداشته [برداشت] نشده بود. لذا در سرعت برداشت خرمن و دقت در عدم حیف و میل اقدامات لازمه را نموده. تصور می‌نمایم نقل انبارهای امسال رضایتبخش باشد، گرچه در فروش غله عجله نمی‌شود

ولی به واسطه اینکه انبارها گنجایش ندارند چنانچه رأی مبارک علاقه گیرد امر و مقرر فرماید با نظریه حکومت باوندپور برای فروش الا [الی] دو هزار خروار غله اقدام نماید. مقدار عایدی غله هذه السنه را بعداً به عرض می‌رساند.

۹. نظر به اینکه فدوی درصدد است امور اداره مباشرتی را که تاکنون به هیچ وجه صورت اداری نداشته با نظریه جناب سرهنگ غلامحسین خان دنبلی حکومت باوندپور روی یک اصول اداری بنا نماید تا بدان وسیله بتوان وضعیت مباشرتی را در آتیه روشن و منظم نگاه دارد اداره مباشرت املاک را به شعبات تقسیم و صورت تشکیلات آن را نیز به وسیله ایشان که در تمام امورات مباشرتی مداخله تام دارند تقدیم، مستدعی است در صورت تصویب امر و مقرر فرماید تشکیلات مزبور هرچه زودتر عملی گردیده و سه نفر معین نایب باسواد امین که سابقاً نیز تقاضا شده و یک نفر شخص امینی که تحویل‌داری نقدی را عهده‌دار شود برای اجرای امر فوق سریعاً به شاه‌آباد اعزام گردیده تا به وسیله معین نایب مزبور، محل مأموریت بعضی از مباشرین جزء را تغییر بدهد.

۱۰. وضعیت داخلی املاک و ایل باوندپور و عشایر سرحدی در کمال آرامش و نظم است. عموم طوایف عشایر و خوانین با کمال اطاعت و انقیاد همه روزه به شاه‌آباد آمده حکومت را ملاقات و به مراجع کامله ذات اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه امیدوار می‌باشند.

مباشرت املاک غرب شاهانه

۱۲۱ تا ۸ - ۹۹۶ - ۵

## ۱۲۸

### دفتر امور املاک شاهنشاهی

مورخه ۸ آبان ۱۳۰۹

نمره ۱۸۲۴

مباشرت املاک غرب

راپرت نمره ۶۷۶ واصل و از مندرجات آن استحضار حاصل گردید. اینک جواب مواد مندرجه را ذیلاً اشعار می‌دارد:

۱. موضوع معامله و انتقال املاک اکبری که باید در مقابل بدهی مشارالیه صورت گیرد در تهران انجام خواهد شد. عوایدی که ظرف سنوات گذشته از املاک مشارالیه به

- دست آمده نباید بابت بدهی او محسوب گردد و باید جزو عواید املاکی محسوب گردد.
۲. در مورد خریداری بقیه قریه لرینه و دستکی لازم است قیمت حقیقی قطعاتش را که فعلاً در مالکیت دیگران است و همچنین میزان عواید آن را معین نموده اطلاع دهید تا دستور ابتیاع داده شود. ضمناً بدهی حسین خان رضائی را نیز صریحاً معلوم نمایید.
۳. در قسمت تقسیم آب سومار نباید شخصاً دخالت کنید زیرا همه ساله در موقع همین مأمورین رسمی از وزارت خارجه و غیره به معیت شخصی حاکم با شرکت شما و نمایندگان رسمی بین‌النهرین در محل رفته آب را تقسیم خواهند کرد. هرآینه منظور فروش اضافه آب مقسومه املاک است آن بحث دیگری است که باید به موقع پیشنهادات خود را بفرستید تا تحت مطالعه قرار گیرد.
۴. راجع به قسمت نفت سومار اطلاع حاصل شد ولی از وضعیت نفت منطقه بوربور نیز اطلاعاتی بدهید.
۵. تقاوی و مطالبات مباشرتی، حالا که موقع آن است چنانچه کشف شده باید تا دینار آخر وصول شود و چیزی باقی نماند. در موضوع فروش اجناس نیز به حکومت باوندپور دستور داده شده که با تجار بین‌النهرین مذاکره نموده در صورت صلاح به فروش برساند.
۶. صورت تشکیلات را به طوری که راپورت کرده‌اید البته تنظیم و تدوین نموده ارسال بدارید. سه نفر معین نایبانی که خواسته بودید اعزام گردیدند. ضمناً لازم است فوری اطلاع دهید بارعایای کاشانی که اعزام شده‌اند چه معامله کرده و در چه نقاطی آنها را به کار واداشته‌اید. البته انتظارم از شما این است که امور مباشرتی را مرتب نموده در تزئید و تکثیر عواید و ایجاد زراعات جدید و غیره اهتمام وافی نمایید.

۱۴۱ و ۱۳ - ۹۹۶ - د

مقام محترم ریاست دفتر امور املاک شاهنشاهی دامت شوکته  
باکمال توقیر معروض می‌دارد، حسب‌الامر بندگان اعلیحضرت قدرقدرت همایونی  
در یوم جمعه نهم شهر جاری دستوراتی امر فرمودند؛ یکی راجع به خریداری ملکهای

دریند که بایستی از دو طرف خریداری شود و یکی هم راجع به اینکه در یوم جمعه آینده بایستی یک نفر معمار در سعدآباد حاضر باشد که دستورات حمام داده شود که بسازند. محض اطلاع، راپورت عرض شد؛ امر امر مبارک است.

[درحاشیه]

ورود به دفتر امور املاک شاهنشاهی نمره ۲۹۳۵ تاریخ ۱۰/۷/۱۰  
 آقای لطفی، حسب الامر به اتفاق رئیس ساختمان نقشه املاک را که باید خریداری شود هرچه زودتر رسم و قیمت را هم معین نموده به عرض برسانید.

[۹۶-۹۹۶-د]

۱۸۰

اداره محاسبات دربار شاهنشاهی

تاریخ ۱۳۱۳/۶/۴

نمره ۲۴۲۴

به خاک پای مبارک مهر اعتلای بندگان اعلیحضرت قدر قدرت

قوی شوکت همایون شاهنشاهی ارواحنفاده

قریه کشکاء، که در بلوک بالا تجن واقع است سه دانگ آن اختصاصی است که اخیراً از وزارت مالیه ابتیاع و سه دانگ دیگر آن متعلق به خورده |خرده| مالکین می باشد. سلطان سید مرتضی خان راپورت می دهد مالکین سه دانگ حاضر شده اند سهام خود را به پیشگاه مقدس ملوکانه ارواحنفاده انتقال دهند.

عایدات سه دانگ قریه معروضه عبارت از نود خروار شالی و پانصد و پانزده ریال عایدات نقدی می باشد. چنانچه قیمت شالی از قرار خرواری بیست و پنج ریال تسعیر شود جمع کل عایدات سالیانه بالغ بر دو هزار و هفتصد و شصت و پنج ریال می گردد. سلطان سید مرتضی خان قیمت سه دانگ قریه معروضه را در صورتی که عایدات هذه السنه متعلق به اداره املاک باشد پنج برابر عایدات به مبلغ یازده هزار و چهل ریال با صاحبان آن مقطوع نموده است.

از پیشگاه مقدس ملوکانه ارواحنفاده استدعا چنان است، در صورت تصویب اعتبار، مبلغ یازده هزار و چهل ریال را مرحمت فرمایند که برای انجام معامله جهت سلطان سید مرتضی خان ارسال گردد.



[در حاشیه]

دایرة محاسبات، به طوری که امر و مقرر فرموده‌اند وجه درخواستی را از بودجه مرداد ماه ۱۳۱۳ دربار شاهنشاهی پرداخت نمایند.

[د-۹۹۶-۳۵]

## ۱۸۱

اداره محاسبات درباره شاهنشاهی

تاریخ ۱۳۱۳/۶/۷

نمره ۲۴۲۹

به خاک پای مبارک مهر اعتلای بندگان اعلیحضرت قدر قدرت

قوی شوکت همایون شاهنشاهی ارواحنافداه

سلطان سید مرتضی خان یک دانگ از قریه ساروکلار را که در جاده سازی مقابل کارخانه قند سازی شاهی واقع است به مبلغ سیزده هزار ریال خریداری و قباله آن را به مرکز ارسال و تقاضای اعتبار مبلغ معروضه را نموده است. از پیشگاه مقدس ملوکانه ارواحنافداه استدعا چنان است در صورت تصویب امر و اجازه مرحمت فرمایند مبلغ سیزده هزار ریال معروضه از بودجه مردادماه ۱۳۱۳ دربار شاهنشاهی برای سلطان سید مرتضی خان ارسال گردد.

[د-۹۹۶-۳۴]

## ۱۸۲

اداره محاسبات درباره شاهنشاهی

تاریخ ۱۳۱۳/۷/۱

نمره ۲۸۵۳

به خاک پای مبارک مهراعتلای بندگان اعلیحضرت قدر قدرت

قوی شوبت همایون شاهنشاهی ارواحنافداه

حسب الامر مطاع مبارک ملوکانه ارواحنافداه مبلغ یکصد هزار ریال از موجودی بودجه مرداد ماه ۱۳۱۳ دربار شاهنشاهی برای خرید ده فقره املاک واقع بین شیرگاه و

شاهی جهت سلطان سید مرتضی خان ارسال گردید. از پیشگاه مقدس ملوکانه ارواحناده استدعا چنان است امر و اجازه مرحمت فرمایند اعتبار مبلغ یکصد هزار ریال معروضه در بودجه مرداد ماه ۱۳۱۳ دربار شاهنشاهی منظور و محسوب گردد.

[۱۰۶-۱-۹۹۷-د]

## ۱۸۳

اداره محاسبات دربار شاهنشاهی

تاریخ ۱۳۱۳/۸/۲۳

نمره ۳۶۷۷

به خاک پای مبارک مهراعتلای بندگان اعلیحضرت قدر قدرت

قوی شوکت همایون شاهنشاهی ارواحناده

معامله دو دانگ و سه ربع دانگ از قریه شریعت آباد و پالوده واقع در محال کجورده متعلق به آقاضیاءالدین نوری می باشد، از قرار ریالی پنج ریال به مبلغ پنج هزار و ششصد و بیست و پنج ریال، مقطوع گردید.

از پیشگاه مقدس ملوکانه ارواحناده استدعا چنان است در صورت تصویب، امر و اجازه مرحمت فرمایند اعتبار مبلغ پنج هزار و ششصد و بیست و پنج ریال معروضه در بودجه مهر ماه ۱۳۱۳ دربار شاهنشاهی منظور و محسوب گردد.

[۴۳-۹۹۶-د]

## ۱۸۴

اداره محاسبات دربار شاهنشاهی

املاک تنکابن

نمره ۳۱۶۵

تاریخ ۱۵/۱۰/۲۱

ضمیمه: ۴۵۷ طغرا قباله جات و صورتهای مربوط در بسته علیحده ضمیمه به نامه پستی

اداره محترم محاسبات دربار شاهنشاهی

۱. یک قسمت از قباله جاتی که خریداری آنها خاتمه [یافته] و صورتهای آنها نسبت

به وضعیت قراء و مزارع حاضر گردیده بود و تعداد قبالات ارسالی چهار صد و پنجاه و هفت طغرا و خلاصه قیمت و مساحت و تقسیمات آن به قرار ذیل است تلواً تقدیم می شود:

شالیزار	مرکبات	قیمت ملک	تعداد قبالات
۸۲/۵	—	۵۰۴۵/۶۰	۵ طغرا
۲۶۱۵/۹	۳۴۶/۳	۲۲۴۹۴۷/۶۵	۳۴۰ "
۸۷۷/۵	—	۱۳۵۱۳۱/۷۵	۱۱۲ "
۹۰/۸	—	۱۲۹۹۵/۷۵	
در دو قسمت			
۳۶۶۸/۷	۳۴۶/۳	۳۷۸۱۲۷/۷۵	۴۵۷ طغرا

۲. برای هر بلوکی دو ورقه صورت خلاصه که عبارت از ذکر اسامی قراء و جمع کل مزارع و مرکبات و میزان [ناخوانا] و مبلغ خریداری شده و تعداد قبالات به ضمیمه تقدیم شد که پس از رسیدگی و تطبیق با قبالات یک نسخه آن را به منزله رسید مرحمت فرمایند که در دوسیه مربوط ثبت و ضبط گردد.

۳. برای هر قریه یک صورت تفصیلی که تعیین اسامی فروشندگان و میزان اراضی فروخته شده و مبلغ دریافتی - طبق ورقه تفصیلی پیشنهادی تقدیمی به مرکز - با ذکر اشاره به نمره ترتیب ورقه پیشنهادی و میزان [ناخوانا] خریداری نشده که در ذیل صورت با قلم قرمز معروض گردیده تلواً تقدیم می گردد.

۴. برای هر یک از قسمتهای نواحی، یادداشت علیحده به صورت خلاصه الصاق و تقدیم داشت.

۵. دو طغرا قباله ملکی شماره ۳۳۵۳ مربوط به طالش محله که اشتباه در قباله ۳۲۵ ریال ذکر شده ولی مبلغ پرداختی مطابق است با ۲۲/۵ ریال پیشنهادی و شماره ۱۸۲۳ راجع به قریه شل محله در این قباله میزان اراضی پیش از اراضی پیشنهادی ذکر شده ولی مبلغ همان میزانی است که پیشنهاد تقدیم نموده. این توضیح برای این است که در موقع مراجعه به صورت پیشنهادی اولیه اختلافی رخ ندهد و در ملاحظات صورتهای تقدیمی

هم تذکر داده شد.

۶. مقدار عمده از قباله‌جات که در این سنه تهیه و به دفعات تقدیم شده رسید مرحمت فرموده‌اند. مستدعی است رسید هر قسمت را، به جزء، مرقوم فرمایند که اختلافی در آتیه حاصل نشود.

رئیس مباشرت املاک شاهنشاهی تنکابن

در خاتمه معادل ۲۶۷ طغرا قباله دیگر حاضر و مشغول تهیه صورت و ثبت در دفاتر می‌باشد و هشت روز دیگر تقدیم می‌شود.

نصرالله

[۹۹-۹۹۶-د]

## ۱۸۵

اداره محاسبات دربار شاهنشاهی

نمره صادر ۸۱۰۵

تاریخ خروج ۱۳۱۵/۱۱/۷

مباشرت املاک تنکابن

ده سهم از هفتاد سهم کل شش دانگ قصبه رودسر و توابع و قراء مجاور رودسر که متعلق به کاظم گیلانی وکیل التجار بود و با خالصجات دولتی تعویض و متعلق به دولت گردید حالیه از وزارت مالیه خریداری و رونویس قباله خریداری را به انضمام یک ورقه خلاصه معامله کاظم گیلانی با وزارت مالیه و یک ورقه خلاصه معامله وزارت مالیه به بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به ضمیمه ارسال گردید که رونویس قباله را جهت ثبت در دفتر رقبات املاک تنکابن و دو ورقه خلاصه معامله را تسلیم اداره ثبت تنکابن نمایند که در موقع صدور سند مالکیت مانعی نداشته باشد. حالیه قصبه رودسر و کاله و پله باغ و ملا امیرا و جورباغ و مرداب بیجار و صدر محله تماماً اختصاص و شش دانگ آن متعلق ذات ملوکانه و سایر قراء که اسامی آنها در قباله ذکر و به قدرالحصه نوشته شده تمام آنها را تحت نظر گرفته و اسناد و نوشتجات و مدارک ثبت خورده

مالکین که خودشان را سهام و شریک در قراء مزبوره می دانند مراجعه نمایند. هر کدام یک از آنها مدارک ثبتی که تثبیت مالکیت آنها را می نماید در دست داشته باشند آنها را ذی سهم دانسته و هر کدام مدارکی که تثبیت حقانیت آنها را ننماید در دست نداشته باشند. البته ذی سهم نخواهند بود و به این طریق مقدار حقیقی سهم اختصاصی بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را در هر کدام یک از قراء می توانید به دست بیاورید و عواید سنه ۱۳۱۵ کلیه رقبات مذکوره را نیز تماماً جمع آوری و جزو عواید املاک تنکابن منظور و نتیجه عملیات خودتان را به مرکز ارسال دارید.

رئیس اداره محاسبات دربار شاهنشاهی

[۱۰۱ و ۱۰۰ - ۹۹۶ - ۵]

## ۱۸۶

اداره محاسبات دربار شاهنشاهی

املاک تنکابن

نمره ۳۴۴۲

تاریخ ۱۳۱۵/۱۱/۱۲

اداره محترم محاسبات دربار شاهنشاهی

عطف به مرقومه شماره ۷۷۸۳ موضوع تصرف رودسر و مزارع تابعه آن، محترماً

خاطر عالی را مستحضر می دارد:

۱. قبل از اینکه مرقومه عالی زیارت گردد، همان قسم که تلفوناً امر فرمودید، شش دانگ قصبه رودسر و مزارع مرداب بیجار و جورباغ و کاله و صدر محله و ملا امیرا و پله باغ و حق السهم مردابن و الم توسر و محل سه هزار و چافچیر و سرپل رودسر مشتمل بر مزرعتین سعید یملکی و سعیدآباد به ضمیمه آنچه در قباله اسم برده شده تصرف و عواید آن را مشغول جمع آوری است.

۲. اینکه مرقوم فرموده اند از مباشر بخش شش یا از روی عدم اطلاع یا تبانی با خورده [خرده] مالکین اقدام به تهیه صورت خارج از موضوع نموده چون این موضوع را فدوی کاملاً حضور داشته و اطلاع دارد لازم دانست مراتب صداقت و صمیمیت مباشر بخش شش را نسبت به امورات اداری به عرض برساند که رفع هرگونه سوءظنی از او

شده و معلوم گردد تنظیم آن صورت از روی چه مأخذی بوده: اولاً موقعی که نماینده محسنین به رودسر آمده فقط و فقط همان اراضی را که در صورت مجلس ممضی شده که اصل آن را طی معروضه شماره ۳۱۴۰ تقدیم داشت ارائه داد و عواید هم از همان رو تعیین و پس از اینکه صورت مجلس تنظیم و امضاء شد بلاواسطه همان اراضی را به مباشر دستور داده شد که تحت نظر گرفته و عواید آن را بسپارد که احدی مداخله نکند. و چون در صورت مجلس اسمی از دو محل مورد بحث برده نشده بود و اینجانب و مباشر هم از بطون کار محسنین مطلع نبود به همان صورت اکتفا نمود.

ثانیاً که تلفوناً امر فرمودید محسنین و سلامت شش دانگ قصبه رودسر و مزارع مرداب بیجار و جورباغ و غیره را ۶ دانگ قلمداد نموده‌اند شما تحقیق نمایید و وضعیت حاضره آن را از روی حقیقت معلوم دارید، و صورت خرده مالکین که در کلیه این املاک دعوی تصرف دارند بفرستید این بود که اقدام به تهیه آن صورتها گردید و در قسمت ۳ بند ب معروضه شماره ۳۱۴۰ صریحاً به عرض رسانیده اگر شش دانگ فروخته‌اند فدوی هم شش دانگ تصرف می نماید و همین کار را هم در همان موقع نمود.

ثالثاً اینکه به چه علت مباشر بخش ۶ در پایان خورده [خرده] مالکین می نویسد اداره املاک اختصاصی قبلاً در این املاک مداخله نداشته دو علت داشته: علت اول اینکه اداره املاک اختصاصی در مجاورت این املاک که در محال رانکوه می باشد از خریداریهای سابق، املاک زیاد دارد و درج کلمه ندارد؛ از روی احتیاط بوده که مبادا یک قطعه دو قطعه از آن املاک که هنوز [برای] فدوی ممیزی آنها را قطعی نموده‌اید داخل شده باشد. علت دوم چون یک ماه بوده که این املاک را مباشر طبق همان صورت مجلس اولی تحویل گرفته بود حالا که می خواهد صورت جدیدی بدهد می نویسد: من که مباشر بخش شش هستم در قبل از تهیه این صورت، مداخله در این املاک نکرده‌ام و حقاً هم تا موقعی که سواد قباله و دستور آن اداره محترم رسید ابداً دخالتی در قسمت آنهایی که به نام خورده [خرده] مالک نوشته شده بود ننموده بودند. حال چه علت داشته که نماینده محسنین در موقع ارائه و تحویل املاک این اشتباه را نموده و آیا این اشتباه عمدی بوده یا سهوی معلوم نیست. در هر صورت غرض از اطاله مطلب این است که مباشر بخش شش این عبارت را از روی سادگی و بدون هیچ گونه قصدی نوشته و البته

اگر فرضاً خطایی هم در درج این عبارت باشد چون از روی سادگی بوده قابل عفو است. و املاک را در همان موقع یعنی وصول قباله به همان شرحی که در قباله ذکر شده ضبط شد.

۱۵/۱۱/۱۱

رئیس مباشرت املاک شاهنشاهی تنکابن

نصرالله

[۱۰۲ و ۱۰۱ - ۹۹۶ - ۵]

۱۸۷

اداره محاسبات دربار شاهنشاهی

نمره ۵۱۶۱

تاریخ ۱۳۱۶/۷/۱۸

آقای اسفرجانی

قبل از آنکه قریه رودسر خریداری و به ذات مقدس بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی انتقال پیدا نماید چند نفر از ساکنین قریه رودسر عرصه و اعیان ابنیه مسکونی خودشان را به عنوان مالکیت تقاضای ثبت نموده بودند که حاجی مهدی سلامت و محسنین و وکیل التجار، مالکین سابق رودسر به ثبت رعایا اعتراض نموده‌اند. حالیه رئیس صلح لاهیجان چهارده فقره پرونده مربوطه به تقاضانامه رعایا و اعتراض مالکین سابق را به مرکز ارسال و وزارت عدلیه نسبت تعقیب پرونده‌های فوق‌الذکر کسب دستور نموده است. با اینکه کراراً به شما دستور داده شده قصبه رودسر به انضمام کلیه ابنیه و ساختمانهایی [را] که مالکین سابق متعلق به خودشان دانسته‌اند بایستی تصرف نموده و حتی چند فقره عرصه عمارات مسکونی که مورد اختلاف رعایا و مالکین بوده آنها را نیز ضبط و به رعایا دستور دهید در اداره ثبت اسناد به عدم حقانیت خودشان اقرار و اعتراف نمایند که ورقه مالکیت شش دانگ قصبه رودسر را به انضمام قراء تابعه آن به نام مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صادر نموده و به مرکز ارسال دارید، پس از یک سال معلوم می‌شود ابداً اقدامی نسبت به این موضوع ننموده و حتی

اعتراضی را که مالکین سابق هم به ثبت رعایا نموده‌اند در صدد تعقیب آن بر نیامده‌اید که اداره صلح لاهیجان مجبور شده برای انجام امر از مرکز کسب دستور نماید. این است که اکیداً نوشته می‌شود به فوریت به اداره صلح لاهیجان مراجعه و پرونده‌هایی که به مرکز ارسال داشته بودند و مجدداً عودت داده شده ملاحظه نموده و بر طبق مقررات اقدام و هرگونه نواقص ثبتی قصبه رودسر را مرتفع نمایید که برای صدور ورقه مالکیت آن اشکالی حاصل نگردیده و ورقه مالکیت بر طبق قانون و مقررات به نام مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صادر و به مرکز ارسال گردد.

رئیس اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

سهیلی

[۱۰۴ - ۹۹۶ - ۵]

## ۱۸۸

### گزارش

نتیجه اقدامات بازرسی املاک مازندران که به شرف عرض پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی می‌رساند:

۱. راجع به اضافه انبار شالی که طی شماره ۱۵ گزارش آن عرض شده برای وصول ۴۰۵ تن که فروخته‌اند به سروان افشار طوس دستور وصول آن داده شد و برای بقیه نیز که نزد رعایا است نسبت به وصول آن اقدام نمایند.
۲. تتمه مساعده پنبه و توتون که گزارش آن به نمره ۵ عرض شده از مبلغ پانصد و یک هزار و هفتصد و هشت ریال بقیه بدهی آنها یک صد و هشتاد و چهار هزار و هفتاد و یک ریال و پنجاه دینار وصول و به سروان افشار طوس تحویل و سیصد و هفده هزار و ششصد و سی و شش ریال و پنجاه دینار آن هم در جریان وصول می‌باشد که کارپردازان مربوطه برای پرداخت آن زندانی بوده و دستور وصول به سروان افشار طوس داده شده.
۳. شغال به<sup>۱</sup> که موضوع آن طی شماره ۱۶ گزارش عرض شده از لحاظ تبانی تفاوت

۱. شغال به، نام درختی است در مازندران این درخت برای سوخت استعمال دارد. (فرهنگ دهخدا) اما در اینجا به نظر می‌رسد نام محل یا ملک باشد.



اجاره که هشتاد و سه هزار ریال بود از اشخاص تبانی کننده دریافت و به سروان افشارطوس تحویل گردید که به جمع درآمد سال ۳۱۷ املاک منظور نماید.

۴. عواید متفرقه دریافتی کشور پاد و کارپردازان تابعه که گزارش آن به عرض رسیده کلیه درآمد متفرقه ۳۴۵۵۸۰۳ ریال می باشد که پس از بررسی هزینه ساختمانی و تقویم ساختمانها که به وسیله مهندس ساختمان به عمل آمده آنچه را که پس از وضع ۴۲۵۷۰۰۰ ریال اعتبار مصوبه به مصرف هزینه ساختمانهای روستایی و غیره رسیده است ۱۳۱۶۲۰۹۶ ریال می باشد و تتمه عواید متفرقه که ۲۱۳۹۵۹۲/۴۰ ریال است چون هزینه های بیمورد از قبیل انعام و پرداخت کسری صندوق و کرایه اتومبیل سواری متصدیان بخش و هزینه غیر مجاز به دستور کشور پاد شده که قابل قبول نبود دستور دریافت آن به سروان افشارطوس از کارپردازان مربوطه به نسبتی که بدهی آنها می باشد داده شد. از این مبلغ سهمی بدهی کشور پاد نیز بابت درآمد متفرقه که به دستور او از بین برده شده ۱۹۱۸۲۹۶ ریال می باشد. کلیه دارایی کشور پاد در مازندران توقیف و دکتر صنیع پدر عیال او در ضمن بازجویی از او دارایی خود را که در حدود ۵۹۵۰۰۰ ریال است تعیین و تضمین داده است.

۵. به اضافه مبلغ ۱۹۱۸۲۹۶ ریال بدهی فوق، کشور پاد مبلغ ۱۶۸۱۰۰ ریال هم به عنوان مختلف گرفته است که دو فقره آن ۴۲۰۰۰ ریال فروش سیمان املاک و ۱۴۰۰۰ ریال فروش تخته تمیشان است اختلاس محسوب و بقیه را به نفع شخصی دریافت نمود. کلیتاً دو فقره بدهی مسلم کشور پاد ۲۰۸۶۳۹۶ ریال است که باید بپردازد.

۶. راجع به ساختمان دویست باب خانه روستایی بازجویی به عمل آمد. از تعداد دویست باب اعتبار مصوبه اخیر ۱۹۳ باب ساخته شده و ۷ باب آن نیز ساخته نشده است. از تعداد ۱۹۳ بابی هم که ساخته اند ۱۲۲ باب نیمه کاره می باشد. سروان افشارطوس مأمور گردید که وجوه باقی مانده نزد کارپردازان مربوطه را که وجه دریافت و خانه ها را نساخته اند از آنها گرفته و نسبت به کسری ساختمانهای ساخته شده اقدام نماید. ضمناً سوابق بازرسی و شکایات و کلیه اوراق مربوطه به جریان بازرسی املاک

مازندران و املاک آمل و نور و غیره از هر حیث برای بایگانی تحویل اداره حسابداری  
دربار شاهنشاهی گردید.

سرلشکر بوذرجمهری - حسن سهیلی - حسین شیبانی  
[۱۱۳ و ۱۱۲ - ۹۹۶ - د]

## ۱۸۹

اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

دایره حسابداری

شماره ۱۴۴۸۳

تاریخ ۱۳۱۹/۱۲/۶

یک برگ چک شماره ۲۰۱۱۱۲ بانک ملی مبلغ یکصد و پنجاه و یک هزار و ششصد  
و بیست و چهار ریال و پنجاه و پنج دینار بابت بهای ۲۰۸۳۹۰ کیلو شالی که به دارایی  
اقتصادی گرگان تحویل گردیده ارسال گردید که چک مزبور را به پیشگاه اعلیحضرت  
همایون شاهنشاهی تقدیم و قبض صندوق صادر نماید که [به] کاربردازی گرگان  
فرستاده شود.

رئیس اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

[در حاشیه]

مبلغ ۱۵۱۶۲۴/۵۵ ریال صادر و بدین قرار ارسال گردید.

[۵۳ - ۹۹۶ - د]

## ۱۹۰

اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

دایره حسابداری

شماره ۲۴۵۲

تاریخ ۱۳۲۰/۲/۲۸

کار پرداز املاک بجنورد ضمن شماره ۱۵۳۹ مورخه ۲۰/۲/۶ گزارش می دهد که  
مبلغ چهار صد هزار ریال بابت درآمد سال ۱۳۱۹ به شرح زیر به وسیله بانک ملی به

مرکز فرستاده است:

ریال	۴۱۶۵/۷۵	۱. بابت درآمد مستغلات
"	۲۵۰۰۰۰/۰۰	۲. بابت درآمد مراتع زمستانی
"	۱۴۹۵۷/۵۵	۳. بابت درآمد مراتع تابستانی
"	۱۶۱۷/۰۰	۴. بابت درآمد آسیاب
"	۵۳۷/۲۰	۵. بابت درآمد صیفی
"	۲۷۹۰/۲۰	۶. بابت درآمد حق الارض
"	۶۰۰۰۰/۰۰	۷. بابت فروش اجناس
"	۱۶۱۶۵/۰۰	۸. بابت درآمد باغات
"	۸۳۹۵/۱۰	۹. بابت سنگ
"	۳۵۴۰/۰۰	۱۰. بابت حق الکسب
"	۱۷۱۱۸/۹۵	۱۱. بابت حق آبه
"	۲۰۷۱۳/۲۰	۱۲. بابت ذغال
<hr/>		
"	۴۰۰۰۰۰/۰۰	

مبلغ مزبور را از بابت دریافت وجه پیشگاه ملوکانه تقدیم دارید و در مقابل قبض صندوق صادر و برای کاربردازی املاک بجنورد ارسال دارید.

رئیس اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

[۹۴-۹۹۶-د]

۱۹۱

اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

شماره ۳۳۱۹

تاریخ ۱۳۲۰/۳/۲۴

ریاست اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

مبلغ ۲۴۰۰۰۰ ریال بابت درآمد سال ۱۳۱۹ به این شرح است:

ریال	۴۰۰۰۰۰	۱. بابت درآمد جنگل - چوب و الوار -
"	۱۰۰۰۰۰۰	۲. بابت حق‌المرتع
"	۴۹۱۲/۱۰	۳. بابت مستقلات   مستغلات
"	۹۵۰۸۷/۹۰	۴. ریال بابت فروش اجناس
"		
"	۲۴۰۰۰۰۰/۰۰	

به وسیله بانک ملی تقدیم، مستدعی است امر و مقرر فرمایند قبض رسید آن را صادر و ارسال فرمایند.

رئیس کارپردازی املاک اختصاصی بجنورد

سرهنگ عرفانی

رونوشت گزارش کارپردازی املاک بجنورد به شرح فوق برای دایره حسابداری ارسال و اشعار می‌شود مبلغ مزبور را از بانک دریافت و به پیشگاه ملوکانه تقدیم و در مقابل قبض صندوق صادر و ارسال دارید که برای کارپردازی نامبرده فرستاده شود.

رئیس اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

[۹۵ - ۹۹۶ - د]

۱۹۲

اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

شماره صادره ۱۰۵۸

پیوست یک ورقه

تاریخ خروج ۱۳۲۰/۵/۳۰

پاسخ شماره ۶۸۲۷ یک ورقه رسید شماره ۸۷۷ به مبلغ ۸۲۳۱۰/۹۵ ریال بابت درآمد تیرماه / ۱۳۲۰ بنگاه چوب‌بری تمیشان به پیوست ارسال می‌گردد.

رئیس دایره حسابداری - فتح‌اعظم

[۵۶ - ۹۹۶ - د]

۱۹۳

اداره حسابداری دربار شاهنشاهی  
دایرة حسابداری

شماره ۶۸۲۷

تاریخ ۱۳۲۰/۵/۲۲

سروان پیروز بابت درآمد یک ماهه تیر ماه ۳۲۰ بنگاه چوب‌بری تمیشان مبلغ هشتاد و دو هزار و سیصد و ده ریال و نود و پنج دینار به حساب شماره یک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به بانک ملی شعبه آمل تحویل و رسید بانک را به پیوست گزارش شماره ۸۰۶ مورخه ۲۰/۵/۸ به مرکز فرستاده است. اینک رسید بانک به مبلغ نامبرده به ضمیمه ارسال می‌شود که به پیشگاه ملوکانه تقدیم و در مقابل قبض صندوق صادر و ارسال دارید که برای سروان پیروز فرستاده شود.

رئیس اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

[۵۷-۹۹۶-د]

۱۹۴

وزارت کشور

شهرداری شهر ری

۱۳۲۶/۲/۲۱

چون کاروانسرا و دکاکین متصل به آن متعلق به آقای اسماعیل خزانلی - شجاع‌الممالک - از طرف اداره حسابداری شاهنشاهی برای آرامگاه اعلیحضرت فقید خریداری می‌شود در تاریخ بالا با حضور امضا کنندگان زیر: آقای محمد ضیایی نیا معاون فرمانداری و شهردار شهر ری و آقای سراج‌الدین [ناخوانا] آبادی صاحب دفتر اسناد رسمی شماره یک شهر ری و آقای لرزاده معمار و آقای اسماعیل خزانلی - آقای اسماعیل صلاحی رئیس دادگاه مستأجرین دکاکین مورد انهدام دعوت شدند تا با آنها مذاکره شود و اگر حقی یا ادعایی نسبت به اعیان و سایر حقوق متصوره در دکاکین و کاروانسرای مورد معامله دارند با حضور آقای شجاع‌الممالک [ناخوانا] ابراز نمایند. مستأجرین مشروحه زیر اظهار نمودند که این جانبان به هیچ وجه حقی و ادعایی نسبت به دکاکین مورد انهدام که به رسم و عنوان اجاره در دست داریم نداریم فقط از نقطه نظر

نقل و انتقال زبانی متوجه ما می‌شود. و همچنین مدتی هم تا موقع پیدا کردن دکاز دیگری بیکار می‌مانیم قرار شد با رضایت آنها به تناسب حرفه و پیشه هر یک مبالغ ذیل به عنوان ارفاق و کمک و جبران بیکاری منظور گردد و صورت اسامی مستأجرین و مبلغ منظور شده جهت هر یک به شرح زیر است:

۱. آقای شاطر حسین که شغل او نانوائی است بابت انتقال تنور و چراغ فشاری نانوائی یک هزار و پانصد ریال توضیح اینکه قرار شد ۲۵۰۰ ریال به شاطر حسین داده شود.
۲. آقای عباس زمانی بقال ۵۰۰ ریال؛ ۳. ابوالقاسم نفری بقال ۵۰۰ ریال؛ ۴. قنبر اعظمی پالاندوز ۵۰۰ ریال؛ ۵. مشهدی علی و کیلی بقال ۵۰۰ ریال؛ ۶. مشهدی علی قاجاری کفاش ۵۰۰ ریال؛ ۷. سید محمد نجات فر قهوه‌چی ۱۵۰۰ ریال؛ ۸. مشهدی رمضان فتح‌اللهی ذغال فروش ۵۰۰ ریال؛ ۹. آقای سید جواد بقال هراتی ۵۰۰ ریال؛ ۱۰. آقای اصغر زمانی قهوه‌چی ۱۵۰۰ ریال؛ ۱۱. آقای محمد رزانی بقال ۵۰۰ ریال؛ ۱۲. اصغر استاد حبیب بقال ۵۰۰ ریال؛ ۱۳. استاد عباس آریایی پاره‌دوز ۵۰۰ ریال و در صورت وقوع معامله ملتزم هستیم که در ظرف مدت یک ماه از تاریخ معامله دکاکین را تخلیه نموده و حق هیچ نوع حقوقی را نخواهیم داشت.

[در حاشیه]

امضا | رئیس دادگاه شهری صلاحی ۲۶/۲/۲۱ - اثر انگشت عباس آریایی - اثر انگشت قنبر اثر انگشت علی و کیلی - اثر انگشت علی قاجاری - اثر انگشت سید محمد - اثر انگشت ابوالقاسم - سید جواد هراتی - اثر انگشت شاطر حسین - اثر انگشت محمد رزانی

[۸-۱-۹۹۷-۱۵]

۱۹۵

دربار شاهنشاهی

املاک و مستغلات موقوفه پهلوی

شماره ۳۴

تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۳۰

پیوست ۷ برگ

به عرض جناب آقای علم می‌رساند: در تعقیب نظریه معروضه با مراجعه به پرونده هیئت تجدید نظر املاک واگذاری معروض می‌دارد که:

مطابق گواهی گواهانی که در پرونده  $\frac{۴}{۳۹۵}$  ۱۳۲۱ گواهی داده‌اند خراج فرزند خراج موخالی عطا، مالک و متصرف شش دانگ قریه حاجی قلعه معرفی شده‌اند و تصرفات اعلیحضرت شاهنشاه فقید مسبق به تصرفات آنان معرفی و تصدیق شده و گواهی گواهان در مورد دعاوی مانند این دعوی با فقدان دلیل رد و جرح گواهان دارای اعتبار قانونی است و دادگاه بدوی هم به همین لحاظ مبادرت به صدور حکم نموده است. ولی دادگاه تجدیدنظر به عنوان این که طبق مراسله اداره دارایی گرگان اظهارنامه ممیزی به نام قازان نام کدخدا بوده و قبض مالیاتی به نام خاللی با فرض صحت مربوط به خواهانها نیست، حکم بدوی را فسخ و آنها را محکوم به بی‌حقی کرده و حال آنکه مطابق اصول لازم بود دادگاه دلیل انتصاب و ربط اظهارنامه‌ای که به نام قازان تنظیم و قبض و مالیاتی که به نام خاللی صادر گردیده از ابرازکننده و شاکی بخواهد چنانچه دلیلی بر ارتباط آنها نداشتند حکم بدوی را فسخ و آنها را محکوم به بی‌حقی نماید. و دادگاه بدون انجام این مراتب لازم باین که اداره دارایی هم صریحاً اشعار داشته است که حاجی لر قلعه خالصه نیست مبادرت نفع حکم بدوی و محکومیت خواهانها نموده و با این وصف معتقد است چون حکم ۶ - ۱۳۲۹/۱/۲۶ تجدیدنظر بدون رعایت تشریفات معروضه صادر گردیده از شاکیان تضییع حق شده است و با اثبات ارتباط اظهارنامه و قبض مالیاتی چنانچه می‌گویند ملک مسلم شاکیان است و بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی می‌توانند با صدور فرمانی حق آنان را مرحمت فرمایند.

کشاورز

۱۴۲۱ - ۲۲ - ۲ - ۷۹۴ - ۱۴

## ۱۹۶

### پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

به طوری که چاکران درگاه شاهنشاهی مسبق هستند در سال هزار و سیصد و او هفده وراث مرحوم احمدبدر نصیرالدوله از جمله جان نثار باغ و ابنیه و اراضی بیلاقی خود را واقعه در سعدآباد جنب کاخ به امر و فرمان مطاع اعلیحضرت شاهنشاه کبیر فقید تقدیم آستان شاهنشاهی نمودیم و از اراده ملوکانه چون فرمان یزدان اطاعت را واجب شناختیم. در چند سال قبل که ذات مقدس شهریاری اراده فرمودند که املاک به صاحبان اولیه مسترد گردد، مأمورین مربوطه به عذر غیرمعقول این که باغ و اراضی مذکور جزو

قصور اختصاصی است] و بخشش کریمانه و حکیمانه شاهانه، شامل آن نمی‌شود در استرداد آن تعلق ورزیدند. در آن موقع چون جان نثار زندگی نسبتاً مرفه و آسوده‌ای داشته از توسل به خاک‌پای مبارک و تصدیع خاطر خطیر ملوکانه خودداری نمودم. ولی امروز که چاکر با نداشتن اشتغال دولتی و عدم هیچ‌گونه [هرگونه] ممر و محل عایدی و از دست رفتن تنها منزل مسکونی از طریق اجراء ثبت و مزایده بابت طلب اشخاص و داشتن عائله زیاد مستأصل صرف و بل فنای محض هستم یگانه طریق نجات خویش و عائله خود را در این می‌بینم که دست توسل به آستان مقدس شاهنشاهی منحصرأ دراز نمایم. و بی‌آنکه مقصود جسارت مطالبه یا ادعای غبن یا امثال ذالک باشد، به عرض خاک‌پای مبارک برسانم که در حالی که اعلیحضرت همایونی از بذل تمام ثروت خود جهت آسایش رعایا و استرضای قلوب ملت مضایقه نفرموده و دقیقه‌ای فروگذار نکرده و بادلی دریا مانند و دستی ابروار باران جود و رحمت خویش را از ذیحق و بی‌حق هرگز دریغ نداشته‌اید با توجه به عرایض مشروحه فوق و پرونده موجوده امر برای نجات یک عائله قدیمی و صدیق و شاه‌پرست که افتخار تأیید این صفات را به کرات از نظر کیا اثر شاهنشاه بزرگ فقید ذخیره داشته به هر طور که صلاح و پسند خاطر خطیر ملوکانه است و اراده ذات مقدس شاهنشاهی اقتضا می‌نماید اوامر جهان مطاع شرف صدور یابد.

مورخه ۱۳۳۱/۸/۲۲

جان نثار: غلامحسین بدر

[۱۴۱ - ۲۲ - ۲ - ۷۹۴ - ۱۶]

۱۹۷

دربار شاهنشاهی

املاک و مستغلات پهلوی

شماره ۷۳۸۷/ق

تاریخ ۱۳۳۸/۱۰/۲۵

پیوست دارد

جناب آقای شاهرخ ناظر امور مالی دربار شاهنشاهی

آقایان محمود و عبدالوهاب بدر و غیره دادخواستی به خواسته یک باب طویله با یک دستگاه کالسکه‌خانه و متعلقات آن واقع در بخش ۱۱ - شمیرانات - سعد آباد - به



هیئتهای رسیدگی به امور املاک واگذاری تقدیم که به موجب احکام شماره ۴۲۵ - ۱۳۲۳/۱۲/۱۷ بدوی و ۳۶۴-۱۳۲۵/۸/۲۶ تجدید نظر، که رونوشت آنها پیوست ایفاد می شود، فقط نسبت به تفاوت بها ۷۰۰ متر از خواست ذیحق شناخته شده اند.  
معاون قضائی املاک و مستغلات پهلوی - حضرتی

|در حاشیه|

ملاحظه شد فعلاً بایگانی شود با آقای |خواننده نشد| مذاکره کردم ببیند مربوط به سعدآباد است یا املاک.

۱۹۱ - ۱ - ۹۹۷ - ۱۵

۱۹۸

دربار شاهنشاهی  
املاک و مستغلات پهلوی

تاریخ ۲۳/۱۲/۱۷

شماره ۴۲۵

پیوست ۳۶۴

تجدیدنظر ۲۵/۸/۲۶

محمود بدر و محمد بدر و عبدالوهاب بدر - پسران مرحوم نصیرالدوله - ساکن خیابان پاستور، خانه شخصی پلاک ۳/۲۹۴۵ به خواسته یک باب طویله به انضمام یک دستگاه کالسکه خانه و ابنیه متعلقه آن ملکی متصرفی اینجانبان واقع در سعدآباد شمیران را که در حدود دو هزار مترمربع مساحت داشته در چند سال قبل بدون هیچ گونه مجوز قانونی و بدون تنظیم سند و پرداخت قیمت از طرف مأمورین دربار سابق - به عنوان این که ملک مزبور مورد لزوم اعلیحضرت شاه سابق است - تصرف و ساختمانهای آن را خراب کرده و کلیه مصالح و درب و پنجره و تیرهای آن را ضبط و تصرف نموده اند. فقط در اواسط سال گذشته ۱۳۲۰ به وسیله تلفن اطلاع دادند که برای تنظیم سند ۷۷۰ متر مربع اراضی باقیمانده ملک مزبور به دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳ مراجعه شود که مصادف با وقایع شهریور شد. طبق قرار دادگاه: چون فعلاً مقتضی است تشخیص شود که آیا زمین مورد دعوی جزء لازم ساختمانهای کافیه که مجاور غربی زمین مزبور است به شمار می رود یا نه و برای تشخیص این موضوع جلب نظر

کارشناس ضرورت دارد آقای مهندس عظیم‌ا به سمت کارشناس تعیین می‌گردد و چنانچه به نظر کارشناس فضای زمین مورد بحث برای آن ساختمان لازم باشد مساحت آن قسمت زمین را که جهت شرقی آن به خیابان سعدآباد محدود و سه جهت دیگر آن در پرونده توصیف شده است معلوم نماید و بهای کنونی هر متر از آن مساحت را هم تعیین کند.

صورت جلسه می‌نماید ۱۳۲۲/۳/۱۴ در محل مورد شکایت که واقع است در جهت غربی معروف به خیابان سعدآباد که به قصر متصل می‌شود حاضر شدیم، آقای امیر حسامی وکیل شاکی توضیح دادند زمین فوق محدود است از سمت شمال به زمین کربلایی عبدالله که حدفاصل زمین مزبور دو درخت اقاچیا به فاصله نیم متر از زمین فاصله دارد، و غرباً راه اسدآباد که فعلاً آثار آن مشهود نیست، و حدفاصل همین حد غربی زمین سید محمد و سید حسن بوده که شش درخت نارون در زمین سید حسن بوده که فعلاً نیز موجود است، و از سمت جنوب به زمین مشهدی حسن که درخت توت کهنسال نیز در زمین حسن مشهود است، و از سمت شرق به وسط خیابان سعدآباد متصل است که قسمتی از آن حریم زمین مذکور هست و قسمتی نهر خیابان و پایین‌تر از نهر جنوبی خیابان آسفالته است که در زیر حریم مسیل واقع هست.

نظریه کارشناسی: ساختمان دولتی را بازدید کرده‌ام. این ساختمان به منظور رستوران ساخته شده و به قرار تحقیق رستوران کوچکی برای استفاده کارمندان وزارت دربار بوده.

[۲۲ تا ۲۰ - ۱ - ۹۹۷ - ۵]

۱۹۹

وزارت دارایی

رونوشت دادنامه شماره ۴۲۵ - ۴۳۹/۵

به تاریخ ۱۳۲۳/۱۲/۱۷ درخصوص شکایت جناب آقای محمود بدر و آقایان محمد و عبدالوهاب و دکتر ابوالقاسم و غلامحسین بدر و آقای حسینعلی دبیری و بانو جمیله شادمان به خواسته استرداد یک باب طویله و کالسکه‌خانه و متعلقات آن واقع در تهران بخش ۱۱ شمیرانات به شرح دادخواست شماره ۴۳۹ و ۴۵۸ به این توضیح که یک باب طویله و یک دستگاه کالسکه‌خانه و ابنیه متعلقه آن ملک متصرفی اینجانبان واقع در

سعدآباد شمیران که در حدود دو هزار مترمربع مساحت داشته در چند سال قبل بدون هیچ گونه مجوز قانونی از طرف مأمورین دربار سابق به عنوان این که مورد لزوم اعلیحضرت شاه سابق است تصرف و در اواسط سال ۱۳۲۰ به وسیله تلفن اطلاع داده‌اند که برای تنظیم سند ۷۷۰ متر مربع اراضی باقیمانده ملک مزبور به دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳ حوزه ثبت تهران مراجعه شود که اتفاقاً به واسطه تصادف با وقایع شهریور سال گذشته این موضوع نیز انجام نگردیده. اینک طبق مقررات قانون مصوب دوازدهم خردادماه ۲۱ تقاضای رسیدگی و احقاق حق و صدور رأی به رد عین ملک مزبور و اجور سنواتی و قیمت مصالح ساختمانی خسارت وارده را نسبت به سهام خود داریم. و مستند دعوی سوابق موجوده در اداره املاک و اگذاری است که پس از اجرای امر و صدور قرار معاینه و بازجویی محلی و رجوع به کارشناس و اجرای آنها آخرین جلسه رسیدگی برای روز چهاردهم اسفند ماه ۱۳۲۳ تعیین و در جلسه مذکور هیئت رسیدگی تصفیه امور املاک و اگذاری مرکب از آقایان مهدی مولوی و علی اکبر پزشکیان و محمدعلی پارسائی با حضور آقایان امیر حسامی و ابوالمعالی نمایندگان شاکیها و آقای صابرزاده نماینده وزارت دارائی و آقای مهندس عظیمیا مهندس کارشناس تشکیل و پس از کسب توضیحات لازمه از کارشناس نامبرده و استماع اظهارات نمایندگان طرفین آقای ابوالمعالی استمهال کرده که ظرف دو روز گواهی حصر وراثت ورثه بانو لیلی را تسلیم نماید و با انقضای دو روز و عدم تسلیم گواهی مذکور پرونده جهت تعیین تکلیف در این تاریخ از دفتر به هیئت واصل و هیئت مرکب از نامبردگان بالا پس از مشاوره چنین رای می‌دهد: عمده مدافعات وزارت دارایی خلاصه این است که زمین مورد دعوی برای ساختمانی که در مجاورت آن است ضرورت دارد. این دفاع با در نظر گرفتن عقیده کارشناس که گفته است - این ساختمان عبارت از یک سالون ۸×۱۲ و دو اطاق و یک راهرو است که تصور می‌کنم اطاقها ۳×۴ باشد و این ساختمانها اساساً به منظور رستوران ساخته شده ولی فعلاً ممکن است سالون را با گذاردن تیغه به چهار اطاق تبدیل و از آن استفاده منزل کرد. بنابراین اگر ساختمان به منظور رستوران مورد استفاده قرار گیرد زمین مذکور به مساحت ۷۷۰ متر برای آن لازم و اگر به منظور خانه مسکونی مورد استفاده واقع شود زمین مذکور برای آن ساختمان ضرورت ندارد - موجه نیست. و چون طبق قسمتی از محتویات پرونده دربار راجع به خرید اراضی مجاور کاخ سعدآباد که فعلاً در پرونده شماره ۸ راجع به دعوی مرحوم علی اصغر افراشته بایگانی است

مخصوصاً نامه شماره ۱۵۱۱ - ۲۱/۴/۱۷ اداره حسابداری دربار شاهنشاهی به عنوان اداره کل بهره‌برداری املاک واگذاری که در آن زمین متعلق به آقای بدر ۷۷۰ متر نگاشته شده و در مقابل آن عدم خریداری قید گردیده و همچنین از گواهی گواهان مالکیت و سابقه تصرف مرحوم احمد بدر ورثه نامبرده در مساحت مزبور محرز به لحاظ این که در آن تغییری داده نشده به دستور جزء الف ماده ۱۴ قانون راجع به دعاوی اشخاص نسبت به املاک واگذاری وزارت دارایی محکوم است از ده یازدهم مشاع زمین مذکور که محدود و ابعاد تمام آن مطابق اظهار کارشناس از این قرار است شمالاً بیست متر و پنجاه سانتیمتر و جنوباً بیست و دو متر به زمین بیاض متعلق به ساختمان فوق، شرقاً سی و هفت متر و نیم به خیابان سعدآباد، غرباً سی و پنج متر به ساختمان سابق الذکر خلع ید نموده به تساوی به تصرف جناب آقای محمود بدر و آقایان محمد و عبدالوهاب و دکتر ابوالقاسم و غلامحسین بدر بدهد. و راجع به زائد بر هفتصد و هفتاد متر به علت فقد دلیل مشارالیه محکومند به بی حقی و بایستی هزینه دادرسی این قسمت را طبق ماده ۲۹ قانون مذکور به خزانه دولت پردازند و نسبت به اجور سنواتی و بهاء [بهای] مصالح ساختمان و خسارات وارده، نظر به این که صدور حکم در این قسمت اختیاری است هیئت فقط رد عین را کافی می‌داند و درباب خواسته آقای حسینعلی دبیری و بانو جمیله پس از ارائه دلیل وراثت مشارالیهما نسبت به مرحومه بانو لیلی اقدام شایسته به عمل خواهد آمد. این حکم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر است.

هیئت نخستین املاک واگذاری مرکز

رونوشت یکسان است. [مهر] دفتر اداره کل حقوقی وزارت دارایی.

اجرا شود. وزیر دارایی.

[۲۴ و ۲۳ - ۱ - ۹۹۷ - ۱۵]

## ۲۰۰

### وزارت دارایی

رونوشت دادنامه شماره ۲۶۴ - ۱ - ۲۴/۲۵

به تاریخ ۲۶ آبان ۲۵ در خصوص درخواست تجدیدنظر اداره تصفیه امور املاک واگذاری نسبت به حکم شماره ۱۷/۴۲۵ - ۱۲ - ۲۳ صادر از هیئت نخستین رسیدگی امور املاک واگذاری شعبه یک مرکز که بدو آقای ذبیح‌الله امیرحسامی به وکالت از

آقایان محمود و محمد و عبدالوهاب بدر فرزندان مرحوم احمد بدر دادخواستی به طرفیت وزارت دارایی و خواسته یک باب طویله به انضمام یک دستگاه کالسکه خانه و متعلقات آن واقع در بخش ۱۱ شمیرانات - سعدآباد - مقوم به دویست هزار ریال تقدیم هیئت نخستین نامبرده نموده مفاد این که خواسته که مساحت آن در حدود دو هزار متر مربع است ملک متصرفی شاکیان بوده مأمورین دربار سابق بدون تنظیم سند و پرداخت قیمت آن را تصرف و ساختمانهای آن را خراب و مصالح بنا را هم برده‌اند درخواست حکم بر ردّ عین ملک و اجور سنواتی و قیمت مصالح ساختمانی و خسارات وارده می‌شود و به پرونده موجود در اداره املاک واگذاری و معاینه محل و بازجویی از گواهان استناد شده است و نیز دادخواست دیگری از طرف آقایان دکتر ابوالقاسم و حسین بدر و حسینعلی دبیری و بانو جمیله شادمان ورثه دیگر مرحوم احمد بدر به همان خواسته و مفاد تقدیم آن هیئت به سهمی خود از خواسته درخواست صدور حکم و احقاق حق نموده‌اند. هیئت نخستین پس از اجرای تشریفات قانونی و معاینه و بازجویی در محل و جلب نظر کارشناس به شرح و استدلال مذکور ضمن حکم خود مالکیت و سبق تصرف مرحوم احمد بدر ورثه نامبرده را در زمین محدود [خوانده نشد] به مساحت ۷۷۰ متر محرز و به لحاظ عدم حدوث تغییری در آن وزارت دارایی را محکوم دانسته به خلع ید از ده یازدهم زمین مزبور بالا و حدود معینه در حکم و تسلیم آن متساویاً به جناب آقای محمود بدر و آقایان محمد و عبدالوهاب و دکتر ابوالقاسم و غلامحسین بدر و نسبت به زائد از هفتصد و هفتاد متر به علت فقد دلیل نامبردگان را محکوم به بی‌حقی دانسته است و راجع به اجور سنواتی و بهای مصالح ساختمانی و خسارات به لحاظ اختیاری بودن صدور حکم در این قسمت تنها رد عین ملک را کافی شناخته و درباب خواسته حسینعلی دبیری و بانو جمیله اقدام شایسته را منوط به پس از ارائه دلیل وراثت آنان از مرحومه بانو لیلی دانسته است. اداره حقوقی و امور تصفیه املاک واگذاری از این حکم درخواست تجدیدنظر کرده شعبه سیّم هیئت تجدیدنظر رسیدگی به امور املاک واگذاری مرجع امر در جلسه ۲۶ آبان ۲۵ مرکب از آقایان احمد عاصم، محمدجعفر معزی، نصرالله دولت‌آبادی و ابوطالب رئیس‌زاده و مظفر صدر و باحضور آقایان فروتن نماینده اداره تصفیه و امیر حسامی وکیل آقایان محمود و محمد و عبدالوهاب بدر و محسن جهانشاهی وکیل آقایان دکتر ابوالقاسم و غلامحسین بدر و حسینعلی دبیری عسکری و بانو جمیله شادمان به قضیه رسیدگی و پس از شنیدن نظریه نماینده معزی الیه و بیانات وکلای شاکیان و اعلام پایان رسیدگی مشاوره نموده و به شرح زیر رأی می‌دهند: هر چند به طوری که از صورت معاینه محل و نظریه کارشناس معلوم است

اراضی مورد حکم هیئت نخستین به سود شاکیان - به مساحت ۷۷۰ مترمربع - ساختمان مهم و تغییرات قابل ملاحظه نشده است لکن به لحاظ مجاورت اراضی مزبوره با ساختمان موصوف ضمن صورت معاینه محل و نظریه کارشناس که برای رستوران بنا شده و ساختمان مهم به شمار می‌رود ضرورت یا عدم ضرورت اراضی مزبور برای کمال استفاده از آن ساختمان مورد نظر واقع گردیده، به نظر این هیئت با توجه به نظر کارشناس بر این که ساختمان مزبور برای رستوران بنا شده و در صورت استفاده از آن برای این منظور زمین مورد دعوی برای آن لازم است و با در نظر گرفتن اظهار صریح نماینده وزارت دارایی در جلسه رسیدگی این هیئت مبنی بر لزوم اراضی مزبور برای ساختمان مجاور حکم به رد عین اراضی مورد قانونی ندارد بنابراین با فسخ حکم مورد درخواست تجدیدنظر در قسمت رد ۷۷۰ متر به لحاظ وجود مانع رد عین ملک مقرر می‌شود طبق نظریه کارشناس بر تعیین قیمت کنونی اراضی با در نظر گرفتن وضعیت روز تصرف آن از قرار متری هشتاد ریال که نسبت به این تقویم ایراد موجهی نشده است وزارت دارایی مبلغ پنجاه و شش هزار ریال بابت قیمت ده یازدهم مساحت ۷۷۰ مترمربع اراضی موصوف و محدود ضمن حکم بدوی را به آقایان محمود و محمد و عبدالوهاب و دکتر ابوالقاسم و غلامحسین بدر پردازد و ده یازدهم هم اراضی به ملکیت دولت ابقا می‌شود.

هیئت تجدیدنظر واگذاری شعبه سوم

رونوشت با اصل برابر است که جهت ابلاغ به اداره تصفیه املاک واگذاری تهیه شده گواهی می‌شود.

امضاء هیئت حاکمه - رئیس دفتر هیئت تجدیدنظر املاک مرکز.

اجرا شود. وزیر دارایی.

رونوشت با رونوشت یکسان است. [مهر] دفتر اداره کل حقوقی وزارت دارایی.

[۲۶ و ۲۵ - ۱ - ۹۹۷ - ۵]

## ۲۰۱

دربار شاهنشاهی

املاک و مستغلات پهلوی

اداره ثبت اسناد و املاک شمیران

با ارسال رونوشت دادنامه شماره ۱۹۳۶ - ۳۸/۱۰/۵ دیوان عالی کشور که بر محکومیت قطعی آقای عبدالحسین مطهری و سایر ورثه مرحوم سید علی اکبر شمس

الواعظین صادر شده تمنا دارد:

اولاً - مفاد دادنامه پیوست را با آنچه از سند مالکیت کاخ سعدآباد استثنا شده تطبیق و در صورتی که مربوط به یکی از پلاکهای استثنائی باشد، همان طور که نسبت به صدور سند مالکیت پلاک ۱۶۵ اقدام فرمودید، نسبت به این مورد هم سند مالکیت به نام نامی بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی ارواحنا فداء صادر فرمائید.

ثانیاً - به شرح سند مالکیت کل سعدآباد پلاکهای ۹ و شماره ۱ فرعی از ۱۰ و شماره ۱۲ و ۱۶۷ و یک دانگ و نیم از شماره ۱۲ نیز استثنا گردیده، با توجه به سوابق امر علت قانونی پلاکهای مستثنا شده را مرقوم فرمایید که در رفع آن اقدام نماید.

معاون قضائی املاک و مستغلات پهلوی - حضرتی

رونوشت جهت استحضار جناب آقای شاهرخ ناظر امور مالی دربار شاهنشاهی تقدیم می شود.

معاون قضائی املاک و مستغلات پهلوی - حضرتی

[د - ۹۹۷ - ۱ - ۲۷]

۲۰۲

دربار شاهنشاهی

املاک و مستغلات پهلوی

شماره ۸۷۳۸ / ق

تاریخ ۳۸/۱۲/۱۶

جناب آقای شاهرخ ناظر امور مالی دربار شاهنشاهی

عطف به مرقومه شماره ۸۳۸ - ۳۸/۱۱/۱۷ تقدیم رونوشت احکام جهت استحضار خاطر محترم و محکومیت مدعیان اراضی بوده که جزء قصر سعدآباد شده است. مراتب به اداره ثبت شمیران نیز ابلاغ گردیده.

سرپرست املاک و مستغلات پهلوی - بهبهانیان

[د - ۹۹۷ - ۱ - ۱۳]

۲۰۳

دربار شاهنشاهی

شماره ۸۳۸

تاریخ ۱۳۳۸/۱۱/۱۷

آقای حضرتی معاون اداره املاک و مستغلات پهلوی

رونوشت احکام مربوط به آقایان وراث بدر و محمود کشتکار که ضمن نامه‌های شماره ۷۷۶۴/۵ مورخ ۱۳۳۸/۱۱/۱۰ و ۷۳۸۷ مورخه ۲۵/۱۰/۳۸ ارسال داشته بودید رسید. ظاهراً اجرای احکام مزبور مربوط به وزارت دارایی بوده و در برابر شاهنشاهی اقدامی ندارد. خواهشمند است در صورتی که اقدامی دارد اطلاع دهند.

ناظر امور مالی دربار شاهنشاهی - شاهرخ

[۱۴ - ۱ - ۹۹۷ - د]

۲۰۴

دربار شاهنشاهی

املاک و مستغلات پهلوی

شماره ۷۷۶۴/۵

تاریخ ۳۸/۱۱/۱۰

پیوست دارد

جناب آقای شاهرخ ناظر مالی دربار شاهنشاهی

آقایان [آقای] محمود کشتکار دادخواستی به خواسته ۲۵۰۰ متر زمین باغچه بخش ۱۱ تهران متصل به خیابان زعفرانیه تسلیم دادگاه املاک واگذاری نمود و به موجب احکام شماره ۲۳۸ - ۲۲/۷/۱۶ بدوی و ۳۴۳ - ۲۲/۱۰/۲۴ تجدیدنظر که رونوشت آنها [به] پیوست ایفاد می‌شود فقط نسبت به تفاوت بها ذیحق شناخته شده است.

معاون قضائی املاک و مستغلات پهلوی - حضرتی

[در حاشیه]

آقای حضرتی معاون اداره املاک و مستغلات پهلوی

رونوشت احکام مربوط به آقایان وراث بدر و محمود کشتکار که ضمن نامه‌های شماره



۷۷۶۴/۵ مورخ ۳۸/۱۱/۱۰ و ۷۳۸۷ مورخ ۳۸/۱۰/۲۵ ارسال داشته بودید رسید  
ظاهراً اجرای احکام مزبور مربوط به وزارت دارایی بوده و در دربار شاهنشاهی اقدامی  
ندارد خواهشمند است در صورتی که اقدامی دارد اطلاع دهند.  
ناظر امور مالی دربار شاهنشاهی

[۱۵ - ۱ - ۹۹۷ - د]

## ۲۰۵

### دربار شاهنشاهی املاک و مستغلات پهلوی

شماره ۳۴۳

تاریخ صدور حکم ۲۲/۱۰/۲۴ هیئت تجدیدنظر آقایان باقر شریفی و محمدعلی  
مشیری و عبدالحسین جهانشاهی کارمندان اصلی و محمود کفایی [و] عزالدین بهاءالدین  
کارمندان علی البدل درخواست کننده تجدیدنظر اداره املاک واگذاری به نمایندگی آقای  
صابر زاده طرف درخواست تجدیدنظر آقای محمود کشتکار - موضوع شکایت  
درخواست تجدیدنظر از حکم شماره ۲۳۸ مورخ ۲۲/۷/۱۶ صادره از شعبه یک تهران  
مبنی بر محکومیت وزارت دارایی به پرداخت ۲۴۸۵۰۰ ریال تاریخ ابلاغ حکم  
۲۲/۷/۲۱ و تاریخ تقدیم دادخواست تجدید نظر ۲۲/۸/۱، خلاصه جریان دعوی در  
مرحله نخستین آقای محمود کشتکار به طرفیت وزارت دارایی [خوانده نشد] از پانصد  
متر باغچه واقع در بخش ۱۱ متصل به خیابان زعفرانیه به این توضیح خواستار گردید که  
دو هزار و پانصد متر مربع اراضی پلاک شماره ۶۶ معروف به میرگاه تجریش واقع در  
بخش ۱۱ تهران و با حدود زیر - شمالاً به اراضی حسین شوفر، جنوباً به کوچه شش  
متری، شرقاً به زمین شیرداد بارسقیان، غرباً به پیاده‌رو خیابان زعفرانیه شاه سابق اراضی  
متصرف را به غصب متصرف و او را وادار کرده در دفتر اسناد رسمی در مقابل مبلغ  
مختصری محدود [ه] فوق‌الذکر را به شاه سابق انتقال داده، و چون در اراضی تغییرات  
اساسی داده شده و عین قابل استرداد نیست و مبلغ پرداختی کمتر از ده هزار ریال است  
بها [ی] حقیقی اراضی [را] با در نظر گرفتن وضعیت روز تصرف مطالبه کرده و مدارک  
دعوی عبارت است از رونوشت سند رسمی شماره ۱۸۷۹۳ مورخ ۱۹/۹/۹ مورخه نهم

آذر ماه یک هزار و سیصد و نوزده مشعر بر این که محمود کشتکار فرزند حاجی حسینعلی دو هزار و پانصد مترمربع از اراضی پارک شماره ۶۶ محدود به حدود فوق‌الذکر در مقابل یک هزار و پانصد ریال به شاه سابق انتقال داد. رأی هیئت بدوی عمده دفاع وزارت دارایی این است که اراضی مورد مطالبه برای قصر سعدآباد خریداری شده و جزء قصور سلطنتی است که هیئت صلاحیت رسیدگی ندارد، و به علاوه قسمتی از اراضی مورد انتقال داخل در خیابان زعفرانیه شده و دعوا به شهرداری موجه [متوجه] است نه وزارت دارایی، و قیمتی که از طرف کارشناس تعیین شده است با بها[ی] حقیقی اراضی نیست زیرا زمین تیرداد که مجاور این زمین است کارشناس قیمت آن را کمتر ارزیابی کرده و ارزش حقیقی اراضی مزبور همان است که در روز تنظیم سند انتقال شاکی داده شده. ایراد نماینده وزارت دارایی غیرموجه است زیرا طبق صورت مجلس معاینه که از طرف نماینده هیئت تنظیم گردیده و نظریه کارشناس نیز مؤید آن است اراضی مورد ادعا جزء قصور سلطنتی نیست و با این وصف هیئت صالح برای رسیدگی است. و علاوه، دلیلی از طرف وزارت دارایی اقامه نشده براینکه قسمتی از اراضی مورد ادعا داخل در خیابان زعفرانیه شده باشد و طبق حکایت سند رسمی مورد استناد شاکی در موقع تنظیم سند انتقال خیابان زعفرانیه وجود داشته و به همین جهت در آن اشعار شده که ملک غرباً به پیاده‌رو خیابان زعفرانیه محدود است و متصل است بنابراین صلاحیت هیئت در رسیدگی محرز در دعوی به اداره شهرداری متوجه نیست و وزارت دارایی طرف دعوی می‌باشد و چون طبق سند رسمی مورد استناد شاکی مسلم است که در روز تنظیم سند انتقال شاکی مالک و متصرف دو هزار و پانصد متر مربع به حدود زیر - شمالاً به اراضی حسین شوفر، جنوباً به کوچه شش متری، شرقاً به زمین تیرداد بارسقیان، غرباً به پیاده‌رو خیابان زعفرانیه بوده و شاه سابق از او در دفتر اسناد رسمی سند انتقال گرفته و قیمتی که کارشناس تعیین کرده با توجه به قیمتی که کارشناس برای اراضی تیرداد از قرار متری هشتاد ریال تعیین کرده و اینکه اراضی محمود کشتکار - شاکی - در جهت خیابان واقع شده و اراضی تیرداد با خیابان فاصله دارد غیر مناسب نیست و کارشناس با در نظر گرفتن وضعیت روز تصرف که در این زمینه راجع به مبانی اطلاع خود توضیحاتی داده که هیئت رسیدگی قانع شده بها [بهای] حقیقی را از قرار هر متر یکصد ریال معین کند و چون تغییرات اساسی که در اراضی مورد ادعا شده مانع از ردعین است و مورد منطبق با قسمت ب از ماده ۱۴ قانون املاک

واگذاری است و وزارت دارایی محکوم است پس از وضع یک هزار و پانصد ریال ثمن پرداخت شده و مبلغ ۲۴۸۵۰۰ ریال به شاکی بپردازد.

اعتراضات نماینده وزارت دارایی در جلسه تجدیدنظر: ۱. زمین مورد دعوی جزء کاخهای سلطنتی در تصرف املاک نمی باشد ۲. زمین مورد انتقال جزء خیابان شده و بایستی به پرونده های شهرداری راجع به خیابانها و معابر عمومی مراجعه شود ۳. نظریه کارشناس از هر جهت مخدوش است ۴. خود اینجانب در جلسه دادگاه استناد به پرونده ثبتی «کوکب مردان» نموده که این اراضی نیز جزو آن اراضی بوده، رأی هیئت تجدیدنظر به اکثریت اعتراضات نماینده وزارت دارایی در جلسه رسیدگی دادگاه تقریباً همان اعتراضاتی است که در مرحله نخستین به عمل آمده و مشروحاً در رأی بدوی مورد توجه واقع نگردیده و من جمیع الجهات رد شده است، و عمده اعتراض مربوط به قیمت زمین است که با اندک توجهی به مندرجات برگهای پرونده نخستین که کارشناس برای اراضی تیرداد که فوقاً با خیابان دارد متری هشتاد ریال تعیین نموده و زمین مورد ادعا انتقال با خیابان دارد و محققاً اراضی مجاور خیابان با اراضی غیر مجاور فرق کلی از حیث قیمت خواهد داشت و کارشناس تفاوت قیمت زمین کشتکار را با زمین تیرداد بیست ریال قائل شده و چون این اندازه تفاوت زائد از حد مقتضی به نظر نمی رسد و با حضور نماینده وزارت دارایی و نماینده دادگاه نخستین پرونده های ثبتی املاک مجاور زمین کشتکار را در ثبت شمیران ملاحظه نموده اند سپس مبادرت به اظهار نظر کارشناس کرده و نیز در دادگاه در اطراف تعیین قیمت، دلائل و نظریه خود را توضیح داده است هیئت نخستین را قانع نموده دیگر موردی برای ملاحظه پرونده ثبتی «کوکب مردان» نیست و جز تأخیر و تزییع وقت چیز دیگری برای آن مترتب نیست بنابر این جهات فوق الاشعار دادنامه بدوی صحیح به نظر می رسد و استوار می گردد.

هیئت تجدیدنظر املاک و اگذاری محل امضای آقایان باقر شریفی و عبدالحسین جهانشاهی و محمود کفائی - [خواننده نشد] مشیری عزالدین بهالدین  
[محل مهر] هیئت تجدیدنظر املاک و اگذاری.

رونوشت برابر اصل برای ارسال به وزارت دارایی گواهی می شود.

رئیس دفتر هیئت تجدیدنظر املاک و اگذاری - شرافتیان .

[۱۷ و ۱۶ - ۱ - ۹۹۷ - ۵]

## ۲۰۶

دربار شاهنشاهی  
املاک و مستغلات پهلوی

شماره ۲۳۸

در موضوع دعوی آقای محمود کشتکار به طرفیت وزارت دارایی به خواسته دو هزار و پانصد متر باغچه واقع در بخش ۱۱ منصل به خیابان زعفرانیه با این توضیح به اینکه دو هزار و پانصد متر مربع اراضی پلاک شماره ۶۶ معروف به میرگاه تجریش واقع در بخش ۱۱ تهران با حدود زیر: شمالاً به اراضی حسین شوفر، جنوباً به کوچه شش متری، شرقاً به زمین تیرداد بارسقیان، غرباً به پیاده‌رو خیابان زعفرانیه یکی از بهترین اراضی تجریش بوده شاه سابق اراضی متصرفی را به غصب تصرف و او را وادار کرده در دفتر اسناد رسمی در مقابل مبلغ مختصری محدوده فوق‌الذکر را به شاه سابق انتقال دهد و چون در اراضی تغییرات اساسی داده [شده] و عین قابل استرداد نیست و مبلغ پرداخت و کمتر از ده هزار ریال است بهای حقیقی اراضی را با در نظر گرفتن وضعیت روز تصرف مطالبه کرد.

مدارک دعوی عبارت است: از رونوشت سند رسمی ۱۸۷۹۳ مورخه نهم آذر ۱۳۱۹ مشعر بر این که کشتکار فرزند حاجی حسینعلی دو هزار و پانصد متر مربع از اراضی پلاک شماره ۱۶ محدود به حدود فوق‌الذکر را در مقابل یک هزار و پانصد ریال به شاه سابق انتقال داده. پس از جریان دعوی وصول لایحه دفاع وزارت دارایی و صدور قرار معاینه و تحقیق برای تشخیص اینکه آیا اراضی مورد مطالبه جزء قصور سلطنتی است یا نه و آیا خیابان از ملک مزبور گذشته و یا قسمتی از آن را خیابان اشغال کرده یا خیر و اجرای مدلول قرار و انتخاب کارشناس برای تعیین بهای کنونی ملک با در نظر گرفتن وضعیت روز تصرف و وصول نظریه کارشناس و چندین جلسه رسیدگی در جلسه دوازدهم مهر ماه ۱۳۲۲ هیئت به تصدی امضاکنندگان زیر توضیحات نماینده وزارت دارایی و شاکی را استماع و ختم رسیدگی را اعلام و پس از مشاوره به اتفاق چنین رأی می‌دهد: آقای عمادالدین میرمطهری رئیس، آقای احمد معاون‌زاده تهرانی کارمند، آقای یحیی سیدان کارمند. عمده دفاع وزارت دارایی این است که اراضی مورد مطالبه برای قصر سعدآباد خریداری شده و جزء قصور سلطنتی است و هیئت صلاحیت رسیدگی

ندارد و به علاوه قسمتی از اراضی مورد انتقال داخل در خیابان زعفرانیه شده و دعوی به شهرداری متوجه است نه وزارت دارایی، و قیمتی که از طرف کارشناس تعیین شده مناسب با بهای حقیقی اراضی نیست زیرا زمین تیرداد که مجاور این زمین است کارشناس قیمت آن را به مبلغ کمتر ارزیابی کرده و ارزش حقیقی اراضی مزبور همان است که در روز تنظیم سند انتقال به شاکی داده شده. ایراد نماینده وزارت دارایی غیرموجه است زیرا طبق صورت مجلس معاینه که از طرف نماینده هیئت تنظیم گردیده و نظریه کارشناس نیز مؤید آن است اراضی مورد ادعا جزء قصور سلطنتی نیست و با این وصف هیئت صالح برای رسیدگی است و علاوه، دلیلی از طرف وزارت دارایی اقامه نشده بر این که قسمتی از اراضی مورد ادعا داخل در خیابان زعفرانیه شده باشد و طبق حکایت سند رسمی مورد استناد شاکی در موقع تنظیم سند انتقال خیابان زعفرانیه وجود داشته و به همین جهت در آن اشعار شده که ملک غرباً [به] پیاده رو خیابان زعفرانیه محدود و متصل است بنابراین صلاحیت هیئت در رسیدگی محرز و دعوی به اداره شهرداری و وزارت دارایی طرف دعوی می باشد؛ و چون طبق سند رسمی مورد استناد شاکی مسلم است که در روز تنظیم سند انتقال شاکی مالک و متصرف دو هزار و پانصد مترمربع اراضی به حدود زیر: شمالاً به اراضی حسین شوفر، جنوباً به کوچه شش متری، شرقاً به زمین تیرداد بارسقیان، غرباً به پیاده رو خیابان زعفرانیه بوده و شاه سابق از او در دفتر اسناد رسمی سند انتقال گرفته و قیمتی که کارشناس تعیین کرده باتوجه به قیمتی که کارشناس برای اراضی تیرداد از قراری متری هشتاد ریال تعیین کرده و اینکه اراضی محمود کشتکار - شاکی - در جهت خیابان واقع شده و اراضی تیرداد با خیابان فاصله دارد غیرمناسب نیست و کارشناس با در نظر گرفتن وضعیت روز تصرف که در این زمینه راجع به مبانی اطلاع خود توضیحاتی داد و هیئت رسیدگی قانع شده بهای حقیقی را از قرار هر متر یک صد ریال معین کند تغییرات اساسی که در اراضی مورد ادعا داده شده است مانع از رد عین است و مورد منطبق با قسمت ب از ماده ۱۴ قانون املاک است و وزارت دارایی محکوم است پس از وضع یک هزار و پانصد ریال ثمن پرداخت شده مبلغ ۲۴۸۵۰۰ ریال به شاکی بپردازد. این رأی در ظرف مدت ده روز قابل تجدیدنظر است.

محل امضا [ی] هیئت حاکمه

۱۸ - ۱ - ۹۹۷ - ۵

## ۲۰۷

## بنیاد پهلوی

## تحول حقوقی املاک

۱. هنگامی که اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر در سال ۱۳۲۰ خاک کشور را ترک می‌فرمودند در اصفهان در یکی از دفاتر اسناد رسمی صلحنامه‌ای تنظیم و کلیه املاک و اموال خود را به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صلح فرمودند.

۲. اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به موجب فرمان شهریور ۱۳۲۰ کلیه املاک مورد صلح را به دولت واگذار و ضمناً مقرر فرمودند از محل همین املاک به ادعای اشخاص در این زمینه رسیدگی و احقاق شود. به همین مناسبت دولت اداره تصفیه املاک واگذاری را که یکی از ادارات تابعه وزارت دارایی بود برای اداره این املاک تأسیس و ضمناً قانون استرداد املاک واگذاری منصوب ۱۲ خرداد ۱۳۲۱ به تصویب مجلس رسید و دادگاه اختصاصی - هیئتهای رسیدگی به امور املاک واگذاری - به وجود آمد و مقرر شد هر کس به هر عنوان، اعم از عین یا منفعت، ادعائی نسبت به املاک مورد بحث دارد ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ تأسیس هیئتهای املاک واگذاری در هر حوزه مبادرت به تقدیم دادخواست نماید و الا بعد از گذشتن موعد مزبور حق او ساقط می‌گردد.

به همین مناسبت اشخاص زیادی دادخواستهایی به هیئتها تقدیم و احکام زیادی به نفع خود دریافت نمودند و مقداری هم از دعاوی اشخاص هنوز بعد از ۱۹ سال که از تاریخ تصویب قانون و انقضای مدت مقرر در همان قانون می‌گذرد در هیئتهای املاک واگذاری در جریان رسیدگی است و بر طبق این قانون دفاع و جوابگویی از این دعاوی به عهده وزارت دارایی - اداره تصفیه املاک واگذاری - بود.

۳. در تیرماه ۱۳۲۸ ماده واحده‌ای به تصویب مجلس شورای ملی رسید که به موجب آن از آن تاریخ - کلیه املاکی که به ملکیت قطعی دولت درآمده بود بلافاصله و رقباتی که بعداً به ملکیت دولت بعد از صدور حکم قطعی هیئتهای املاک واگذاری در می‌آمد به ملکیت بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درآمد که بنا به تصمیمی که اتخاذ فرموده‌اند به نام موقوفه خاندان پهلوی نامیده شود و درآمد آن از طرف سازمان شاهنشاهی صرف امور خیریه شود - و براساس این قانون اداره املاک و مستغلات پهلوی به وجود آمد و رقبات را که بر حوزه‌های مازندران - شاهی، بابل، آمل، ساری و غیره - گرگان، فریمان، بجنورد، گنبدکاووس، جیرفت، شهبوار، غرب - کرمانشاهان - و

سایر نقاط واقع شده بود از وزارت دارایی تحویل گرفت ولی حل و فصل دعاوی مطروحه در هیئتهای املاک واگذاری با دولت بود. اگر هم املاک و مستغلات پهلوی در دفاع از این دعاوی یا تحویل و تحول مورد حکم هیئتها دخالت می نمود به نمایندگی از طرف دولت بود.

۴. در سال ۱۳۳۴ با تصویب قانون تأسیس بنگاه خالصجات کشور از طرف کمیسیون مشترک مجلسین طبق ماده ۳ قانون مزبور کلیه حقوق و نتایج حاصله از اجرای قانون خردادماه ۱۳۲۱ که عاید دولت می شد از آن تاریخ به عهده املاک و مستغلات پهلوی واگذار شده شد با این وصف اداره تصفیه املاک واگذاری - وزارت دارایی به کلی منحل و کلیه امور مربوط به این املاک در اداره املاک و مستغلات پهلوی مستقر گردید، و ضمن بهره برداری از املاک و حل و فصل دعاوی مربوطه آنچه از رقبات به ملکیت قطعی بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مستقر می شد طبق فرمان همایونی بین رعایا - پس از تبدیل سند مالکیت صادره اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر به نام بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی - تقسیم و بقیه از طرف املاک بهره برداری می شد و این موضوع الی حال نیز ادامه دارد.

۵. در سال ۱۳۳۶ به موجب فرمان همایونی مؤسسه خیریه ای به نام بنیاد پهلوی به منظور توسعه و پیشرفت بهداشت و آموزش و کمک به مستمندان و امور خیریه و عام المنفعه تأسیس گردید که این مؤسسه به شماره ۲۹۸۷ - ۳۷/۳/۱۹ در اداره ثبت شرکتها به ثبت رسید و امور آن توسط هیئت مدیرانی که عبارت بودند از: مقامات نخست وزیر، وزیر دربار شاهنشاهی، رئیس مجلس سنا، رئیس مجلس شورای ملی و رئیس دیوان عالی کشور و دو نفر به انتخاب اعلیحضرت همایونی که عبارتند از جنابان آقایان اسدالله علم و عماد تربتی و یک نفر مدیر عامل، جناب آقای محمدجعفر بهبهانیان بر طبق اساسنامه ثبت شده اداره می گردید. سرمایه بنیاد پهلوی عبارت بود از مهمانخانه های املاک پهلوی و رقباتی که اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی اعطا فرمودند. و مقرر بود این رقبات به موجب اسناد رسمی از طرف بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به مؤسسه خیریه بنیاد پهلوی انتقال داده شود و این مؤسسه بر طبق قانون هنوز به قوت و اعتبار خود باقی است.

وضع رقباتی که بنا به فرمان همایونی به صورت وقف درآمد است:

این رقبات شامل سه قسمت است.

الف - رقباتی که سند مالکیت آن به نام بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تبدیل شده و از جهت ثبت آن به صورت وقف بلاشکال است و این رقبات عبارتند از:

۱. قریه مشهد سر - بابلسر - ۲. هتل چالوس ۳. قریه گچسر ۴. اراضی هتل خرمشهر، و برای تعیین حدود و پلاک و اخذ سند مالکیت جداگانه به نام مهمانخانه بابلسر و کازینو بابلسر و ویلاهای بابلسر و هتل گچسر می‌باید اداره املاک و مستغلات پهلوی برای تفکیک و تعیین پلاک علی‌حده و اخذ مالکیت آن از طریق اداره ثبت اقدام و اسناد مالکیت را برای ثبت وقف آماده نمایند.

ب - رقباتی که متعلق به بنیاد پهلوی است و طبق قوانین می‌باید ترتیب ثبت آن به صورت وقف داده شود و این رقبات عبارتند از:

۱. هتل ونک که سند مالکیت آن به نام بنیاد پهلوی است ۲. پرورشگاه فرمانفرمائیان و سایر رقباتی که ممکن است سند مالکیت به نام بنیاد پهلوی صادر شده باشد.

ج - رقباتی که متنازع‌فیه است و یا وضع ثبتی آن روشن نیست و این رقبات عبارتند از:

۱. هتل رامسر و کلیه توابع آن که در محدوده ثبتی سخت‌سر و سلمرودسر، و دیگر رقبات قرار گرفته است. و این رقبات مورد ادعای اشخاص است و دادخواست‌هایی در هیئتهای املاک و اگذاری در جریان رسیدگی می‌باشد و نسبت به برخی از آنها حکم قطعی صادر و مهمانخانه و ویلاها از مورد حکم مستثنی گردیده ولی نسبت به ادعای سایرین در جریان رسیدگی است و قبل از صدور حکم قطعی و تعیین تکلیف از طرف هیئتهای املاک و اگذاری و یا صدور گواهی از هیئتها مبنی بر اینکه نسبت به مهمانخانه و توابع با تعیین حدود و مشخصات معین ادعایی نیست - و تصور نمی‌رود دادگاه املاک چنین گواهی‌ای صادر نماید - تفکیک رقبات مورد وقف در رامسر و تعیین پلاک و اخذ سند مالکیت ممکن نیست تا بتوان نسبت به ثبت آن به عنوان وقف اقدام نمود.

۲. مهمانخانه دربند وضع ثبتی آن غیر مشخص و برای تفکیک و پلاک‌گذاری و صدور سند مالکیت اشکالاتی موجود است که اداره املاک از طریق اداره ثبت بایستی اقدام نماید تا پس از روشن شدن وضع ثبتی و صدور سند مالکیت بتوان درباره ثبت آن به عنوان وقف اقدام نمود.

۳. هتل آبعلی - سند مالکیت شش دانگ مزرعه چشمه علی به پلاک شماره ۱۵ به نام اعلیحضرت فقید کبیر صادر شده است که مهمانخانه آبعلی در محدوده آن واقع شده و قسمتی از اراضی این سند مالکیت نیز از طرف هیئتهای املاک و اگذاری به نام اشخاص



حکم صادر شده است، و به هر حال محدوده مهمانخانه آبعلی از طرف املاک می باید تفکیک و از طرف ثبت پلاک گذاری شده و سند مالکیت به نام اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صادر گردد تا اقدام به ثبت آن به عنوان وقف بشود.

۴. هتل شاهی وضع ثبتی آن روشن نیست و می باید تفکیک و پلاک گذاری و سند مالکیت به نام اعلیحضرت همایونی صادر شود تا به عنوان وقف ثبت گردد.

۵. هتل آمل - وضع ثبتی آن روشن نیست و به طریق فوق باید اقدام گردد.

۶. هیلتون وضع اراضی آن روشن نیست زیرا اراضی آن جزو خالصجات دولتی و مورد ادعای اشخاص است که بین دولت و اهالی اوین و ونک دعوی در جریان رسیدگی است و تا قبل از انتقال این اراضی از طرف دولت یا مالک به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ثبت و قفیت آن ممکن نیست.

۷. هتل شیراز - اراضی آن متعلق به آقای نمازی است و می باید انتقال رسمی آن صورت پذیرد تا ثبت وقف آن ممکن باشد.

۸. اموال هتل رزیدانس و حق سرقتی.

۹. موضوع سهام شرکتها و ارزش اسمی آنها و اینکه چه مقدار از قیمت این سهام پرداخت و چه مبلغ آن تعهدی است و همچنین موضوع بنگاه دارو پخش و پرورشگاهها می باید در جلسه ای با حضور جنابان آقایان علم و بهبهانیان روشن شود.

۱۰. بعضی از مهمانخانه ها در رهن است و قبل از فک رهن ثبت آن به عنوان وقف، ممکن نیست.

## ارزیابی

۱. موضوع ارزیابی غیر منقول چنانچه از مراجع صلاحیتدار مثل اداره ثبت تقاضا شود که اشخاص مطلع و بصیری را مأمور نمایند که به اتفاق مأمورین بنیاد پهلوی عمل ارزیابی را انجام دهند و فقط فوق العاده و هزینه سفر قانونی مأمورین از طرف بنیاد پهلوی پرداخت شود به صلاح خواهد بود.

۲. راجع به سهام شرکتها ارزش اسمی آنها معلوم و به همان میزان تعیین قیمت شود.

۳. راجع به اموال منقول و اثاثیه مهمانخانه ها هیئتی از بانک کارگشایی دعوت شوند به اتفاق مأمورین بنیاد پهلوی ارزیابی نمایند.

## هزینه

راجع به مالیات، و حق تمبر و عوارض و حق الثبت و حق التحریر

۱. راجع به مالیات چون واقف شخص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و طبق قانون مالیات بر درآمد مصوب ۱۳۳۴ از پرداخت مالیات معاف هستند از این حیث اشکالی به نظر نمی‌رسد.

۲. راجع به حق الثبت و عوارض و حق تمبر و غیره باید مطالعه شود که می‌توان آنها را مشمول قانون مالیات دانست یا خیر؟ و الا برای معافیت از پرداخت آنها باید تصویبنامه هیئت وزیران که بعداً به مجلسین تقدیم شود گذرانند.

۳. راجع به حق التحریر می‌باید دفتر اسناد رسمی که به طور اختصاصی کارهای بنیاد پهلوی را انجام خواهد داد تعیین گردد تا ترتیب پرداخت حق التحریر و اخذ تخفیف لازم به او داده شود.

[۶۲ - ۳۲۲۱ - ۴۵۱۳ - ش ۱]



مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵

ملاحظات	موجودی			مصارف			مابقی		شرح	تاریخ		ردیف
	تربت	نقد	ذخیره	تربت	نقد	ذخیره	تربت	نقد		ماه	روز	
									مابقی اول			
							۵۹۰۸۱	۲	۱۵۰	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۱
							۳۸۰۰۰۰	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۲
							۱۰۰۰۰	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۳
							۲۰۰۰۰	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۴
							۹۰۰۰	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۵
							۱۳۵۰۰	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۶
							۷۰	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۷
							۲۶۶۸	۵	۷	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۸
							۱۳	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۹
							۲۵۰۰۰	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۱۰
							۱۹۷۲	۵	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۱۱
							۹۰۰	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۱۲
							۴۵۰۰	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۱۳
							۱۰۹	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۱۴
							۵۴	۱	۹	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۱۵
							۱۵۰۰	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۱۶
							۱۹	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۱۷
							۲۴۵۰	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۱۸
							۲۰۷۲	۹	۵	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۱۹
							۴۹۳	۱	۹۵	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۲۰
							۳۲۹۱	۸	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۲۱
							۲۷۷۲	۹	۱۵	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۲۲
							۷۸۲۶۹	-	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۲۳
							۲۷۹۱۰	۷	۷۵	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۲۴
							۹۷۹۴۵	۹	۹۵	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۲۵
							۹۲۵۷۷	۴	۱۰	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۲۶
							۴۴۷۵۰	۷	۹۰	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۲۷
							۴۴۶۴۹	۷	۴۵	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۲۸
							۷۶۱۵۴	۵	۷۰	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۲۹
							۳۰۵۰۰	۲	-	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۳۰
							۴۴۸۵۴	۹	۸۰	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۳۱
							۴۵۴۰۴	۹	۱۵	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۳۲
							۵۲۱۵۴	۷	۲۵	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۳۳
							۸۱۹۰۹	۵	۵۰	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۳۴
							۳۱۰۱۰	-	۳۰	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۳۵
							۳۱۰۱۰	-	۴۰	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۳۶
							۹۳۸۶۴۹	۹	۴۵	مدرست بهیشت و خارج یکماد ۱۳۰۵		۳۷

*[Handwritten signature]*

بایگ بابت و خارج بایگ ۱۳۰۹

ردیف	شرح	مایدیانت		مخارج		ایستاد		مجموع	
		بابت	بابت	بابت	بابت	بابت	بابت	بابت	بابت
۱	بایگ بابت	۳۱۰۱۰	-						
۲	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۸۰۰۰۰	-						
۳	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۴۰	-						
۴	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۵	-						
۵	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۱۰۹۷	۹						
۶	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۱۲۰۰۰	-						
۷	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۱۵	-						
۸	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۹۰۰۰	-						
۹	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۲۵۰	-						
۱۰	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۹۵	۴						
۱۱	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۲۴۹	۹						
۱۲	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۱۴۸۹۴	-						
۱۳	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۱۴۴۵۵	-						
۱۴	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۷۰	-						
۱۵	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۱۵	-						
۱۶	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۱۰	-						
۱۷	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۲۸	-						
۱۸	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۱۰	-						
۱۹	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۱۴۵۰	۵						
۲۰	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۱۳۲۱۴	۷						
۲۱	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۵۹۱۴	۷						
۲۲	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۳۰۰۰	-						
۲۳	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۳۷۹۱۰	۲						
۲۴	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۲۹۰۰	-						
۲۵	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۴۰۱	۹						
۲۶	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۲۸۱۵۴	۹						
۲۷	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۸۸۹۰	۹						
۲۸	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۲۰۸۱	۹						
۲۹	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۴۹۵۸	۵						
۳۰	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۵۵۱۱	۸						
۳۱	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۹۰۱۴	۷						
۳۲	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۴۱۴۸	۲						
۳۳	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۹۹۹۳	۹						
۳۴	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۴۹۹۹۳	۹						
۳۵	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۸۸۴۹۸	۸						
۳۶	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۸۹۹۴۸	۴						
۳۷	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۷۹۰۹۵	۲						
۳۸	بابت بایگ بابت ۱۳۰۹	۱۱۹۲۵۱	-						
	جمع	۱۲۹۲۵۴	-	۹۰۴۲۵۴	۹	۷۴۵۷۱۷	۷		

بابت بایگ بابت ۱۳۰۹

*[Handwritten signature]*

دوخت پهلوی‌ها (مجموعه اسناد) ۱۳۰۷

ردیف	شرح	مبالغ			تاریخ		
		دینار	قرین	درهم	روز	ماه	سال
۱	اعیانه						
۲	پهلوی‌ها	۱۲۹۲۵۳	-	۹۰			
۳	پهلوی‌ها	۳۸۰۰۰۰	-	-			
۴	پهلوی‌ها	۱۴۰۷۵	-	-			
۵	پهلوی‌ها	۵۵۹۱۱	-	۹۰			
۶	پهلوی‌ها	۴۴۰۰	-	-			
۷	پهلوی‌ها	۳۲۷۱	-	۵۰			
۸	پهلوی‌ها	۴۰	-	-			
۹	پهلوی‌ها	۱۵	-	-			
۱۰	پهلوی‌ها	۱۹۵	-	-			
۱۱	پهلوی‌ها	۱۴	-	-			
۱۲	پهلوی‌ها	۳۳	۳	۳۰			
۱۳	پهلوی‌ها	۲۱۵۹	۱	۷۰			
۱۴	پهلوی‌ها	۹۱۵۲	۲	۴۰			
۱۵	پهلوی‌ها	۳۱۴۴۰	۵	۳۰			
۱۶	پهلوی‌ها	۱۹۰	-	-			
۱۷	پهلوی‌ها	۵۰۲۷۷	۷	۵۰			
۱۸	پهلوی‌ها	۹۷	-	-			
۱۹	پهلوی‌ها	۱۰۰	-	-			
۲۰	پهلوی‌ها	۵۹۱۴	۷	۹۰			
۲۱	پهلوی‌ها	۱۸۰۷۲	-	-			
۲۲	پهلوی‌ها	۳۰۳۹۸	۸	۹۰			
۲۳	پهلوی‌ها	۲۵۴۲۰	۲	۹۰			
۲۴	پهلوی‌ها	۴۸۲۲	۵	-			
۲۵	پهلوی‌ها	۲۳۲۷۸	۴	۱۰۰			
۲۶	پهلوی‌ها	۳۵۱۱۲	۲	۱۵			
۲۷	پهلوی‌ها	۴۲۹۷۰	۴	۹۰			
۲۸	پهلوی‌ها	۵۷۸۹۲	۵	۱۰			
۲۹	پهلوی‌ها	۱۰۲۰۷۸	-	۵۰			
۳۰	پهلوی‌ها	۹۷۹۹۱	۲	۴۰			
۳۱	پهلوی‌ها	۳۱۵۴۸	۲	۹۰			
۳۲	پهلوی‌ها	۴۷۹۲۰	-	۷۰			
۳۳	پهلوی‌ها	۴۲۴۹۲	۹	۵۰			
۳۴	پهلوی‌ها	۳۵۱۵۴	۸	۴۰			
۳۵	پهلوی‌ها	۳۷۱۹۵	۵	۹۰			
۳۶	پهلوی‌ها	۴۳۹۸۱	۹	۹۰			
۳۷	پهلوی‌ها	۹۰۳۰۲۰	۲	۳۰	۹۰۳۹۸۸	۲	۷۰
۳۸	پهلوی‌ها	۱۰۰۰۱۹۰	۲	۱۰۰			
۳۹	پهلوی‌ها						
۴۰	پهلوی‌ها						
۴۱	پهلوی‌ها						
۴۲	پهلوی‌ها						
۴۳	پهلوی‌ها						
۴۴	پهلوی‌ها						
۴۵	پهلوی‌ها						
۴۶	پهلوی‌ها						
۴۷	پهلوی‌ها						
۴۸	پهلوی‌ها						
۴۹	پهلوی‌ها						
۵۰	پهلوی‌ها						
۵۱	پهلوی‌ها						
۵۲	پهلوی‌ها						
۵۳	پهلوی‌ها						
۵۴	پهلوی‌ها						
۵۵	پهلوی‌ها						
۵۶	پهلوی‌ها						
۵۷	پهلوی‌ها						
۵۸	پهلوی‌ها						
۵۹	پهلوی‌ها						
۶۰	پهلوی‌ها						
۶۱	پهلوی‌ها						
۶۲	پهلوی‌ها						
۶۳	پهلوی‌ها						
۶۴	پهلوی‌ها						
۶۵	پهلوی‌ها						
۶۶	پهلوی‌ها						
۶۷	پهلوی‌ها						
۶۸	پهلوی‌ها						
۶۹	پهلوی‌ها						
۷۰	پهلوی‌ها						
۷۱	پهلوی‌ها						
۷۲	پهلوی‌ها						
۷۳	پهلوی‌ها						
۷۴	پهلوی‌ها						
۷۵	پهلوی‌ها						
۷۶	پهلوی‌ها						
۷۷	پهلوی‌ها						
۷۸	پهلوی‌ها						
۷۹	پهلوی‌ها						
۸۰	پهلوی‌ها						
۸۱	پهلوی‌ها						
۸۲	پهلوی‌ها						
۸۳	پهلوی‌ها						
۸۴	پهلوی‌ها						
۸۵	پهلوی‌ها						
۸۶	پهلوی‌ها						
۸۷	پهلوی‌ها						
۸۸	پهلوی‌ها						
۸۹	پهلوی‌ها						
۹۰	پهلوی‌ها						
۹۱	پهلوی‌ها						
۹۲	پهلوی‌ها						
۹۳	پهلوی‌ها						
۹۴	پهلوی‌ها						
۹۵	پهلوی‌ها						
۹۶	پهلوی‌ها						
۹۷	پهلوی‌ها						
۹۸	پهلوی‌ها						
۹۹	پهلوی‌ها						
۱۰۰	پهلوی‌ها						

دوخت

سویت مدیریت و خدماتی - بهر اول سال ۱۳۰۸ - مدیریت - اول شهریور - خرداد - تیرماه ۱۳۰۸

برآمد

ردیف	شرح	سویت			مدیریت			درصدات
		مدیریت			مدیریت			
		تیر	خرداد	فروردین	تیر	خرداد	فروردین	
<b>۱۳۰۸ ماه اول</b>								
۱	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۰۰	-	-				
۲	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۰۰	-	-				
۳	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۱	-	-				
۴	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۲۵	۵	-				
۵	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۲۹۲	۸	۹				
۶	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۰۰۰۰	-	-				
۷	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۲۹۹۷۵	۵	۷۵				
۸	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۱۵۲۹	۳	۹	۱۱۵۵۰	۸	۱۵	
<b>۱۳۰۸ ماه دوم</b>								
۹	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۰۰	-	-				
۱۰	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۷۵	۵	-				
۱۱	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۷۱۵	-	-				
۱۲	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۰۰	-	-				
۱۳	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۱	-	-				
۱۴	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۲۵	۵	-				
۱۵	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۲۹۲	۸	۹				
۱۶	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۳۷۴۳۶	۶	۹				
۱۷	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۰۰۰۰	-	-				
۱۸	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۷۱۱۴	۵	۴				
۱۹	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۷۹۵۰۴	۹	-	۳۲۳۱۸	۵	۸	
<b>۱۳۰۸ ماه سوم</b>								
۲۰	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۰۰	-	-				
۲۱	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۰۰	-	-				
۲۲	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۲۵	۵	-				
۲۳	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۲۹۲	۸	۹				
۲۴	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۲	-	-				
۲۵	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۰۰۰۰	-	-				
۲۶	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۳۷۸۸۹	۷	۹۵				
۲۷	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۱۵۲۲	۳	۹	۳۲۵۵	۵	۷۵	
<b>۱۳۰۸ ماه چهارم</b>								
۲۸	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۳۹۹	۲	-				
۲۹	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۰۰	-	-				
۳۰	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۰۰	-	-				
۳۱	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۲۵	۵	-				
۳۲	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۲۹۲	۸	۹				
۳۳	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۱۵	-	-				
۳۴	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۰۰۰۰	-	-				
۳۵	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۳۷۱۹	۴	-				
۳۶	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۴۱۹۰۰	۵	۹	۳۷۹۴	۱	۹	
۳۷	بیت مدیریت شهری ۱۳۰۷	۳۱۹۰۰	۵	۱۰	۳۷۹۴	۱	۹	

۱۱۵

دولت ساسانی و ساسانیان - ۱۳۰۸ - ۱۳۰۸ - ۱۳۰۸ - ۱۳۰۸

سومین

ردیف	شرح	میانگین			مجموع			ملاحظات
		میانگین		مجموع	میانگین		مجموع	
		تاریخ	تاریخ	تاریخ	تاریخ	تاریخ	تاریخ	
<b>مجموع ابراهیم ماه ۱۳۰۸</b>								
<b>(میانگین)</b>								
۴۷	بیت ابراهیم ماه ۱۳۰۸	۴۰۰	-	-	-	-		
۴۸	بیت ابراهیم ماه ۱۳۰۸	۳۰۰	-	-	-	-		
۴۹	بیت ابراهیم ماه ۱۳۰۸	۴۲۵	۵	-	-	-		
۵۰	بیت ابراهیم ماه ۱۳۰۸	۴۹۲	۱۹	-	-	-		
۵۱	بیت ابراهیم ماه ۱۳۰۸	۱۵۰	-	-	-	-		
۵۲	بیت ابراهیم ماه ۱۳۰۸	۴۰۰	۰۰۰	-	-	-		
<b>(مجموع)</b>								
۳۸۷۷۷	۷۷۵							
۴۱۵۶۸	۳۹	۴۱۵۶۸	۳۹	۲۸۹۰	۵	۱۰		
<b>مجموع شهر فروردین ماه ۱۳۰۸</b>								
<b>(میانگین)</b>								
۴۵	بیت ابراهیم شهر فروردین ماه ۱۳۰۸	۳۱۵	-	-	-	-		
۴۶	بیت ابراهیم شهر فروردین ماه ۱۳۰۸	۴۰۰	-	-	-	-		
۴۷	بیت ابراهیم شهر فروردین ماه ۱۳۰۸	۴۲۵	۵	-	-	-		
۴۸	بیت ابراهیم شهر فروردین ماه ۱۳۰۸	۴۹۲	۱۹	-	-	-		
۴۹	بیت ابراهیم شهر فروردین ماه ۱۳۰۸	۱۵۰	-	-	-	-		
۵۰	بیت ابراهیم شهر فروردین ماه ۱۳۰۸	۴۰۰	۰۰۰	-	-	-		
<b>(مجموع)</b>								
۳۲۱۵۲	۲۹۵							
۴۱۵۶۸	۳۹	۴۱۵۶۸	۳۹	۲۸۹۰	۵	۱۰		
<b>مجموع شهر اردیبهشت ماه ۱۳۰۸</b>								
<b>(میانگین)</b>								
۵۲	بیت ابراهیم شهر اردیبهشت ماه ۱۳۰۸	۸۹۵	-	-	-	-		
۵۳	بیت ابراهیم شهر اردیبهشت ماه ۱۳۰۸	۱۰	-	-	-	-		
۵۴	بیت ابراهیم شهر اردیبهشت ماه ۱۳۰۸	۲۰	-	-	-	-		
۵۵	بیت ابراهیم شهر اردیبهشت ماه ۱۳۰۸	۱۹	۹۵	-	-	-		
۵۶	بیت ابراهیم شهر اردیبهشت ماه ۱۳۰۸	۴۰۰	-	-	-	-		
۵۷	بیت ابراهیم شهر اردیبهشت ماه ۱۳۰۸	۳۰۰	-	-	-	-		
۵۸	بیت ابراهیم شهر اردیبهشت ماه ۱۳۰۸	۴۱۵	-	-	-	-		
۵۹	بیت ابراهیم شهر اردیبهشت ماه ۱۳۰۸	۴۹۲	۱۹	-	-	-		
۶۰	بیت ابراهیم شهر اردیبهشت ماه ۱۳۰۸	۱۵۰	-	-	-	-		
۶۱	بیت ابراهیم شهر اردیبهشت ماه ۱۳۰۸	۴۰۰	۰۰۰	-	-	-		
<b>(مجموع)</b>								
۳۲۹۵۱	۴۸۵							
۴۱۵۶۸	۳۹	۴۱۵۶۸	۳۹	۲۸۹۰	۵	۱۰		
<b>مجموع شهر خرداد ماه ۱۳۰۸</b>								
<b>(میانگین)</b>								
۶۲	بیت ابراهیم شهر خرداد ماه ۱۳۰۸	۸۰۵	۲	-	-	-		
۶۳	بیت ابراهیم شهر خرداد ماه ۱۳۰۸	۹۹۵	۸	-	-	-		
۶۴	بیت ابراهیم شهر خرداد ماه ۱۳۰۸	۴۰۰	-	-	-	-		
۶۵	بیت ابراهیم شهر خرداد ماه ۱۳۰۸	۳۰۰	-	-	-	-		
۶۶	بیت ابراهیم شهر خرداد ماه ۱۳۰۸	۴۱۵	-	-	-	-		
۶۷	بیت ابراهیم شهر خرداد ماه ۱۳۰۸	۴۹۲	۱۹	-	-	-		
۶۸	بیت ابراهیم شهر خرداد ماه ۱۳۰۸	۱۵۰	-	-	-	-		
۶۹	بیت ابراهیم شهر خرداد ماه ۱۳۰۸	۴۰۰	۰۰۰	-	-	-		
<b>(مجموع)</b>								
۳۲۹۵۱	۴۸۵							
۴۱۵۶۸	۳۹	۴۱۵۶۸	۳۹	۲۸۹۰	۵	۱۰		
۳۲۹۵۱	۴۸۵	۳۲۹۵۱	۴۸۵	۲۳۲۸۱۳	۸	۵۵		

Handwritten signature or mark.



صورت‌بند مالیات ملایک

مالیات طوقی		مالیات مزروعی				مالیات		اسم قریه
کندز	فقد	جس	کندز	فقد	فقد	اسم قریه		
۷۲۰	۱۵	۷۸۰	۷۸۰	۲۸۸۰۰	۲۸۸۰۰	بلاست		
-	-	۷۸۰	۷۸۰	۲۸۸۰۰	۲۸۸۰۰	قوسه		
-	-	۷۲۰	۷۲۰	۲۶۸۸۰۰	۲۶۸۸۰۰	فلسه نو		
-	-	۵۴۰	۵۴۰	۲۰۱۶۰۰	۲۰۱۶۰۰	ناما نرند		
-	-	۵۴۰	۵۴۰	۲۰۱۶۰۰	۲۰۱۶۰۰	آرمبویه		
۷۲۰	۱۵	۳۳۶۰	۳۳۶۰	۱۲۴۹۲۰۰	۱۲۴۹۲۰۰	حکومت		

حقایق این در خانه حاج و در آنجا معلوم است که اینها در صورت سابقه مالیات داده می‌شود





صورت اعداد کور به لفظ از آن‌ها منقذ

فهرشته	شماره					تاریخ ثبت	روز	ماه	شماره
	ری	دوم	تیسر	چهارم	پنجم				
پهلوی - کور - پهلوی - پهلوی - کور	-	-	-	-	۳	۱۴۰۹	۲۰	پهنه	۱
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	۲	۱۴۰۹	۱۹	دورین	۲
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	-	-	-	-	۳
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	-	-	-	-	۴
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	۳	۱۴۰۹	۱۴	پهنه	۵
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	۳	-	-	-	۶
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	-	-	-	-	۷
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	۱	-	-	-	۸
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	-	-	-	-	۹
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	۶	-	-	-	۱۰
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	۵	۳	-	-	-	۱۱
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	۱	-	-	-	۱۲
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	۷	-	-	-	۱۳
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	۱۰	-	-	-	۱۴
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	۱	۱	-	-	-	۱۵
پهلوی - کور - پهلوی - کور - پهلوی	-	-	-	-	۴	-	-	-	۱۶

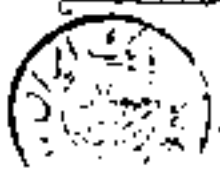
در بند اول حسن و بی بری

مردم است	تعداد نهان	قیمت			در کدام مفرغ ثبت شده
		تومان	قوان	درصد	
بصورت یک در متن جدول اول و دوم	گروه و گروه	۴۰۰۰	-	-	بنام اولیایم گوی
	گروه اول	۴۵۰	-	-	بنام این گروه بنام مفرغ و مفرغ مکرر
	گروه دوم	۲۲۷	۵	-	بنام سید کریم و مفرغ مکرر
	۱۰ گروه نهان	۲۲۵	-	-	بنام بنام این گروه
	گروه	۵۰۰	-	-	" " "
	۲۲ در	۲۳۰۰	-	-	در مفرغ مکرر
	گروه	۲۱۵۰	-	-	در مفرغ بنام این گروه
	-	۵۰۰	-	-	" " "
در مفرغ از طرف مفرغ مکرر	گروه	۱۹۷۵	-	-	در مفرغ بنام این گروه
	۹ در	۲۷۰	-	-	" " "
	۱۵ در	۱۷۵	-	-	" " "
	گروه	۵۵	-	-	" " "
	۵ در	۳۹۰	-	-	" " "
		۴۲۰	-	-	" " "
		۴۴	-	-	" " "
	۳ در	۲۰۰	-	-	" " "

۲۱۷

صورت هاجمه املاک تنگین و کلارستان و سیارستان انتقالی بانک ایران به اعلیحضرت اندلس هاجیون شاهنشاهی ارواحش با اسناد

دریاضی بانک		تیمت املاک		شرح
شماره	د	شماره	د	
		۷۰۶۶۱۰۰	۰۰	تیمت املاک بمغایق نیاخته انتقالی . . . . .
				پرداختی بفرورس حدیقه بانک ایران که اسناد آن تحویل گردیده در ریاضی وجه نقد
۱۰۱۰۰۰۰	۳۸			اسناد نعلب میرزا اسمعیل خان حشم الدوله . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۱۰			خانم حاجیقلی‌الله‌شسته متعلقه حشم الدوله . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۴			آقای صدق‌خان نزارالمطرفه . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۱۰			کسیخ . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			امیرعلی‌کلیچ جنونی . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			میرزا نوزادالدین خان کزازی . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۱۰			مرتبه مرحوم عبدالدوله . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			سورانی خان ماسینی . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			عقیقه خانم . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			علیم السلطنه . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۸۲			ابوالحسن خان کزاسیاج . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			ایشماق افزون خانم . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			ماه رخساره خانم . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			مغزیه خانم . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			کریم‌خان خانم . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۳۰			دکتر امیرخان . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			مرتضی خان حقیقی . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			امیر منصورخان . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			امیر هوشنگ خان . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			امیر محمود خان . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			قدسیه خانم . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			میرزا بابا . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۱۴			سیوهار . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			سریانی اصغر . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			میرزا عبدالعزیز خان سلطانی . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			صدیق خانم . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۱۰			آقای امیر نظام . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			میرزا یوسف خان صدیقی . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			شیخ علی آقا . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۵۵			رفیقه خانم . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۱۰			کوه‌خانم . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۱۰			میرزا رحیم خان زند قهقبر . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			میرزا علی‌خان قلی‌بیگ . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			سید ارسلان داور . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			صغریه خانم سیاهی . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۲۰			مرتبه مرحوم عبدالدوله . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	—			رفیقه خانم . . . . .
۱۰۰۰۰۰۰	۱۰			وجه نقد حواله بانک ملی دریافت شده . . . . .
۷۰۶۶۱۰۰	—	۷۰۶۶۱۰۰	—	



مطابق صحیح و صحیح فوق تیمت املاک انتقال صحیح گردید

۲۱۸

فرواندهای رشت و فرانسویان در ۱۳۱۱

ردیف	شرح	مبلغ ریالت		توضیحات
		ریالت	قروش	
۱	بابت پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱	۳۱۴۰۸۰	-	
۲	بابت پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱	۲۷۸۰۶۹	-	
۳	بابت پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱	۱۴۵۲۹۵	-	
۴	بابت پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱	۳۲۷۵۵۲	-	
۵	بابت پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱	۱۶۱۲۸۱	۲۰	
۶	بابت پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱	۲۰۰۰۰۰	-	
۷	بابت پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱	۱۱۰۰	-	
۸	بابت پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱	۹۱۴۷۵	-	
۹	بابت پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱	۱۵۰	-	
۱۰	بابت پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱	۲۱۲۲۰	۱۸	
		۴۱۱۵۵۹	۹۰	جمع

بابت پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱ - ۴۱۱۵۵۹ - ۹۰  
 جمع پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱ - ۴۱۱۵۵۹ - ۹۰  
 جمع پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱ - ۴۱۱۵۵۹ - ۹۰  
 جمع پرونده در دیوان ماه ۱۳۱۱ - ۴۱۱۵۵۹ - ۹۰

خلاصه حسابات و مبالغ در رویداد ماه ۱۳۱۱

ردیف	شرح	مبلغ		ملاحظات
		ریال	دینار	
۱	بابت بر وجه فروزین ۱۳۱۱۱۰۵۰	۳۸۴۰۵۰	-	
۲	بابت اقسام نقدین او امرت خانم و نورانی شکرستان ازین مبلغ ۱۰۰۰۰	۷۲۵۰	-	
۳	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۲۵۰۰	-	
۴	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۴۰۰۰	-	
۵	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۱۵۰۰	-	
۶	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۲۹۲۱۹۰	-	
۷	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۲۲۵۰	-	
۸	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۷۰۰	-	
۹	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۱۲۴۳	-	
۱۰	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۴۳۰	-	
مجموع حسابات و مبالغ در رویداد ماه ۱۳۱۱				
۱۱	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۸۰۵۴۵	-	
۱۲	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۸۲۵۰	-	
۱۳	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۱۹۰۹۰	-	
۱۴	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	-	
۱۵	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۲۰۰۰	-	
۱۶	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۱۰۰۰	-	
۱۷	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۹۰۰۰	-	
۱۸	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۲۰۰۰	-	
۱۹	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۲۴۰۰	-	
۲۰	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۱۳۰۰	-	
۲۱	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۱۹۴۵	-	
۲۲	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۳۰۰۰	-	
۲۳	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۵۰۰	-	
۲۴	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۵۰۰	-	
۲۵	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۵۰۰	-	
۲۶	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۵۰۰	-	
۲۷	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۳۰۰	-	
۲۸	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۲۰۰	-	
۲۹	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۱۵۰	-	
۳۰	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۱۴۰	-	
۳۱	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۴۰۰	-	
۳۲	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۱۵۰	-	
۳۳	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۱۵۰	-	
۳۴	بابت اقسام نقدین او امرت خانم شکرستان ۱۰۰۰۰	۱۰۰	-	
مجموع حسابات و مبالغ در رویداد ماه ۱۳۱۱		۲۱۱۵۵۹۰	-	
مجموع حسابات و مبالغ در رویداد ماه ۱۳۱۱		۲۲۲۱۹۵	-	



فهرست اسامی و شرح فرزندانش (۱۳۱۱)

شماره	شرح	مبلغ		ملاحظات
		ریال	قبر	
	جمع اصل	۴۱۱۵۵۹۰	۱۴۲۱۹۸	
۳۵	بابت قرض وامده در بین ماه چهارم تا ششم ۱۳۱۱	-	۹۰	
۳۶	بابت دست و پا در ماه ۱۳۱۱	-	۲۴۰۰	
۳۷	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۴۰۰	
۳۸	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۳۰۰	
	جمع		۱۳۵۳۱۸	
۳۹	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۱۵۰۰	
۴۰	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۲۰۰۰۰	
۴۱	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۱۹۰۰	
۴۲	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۲۰۰	
	جمع		۳۲۲۰۱۵	
۴۳	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۱۲۷۰	
۴۴	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۱۳۸۶	
۴۵	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۳۰۰	
۴۶	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۲۴۰	
۴۷	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۱۵۰	
۴۸	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۲۳۵	
۴۹	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۹۰	
۵۰	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۹۵	
	جمع		۱۳۵۵	
۵۱	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۸۲	
۵۲	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۳۹۷۵	
۵۳	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۵۰	
۵۴	بابت کسب و کار در ماه ۱۳۱۱	-	۲۵	
	جمع		۳۲۵۹۹۳	
	جمع اصل	۴۱۱۵۵۹۰	۱۷۸۲۵۱	

۲ - ۹۹۶ - ۶

مردگان		زنان		شرح	تاریخ
نام	تاریخ	نام	تاریخ		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	<p>شرح: ...</p> <p>تاریخ: ...</p>	...
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	<p>شرح: ...</p> <p>تاریخ: ...</p>	...
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		
۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳		

[۳-۱۱-۵]

۲۲۰

خلاصه بیانات و شرح احوال ماه ۱۳۱۳

ردیف	شرح	بیانات		ملاحظات
		ریال	قسط	
۱	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۳۹۳۰۵۰	-	
۲	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۳۷۰۹۳۰	-	
۳	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۱۲۰۳۴۰	-	
۴	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۲۲۹۳۳	۵۰	
۵	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۱۰۰۰۰۰	-	
۶	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۲۸۷۴۸	-	
۷	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۵۰۰۰	-	
۸	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۱۱۰۰۰	-	
۹	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۱۰۰۰۰	-	
۱۰	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۵۷۰۶	۴۵	
۱۱	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۵۰۰	-	
۱۲	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۷۳۳۹	-	
۱۳	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۱۰۰۳	-	
۱۴	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۱۵۶۲	-	
۱۵	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۱۵۲	۵۰	
۱۶	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۳۱۵۹۹	۵۰	
۱۷	بابت خرید اوراق دولتی ۱۳۱۳	۲۲۲۹۸	۵۰	
	جمع	۴۲۱۱۴۳	۵۰	

خلاصه بیانات و شرح احوال ماه ۱۳۱۳  
 مجموع بیانات و شرح احوال ماه ۱۳۱۳  
 کتبه اداره بیانات و شرح احوال  
 محاسب

اسناد پهلوی‌ها (خاندان پهلوی به روایت اسناد) - ۱۳۱۳

شماره	تاریخ	موضوع	مبلغ		ملاحظات
			ریال	تومان	
۱	۱۳۱۳	...	۱۱۱۱۰	-	
۲	۱۳۱۳	...	۱۸۰	-	
۳	۱۳۱۳	...	۳۰۰	-	
۴	۱۳۱۳	...	۳۰۰	-	
۵	۱۳۱۳	...	۱۱۱۱۰	-	
۶	۱۳۱۳	...	۱۱۱۱۰	-	
۷	۱۳۱۳	...	۲۰۰۰۰	-	
۸	۱۳۱۳	...	۱۱۰۰	-	
۹	۱۳۱۳	...	۱۱۰	-	
۱۰	۱۳۱۳	...	۲۱۸۰	-	
۱۱	۱۳۱۳	...	۵۴۸۰	-	
۱۲	۱۳۱۳	...	۱۸۰	-	
۱۳	۱۳۱۳	...	۱۷۸۰	-	
۱۴	۱۳۱۳	...	۱۱۵۰	-	
۱۵	۱۳۱۳	...	۳۴۴	-	
۱۶	۱۳۱۳	...	۲۲۳	-	
۱۷	۱۳۱۳	...	۸۲۱	-	
۱۸	۱۳۱۳	...	۱۰	-	
۱۹	۱۳۱۳	...	۱۱	-	
۲۰	۱۳۱۳	...	۱۳۴۱	-	
۲۱	۱۳۱۳	...	۱۷۲	-	
۲۲	۱۳۱۳	...	۱۷۲	-	
۲۳	۱۳۱۳	...	۱۰۰	-	
۲۴	۱۳۱۳	...	۲۱۹	-	
۲۵	۱۳۱۳	...	۲۵۵	-	
۲۶	۱۳۱۳	...	۲۲۲۳۰	-	
۲۷	۱۳۱۳	...	۱۵۸۲۲	-	

خلاصه مبادلات و مبالغ امر ۱۳۱۳ هـ

شماره	شرح	مبادلات		ملاحظات
		ریال	روزگار	
۱	بیت پروردگار امر ۱۳۱۳ هـ	۳,۱۲۰	-	
۲	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۹۰۰	-	
۳	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۴۸۰	-	
۴	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۳۸۰	-	
۵	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۴۰۰	-	
۶	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۱۸۰	-	
۷	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۳۲۰	-	
۸	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۲,۲۵۰	-	
۹	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۱,۳۱۸	۵۰	
۱۰	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۳,۰۰۰	-	
۱۱	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۴۲۰	-	
۱۲	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۵,۳۸۰	-	
۱۳	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۱,۳۷۵	-	
۱۴	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۱,۹۹۰	-	
۱۵	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۱,۳۹۸	-	
۱۶	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۱,۰۰۰	-	
۱۷	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۲,۰۰۰	-	
۱۸	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۱,۰۰۰	-	
۱۹	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۱,۰۰۰	-	
۲۰	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۲,۰۰۰	-	
۲۱	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۲۷۰	-	
۲۲	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۵۰۰	-	
۲۳	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۵۰۰	-	
۲۴	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۵۰۰	-	
۲۵	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۵۰۰	-	
۲۶	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۵۰۰	-	
۲۷	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۲۰۰	-	
۲۸	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۱۵۰	-	
۲۹	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۳۰۰	-	
۳۰	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۱۳۰	-	
۳۱	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۱۵۰	-	
۳۲	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۱۰۰	-	
۳۳	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۹۰	-	
۳۴	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۲,۹۳۰	-	
۳۵	بیت اجاره امر ۱۳۱۳ هـ	۲۰۱	-	
جمع		۳۲,۱۳۸	-	

۲۲۱

اداره محاسبات دربار شاهنشاهی

صورت حساب در مورد ... توسط ...

ملاحظات	مبلغ درگاه وصال	مقیاس متر ...	تعداد	نوع جنس	تاریخ روز و ماه	ردیف
	۱۰۰۰۰۰				۱۳۳۴	۱
<p>بلافاصله پس از ...</p> <p>۹۱۰۰۰ ۹۱۰۰۰ ۹۱۰۰۰</p> <p>۱۳۳۴</p>						
	۱۰۰۰۰۰					جمع

۲۲۲

رپورت هفتگی ۲۷

مورثه داران و مخارج آنان در سال ۱۳۱۳ و در این هفته شرح ذیل است ۱۳۱۳/۱۷/۱۸

شماره	شرح	مبلغ	تاریخ
	سال ۱۳۱۳ مخارج مورثه داران ۱۳۱۳/۱۷/۱۸	۱.۹۶۶۱۱۵	
	مخارج مورثه داران ۱۳۱۳/۱۷/۱۸	۱۳۳۴۷۵۷۵	
	مخارج مورثه داران ۱۳۱۳/۱۷/۱۸	۹۶۳۳.۵۷۵	
	مخارج مورثه داران ۱۳۱۳/۱۷/۱۸	۱.۹۶۶۱۱۵	
	سال ۱۳۱۴ مخارج مورثه داران ۱۳۱۴/۱۷/۱۸	۱۳.۷۴۳۳.۱۵	
	مخارج مورثه داران ۱۳۱۴/۱۷/۱۸	۶۳۶۱۱۷۵	
	مخارج مورثه داران ۱۳۱۴/۱۷/۱۸	۱۳.۲۱.۶۱۵	
	مخارج مورثه داران ۱۳۱۴/۱۷/۱۸	۱۳.۷۴۳۳.۱۵	
	سال ۱۳۱۵ مخارج مورثه داران ۱۳۱۵/۱۷/۱۸	۶۳۱۹۲۱۷۵	
	مخارج مورثه داران ۱۳۱۵/۱۷/۱۸	۱۳۳۳۹۵	
	مخارج مورثه داران ۱۳۱۵/۱۷/۱۸	۳۱۵	
	مخارج مورثه داران ۱۳۱۵/۱۷/۱۸	۶۳۳۴۵.۲	

الف - در مورد مورثه داران و مخارج آنان در این سال و در این هفته شرح ذیل است  
 ب - در مورد مورثه داران و مخارج آنان در این سال و در این هفته شرح ذیل است  
 ج - در مورد مورثه داران و مخارج آنان در این سال و در این هفته شرح ذیل است  
 د - در مورد مورثه داران و مخارج آنان در این سال و در این هفته شرح ذیل است  
 ه - در مورد مورثه داران و مخارج آنان در این سال و در این هفته شرح ذیل است  
 و - در مورد مورثه داران و مخارج آنان در این سال و در این هفته شرح ذیل است

## رپورت هفتگی

شماره ۱۳۶

در این هفته شرح دین است مورخه

صورت عایدات و معارف جلسی املاک

ملاحظات	معارف		صورت			شرح	حرم
	معارف	معارف	صورت	صورت	صورت		
						بایج	
			۴۹۹.۳۵۴۲۷۵			عایدات	
			۴۳۴.۵۳۹۶۵.			عایدات ل ۱۳۱۳	
						عایدات ل ۱۳۱۳	
						معارف	
	۴۵۶.۹۲۴	۱۲۵				معارض سال ۱۳۱۳	
	۴۹.۱۷۳	۵۰۰				معارض سال ۱۳۱۳	
۱۳۲۷۱۰۰	۴۲۵	۱۳۳۴	۴۳۱۳۷۵			جمع بایج	
						کنسم	
						عایدات	
			۱۳.۸۹۹.۵۰۰			عایدات ل ۱۳۱۳	
			۱۰۰.۵۳۳.۱۷۵			عایدات ل ۱۳۱۳	
			۳.۱۴۳.۴۳			عایدات ل ۱۳۱۵	
			۳۹۱. -			عایدات ل ۱۳۱۵	
						معارض	
	۱۳.۱۱۱.۵۰۰					معارض سال ۱۳۱۳	
	۱۰۰.۵۳۳.۱۷۵					معارض سال ۱۳۱۳	
	۳.۱۴۳.۴۳					معارض ل ۱۳۱۵	
	۳۹۱. -					معارض ل ۱۳۱۵	
			۱۹۱.۴۳۵.۴۱۹			جمع کنسم	

توضیحات:



۲۲۳

فهرست اسرار انجمنه ذوقیه و کتب معتبره دارالکتابه -

- |                          |                  |                                 |                     |
|--------------------------|------------------|---------------------------------|---------------------|
| ۱- قائم خان درویش        | امیر کبود (کبود) | ۱۷- نیرنگ صادم امینک            | خواجده امیر کبود    |
| ۲- نیر احمد خان کیک      | امیر کبود        | ۱۸- عیسی خان                    | امیر پندار          |
| ۳- نیرزا ابراهیم خان کیک | امیر کبود        | ۱۹- قربان خان تبر               | امیر کبود           |
| ۴- شیخ یعقوب             | امیر صالحان      | ۲۰- ضمیمه سلطان                 | امیر کالج           |
| ۵- نیرزا مهدی خان        | امیر پندار       | ۲۱- صفت اده خان پیر ضمیمه سلطان | "                   |
| ۶- سخی خان               | امیر پندار       | ۲۲- محمد خان دوسار              | امیر کالج           |
| ۷- بیدار ابراهیم         | امیر شیخ زاده    | ۲۳- کاتم خان                    | امیر حسن کف         |
| ۸- شاهان                 | امیر دانش        | ۲۴- ضمیمه خان                   | امیر دوبر           |
| ۹- شیخ سخی               | امیر کالج        | ۲۵- صدر اده خان غفار            | امیر کلدستان        |
| ۱۰- عبد العزیز خان       | امیر کلدستان     | ۲۶- بیدار ابراهیم               | امیر دوبر (کلدستان) |
| ۱۱- غایت اده خان         | امیر کلدستان     | ۲۷- بیدار محمد                  | "                   |
| ۱۲- ابدالعالم خان        | امیر کلدستان     | ۲۸- ضمیمه امینک                 | امیر عباس آقا شوار  |
| ۱۳- ضمیمه خان            | امیر کلدستان     | ۲۹- نقره اده خان قاتر           | امیر کلدستان        |
| ۱۴- مع آه                | امیر کلدستان     | ۳۰- شیخ نورالدین                | امیر صابان          |
| ۱۵- فرج اده خان          | امیر کلدستان     | ۳۱- نقره نظام                   | امیر صابان          |
| ۱۶- نقره اده خان فیه     | امیر کلدستان     | ۳۲- نیرزا آقا خان               | امیر صابان          |

۲۲ - سرور ملک	ابن شهر	۵۰ - خایه اردشیر طغی بر	ابن شهر
۲۳ - خستین خان ک	ابن شهر	۵۱ - حسن خان امیر قبا	ابن شهر
۲۴ - نظیر خان قیسه	ابن شهر	۵۲ - بهرام	ابن شهر
۲۵ - عثمان ساردره	ابن شهر	۵۳ - کاهنم خان	ابن شهر
۲۶ - فتح اردشیر	ابن شهر	۵۴ - روزن	ابن شهر
۲۷ - عبدالله خان اشکان	ابن شهر	۵۵ - جهان و خان	ابن شهر
۲۸ - نهران خان کبیر	ابن شهر	۵۶ - رفیع خان	ابن شهر
۲۹ - انصاریان سوس	ابن شهر	۵۷ - فرز	ابن شهر
۳۰ - حاج برادر	ابن شهر	۵۸ - میرزا	ابن شهر
۳۱ - عباس	ابن شهر	دقت نگار	ابن شهر
۳۲ - میرزا محمد خان	ابن شهر	۵۹ - برهان خان درویش	ابن شهر
۳۳ - علی خان	ابن شهر	۶۰ - شیخ احمد	ابن شهر
۳۴ - علی خان	ابن شهر	۶۱ - میرزا احمد	ابن شهر
۳۵ - علی خان	ابن شهر	۶۲ - عبدالعزیز	ابن شهر
۳۶ - احمد خان	ابن شهر	۶۳ - خواجه	ابن شهر
۳۷ - خستین خان	ابن شهر	۶۴ - میرزا	ابن شهر
۳۸ - علی خان	ابن شهر	۶۵ - شیخ	ابن شهر
۳۹ - علی خان	ابن شهر	۶۶ - وفاق	ابن شهر

۶۷ - میرزا علی برنجی - تاریخ دلاور و تبرستان - تحت نظارت آیت الله العظمی بروجردی - قم - ۱۳۰۵

کتابخانه که در دسترس است

- |                               |           |
|-------------------------------|-----------|
| ۱- محمد علی درویش             | ۱۵- فرز   |
| ۲- نیرفان صادم                | ۱۶- میرزا |
| ۳- آسمان درویش                |           |
| ۴- ضمیمه الله                 |           |
| ۵- علی الله فی شرح ضمیمه الله |           |
| ۶- قرآن خانی                  |           |
| ۷- ابراهیم خانی               |           |
| ۸- علی خانی                   |           |
| ۹- سید خانی                   |           |
| ۱۰- میرزا ابراهیم خانی        |           |
| ۱۱- شیخ سیدی کالجی            |           |
| ۱۲- شیخ یعقوب صالحی           |           |
| ۱۳- اردلان خانی               |           |
| ۱۴- میرزا حسن خانی            |           |

۲۲۴

بانک ملی ایران

تهران

BANQUE NATIONALE DE PERSE

Téhéran

کتابچه حساب جاری

Carnet de

N<sup>o</sup>.

ع. س. ر. ر. ب. ب. ا. ل. ا. ت. ش. ا. ل.

Bénéficiaire

دارنده: نه گان اعظمی زنده س مجاری

تاجار رضا شاه پهلوی عهد الله







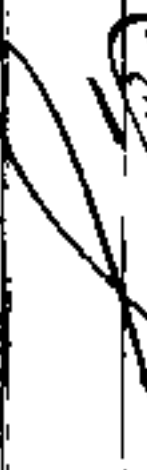
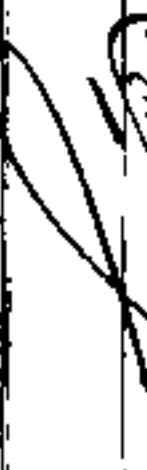
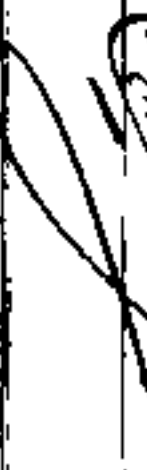
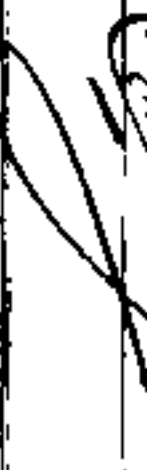
Form. 42

10. 09 100 carnets



امضاء بانك Signature de la Banque	متن Texte	شماره Reporter	نوع Debit / Credit	مبلغ Montant ریال	تاریخ Date
بانك ملكي ايران شماره ۱۳۱۰	تاریخ ۱۳۱۰	۱۳۱۰	+	۱۲۱۹۹۹۹۷۰	۱۳۱۰
بانك ملكي ايران شماره ۱۳۱۰	تاریخ ۱۳۱۰	۱۳۱۰	-	۸۱۹۹۹۹۷۰	۱۳۱۰
بانك ملكي ايران شماره ۱۳۱۰	تاریخ ۱۳۱۰	۱۳۱۰	-	۲۷۱۰۰۰۰	۱۳۱۰
بانك ملكي ايران شماره ۱۳۱۰	تاریخ ۱۳۱۰	۱۳۱۰	-	۵۴۸۹۹۹۷۰	۱۳۱۰
بانك ملكي ايران شماره ۱۳۱۰	تاریخ ۱۳۱۰	۱۳۱۰	-	۲۰۰۰۰۰۰	۱۳۱۰
بانك ملكي ايران شماره ۱۳۱۰	تاریخ ۱۳۱۰	۱۳۱۰	-	۵۲۸۹۹۹۷۰	۱۳۱۰
بانك ملكي ايران شماره ۱۳۱۰	تاریخ ۱۳۱۰	۱۳۱۰	-	۳۹۵۸۷۰	۱۳۱۰
بانك ملكي ايران شماره ۱۳۱۰	تاریخ ۱۳۱۰	۱۳۱۰	-	۵۷۲۹۵۸۴۰	۱۳۱۰
بانك ملكي ايران شماره ۱۳۱۰	تاریخ ۱۳۱۰	۱۳۱۰	-	۴۸۸۷۳۴۰	۱۳۱۰
بانك ملكي ايران شماره ۱۳۱۰	تاریخ ۱۳۱۰	۱۳۱۰	-	۵۲۱۵۳۳۴۰	۱۳۱۰
بانك ملكي ايران شماره ۱۳۱۰	تاریخ ۱۳۱۰	۱۳۱۰	-	۳۲۱۵۳۳۴۰	۱۳۱۰

امضاء بانک Signature de la Banque	شرح Texte	Cred. Debit	مبلغ Montant	تاریخ Date
	بیمه در صورتیکه بیمه شدگان در روز بروز فوت شوند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند	-	۳۵۱۹۹۴۹۵	۱۴۱۴
	بیمه در صورتیکه بیمه شدگان در روز بروز فوت شوند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند	-	۳۵۵۹۹۴۹۵	۱۴۱۴
	بیمه در صورتیکه بیمه شدگان در روز بروز فوت شوند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند	-	۳۷۵۹۹۴۹۵	۱۴۱۴
	بیمه در صورتیکه بیمه شدگان در روز بروز فوت شوند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند	-	۳۹۵۹۹۴۹۵	۱۴۱۴
	بیمه در صورتیکه بیمه شدگان در روز بروز فوت شوند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند	-	۳۱۵۹۹۴۹۵	۱۴۱۴
	بیمه در صورتیکه بیمه شدگان در روز بروز فوت شوند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند یا در اثر حادثه یا بیماری فوت کنند	-	۳۶۵۹۹۴۹۵	۱۴۱۴
	مبلغ کل à Reporter	+	۳۵۹۹۴۹۵	۱۴۱۴

امضاء بانک Signature de la Banque	شماره Texte	+ Cred - Debit	مبلغ Montant پهلوی	تاریخ Date ۱۳۱۳
	پهلوی‌ها به حساب بانک پهلوی	+	۲۴۹۷۵۰۵۵	۱۵ شهریور ۱۳۱۳
	پهلوی‌ها به حساب بانک پهلوی	+	۲۴۹۷۵۰۵۵	۱۵ شهریور ۱۳۱۳
	پهلوی‌ها به حساب بانک پهلوی	+	۱۴۹۷۵۰۵۵	۱۵ شهریور ۱۳۱۳
	پهلوی‌ها به حساب بانک پهلوی	+	۱۹۰۰۰۰۰۰	۱۵ شهریور ۱۳۱۳
	پهلوی‌ها به حساب بانک پهلوی	+	۱۵۸۷۵۰۵۵	۱۵ شهریور ۱۳۱۳
	پهلوی‌ها به حساب بانک پهلوی	+	۲۰۰۰۰۰۰۰	۱۵ شهریور ۱۳۱۳
	پهلوی‌ها به حساب بانک پهلوی	+	۱۸۸۷۵۰۵۵	۱۵ شهریور ۱۳۱۳
	پهلوی‌ها به حساب بانک پهلوی	+	۱۹۸۷۵۰۵۵	۱۵ شهریور ۱۳۱۳
	پهلوی‌ها به حساب بانک پهلوی	+	۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۵ شهریور ۱۳۱۳
	پهلوی‌ها به حساب بانک پهلوی	+	۱۸۸۷۵۰۵۵	۱۵ شهریور ۱۳۱۳



۲۲۵

بانک ملی ایران

طهران

BANQUE NATIONALE DE PERSE  
Téhéran














کتابچه حساب جاری

Carnet de

نمبره ۱

دارنده

سرکار عالی حضرت آید سرکار ایران شریف، رضاشاه، پهلوی محمد علی

امضاء بانک Signature de la Banque	متن Text	گزارنده Reporter	مبلغ Monjani		تاریخ Date
			بابت Debit	در وجه Credit	
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۵۴۴۵۷۵	۱۳۰۳/۰۱/۰۱
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۵۳۴۰۳	
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۶۶۰۸۱۵۴	
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۱۵۰۶۸۱۹۰	
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۳۷۲۲۳۳	
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۳۷۲۷۸۳	
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۶۷۵۰۶۰۱	
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۲۸۸۹۳۴	
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۶۷۷۹۴۹۵	
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۱۰۳۲۳۸۵	
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۶۷۸۹۱۱۸	
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۶۳۱۵۶۶	
	سویلی و سرفه در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۰۱	سویلی و سرفه	+	۶۷۹۷۱۳۵	

۲۲۶

بانک ملی ایران

تهران

دفتر حساب جاری

نوع (۱)

ملی ایران

امضاء بانك	ح	تاریخ	مبلغ		تاریخ
			ریال	دینار	
بانك ملی ایران	توجه به حساب شماره ۱۳۱۵	۱۳۱۵	۷۸۷۲,۹۸۷	۳۵	شماره ۱۳۱۵
بانك ملی ایران	توجه به حساب شماره ۲۷۸,۸۸۰	۱۸ آبان ۱۹	۲۷۸,۸۸۰	—	
بانك ملی ایران	توجه به حساب شماره ۷,۵۹۳,۸۰۷	۳۵	۷,۵۹۳,۸۰۷	۳۵	
بانك ملی ایران	توجه به حساب شماره ۷۹,۵۰۰	۳۵	۷۹,۵۰۰	—	
بانك ملی ایران	توجه به حساب شماره ۱۹,۹۳۵	۲۶	۱۹,۹۳۵	—	
بانك ملی ایران	توجه به حساب شماره ۷,۲۹۷,۹۷۳	۳۵	۷,۲۹۷,۹۷۳	۳۵	
بانك ملی ایران	توجه به حساب شماره ۴۹۶۹۰۰	۲۸	۴۹۶۹۰۰	—	
بانك ملی ایران	توجه به حساب شماره ۷,۰۳۰,۷۷۳	۳۵	۷,۰۳۰,۷۷۳	۳۵	
بانك ملی ایران	توجه به حساب شماره ۳۸۷,۱۹۵	۳۵	۳۸۷,۱۹۵	—	
بانك ملی ایران	توجه به حساب شماره ۹,۶۴۳,۵۷۷	۳۵	۹,۶۴۳,۵۷۷	۳۵	
بانك ملی ایران	توجه به حساب شماره ۹۴,۳۰۰	۳۵	۹۴,۳۰۰	—	
بانك ملی ایران	توجه به حساب شماره ۹۷۰,۷۹۷۷	۳۵	۹۷۰,۷۹۷۷	۳۵	

۲۲۷

بانک ملی ایران

تهران

دفتر حساب  
کجا

شماره (۱)

علی حسینی پهلوی

امضاء بانك	شرح	تاریخ	مبلغ		تاریخ روز
			ریال	تومان	
بانك ملی ایران ایضا	خودپرداز به حساب آقایان ...	۱۳۰۱/۲۰	۲۷,۵۱۰,۹۴۴.۵۰	+	۱۳۰۱/۲۰
بانك ملی ایران ایضا	خودپرداز به حساب آقایان ...	۱۳۰۱/۲۰	۵۹,۴۸۳.۹۰	+	۱۳۰۱/۲۰
بانك ملی ایران ایضا	خودپرداز به حساب آقایان ...	۱۳۰۱/۲۰	۲۸,۱۰۱,۴۲۸.۴۰	+	۱۳۰۱/۲۰
بانك ملی ایران ایضا	خودپرداز به حساب آقایان ...	۱۳۰۱/۲۰	۵۰۰۰۰۰۰۰	+	۱۳۰۱/۲۰
بانك ملی ایران ایضا	خودپرداز به حساب آقایان ...	۱۳۰۱/۲۰	۲۸,۱۵۱,۴۲۸.۴۰	+	۱۳۰۱/۲۰
بانك ملی ایران ایضا	خودپرداز به حساب آقایان ...	۱۳۰۱/۲۰	۵۰۰۰۰۰۰۰	+	۱۳۰۱/۲۰
بانك ملی ایران ایضا	خودپرداز به حساب آقایان ...	۱۳۰۱/۲۰	۲۸,۹۵۸,۹۲۸.۴۰	+	۱۳۰۱/۲۰
بانك ملی ایران ایضا	خودپرداز به حساب آقایان ...	۱۳۰۱/۲۰	۱۲۱۹۲۰	+	۱۳۰۱/۲۰
بانك ملی ایران ایضا	خودپرداز به حساب آقایان ...	۱۳۰۱/۲۰	۲۸,۹۹۰,۱۴۷.۹۰	+	۱۳۰۱/۲۰
بانك ملی ایران ایضا	خودپرداز به حساب آقایان ...	۱۳۰۱/۲۰	۴۸,۹۰۴.۱۰	+	۱۳۰۱/۲۰
بانك ملی ایران ایضا	خودپرداز به حساب آقایان ...	۱۳۰۱/۲۰	۲۸,۷۰۹,۵۱۷.۰۰	+	۱۳۰۱/۲۰
بانك ملی ایران ایضا	خودپرداز به حساب آقایان ...	۱۳۰۱/۲۰	۲۸,۷۳۰,۸۹۹.۵۵	+	۱۳۰۱/۲۰

۲۲۸

بانک ملی ایران

تهران

دفتر حساب جاری

شماره (۱)

کلیمه هاشمی شاه

امضاء بانك	شرح	مبلغ		تاریخ
		ریال	دینار	
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۴۲,۳۹۸,۹۰۷	۰	۱۳۱۷ شماره ثبت سابق
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۳۷۷,۳۰۹	۵۰	۱۷/۱۷
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۸۲,۸۰۵,۵۱۶	۳۰	"
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۲,۹۹۹,۹۷۵	۷۵	"
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۴۲۸,۸۵۰,۱۳۰	۵	"
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۱۴۵,۵۰۰	۰	۱۹
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۴۳,۸۹۳,۸۱۳	۵	"
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۷۸,۹۶۴	۰	"
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۴۳,۹۴۳,۷۷۵	۵	"
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۲۶,۷۳۰	۰	"
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۴۳,۹۹۹,۲۰۷	۴۵	"
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۳۳۰,۹۲۹	۳۵	"
بانك ملی ایران	موجودی حساب جاری	۴۴۳۰,۱۳۹	۱۰	"



۲۲۹

بانک ملی ایران  
تهران

دفتر حساب جاری

شماره (۱)

علی بابا

امضاء بانك	شرح	تاریخ		مبلغ	
		روز	ماه	ریال	قسط
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۷۸۵۶۲۷۲۸۰۰	-
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۷۷۲۴۹۵	+
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۷۸۵۷۰۸۵۹۲۸	+
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۱۰۱۱۱۳	+
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۷۸۵۷۰۵۸۳۰۳	-
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۵۰۱۲۴	-
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۷۸۷۴۰۷۶۷۲۳	+
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۲۷۱۳۵	-
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۷۹۰۱۳۳۷۲۳	+
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۹۷۱۲۷۵	+
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۷۵۰۳۳۰۰	+
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۲۳۳۲۹۸۸۵	+
بانك ملی ایران	مبلغی که در تاریخ ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ در حساب جاری شماره ۱۳۰۱/۰۱/۰۱ نزد بانک ملی ایران موجود است.	۱۳۰۱	فروردین	۷۹۰۵۵۳۶۸۸۵	+



۲۳۰

بانک ملی ایران

تهران

کتابخانه  
حاجی

دفتر حساب

سما  
علی‌اصغر شاهنشاهی

امضاء بانك	روح	ش	بستانكار	بانكار
بانك ملی ایران نظيركلام	بعضه بانك تهران تهران	موجوده بانك تهران	+	+
بانك ملی ایران نظيركلام	بانك ملی ایران بعضه بانك تهران تهران	بعضه بانك تهران تهران	+	+
بانك ملی ایران نظيركلام	بانك ملی ایران بعضه بانك تهران تهران	بعضه بانك تهران تهران	+	+
بانك ملی ایران نظيركلام	بانك ملی ایران بعضه بانك تهران تهران	بعضه بانك تهران تهران	+	+
بانك ملی ایران نظيركلام	بانك ملی ایران بعضه بانك تهران تهران	بعضه بانك تهران تهران	+	+
بانك ملی ایران نظيركلام	بانك ملی ایران بعضه بانك تهران تهران	بعضه بانك تهران تهران	-	-
بانك ملی ایران نظيركلام	بانك ملی ایران بعضه بانك تهران تهران	بعضه بانك تهران تهران	+	+

تاریخ	مبلغ	بیلان		تاریخ
		بیلان	بیلان	
13/12/20	114,292.52	+	114,292.52	
	8224	+	8224	
	114,292.52	+	114,292.52	
	9900	+	9900	
	114,292.52	+	114,292.52	
	9000	+	9000	
	114,292.52	+	114,292.52	
	9000	+	9000	
	114,292.52	+	114,292.52	
	24,904	+	24,904	
	114,292.52	+	114,292.52	
	14224	+	14224	
	114,292.52	+	114,292.52	

www.KetabFarsi.com

اسناد جواهرات سلطنتی

۲۳۱

این کتابچه دارای ۱۱ صفحه از شماره یک تا شماره ۱۲۱۰  
 میباشد مخفی صورت جوهرات سلطنتی است که به تشخیص  
 کمسیون تفلیک و مطابقت قانون مصوب ۲۵ آبانماه ۱۳۱۴  
 تحویل بانک ملی ایران شده است ۱۴ دیماه ۱۳۱۴



شماره	تعداد	وزن		شرح	متر	متر	متر	متر
		تراز	مقال					
۱	۱			که از چنگل و نیره پیاده اند و منصوب در مالادوره	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۳۲		الماس				
۳	۳	۳۲۰		پیاده مربع با اشته الماس آن وزن زمره				
۴	۴	۳۱۸		درخت سده				
۵	۵	۳۲۳		زمره درخت				
۶	۶	۳۱۱		درخت کوه				
۷	۷	۳۱۱						
۸	۸	۳۱۱						
۹	۹	۳۱۱						
۱۰	۱۰	۳۱۱						
۱۱	۱۱	۳۱۱						
۱۲	۱۲	۳۱۱						
۱۳	۱۳	۳۱۱						
۱۴	۱۴	۳۱۱						
۱۵	۱۵	۳۱۱						
۱۶	۱۶	۳۱۱						
۱۷	۱۷	۳۱۱						
۱۸	۱۸	۳۱۱						
۱۹	۱۹	۳۱۱						
۲۰	۲۰	۳۱۱						
۲۱	۲۱	۳۱۱						
۲۲	۲۲	۳۱۱						
۲۳	۲۳	۳۱۱						
۲۴	۲۴	۳۱۱						
۲۵	۲۵	۳۱۱						
۲۶	۲۶	۳۱۱						
۲۷	۲۷	۳۱۱						
۲۸	۲۸	۳۱۱						
۲۹	۲۹	۳۱۱						
۳۰	۳۰	۳۱۱						
۳۱	۳۱	۳۱۱						
۳۲	۳۲	۳۱۱						
۳۳	۳۳	۳۱۱						
۳۴	۳۴	۳۱۱						
۳۵	۳۵	۳۱۱						
۳۶	۳۶	۳۱۱						
۳۷	۳۷	۳۱۱						
۳۸	۳۸	۳۱۱						
۳۹	۳۹	۳۱۱						
۴۰	۴۰	۳۱۱						
۴۱	۴۱	۳۱۱						
۴۲	۴۲	۳۱۱						
۴۳	۴۳	۳۱۱						
۴۴	۴۴	۳۱۱						
۴۵	۴۵	۳۱۱						
۴۶	۴۶	۳۱۱						
۴۷	۴۷	۳۱۱						
۴۸	۴۸	۳۱۱						
۴۹	۴۹	۳۱۱						
۵۰	۵۰	۳۱۱						
۵۱	۵۱	۳۱۱						
۵۲	۵۲	۳۱۱						
۵۳	۵۳	۳۱۱						
۵۴	۵۴	۳۱۱						
۵۵	۵۵	۳۱۱						
۵۶	۵۶	۳۱۱						
۵۷	۵۷	۳۱۱						
۵۸	۵۸	۳۱۱						
۵۹	۵۹	۳۱۱						
۶۰	۶۰	۳۱۱						
۶۱	۶۱	۳۱۱						
۶۲	۶۲	۳۱۱						
۶۳	۶۳	۳۱۱						
۶۴	۶۴	۳۱۱						
۶۵	۶۵	۳۱۱						
۶۶	۶۶	۳۱۱						
۶۷	۶۷	۳۱۱						
۶۸	۶۸	۳۱۱						
۶۹	۶۹	۳۱۱						
۷۰	۷۰	۳۱۱						
۷۱	۷۱	۳۱۱						
۷۲	۷۲	۳۱۱						
۷۳	۷۳	۳۱۱						
۷۴	۷۴	۳۱۱						
۷۵	۷۵	۳۱۱						
۷۶	۷۶	۳۱۱						
۷۷	۷۷	۳۱۱						
۷۸	۷۸	۳۱۱						
۷۹	۷۹	۳۱۱						
۸۰	۸۰	۳۱۱						
۸۱	۸۱	۳۱۱						
۸۲	۸۲	۳۱۱						
۸۳	۸۳	۳۱۱						
۸۴	۸۴	۳۱۱						
۸۵	۸۵	۳۱۱						
۸۶	۸۶	۳۱۱						
۸۷	۸۷	۳۱۱						
۸۸	۸۸	۳۱۱						
۸۹	۸۹	۳۱۱						
۹۰	۹۰	۳۱۱						
۹۱	۹۱	۳۱۱						
۹۲	۹۲	۳۱۱						
۹۳	۹۳	۳۱۱						
۹۴	۹۴	۳۱۱						
۹۵	۹۵	۳۱۱						
۹۶	۹۶	۳۱۱						
۹۷	۹۷	۳۱۱						
۹۸	۹۸	۳۱۱						
۹۹	۹۹	۳۱۱						
۱۰۰	۱۰۰	۳۱۱						

۲۲

س ۱۱

ردیف	اسم اولیه	اسم ثانویه	وزن	نوع	وزن		ردیف
					مقدار	تعداد	
۱	سینه‌ای سینه	سینه کل ایزان دار	۲۰۰	۱	۱	۱	
۲	کل کمر	مربع بالاس	۲۱۰	۱	۱	۲	
۳	کل سینه	سینه شصتوه لوزان دار	۲۱۱	۱	۱	۳	
۴	سجاقی	سینه مربع بالاس	۲۰۷	۱	۱	۴	
۵	کل کمر	برادانه مربع بالاس	۲۱۸	۱	۱	۵	
۶	سجاقی	مربع بالاس برلیانت	۲۱۱	۱	۱	۶	
۷	"	"	۲۰۰	۱	۱	۷	
۸	"	"	۲۰۱	۱	۱	۸	
۹	"	"	۲۰۶	۱	۱	۹	
۱۰	"	"	۲۰۲	۱	۱	۱۰	
۱۱	"	"	۲۰۴	۱	۱	۱۱	
۱۲	"	"	۲۰۳	۱	۱	۱۲	
۱۳	"	"	۲۱۰	۱	۱	۱۳	
۱۴	جمعیه	جمع ایزان				۱۴	
۱۵	دیوانه	جمع ایزان	۳۲۰	۱	۱	۱۵	
۱۶	"	مربع نه دوازده بالاس کبود بالاس	۲	۱	۱	۱۶	
۱۷	پند سمانت	بالای مربع ایزان	۳	۱	۱	۱۷	
۱۸	النگر	بالای مربع بالاس	۴	۱	۱	۱۸	
۱۹	"	بالای مربع بالاس باقوت است	۵	۱	۱	۱۹	
۲۰	شکله	بالای مربع بالاس چای رسته	۶	۱	۱	۲۰	
۲۱	سجاقی	بالای مربع کمر	۷	۱	۱	۲۱	
۲۲	سرد و سوز	بالای مربع ایزان	۸	۱	۱	۲۲	
۲۳	النگر	بالای مربع بالاس باقوت	۹	۱	۱	۲۳	
۲۴	ششم	بالای مربع بالاس	۱۰	۱	۱	۲۴	
۲۵	کله	"	۱۱	۱	۱	۲۵	
۲۶	"	"	۱۲	۱	۱	۲۶	
۲۷	کل کمر	بالای مربع بالاس	۱۳	۱	۱	۲۷	
۲۸	سوز و سرد	بالای مربع بالاس باقوت کبود	۱۴	۱	۱	۲۸	
۲۹	گردن بند	مربع بالاس مربع سنا	۱۵	۱	۱	۲۹	
۳۰	کل سینه	بالاس	۱۶	۱	۱	۳۰	
۳۱	شکله	بالای مربع بالاس	۱۷	۱	۱	۳۱	
۳۲	کل کمر	بالای مربع بالاس	۱۸	۱	۱	۳۲	

۵۴

۲۷

تعداد	وزن	شماره	شرح	اسم اشیا	مقدار	ملاحظات	مقدار
۱		۱۵	مرصع به برابست	سنگهای سبزه	۴۰۱	۴۷	۵۲۰
۱		-	مرصع بالعامر سفای سبزدار	چوب سبزه	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر وسه لعل درشت دار	گل کمر	-	-	-
۱		-	-	-	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر و سبزه آبی دار	چوب سبزه	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر دار	سبزه سفید	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر سبزه سفید دار	سبزه قرمز	-	-	-
۲		-	مرصع بالعامر و سبزه لعلی این موس الوناس	گل کمر	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر	سبزه سفید	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر وسه لعل و باقوت و سرورید	سنگهای	-	-	-
۱		-	مرصع نخله زرد	سنگهای	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر	-	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل	کودن بند	-	-	-
۲		-	مرصع بالعامر و باقوت و لعل	گل کمر	-	-	-
۱		-	مرصع بزورد و باقوت	قالب کمر	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر	نشان	-	-	-
۱		-	مرصع به باقوت و العاس	قالب کمر	-	-	-
۱		-	مرصع به سرورید و العاس و لعل	چوبه	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	سنگهای	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	-	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	-	-	-	-
۲		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	ساعت	-	-	-
۲		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	رشته های	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	سورقمان و ال	-	-	-
۲		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	سورقمان	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	-	-	-	-
۲		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	سورقمان	-	-	-
۳		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	پارچه های	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	نشان	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	سنگهای	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	-	-	-	-
۲		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	سنگهای	-	-	-
۱		-	مرصع بالعامر و سبزه لعل و باقوت و سرورید	سنگهای	-	-	-

ردیف	تاریخ	اسم	شرح	وزن	نوع
۱	۲۸	تکه های	طلای تخمه زمره درود پارچه		
۲	-	کوشواره	الماس برلیانت تخمه نبروزه		
۳	-	لاشه نشان	عقاب شهرتگرمه مع بالماس که پشت برلیانها پیاده شده		
۴	-	کوشواره	الماس برلیانت تخمه نبروزه		
۵	-	-	"		
۶	-	قوچل مرصع	مینی آیتم مذهب حای ساعت نقره ارکم ساعت ندارد		
۷	-	النکوهای	طلای مرصع و الماس برلیانت تخمه نبروزه		
۸	-	-	طلای تخمه باقوت نبود که برلیانت های او برداشته شده		
۹	-	زنه برصاعت	طلای مرصع بالماس و باقوت نبود مشتعل بر ۱۲ کل		
۱۰	-	سجیان نبروزه	طلای مرصع تخمه باقوت مرصع بالماس بشکل نبروزه		
۱۱	-	کف	چون طلا که روی آن منقش ناصرالدین شاه دارد		
۱۲	-	تلها و مینا	تخمه الماس مشوب روی جرم ۱۰ پارچه		
۱۳	-	زنجیر صاعت	طلای دو طرفه وسط الماس برلیانت دو طرف مروارید		
۱۴	-	نشان نقره	مرصع بالماس که یک کیلوی دوره الماس آن بهرین آمده		
۱۵	-	لاشه نشان	مثنی که الماسهای آن پیاده شده و کل وسط ۱۸ قطعه زمره دارد		
۱۶	-	سروچر توپل	طلای مرصع مینا مرصع بالماس و باقوت و زمره (دوب شکسته است)		
۱۷	-	تل کمر	مرصع بالماس برلیانت که تخمه وسط بهرین آمده		
۱۸	-	واکسپلند	طلای مرصع بالماس برلیانت		
۱۹	-	سینه	ناصرالدین شاه و شماع مرصع بالماس برلیانت و تخمه وسط بهرین آمده		
۲۰	-	حلقه کمر	طلای مرصع بالماس برلیانت		
۲۱	-	سنگای طلا	مرصع بالماس برلیانت و آهنهای مروارید که سه تخمه وسط کلها بهرین آمده		
۲۲	-	پارچه مثنی	مرصع بالماس برلیانت که ۱۱ شماره برلیانها دارد		
۲۳	-	کل طلا	مثنی مرصع بالماس		

۱۰۰

تعداد	رقم	شرح	اسم اشیا	مبلغ	مبلغ	مبلغ
۱۷	۳۱/۲۵	درخت ۱	المان برلیا	۷۷۳	۷۶۶	۶۸۷
۱۳	۱۳۰/۵۰	"	"	۷۷۱	۷۶۶	۶۸۸
۱۰	۹۸/۷۷	"	"	۷۷۰	۷۶۳	۶۸۹
۷۶	۱۱۱/۰	"	"	۷۶۹	۷۶۲	۶۹۰
۷	۱۰/۷۸	"	"	۷۶۸	۷۶۱	۶۹۱
۱۱	۵۶/۵۰	"	"	۷۶۷	۷۶۰	۶۹۲
۴۱	۵۰/۰	"	"	۷۶۶	۷۵۹	۶۹۳
۵	۱۲۳/۰	"	"	۷۶۵	۷۵۸	۶۹۴
۵۰	۸۰/۰	"	"	۷۶۴	۷۵۷	۶۹۵
۴۳	۲۱۶/۰	"	"	۷۶۳	۷۵۶	۶۹۶
۲۱	۱۲۹۷/۰	"	"	۷۶۲	۷۵۵	۶۹۷
۷	۹۸/۳۳	سوا ۳ عدد زرد و ۳ عدد سفید	"	۷۵۹	۷۵۲	۶۹۸
۱	۷۳۷/۰	مختار	"	۷۶۱	۷۵۴	۶۹۹
۴۳	۱۲۵/۲۵	کرم نازک و سفید	"	۷۶۰	۷۵۳	۷۰۰
۱۵	۸۶/۵۰	بادام مختار	"	۷۵۹	۷۵۲	۷۰۱
۱	۴۰۵/۱۳	درخت ۱	"	۷۵۸	۷۵۱	۷۰۲
۴۱	۸۶/۰	بادام	"	۷۵۷	۷۵۰	۷۰۳
۲۸	۱۲۲/۰	آرد	"	۷۵۶	۷۴۹	۷۰۴
۲۱۲	۲۱۱/۳۵	مرغ نیم تراشیده	"	۷۵۵	۷۴۸	۷۰۵
۲۸	۱۱۰/۷۵	"	"	۷۵۴	۷۴۷	۷۰۶
۱۵	۳۲۸/۵۰	مختار نیم تراشیده	"	۷۵۳	۷۴۶	۷۰۷
۲۲	۱۱۰/۷۵	بادام مختار	"	۷۵۲	۷۴۵	۷۰۸
۷۵	۱۸۶/۰	بادام تراشیده	"	۷۵۱	۷۴۴	۷۰۹
۱۹	۴۲/۵۰	بادام آبله و بی کله	"	۷۵۰	۷۴۳	۷۱۰
۵	۱۰/۷۵	کیود بادام	باتوت	۷۴۹	۷۴۲	۷۱۱
	۳۴۶/۱۵	"	"	۷۴۸	۷۴۱	۷۱۲
۱۱		( ۱۲ قدامه بزرگ به ۱۰ قدامه نذر انسان زمان مساوی نگاه داشته شد )	باتوت			
۱۸	۱۳۱۶/۰	زرد درخت	المان برلیا	۷۸۳	۷۷۶	۷۱۳
۱۳	۳۱۸/۲۵	زرد درخت	"	۷۸۲	۷۷۵	۷۱۴
	۱۱۵۲/۰	بسته	"	۷۸۱	۷۷۴	۷۱۵
		کد ماهبه ۵۱ کیلوگرم ۱۸ جبه	هرارید	۷۸۰	۷۷۳	۷۱۶
	۳۳۸	بد	هرارید	۷۷۹	۷۷۲	۷۱۷
۸	۲۷/۵۰	درخت	زرد	۷۷۸	۷۷۱	۷۱۸

۱۷۶

۸۸

ردیف	تاریخ	شرح	اسم اشیا	شماره قفسه	شماره ثبت	مبلغ
۱	۱۳۱۶	مربع	شعبه	۶۱۰	۵۸۳	۱۳۶۹
۲	۱۳۱۶	دسته - واهرنشان	کاره	۶۱۱	۵۸۴	۱۳۲۰
۳	۱۳۱۶	مربع - جلد منحل	قداره	۶۱۳	۵۸۶	۱۳۲۱
۴	۱۳۱۶	دسته - الی - واهرنشان	کاره	۶۱۴	۵۸۷	۱۳۲۲
۵	۱۳۱۶	دانه نشان مربع کار اسلحه پهلوی	قداره	۶۱۵	۵۸۸	۱۳۲۳
۶	۱۳۱۶	دانه نشان مربع جلد منحل پهلوی	"	۶۱۶	۵۸۹	۱۳۲۴
۷	۱۳۱۶	دسته - واهرنشان	کاره	۶۱۷	۵۹۰	۱۳۲۵
۸	۱۳۱۶	مربع - خلاف قمری	شعبه	۶۱۸	۵۹۱	۱۳۲۶
۹	۱۳۱۶	دسته - پشم مربع - فلان - چوبی	قداره	۶۱۹	۵۹۲	۱۳۲۷
۱۰	۱۳۱۶	مربع - واهرنشان	-	۶۲۰	۵۹۳	۱۳۲۸
۱۱	۱۳۱۶	تشریحات که مربع بالامر و اقوت مارپیچ است	مربع	۱۳۳	۸۷۲	۱۳۲۹
۱۲	۱۳۱۶	فلان منحل مربع بالامر انتقالی از موزه وزارت عدلیه	شعبه			۱۳۳۰

این قانون بموجب ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۶  
 مجلس شورای ملی کمیسیون تکلیف - واهرات  
 در مارت خوا بنگاه متوالها تشکیل پس از سازش  
 رسیدگی بکلیه - واهرات و اشیا دیگر موجود  
 در خزانه - واهرات و خان نمودن آن خندان  
 که برای خصل موزه نگاهداری شده است  
 بقیه - واهرات پشم این دفتر که تا شماره  
 ( ۱۲۸۰ ) ردیف و صفحه ( ۸۱ ) ثبت و  
 مست تحریر یافته است تماما در موزه پهلوی  
 مقرر و بجا شده در خزانه - واهرات پهلوی  
 گردیده است . بتاريخ سه شنبه ۱۳ شهریور  
 دیماه ۱۳۱۶

در شان مصروفیت و ضرورت در این خصوص  
 در تاریخ ۱۳۱۶/۱۰/۲۱  
 در شان مصروفیت و ضرورت در این خصوص  
 در تاریخ ۱۳۱۶/۱۰/۲۱

www.KetabFarsi.com

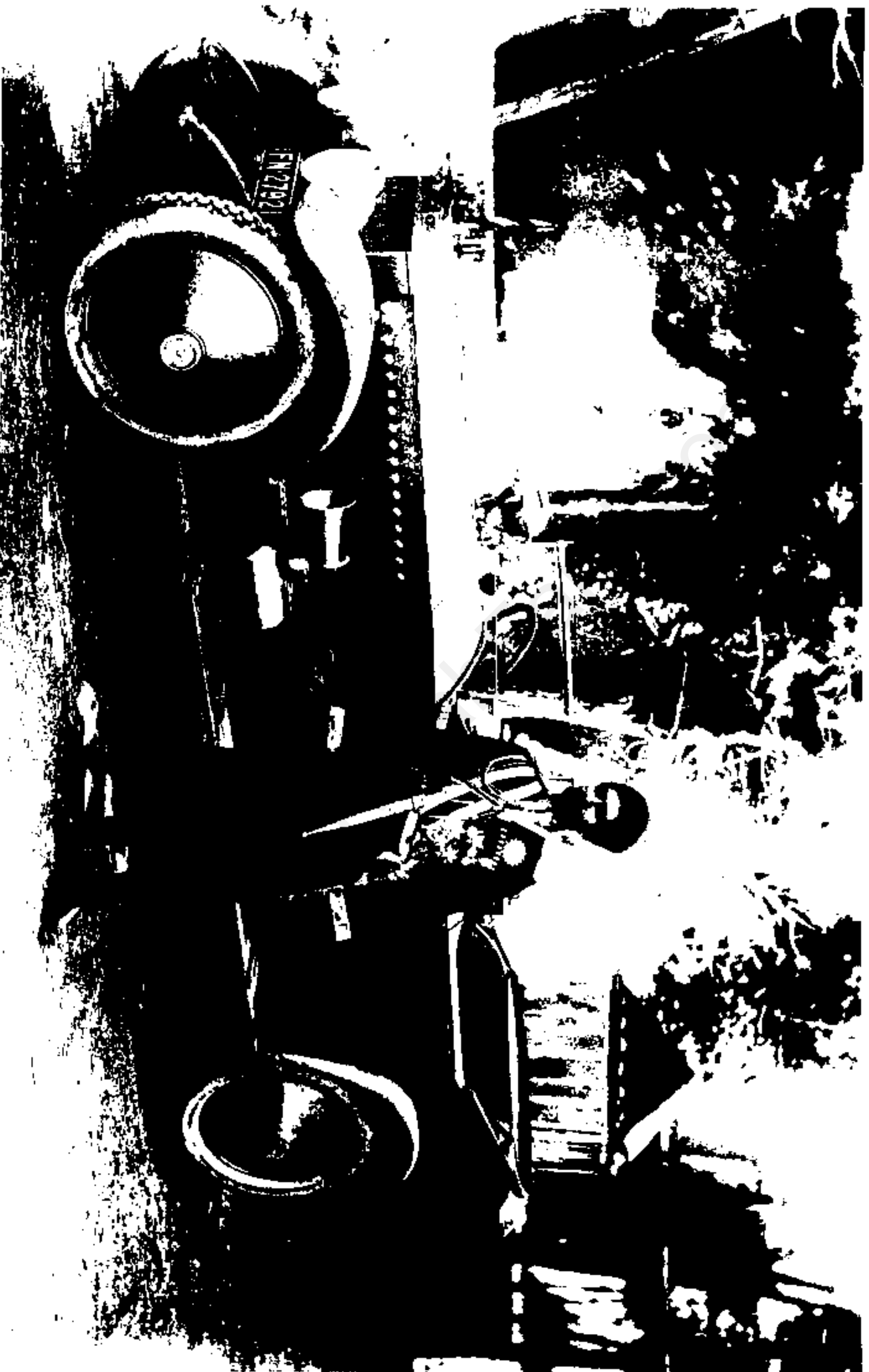
**تصاویر** \_\_\_\_\_







رضاخان قراول سفارت هلند در کنار کنویل وزیرمختار هلند [۱۹۵۶-۱]



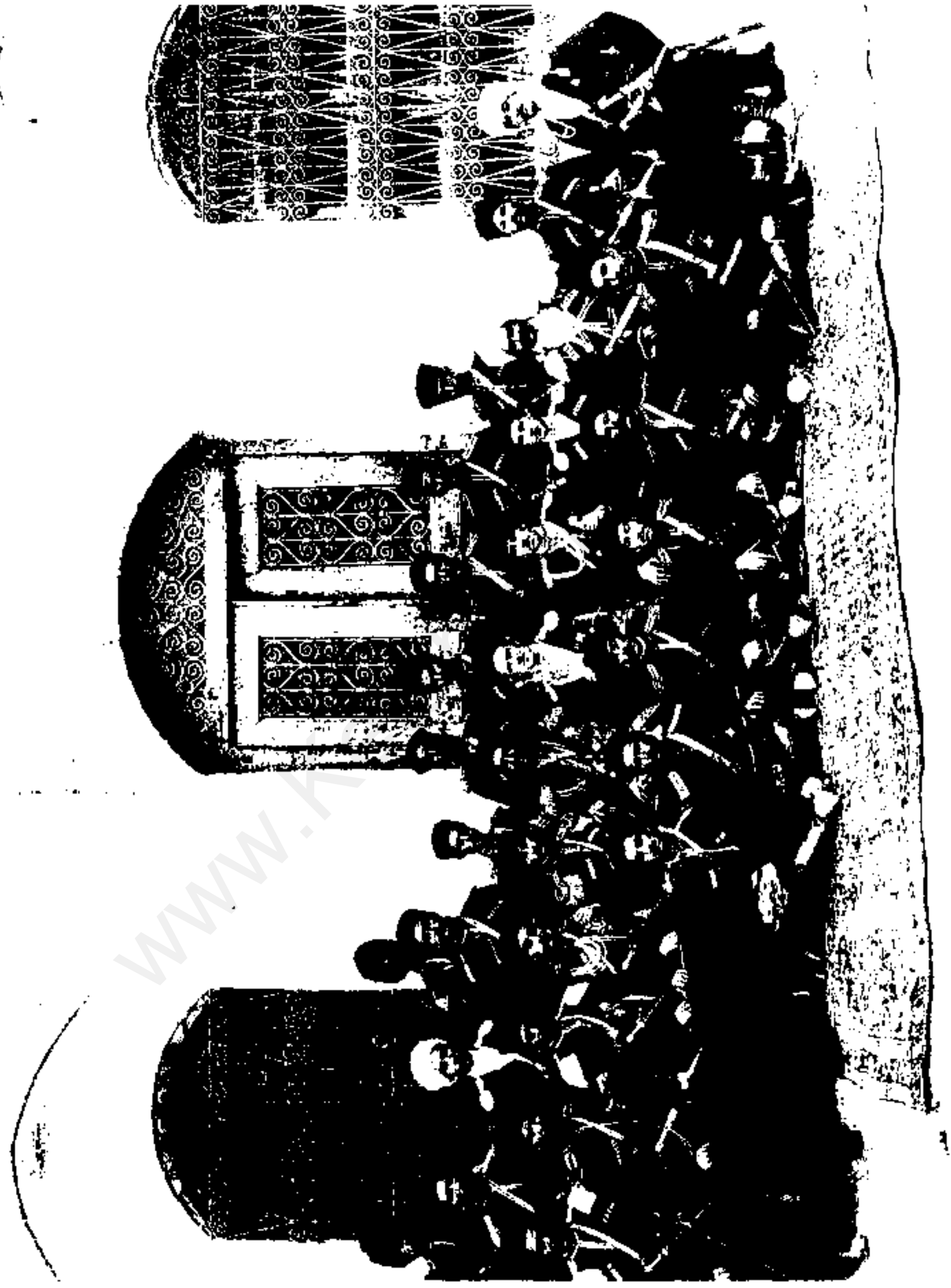
رضاخان در کنار اتومبیل نوسنر الموده فیروز [۱۷۹۰۱-۱-ت]



از راست: نفر سوم محمدولی میرزا فرمانفرما، و نفر چهارم یاور رضاخان (رضاشاه  
پهلوی) از محافظان منزل عبدالحسین میرزا فرمانفرما در کرمانشاه [۸۲-۱-ت]

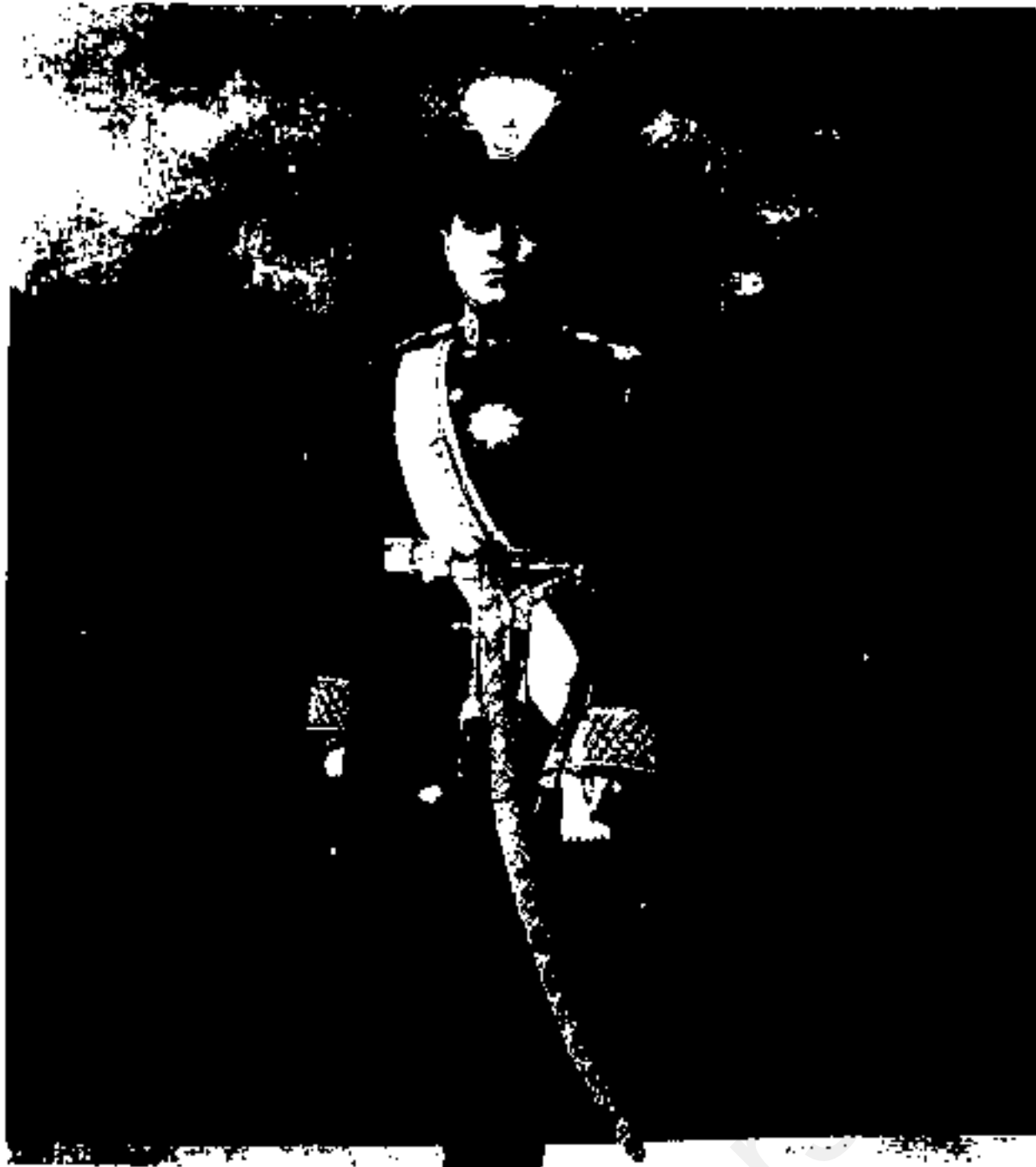


عده‌ای از المیران قزاق، نخسته ردیف دوم از راست نفر ششم سرهنگ رضاخان [۱۷۹۳-۱۸۰۱]



رضاخان میربنج و کاپیتان مارکوف به اتفاق جمعی از افسران ایرانی و روسی تزارخانه ردیف دوم از راست نفر ششم

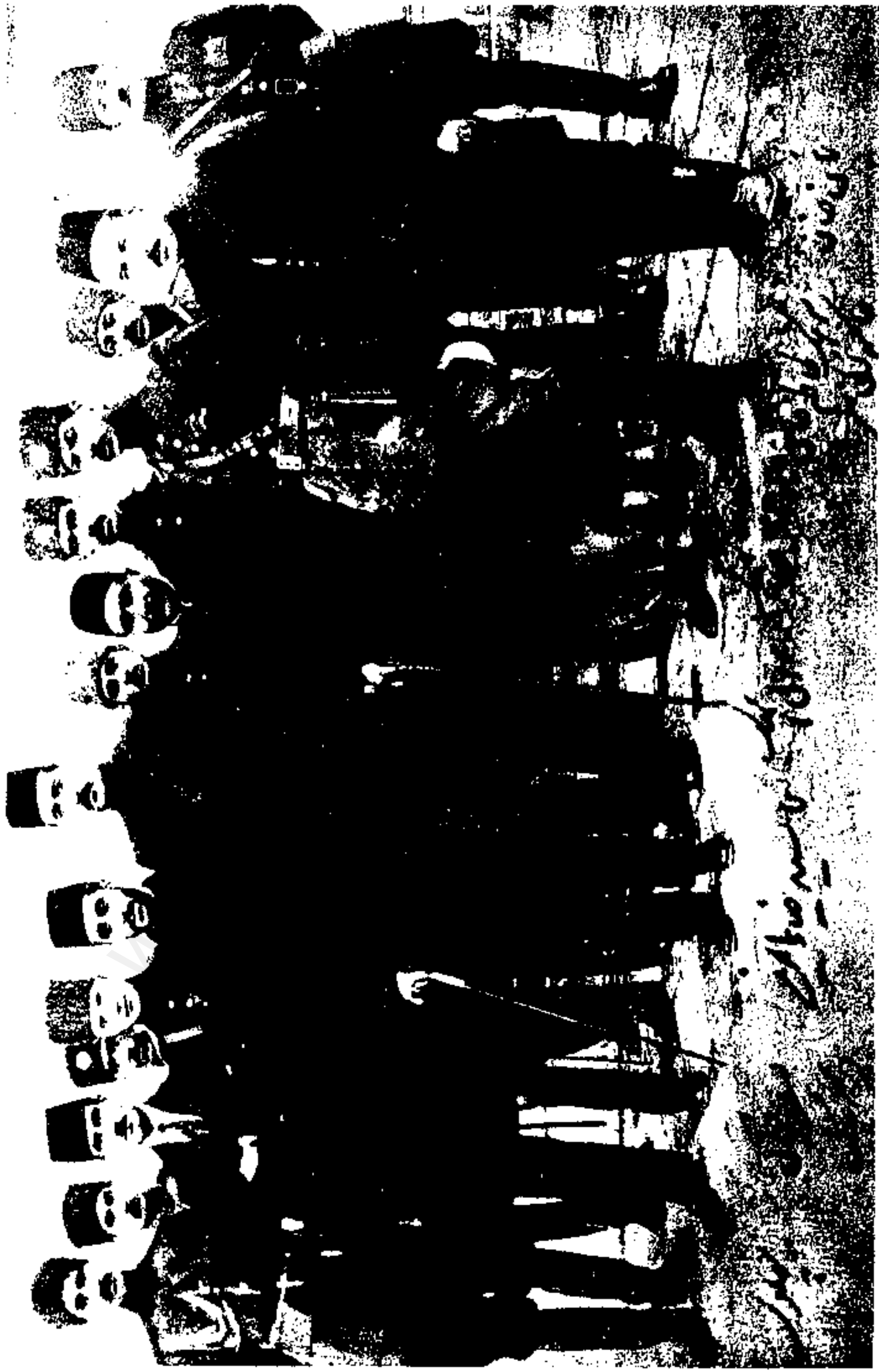
مارکوف، رضاخان میربنج، مرتضی یزدان‌پناه، ایرج مطبوعی [۷۱۳-۱۱]



احمدشاه در لباس سلام نظامی [۱-۳۲۶۶]



احمدشاه قاجار به اتفاق رضاخان میرپنج و ریرچنگ و جان محمدخان امیرعلاشی احوال خود [۱-۱۲۸۹۸]



اعضای هیئت دولت سید ضیاءالدین طباطبائی

اعضای هیئت دولت سید ضیاءالدین طباطبائی [۱۷۸۴-۱]

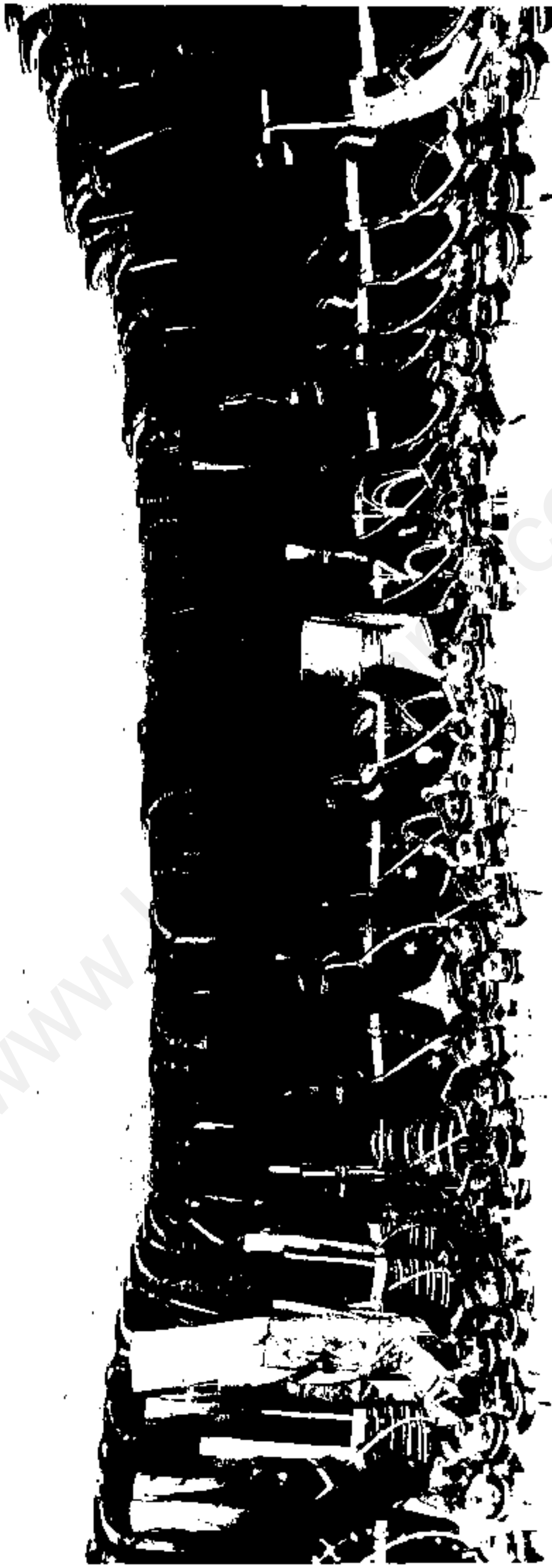


به ترتیب شماره: ۱- میرزا حسن خان محتشم السلطنه ۲- میرزا احمد خان قوام السلطنه (رئیس الوزرا) ۳- محمد حسن میرزا



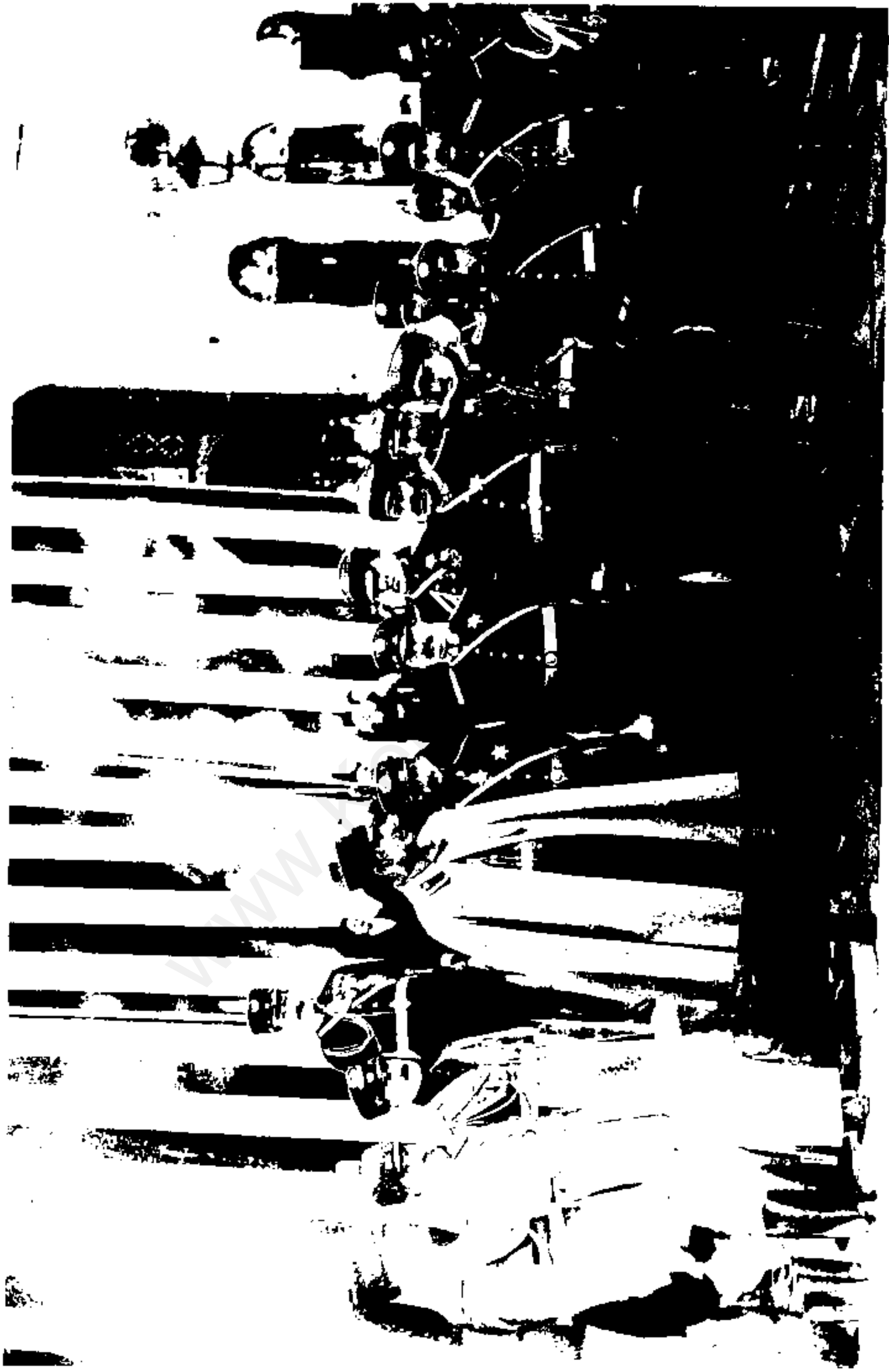


احمدشاه در آستانه سفر دوم خود به اروپا در جمع عده‌ای از شاهزادگان و مقامات دربار و اعضای کابینه حسن مشیرالدوله پیرنیا [۴۸۷۶-۱]



موزه موزه  
موزه موزه  
موزه موزه

رضاخان و عده‌های از افسران قشون متحدالشکل در میدان مشق در وسط رضاخان (فرمانده کل قوا) [۱۸۱۵-۱]



افراد نظامی از چپ: ۱- محمد نخجوان ۲- علی نقدی ۳- سرتیپ جان محمد خان امیر علایی ۴- امیر لشکر عباسقلی جلابر (سردار مدحت)

۵- رضاخان پهلوی ۶- مرتضی یزدانپناه ۷- سرهنگ جمعقرقلی بیگلرپور ۸- سرهنگ چارپرسکی ۹- امیر لشکر نصرالله آیرم

۱۱- سرتیپ عبدالرضا افخمی ۱۳- سرهنگ ناظر ۱۵- سلطان اسماعیل خان معتمدالدوله [۱۸۱۷-۱۱]

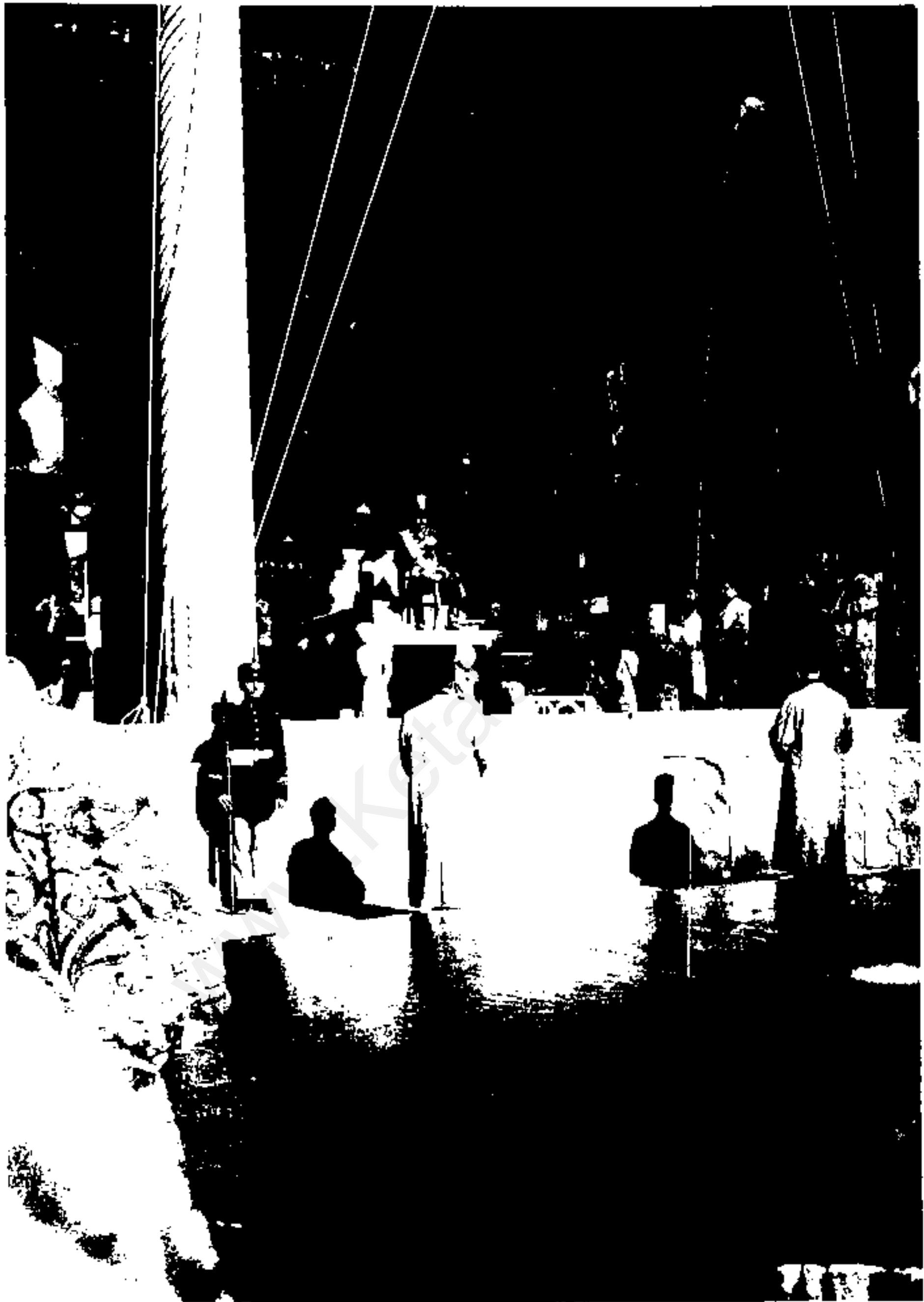


۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

جشن مدرسه نظام با حضور رضاخان به تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۰۴ به ترتیب شماره عکسها: ۱- رضاخان پهلوی (رئیس الوزرا و فرمانده کل قوا) ۲- امیرموشق نخجوران (رئیس مدرسه نظام) ۳- امیر لشکر خدایارخان ۴- سرهنگ عطاءاله خان (نایب رئیس مدرسه نظام) ۵- امیر لشکر اسماعیل شقائی ۷- امان الله میرزا جهانبانی (رئیس کل ارکان حرب) [۱۵۷۵-۱۱]



احمدشاه به هنگام مراسم سلام رسمی در کاخ گلستان [۱۳۳۹۶-۱۱]



مراسم تاجگذاری رضاخان پهلوی

ایستاده از راست: ذکاءالملک فروغی، عمادالسلطنه فاطمی، جعفرقلی سردار اسعد، محمود جم [۱۹۱۷-۱۱]



رضاشاه پهلوی در حال اجرای مراسم تحلیف در مجلس شورای ملی [۱-۱۳۰۶]



امان‌الله خان، پادشاه افغانستان به اتفاق رضاشاه در جمع عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای ملی [۱۸۹۴-۱]

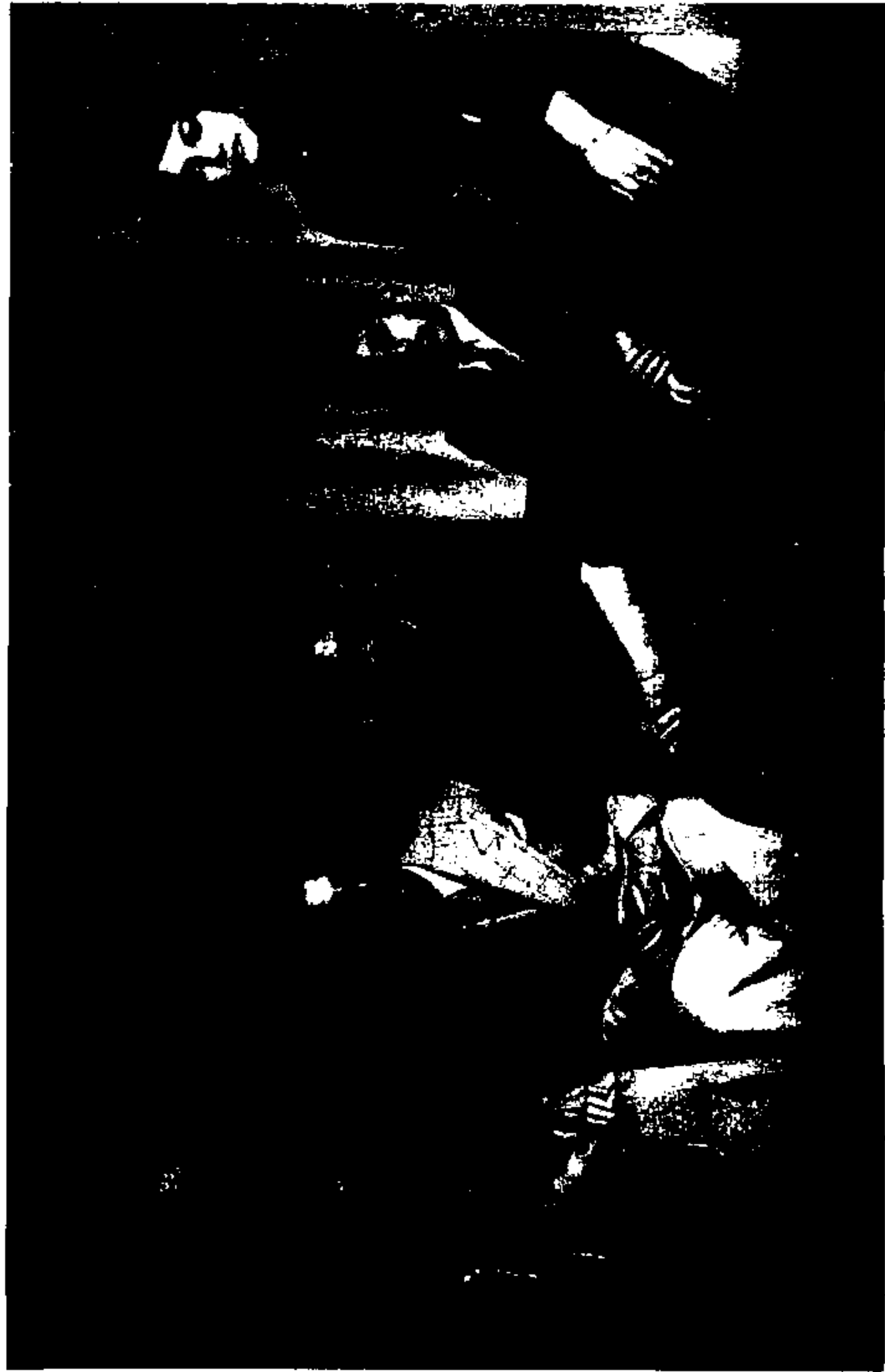




محمد رضا، شمس، اشرف و علیرضا پهلوی در دوران خردسالی به اتفاق دو نفر از گماشته‌هایشان [۲۷۶۲-۱]



شاهپورها به ہنگام اعزام بہ اروپا بہ ہمراہ رشید یاسمی از راست:  
عبدالرضا، احمدرضا، رشید یاسمی، غلامرضا و محمودرضا [۱۶۶۹-۱-پ]



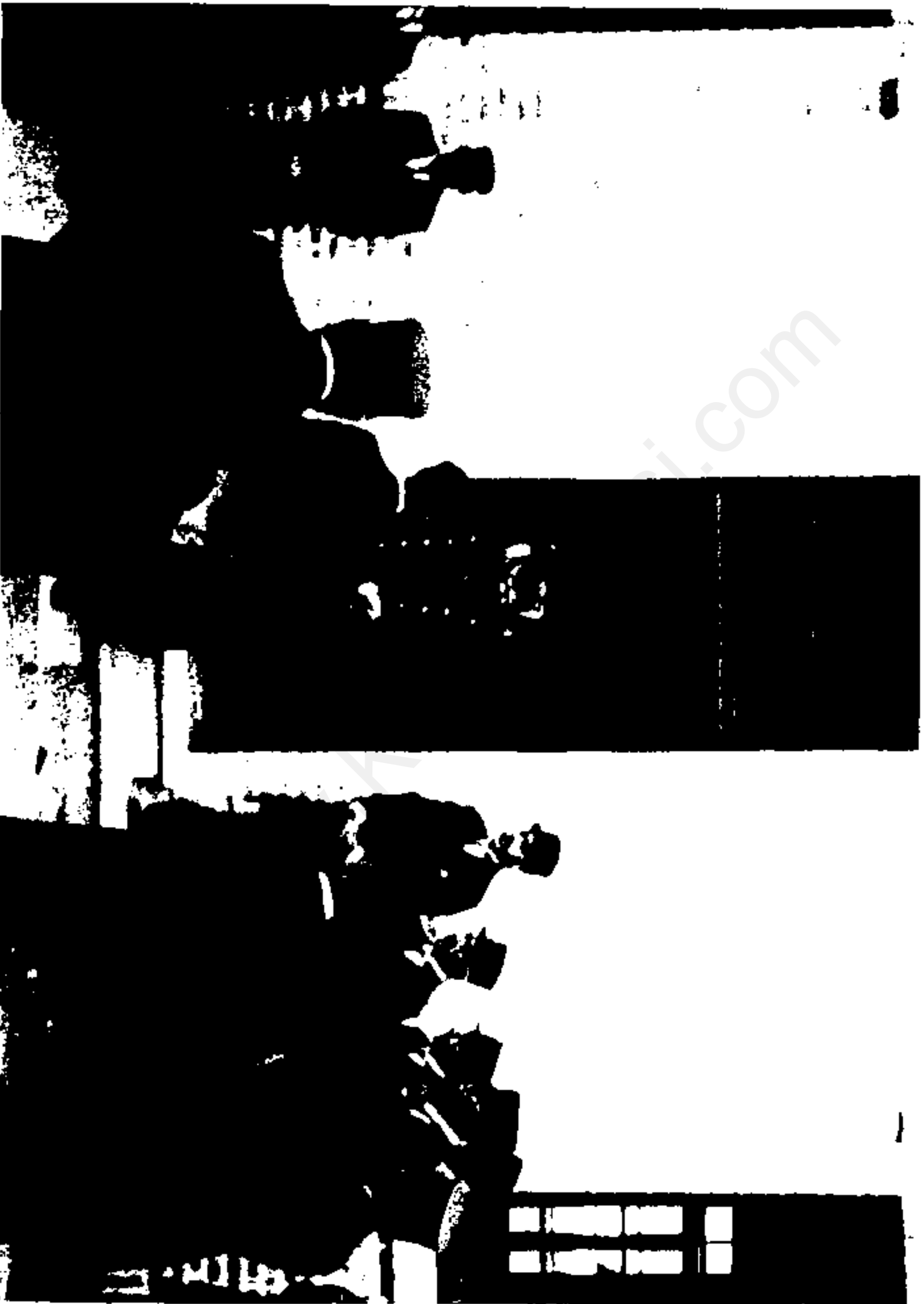
از راست: اشرف، علیرضا، تاج الملوك، محمدرضا و شمس [۱-۱۹۳۱]

تاج الملوك بھلوی [۱۹-۱۲۱ پ]

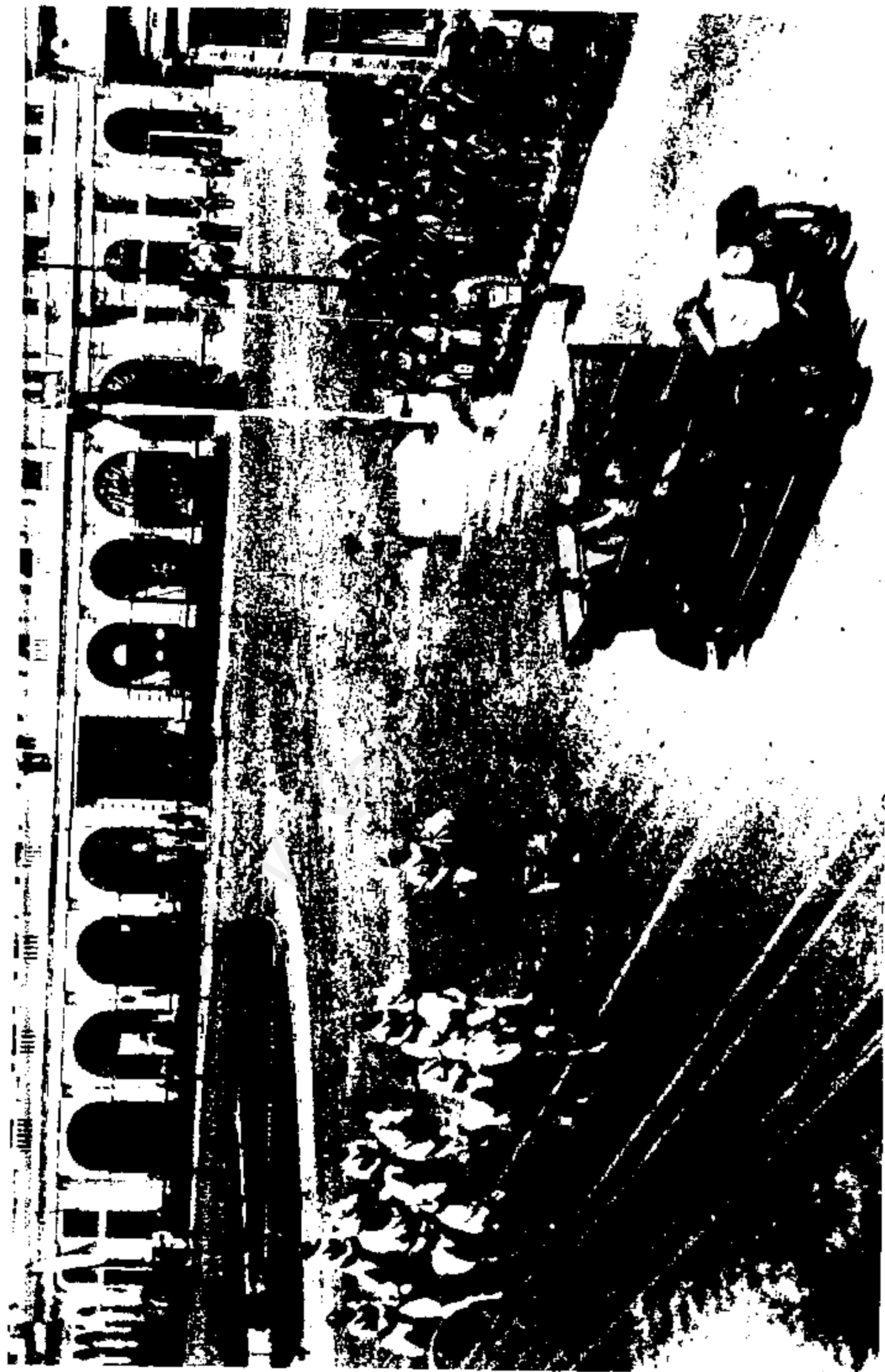




رضاشاه در مراسم بدرقه اولین گروه از محصلین اعزامی به اروپا [۱۸۳۸-۱]



رضاشاه و عده‌ای از نمایندگان دوره نهم مجلس شورای ملی [۱۹۱۲-۱۱]



رضاشاه و ملک فیصل نایب السلطنه حجاز هنگام عبور از میدان حسن آباد در تیرماه ۱۳۱۱ [۴-۴۲۷۸]



رضاشاه و محمد رضا پهلوی به هنگام بازدید از بناهای تاریخی [۱۹۷۷-۱]





رضاشاه و شش تن از فرزندان وی: محمدرضا، علیرضا، غلامرضا، عبدالرضا، احمدرضا و محمودرضا [۱۹۳۶-۱۱]



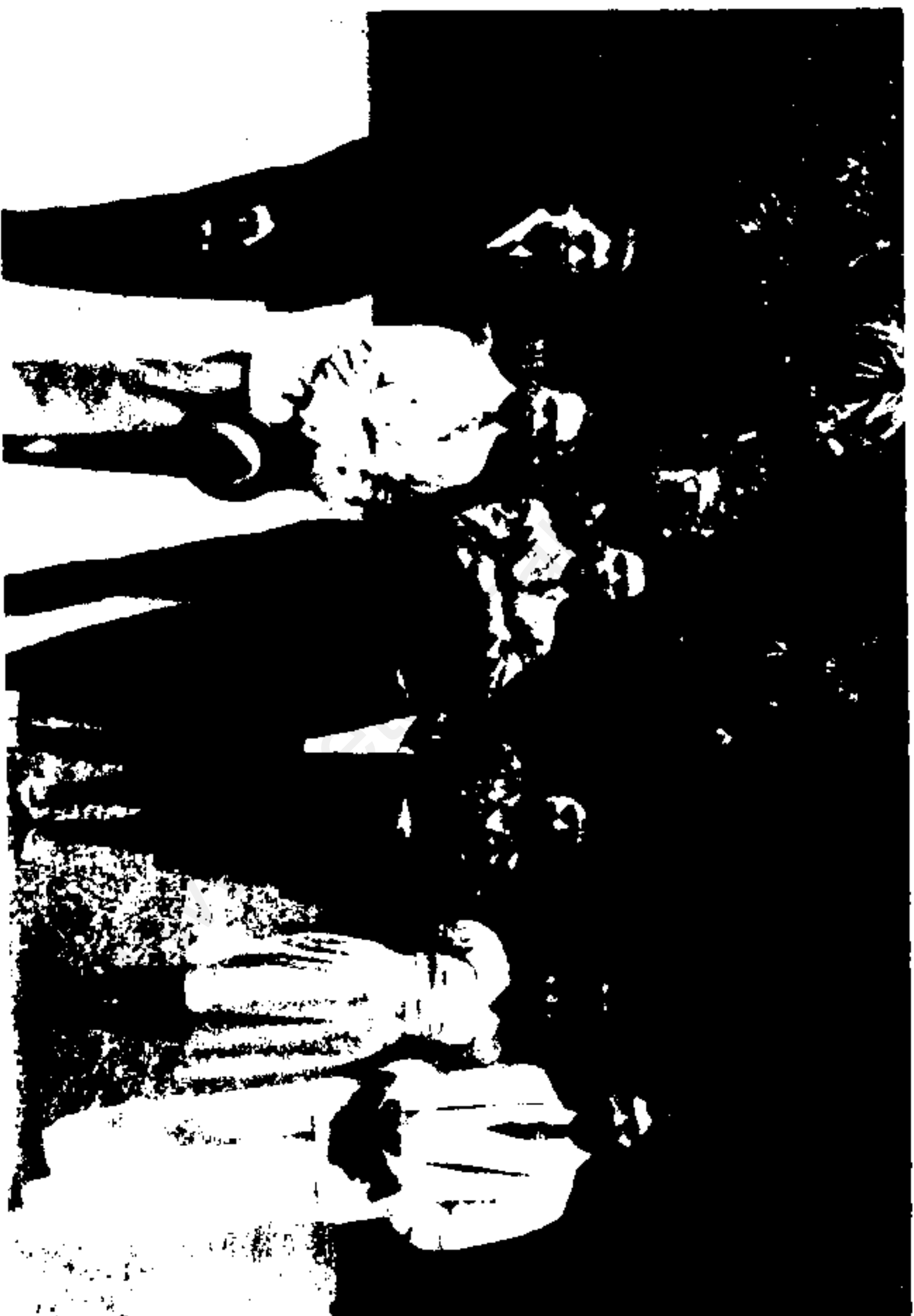
جشن فارغ التحصیلی علیرضا پهلوی در دانشکده افسری مورخ ۲۸ مرداد ۱۳۲۰ | ۱۸۵۸-۱۱



محل اقامت رضاشاه در جزیره موریس | ۹۱-۱۲۴ پ |



علی ایزدی | ۲-۸۶۲۵ پ |



غلامرضا پهلوی، فاطمه پهلوی، عصمت درلشاهی، حمیدرضا پهلوی، فریدون جهم، علی ایزدی، عبدالرضا پهلوی در ژوهاینسبورگ [۱۹۳۱-۶-۱۱]



رضاشاه به اتفاق علیرضا و شمس در ژوهانسبورگ [۱-۳۲۶۱]



رضاشاه در آخرین روزهای حیاتش در ژوهانسبورگ [۳۲۶۲-۱۱]



جنازه رضاشاه به صورت مومیایی شده با لباس رسمی [۳-۶۳۴۷]



مخمدرضا پهلوئ به هنگام سوکواری بر سر جنازه رضاشاه  
از راست نفر سوم غلامحسین افخمی، ششم محمود بهارمست [۳-۶۳۴۶]

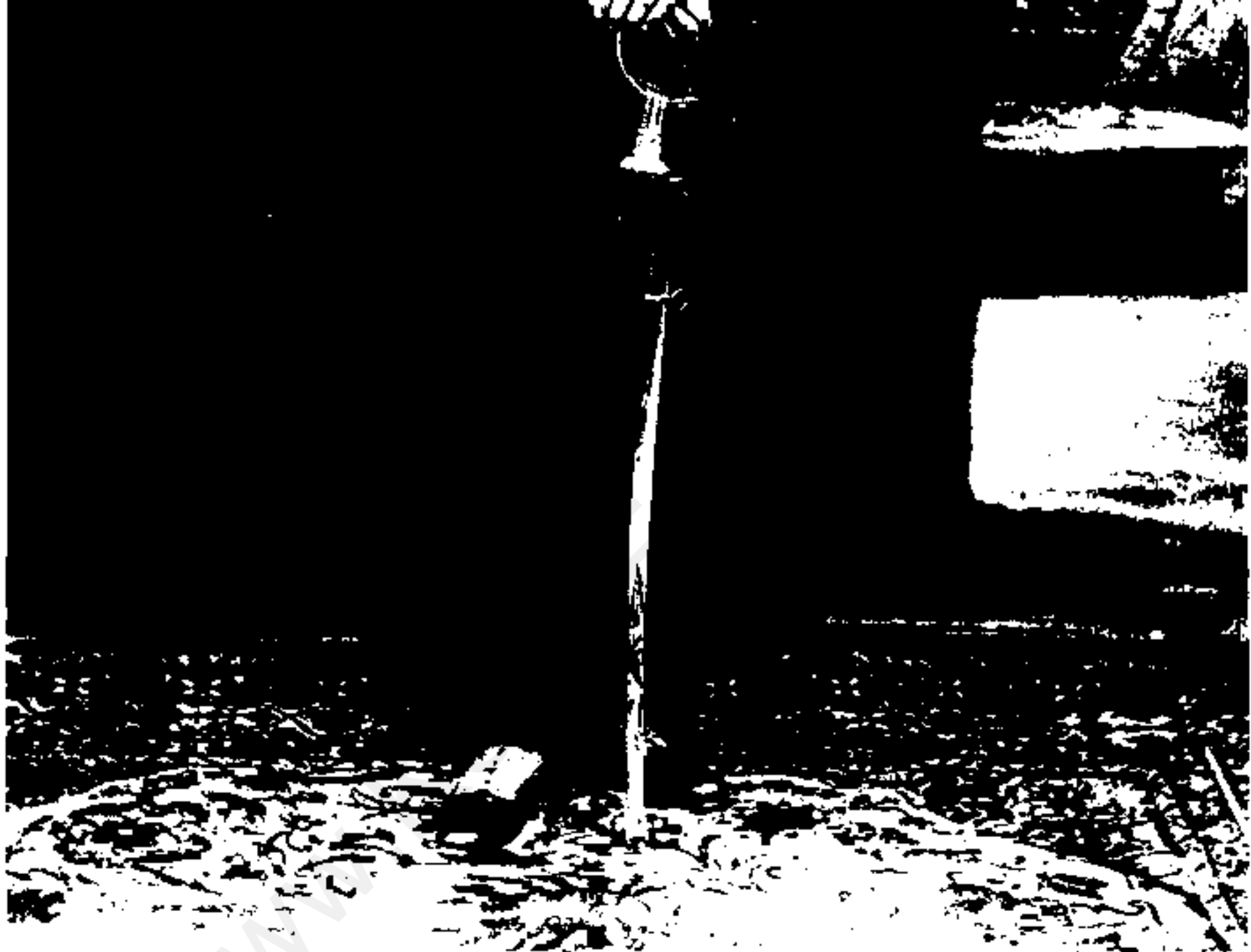




اردشير جى، دڪٽر مهدي ملڪزاده، حاج نصرالله ملڪ المتكلمين [۱-۷۵۴]



محمد حسن میرزا ولیعهد [۴۰۷۹-۱۱]



نصرت السلطنة | ٤٦٠-١





سپہبد احمد امیر احمدی [۲۱۹۸-۱]



ایرج مطبوعی [۱۱۳۰-۱۱]



حبيب الله رشيديان [۱۹۳۹-۱۱]





## نامهای اشخاص

احتشام، احمد (احتشام‌الحکما) [سید...]	آتابای (خانواده) ۹
۱۵۸	آتابای، ابوالفتح ۲۳۶
احمد [...]خان] (اهل لاهو) ۳۳۰	آراسته، محمد ۱۸۱
احمد [میرزا] (ولد حاج عبدالله) ۳۳۰	آریایی، عباس [استاد...] ۲۸۶
احمد آقاخان [سرهنگ...] ۱۷	آقاخان [میرزا...] (اهل تنکابن) ۳۲۹
احمدخان ابدالی ۴۱	آلدورث، تی.پی [سروان...] ۸۲
ادهم‌الدوله، حسن خان [دکتر...] ۲۱	آیرم، محمدحسین [سرتیپ...] ۲۲
ارجمند، ابراهیم ۲۲۰	آیرم، محمود [سرلشکر...] ۲۲
ارجمند، رحیم ۲۲۰	آیرم، نصرالله [امیرلشگر...] ۳۷۱
ارجمند، مسیح ۲۲۰	آیرملو، تیمورخان [میرپنج - سرتیپ] ۹
اردلان، منوچهر ۷۱، ۲۶۱	آیرونساید [...]دوم]، [بارون...] ۸۴
ارفع [سرهنگ] ۱۹۵	آیرونساید، ادموند [ژنرال...] ۱۴، ۱۶، ۱۷،
استادحیب، اصغر ۲۸۶	۲۰-۱۸، ۸۰، ۸۳
استاروسلسکی [کلنل...] ۱۴، ۱۶	
اسدی، سلمان (نماینده مجلس شورای	ابتهاج‌الملوک خانم ۳۱۸
ملی) ۳۰، ۱۵۰	ابراهیم ۳۱۷
اسدی، محمدولی (مصباح‌السلطنه) ۳۰،	ابراهیم [سید...] (اهل میخ‌سازکجور) ۳۲۹
۱۰۶، ۱۵۰	ابراهیم [سید...] (اهل ولا، کلاردشت) ۳۲۹
اسفرجانی ۲۷۹	ابوالفضل ۳۱۷
اسفندیاری بختیاری، ثریا ۹، ۴۷	ابوالقاسم [...]خان] (اهل کلارستاق) ۳۲۹
اسفندیاری، علی (نیما یوشیج) ۴	ابوالقاسم [...]خان، سرهنگ] ۳۲۵، ۳۳۱
اسکراین، کلارمونت [سر...] ۳۱، ۵۲، ۲۰۸	ابوالقاسم بیک ۵
اسکندری، حسین [مشهدی...] ۲۶۸	ابوالمعالی ۲۹۱
اسمیس [سرهنگ...] ۱۶، ۱۷	اتحاد، کاظم خان (سرکشیک‌زاده) [سید...]
اسماعیل [سید...] ۳۲۹	۱۰۶

- ۱۲  
 امیر طهماسبی، عبدالله [سرلشکر...] ۲۲  
 امیر علایی، جان محمد [سرتیپ... خان]  
 ۳۶۶، ۳۷۱  
 امیر مسعود [... خان] ۳۱۸  
 امیر ممتاز، حسن [... خان] ۳۳۰  
 امیر منصور [... خان] ۳۱۸  
 امیر نصیری، حسینقلی [... خان] ۳۳۰  
 امیر نظام آقای [...] ۳۱۸  
 امیر هوشنگ [... خان] ۳۱۸  
 انتظام لشکر، عبدالله [... خان] ۳۳۰  
 انصاری، محمود [سرلشکر...] ۲۲  
 اوحدی، محمد علی ۱۵۷  
 ایادی، عبدالکریم [تیمسار، سرتیپ، دکتر...]  
 ۳۴، ۲۲۰  
 ایزدی، علی ۷، ۶۳، ۶۴، ۶۸-۷۱، ۱۹۹  
 ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۱۷-۲۱۵، ۲۳۵  
 ۲۵۸، ۳۸۷، ۳۸۸  
 ایلینگ ورث، ال. اس [سروان...] ۸۳  
 بارسقیان، تیرداد ۳۰۱-۲۹۷  
 بافقی، محمد تقی [شیخ...] ۳۷  
 باگدناف [مسیو...] ۱۱۳  
 بدر، ابوالقاسم [دکتر...] ۲۹۰، ۲۹۲-۲۹۴  
 بدر، احمد (نصیرالدوله) ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۲  
 ۲۹۳، ۲۹۶  
 بدر، حسین ۲۹۳  
 بدر، عبدالوهاب ۲۹۰-۲۸۸، ۲۹۲-۲۹۴  
 بدر، غلامحسین ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲-۲۹۴  
 بدر، محمد ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲-۲۹۴  
 بدر، محمود ۴۵، ۲۹۰-۲۸۹، ۲۹۲-۲۹۴
- اسمیت، اج [سرهنک دوم...] ۸۲  
 اشرف افغان ۴۱  
 اشرف وزیری، علی ۳۰، ۱۵۹  
 اصفهانی، ابوالحسن [آقاسید...] ۱۶۱، ۱۶۷  
 اعزاز السلطنه ۱۲۷  
 اعظمی، قنبر ۲۸۶  
 افراسیاب [... خان] ۳۱۷  
 افخمی، عبدالرضا [سرتیپ...] ۳۷۱  
 افخمی، غلامحسین ۳۹۲  
 افرشته، علی اصغر ۲۹۱  
 افشارطوس، محمود [سروان...] ۲۸۰، ۲۸۱  
 اقبال السلطنه ماکویی ۲۳، ۴۶، ۴۹  
 اکبری، علیخان [حاج...] ۲۶۸  
 الکساندر سوم ۳۵۵  
 اللهوردی [... خان] ۳۱۶  
 امیر، پیر ۲۵۵  
 امیر [امیر؟] خان [دکتر...] ۳۱۸  
 امان‌الله خان (پادشاه افغانستان) ۳۷۶  
 امیر عشایر ۲۳  
 امیر احمدی، احمد [سپهبد...] ۱۷، ۲۶  
 ۳۹۷  
 امیر اصلان [... خان] ۳۲۰، ۳۲۵  
 امیر اعلم [دکتر...] ۳۲۰  
 امیر اقتدار، محمود آقا [امیر لشکر...] ۲۱  
 امین الضرب [حاج...] ۳۰۹، ۳۱۱  
 امیرپور ۲۳۴  
 امیر حسامی، ذبیح‌الله ۲۹۲، ۲۹۳  
 امیرزاده اصفهانی ۳۰۷  
 امیر سلیمانی، توران (قمرالملوک) [ملکه...]  
 ۹، ۱۲، ۱۳، ۳۷، ۷۰، ۱۹۹، ۲۳۷  
 امیر سلیمانی، عیسی خان (مجد السلطنه) ۹

- بدرالدوله ۱۴۵  
 بدیع، محمدحسن ۱۶۸، ۱۶۱  
 برادلی، مایور ۲۶۱  
 برکن هد [لرد... ] ۱۲۲  
 بروجردی، حسین [آیت‌الله... ] ۱۶۱  
 برومند ۱۷۲  
 بزاز، ابوالحسن ۱۵۱  
 بصیرالدوله هروی ۲۱  
 بوذرجمهری، کریم [سرتیپ... آقاخان] ۲۶۷،  
 ۲۸۲  
 بولارد، ریدر [سر... ] ۵۲  
 بولارد، ویلیام ۴۲  
 بهاء‌الدین، عزالدین ۲۹۷، ۲۹۹  
 بهبودی، سلیمان ۴، ۲۳۴  
 بهبهانیان، محمدجعفر ۲۹۵، ۳۰۳، ۳۰۵  
 بهرامی، حسین [دکتر... ] (احیاء السلطنه)  
 ۱۴۶  
 بهرامی، فرج‌الله (دبیراعظم) ۱۴۶  
 بیگلرپور، جعفرقلی [سرهنک... ] ۳۷۱  
 پارسائی، محمدعلی ۲۹۱  
 پارمور [لرد... ] ۱۲۴-۱۱۹، ۱۲۷  
 پاشا [... خان] ۳۱۶، ۳۲۹  
 پاشا، احمد [شیخ... ] ۳۳۰  
 پاکروان، فتح‌الله ۱۷۳، ۱۷۴  
 پراکتور، دی. اچ. تی [استوان... ] ۸۳  
 پرویز [... خان] ۳۳۰  
 پزشکیان، علی اکبر ۲۹۱  
 پسیان، محمدتقی خان [کلنل... ] ۹۴  
 پوریا [سرتیپ] ۱۹۱  
 پهلبد، شهباز ۲۵۴  
 پهلبد، شهرآزاد ۲۵۴، ۲۵۶  
 پهلبد، مهرداد ۷۱، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۶۱  
 پهلوی، احمدرضا ۱۴، ۲۳۴، ۲۴۶، ۳۷۸،  
 ۳۸۵  
 پهلوی، اشرف ۹، ۱۱، ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۷۹  
 پهلوی، تاج‌الملوک ۷، ۹، ۱۰، ۱۲، ۷۰، ۷۱  
 ۱۹۹، ۲۳۳، ۲۴۳، ۲۴۷-۲۴۵، ۲۴۹  
 ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۳۲۰  
 ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۷۹، ۳۸۰  
 پهلوی، حمیدرضا ۱۴، ۶۲، ۷۰، ۲۳۲  
 ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۱، ۳۸۸  
 پهلوی، رضا [میرپنج، خان، شاه] در اکثر  
 صفحات  
 پهلوی، شمس ۱۱، ۶۱-۶۳، ۷۰، ۷۱، ۲۰۳  
 ۲۱۳-۲۱۱، ۲۱۷، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۹  
 ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۶۰، ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۷۷،  
 ۳۷۹، ۳۸۹  
 پهلوی، شهناز ۲۵۴  
 پهلوی، عبدالرضا ۱۴، ۷۰، ۲۱۷، ۲۲۷  
 ۲۳۴-۲۳۲، ۲۴۶، ۳۷۸، ۳۸۵، ۳۸۸  
 پهلوی، علیرضا ۹، ۱۱، ۶۱، ۶۹، ۷۱، ۲۰۴  
 ۲۱۷، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۸، ۳۷۹، ۳۸۵  
 ۳۸۶، ۳۸۹  
 پهلوی، غلامرضا ۱۴-۱۱، ۶۷، ۷۵، ۲۱۷  
 ۲۳۸، ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۷۸، ۳۸۵، ۳۸۸  
 پهلوی، فاطمه ۱۴، ۶۲، ۲۳۲، ۲۴۶، ۳۸۸  
 پهلوی، فاطمه (همدم السلطنه) ۸، ۹، ۳۲۰  
 ۳۲۵  
 پهلوی، محمدرضا [شاه] ۱۱، ۳۴، ۴۴، ۴۵  
 ۵۸، ۶۰-۶۲، ۶۹، ۲۴۰، ۲۴۹، ۳۸۴  
 ۳۸۵، ۳۹۲  
 بدرالدوله ۱۴۵  
 بدیع، محمدحسن ۱۶۸، ۱۶۱  
 برادلی، مایور ۲۶۱  
 برکن هد [لرد... ] ۱۲۲  
 بروجردی، حسین [آیت‌الله... ] ۱۶۱  
 برومند ۱۷۲  
 بزاز، ابوالحسن ۱۵۱  
 بصیرالدوله هروی ۲۱  
 بوذرجمهری، کریم [سرتیپ... آقاخان] ۲۶۷،  
 ۲۸۲  
 بولارد، ریدر [سر... ] ۵۲  
 بولارد، ویلیام ۴۲  
 بهاء‌الدین، عزالدین ۲۹۷، ۲۹۹  
 بهبودی، سلیمان ۴، ۲۳۴  
 بهبهانیان، محمدجعفر ۲۹۵، ۳۰۳، ۳۰۵  
 بهرامی، حسین [دکتر... ] (احیاء السلطنه)  
 ۱۴۶  
 بهرامی، فرج‌الله (دبیراعظم) ۱۴۶  
 بیگلرپور، جعفرقلی [سرهنک... ] ۳۷۱  
 پارسائی، محمدعلی ۲۹۱  
 پارمور [لرد... ] ۱۲۴-۱۱۹، ۱۲۷  
 پاشا [... خان] ۳۱۶، ۳۲۹  
 پاشا، احمد [شیخ... ] ۳۳۰  
 پاکروان، فتح‌الله ۱۷۳، ۱۷۴  
 پراکتور، دی. اچ. تی [استوان... ] ۸۳  
 پرویز [... خان] ۳۳۰  
 پزشکیان، علی اکبر ۲۹۱  
 پسیان، محمدتقی خان [کلنل... ] ۹۴  
 پوریا [سرتیپ] ۱۹۱  
 پهلبد، شهباز ۲۵۴

- پهلوی، محمودرضا ۱۴، ۲۴۶، ۳۷۸، ۳۸۵  
 پهلوی، یاسمین ۲۵۶  
 پیرقلی [... خان] ۳۱۷  
 پیرنیا، ابوالحسن ۱۸۰  
 پیرنیا، حسن (مشیرالدوله) ۱۸، ۲۳، ۲۶،  
 ۳۶۹، ۹۴، ۶۷  
 پیروز [سروان...] ۲۸۵  
 پیکاک، آی. پی [سروان...] ۸۳  
 پیک وود [کاپیتن] ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱  
 تاجماه (اولین همسر رضا پهلوی) ← صفیه  
 تاورنیه، ژان باتیست ۴۰  
 تجدد، محمدرضا (شیخ‌العراقین زاده)  
 [میرزا...] ۱۰۶  
 تدین، محمد [سید...] ۱۰۶، ۱۰۷  
 ترات ۶۰  
 تربتی، عماد ۳۰۳  
 تقی زاده، سیدحسن ۱۸  
 تنکابنی، طاهر (میرزا) ۳۳۱  
 تنکابنی، محمدولیخان (سپهسالار اعظم)  
 ۴۴  
 توکلی، جعفر ۱۹۷  
 تونتاب، حسن [استاد...] ۳۲۵  
 تونتاب، ملک حسین ۳۲۰  
 تیمورتاش، عبدالحسین ۲۸، ۳۰، ۱۵۶  
 ثابت، حبیب ۷۰، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۴  
 جاکینز، ال. ئی. اچ [سروان...] ۸۲  
 جردن، ساموئل [دکتر...] ۶۷، ۹۷  
 جعفر (مستخدم رضاشاه) ۲۴۴  
 جلایر، عباسقلی (سردار مدحت) ۳۷۱  
 جليلة السلطنه [خانم...] ۳۱۸  
 جم، فریدون ۴۸، ۶۹، ۲۱۴، ۲۴۳، ۳۸۸  
 جم، محمود (مدیرالملک) ۱۷، ۱۷۸،  
 ۱۸۰، ۳۷۴  
 جنکینسن، آنتونی ۴۰  
 جهان [ملکه...] [مادر احمدشاه] ۱۳۲، ۱۳۳  
 جهانبانی، امان‌الله [سرتیپ...] ۳۰، ۱۵۰،  
 ۳۷۲  
 جهانشاه [... خان] ۳۳۰  
 جهانشاهی، عبدالحسین ۲۹۷، ۲۹۹  
 جهانشاهی، محسن ۲۹۳  
 جی، اردشیر ۲۰-۱۸، ۳۳، ۶۸، ۸۳، ۱۱۳، ۳۹۳  
 چارپرسکی [سرهنک...] ۳۷۱  
 حاتمی، نصرت‌الله [... خان] ۳۲۹  
 حاجبی، علی [میرزا...] خان ۳۱۸  
 حاجی آقامحمد ۱۶۳  
 حبیب‌الله ۳۱۷  
 حبیب‌الله [... خان] (پسر ضیغم‌السلطان)  
 ۳۲۹، ۳۳۱  
 حبیب‌الله بیک ۳۰۸، ۳۱۲، ۳۲۰، ۳۲۵  
 حسامی، امیر ۲۹۰، ۲۹۱  
 حسن بیک [وکیل اول...] ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۲۰،  
 ۳۲۵  
 حسن [سید...] ۲۹۰  
 حسین ۳۱۷  
 حسین [شیخ...] ۳۱۶

- حسین شاطر ۲۸۶  
 حسین شوهر ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۱  
 حسینقلی [... خان] ۳۲۹  
 حضرتی (معاون قضایی املاک و مستغلات  
 پهلوی) ۲۸۹، ۲۹۵، ۲۹۶  
 حکمت، رضا [میرزا... خان] ۱۵۵  
 حکیمی [سرهنگ... ] ۱۵۷  
 حماسی، حسین [استاد... ] ۳۲۵، ۳۲۰  
 حیسون، گاس ۲۶۶  
 خالصی کسازمی، محمد مهدی  
 (شیخ الخالصی) [آیت الله... ] ۱۱۸  
 خاللی ۲۸۷  
 خاندان خان [معین نایب... ] ۳۰۹  
 خاورخانم ۳۱۷  
 خدایار خان [امیر لشکر... ] ۱۲، ۳۷۲  
 خراج ۲۸۷  
 خراج موخاللی عطا ۲۸۷  
 خزاعی، پیرقلی [... خان] ۳۱۶  
 خزاعی، حسین [سرلشکر... ] ۲۲، ۲۶، ۳۰۸  
 خزائلی، اسماعیل (شجاع الملک) ۲۸۵  
 خسروی، امیر [سرهنگ... ] ۲۶۳، ۳۳۶  
 ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۵۸  
 خلعتبری، عباسعلی ۲۲۱  
 خلعتبری، عنایت الله [... خان] ۳۳۰  
 خلعتبری، نصرالله (اعتلاء الملک) ۲۰، ۶۸  
 ۱۱۳، ۲۲۱  
 خلیل [میرزا... ] ۳۱۶  
 خواجه نوری، حسین ۳۳۳  
 خورشید خانم ۵، ۳۲۰  
 خوئی، محمد باقر [حاجی... ] ۳۲۲  
 داداش بیک سوادکوهی - عبدالله خان ۴-۶،  
 ۶۷، ۷۳  
 دادستان، بهاء الدین ۷۰، ۲۴۶  
 دادگر، حسین (عدل الملک) [میرزا... خان]  
 ۱۰۶  
 دبیری عسکری، حسینعلی ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳،  
 درخشنده خانم ۳۲۰، ۳۲۵  
 درویش، قاسم [... خان] ۳۲۹، ۳۳۱  
 درویش، یزدانقلی [... خان] ۳۳۰  
 درّی جهان خانم ۳۲۰، ۳۲۵  
 دلیر، پرویز [... خان] ۳۱۸  
 دلیر، مهرداد [... خان] ۳۱۸  
 دربندی، محمود [کربلایی سید... ] ۳۰۹  
 دررخانم ۵  
 درگاهی، محمد [سرتیپ... ] (رئیس نظمیّه)  
 ۱۶۶، ۱۷۱  
 دشتی، علی ۱۰، ۲۶، ۷۰، ۱۴۶، ۲۴۷  
 دنبلی، غلامحسین [سرهنگ... خان] ۲۶۸،  
 ۲۷۰  
 دولت آبادی، نصرالله ۲۹۳  
 دولت آبادی، یحیی ۱۷، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۱۳۴  
 دولتشاهی، عصمت الملوک ۱۳، ۱۴، ۷۰،  
 ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۷-۲۳۵، ۲۴۱،  
 ۲۴۶، ۳۸۸  
 دولتشاهی، مجلل الدوله ۱۴  
 دهقان، احمد [میرزا... خان] ۱۳۷  
 دین، جی. دبلیو [سروان... ] ۸۳  
 دیوسالار، علی [میرزا... خان] (سالار فاتح)  
 ۳۳۰  
 دیوسالار، محمود [... خان] ۳۲۹، ۳۳۱  
 دیوسالار، نعمت الله [... خان] ۳۱۶

- ذریه اتابگ، حسین [استوار...] ۶۷، ۷۵  
ذکاءالملک فروغی، ← محمدعلی
- زمانی، اصغر ۲۸۶  
زمانی، عباس ۲۸۶  
زمانی، ملوک ۱۹۷، ۲۱۲  
زندى حقیقی، رحیم [میرزا... خان] ۳۱۸  
زهرا (مادر رضاخان) [نوش آفرین] ۵، ۶
- ربیع [... خان] ۳۱۶  
ربیع [... خان] (قهرمان جنگ) ۳۱۷، ۳۳۰  
رتشتین، تئودور ۱۲۷، ۱۶۸  
رحمت‌الله ۳۱۶  
رزانی، محمد ۲۸۶  
رشتی، کریم (میرزا کریم خان گیلانی) ۱۸، ۱۹  
رشتی، نصرالله [حاج سید...] (باقرآف) ۲۲۰  
رشید یاسمی، غلامرضا ۳۷۸  
رشیدیان، حبیب‌الله ۳۹۹  
رشدیه، حسن [میرزا...] ۱۲۹، ۱۶۸  
رضا ۳۱۷  
رضا [کربلایی ...] ۳۱۶  
رضاقلی [... خان] ۳۳۰  
رضائی، حسین [... خان] ۲۶۸، ۲۷۱  
رفیع‌الممالک ۱۱۳  
رفیعا ۲۳۷  
رفیعه خانم ۳۱۸  
رفیه خانم ۳۱۸  
رورک، ای. ال [سروان...] ۸۳  
روکوئت، ال. پی [سروان...] ۸۳  
رهنما، زین‌العابدین ۱۴۲-۱۴۵  
ریپورتر، شاپور [سر...] ۱۹، ۸۳  
ری رنی ۲۶۱  
رئیس‌زاده، ابوطالب ۲۹۳
- سالار جلیل، عباس [... خان] ۳۳۰  
سبحانعلی [... خان] ۳۱۶  
سپاهی، صغری خانم ۳۱۸  
سجادی، محمد [دکتر ...] ۴۷  
سراج‌الدین ... [دفتردار] ۲۸۵  
سردار اسعد، جعفرقلی ۳۷۴  
سردار اقدس، خزعل (شیخ) ۴۶، ۴۹، ۹۲  
سردار عشایر ۴۶  
سردار معزز بجنوردی ۴۶، ۴۹  
سردار همایون ۱۶  
سعدالدوله ۳۱۸  
سکینه (مادر رضاخان) ← زهرا  
سلامت، مهدی [حاجی ...] ۲۷۸، ۲۷۹  
سلطان اعتمادی ۳۰، ۱۵۰  
سلطان سیدمرتضی خان (مباشر املاک  
مازندران) ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۳۱۸،  
۳۲۳، ۳۲۶  
سلطان شقاقی ۳۲۳  
سلطانی، محمد (سلطان‌العلماء) [حاج  
سید...] ۲۸، ۱۰۶، ۱۵۳  
سهیلی، حسن (رئیس اداره حسابداری  
درباره شاهنشاهی) ۲۸۰  
سیدان، یحیی ۳۰۰  
سیف‌الله ۲۵۲  
سمیتقو، اسماعیل [... آقا] ۹۲
- زاهدی، فضل‌الله (بصیردیوان) [سرهنگ]  
۶۷، ۹۲

- سوادکوهی، اسماعیل (امیر مؤید) ۲۳
- شادمان، جمیله ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳
- شاردن [شوالیه ...] ۴۰
- شاهرخ (ناظر امور مالی دربار شاهنشاهی)  
۲۸۸، ۲۹۵، ۲۹۶
- شاهرودی، احمد [شیخ ...] ۱۶۱
- شاه طهماسب دوم ۴۱
- شرافتیان (رئیس دفتر هیئت تجدیدنظر  
املاک و اگذاری) ۲۹۹
- شرک [مستر ...] ۹۷
- شرلی [برادران ...] ۴۰
- شریعت‌زاده، احمد ۱۰۶
- شریعتی [خانم ...] ۱۷۳
- شریف‌امامی، جعفر ۲۲۴
- شریفی، باقر ۲۹۷، ۲۹۹
- شفائی، اسماعیل [امیر لشکر ... خان] ۳۶۴،  
۳۷۲
- شفیق، احمد ۲۵۳
- شکریایی (عضو تشریفات) ۳۲۴
- شکوه، حسین (شکوه‌الملک) ۳۰، ۶۸، ۷۰،  
۱۵۸، ۱۸۹، ۲۱۷، ۲۱۸
- شمس‌الواعظین، علی اکبر [سید ...] ۲۹۴
- شهرز [سر هنگ ...] ۷۵
- شیبانی، حسین ۲۸۲
- شیرازی، علی [حجت‌الاسلام میرزا ...] ۱۶۳
- شیروانی [تیمسار سرتیپ ...] ۷۵
- صابرزاده ۲۹۱، ۲۹۷
- صاحب‌دیوانی، غلامحسین ۹
- صارم‌الدوله، اکبر ۱۵۲
- صارم‌الممالک، نبی [... خان] ۳۲۹، ۳۳۱
- صالح، اللهیار ۲۵۱
- صالحانی، یعقوب [شیخ ...] ۳۳۱
- صدر، مظفر ۲۹۳
- صدری، شکرالله [... خان] (قوام‌الدوله)  
۱۳۲
- صدیق، یوسف [میرزا ...] خان ۳۱۸
- صدیقه خانم ۳۱۸
- صفاری، محمد علی ۷۰، ۲۳۷
- صفرفشندی، مهدی ۱۹۷
- صفیه (اولین همسر رضا پهلوی) ۷
- صلاحی، اسماعیل ۲۸۵
- صمصام‌السلطان، ابوالحسن [... خان]  
(رئیس هنگ ولوپی) ۷۳
- صنیع [دکتر ...] ۲۸۱
- صنعی، اسدالله ۳۴
- ضرغامی، عزیزالله [سر لشکر] ۵۵،  
۱۹۲-۱۹۰، ۱۹۵
- ضیاء‌الادباء ۲۸، ۱۵۳
- ضیاء‌قشقائی، ابراهیم [سید ...]  
(ضیاء‌الواعظین) ۲۸، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۶
- ضیایی‌نیا، محمد ۲۸۵
- ضیغم‌الدوله ۳۱۶
- ضیغم‌السلطان ۳۲۹، ۳۳۱
- ضیغم‌الممالک ۳۲۹
- طباطبایی، ابوالفتح (حشمت‌الدوله) ۶۸،  
۱۳۱
- طباطبایی، سید ضیاء‌الدین ۱۵، ۱۷، ۱۸
- طیب، منوچهر [... خان] ۱۷

- طهماسبی ۴۶  
 علی [شیخ... آقا] ۳۱۸  
 علی [ملا... ] ۳۱۶  
 علی اصغر [... خان] ۳۱۷  
 علی اصغر [میرزا... ] ۳۱۸  
 علی اکبر [... خان] ۳۱۶  
 علی اکبر [شیخ... ] ۳۱۶، ۳۱۷  
 علی اکبر [نایب... خان] ۳۰۸  
 علی اوسط [شیخ... ] ۳۱۶  
 علیخان [کنل... ] ۶۷، ۹۴  
 علیقلی [... خان] (رئیس پست و تلگراف)  
 ۳۳۰  
 علینقی [... خان] (اهل لاهور) ۳۳۰  
 علینقی [... خان] (چلندری) ۳۲۹، ۳۳۱  
 علینقی [میرزا... خان] ۳۱۷  
 عمادالسلطنه فاطمی ۳۷۴  
 عنایت‌الله [... خان] ۳۲۹  
 عیسی [... خان] (رئیس گمرک) ۳۳۰  
 غفاری، صدرالله [... خان] ۳۲۹  
 غلامحسین [... خان] ۳۱۶  
 غلامحسین [مشهدی... ] ۳۱۷  
 غلامرضا (سرباغیان قصر سعدآباد) ۳۲۰  
 غلامعلی [... خان] ۳۱۶  
 فاروق [ملک... ] ۷۰، ۲۱۶  
 فتح اعظم (رئیس دایره حسابداری دربار  
 شاهنشاهی) ۲۸۴  
 فتح‌الله [... خان] (اهل کلارستاق) ۳۳۰  
 فتح‌اللهی، رمضان [مشهدی... ] ۲۸۶  
 فخرالملوک ۲۵۴، ۲۵۶  
 فدائی، علی ۱۴۱  
 عاصم، احمد ۲۹۳  
 عباس آقا (سریدار قصر سعدآباد) ۳۲۱،  
 ۳۲۵  
 عباس [سید... ] ۳۱۲  
 عباسقلی ۳۱۶  
 عباسعلی [میرزا... ] ۳۱۶  
 عبد [شیخ... ] ۱۵۱  
 عبدالعظیم [میرزا... خان] (خیاط) ۳۱۸  
 عبدالغنی [... خان] ۳۲۹  
 عبدالله [حاج... ] ۳۳۰  
 عبدالله بزاز [میرزا... ] ۲۲۰  
 عرفانی [سرهنگ... ] ۲۸۴  
 عزیز (اهل کالج) ۳۳۰، ۳۳۱  
 عزیزالدوله ۳۲۰، ۳۲۵  
 عزیزه خانم ۳۱۸  
 عضدالسلطان، ابوالفضل [... میرزا] ۱۳۲  
 عضدالملک، علیرضا ۶۷، ۷۳  
 عطاءاله [سرهنگ... خان] ۳۷۲  
 عظیم [مهندس... ] ۲۹۰، ۲۹۱  
 عظیم‌السلطنه ۳۱۸  
 عظیمه خانم ۳۱۸  
 عفت ۲۵۴، ۲۵۶  
 علاء، حسین ۱۸، ۷۱، ۲۵۱  
 علم، اسدالله ۱۹، ۸۳، ۲۸۶، ۳۰۳، ۳۰۵  
 علم، محمدابراهیم [... خان] (امیر  
 شوکت‌الملک) ۱۵۰  
 علی [... آقا] ۳۲۹  
 علی [آقا... خان] ۳۲۵  
 علی [... خان] ۳۱۶



- فرج الله [... خان] ۳۲۹  
 فردوست، حسین ۵۸  
 فوزین، محمد علی ۱۹۷، ۲۰۳، ۲۰۴  
 فرمانفرما، عبدالحسین [... میرزا] ۳۶۲، ۳۶۳  
 فرمانفرما، محمدولی [... میرزا] ۳۶۳  
 فروتن ۲۹۳  
 فروغی، محمدحسین [میرزا...] ۵۸  
 فروغی، محمد علی (ذکاء الملک) ۷، ۱۸، ۳۳، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۹، ۱۴۲، ۱۸۵  
 فریدونی ۱۵۸، ۱۵۹  
 فریر، جی. آر [سروان ...] ۸۳  
 فقیه، عبدالعلی [... خان] ۳۳۰  
 فقیه، فضل الله [... خان] ۳۲۹  
 فقیه، مظفر [... خان] ۳۳۰  
 فهیمی ۱۷۹  
 فیروز، فیروز میرزا (نصرت الدوله) ۱۳۲، ۳۹۶  
 فیصل [ملک ..] ۱۳۷، ۳۸۳  
 قاجار، احمد شاه ۱۴، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۷، ۶۷، ۶۸، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۳۲، ۱۳۴، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۳  
 قاجار، فتحعلی شاه ۴۱  
 قاجار، محمدحسن میرزا (ولیعهد) ۲۸، ۶۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۳۶۸، ۳۹۴  
 قاجار، محمد شاه ۴۱  
 قاجار، محمد علی شاه ۴۱، ۱۳۳  
 قاجار، مظفرالدین شاه ۴۱، ۱۳۲  
 قاجار، ناصرالدین شاه ۴، ۵، ۶، ۱۲، ۴۱، ۴۶، ۳۵۵، ۳۵۶  
 قاجاری، علی [مشهدی ...] ۲۸۶  
 قازان (کد خدا) ۲۸۷  
 قدسیه خانم ۳۱۸  
 قربان [... خان] (تاجر) ۳۲۹  
 قربان خان باقر ۳۳۱  
 قمشهای، علی [آقامیرزا ...] ۱۶۷  
 قنبر [سید ...] ۳۱۷  
 قوام، احمد (قوام السلطنه) ۶۷، ۸۲، ۹۵، ۹۶، ۱۳۷، ۳۶۸  
 قوام، ابراهیم (قوام شیرازی) ۵۸، ۶۰  
 قوام، علی ۱۹۹  
 قیصریه، علی [حاجی میرزا ...] ۳۲۲  
 کاشانی، ابوالقاسم (حجت الاسلام آیت الله ...) ۱۸۴  
 کاظم [... خان] ۳۲۹، ۳۳۰  
 کاظم خان سیاح [کلنل ...] ۱۷  
 کاکس، پرسی [سر ...] ۱۶  
 کاوس ۳۱۷  
 کربلایی خانم ۳۱۸  
 کربلایی عبدالله ۲۹۰  
 کمرزن، جرج ناتانائیل [الرد ...] ۲۴، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۷  
 کریم [سید ...] ۳۱۷  
 کسبک ... س. ی ۳۱۸  
 کشاورز (رئیس املاک و مستغلات پهلوی) ۲۸۷  
 کشتکار، حسینعلی [حاجی ...] ۲۹۸، ۳۰۰  
 کشتکار، محمود ۴۶، ۳۰۱-۲۹۶  
 کشورپاد ۲۸۱

- کفایی، محمود ۲۹۷، ۲۹۹  
 کلیفورد، بند |سر...| ۵۵، ۶۱، ۶۹، ۲۰۶،  
 ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۳  
 کلیمی، خلیل |میرزا...| ۲۲۰  
 کمال‌پاشا، مصطفی (آتاتورک) ۳۵، ۳۶،  
 ۱۲۲، ۱۲۵  
 کنولی، اچ. اف |سروان...| ۸۳  
 کنوبل (وزیرمختار هلند) ۳۶۱  
 کیا، ابراهیم |میرزا... خان| ۳۲۹، ۳۳۱  
 کیا، حسن |میرزا... خان| ۳۲۹، ۳۳۱  
 کیا، علینقی |... خان| ۳۳۰  
 کیهان، مسعودخان |ماژور...| ۱۷  
 گداغلی ۳۱۶  
 گراتیس ۱۹۷  
 گرانمایه، ابوالحسن |... خان| ۳۱۸  
 گرانمایه، قوام‌الدین |میرزا... خان| ۳۱۸  
 گری، ادوارد |سر...| ۱۲۰  
 گوهرخانم ۳۱۸  
 گیلانی، کاظم (وکیل‌التجار) ۲۷۶، ۲۷۹  
 لامنکتن |لرد...| ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱،  
 ۱۲۳-۱۲۷  
 لانزدون (لنزدون) |لرد...| ۱۱۹، ۱۲۴  
 لرزاده (معمار) ۲۸۵  
 لطفی ۲۷۲  
 لمبتون، آ.ک. س ۳۱  
 لنگرودی، حسن |حاج سید...| ۳۱۶  
 لنگرودی، حسین |حاج سید...| ۳۱۶  
 لورن، پرسی |سر...| ۶۷، ۱۰۰، ۱۲۵، ۱۳۹  
 لیلی |انو...| ۲۹۱-۲۹۳  
 مارکوف |کاپیتان...| ۳۶۵  
 مالکی، حسن ۱۹۷  
 ماوهود، جی. سی |استوان...| ۸۳  
 ماه‌رخساره خاتم ۳۱۸  
 مبشر، قمر ۱۹۷  
 متین‌دفتری، احمد ۵۲، ۶۸، ۱۸۸  
 محتشم‌السلطنه، حسن |میرزا... خان| ۳۶۸  
 محسنین ۲۷۸، ۲۷۹  
 محمد ۳۱۷  
 محمد |... خان| ۳۱۶  
 محمد |سید...| ۲۹۰  
 محمد |ابراهیم... خان| ۳۱۷  
 محمدبیک |نایب...| ۳۰۸، ۳۲۰  
 محمدتقی |... خان| ۳۱۶  
 محمدربیع |... خان| ۳۱۷  
 محمدرفیع |کربلایی...| ۳۱۷  
 محمدعلی |مشهدی...| ۳۱۷  
 محمدنبی ۳۱۶  
 محمود افغان ۴۱  
 محمود |میرزا... خان| ۳۱۶، ۳۱۷  
 محمود |شیخ...| ۱۷۲  
 محمود |میرزا...| (نماینده لار) ۳۰، ۱۵۶  
 محمود (نماینده سیاسی ایران در  
 بین‌النهرین) ۱۶۵  
 محمود، محمود |میرزا محمودخان| ۷  
 محی‌الدین |سید...| ۱۵۱  
 مجدالدوله، مهدیقلی خان ۹، ۲۱  
 مجیدزاده ۴۵  
 مختارالدوله ۳۱۸  
 مختاری، رکن‌الدین |سریاس...| ۴۲، ۱۸۳  
 مدرس، حسن ۲۳، ۳۷، ۴۶، ۱۳۲، ۱۳۳،

ممتاز السلطنه، صمد [... خان] ۳۱۸	۱۶۶، ۱۶۷
منتظم الملک، عباس [... آقا] ۳۳۰	مریم (اولین همسر رضا پهلوی) ← صفیه
منوچهر [.. خان] ۳۱۷	مستوفی الممالک، حسن [میرزا... خان] ۱۸،
منیرالدوله ۳۲۵، ۳۲۰	۱۳۲، ۲۶
مولانا، ضیاء الدین [... خان] (عضو وزارت عدلیه) ۳۳۰	مسعود الملک ۳۳۰
مولوی، مهدی ۲۹۱	مسعودی، اسفندیار [... خان] ۳۳۰
مهدی [... آقا] ۳۳۰	مشار، بهجت ۱۹۷، ۲۱۱، ۲۱۲
مهدی [شیخ ...] ۳۱۶	مشایخ فریدنی ۲۲۴
مهدی [میرزا... خان] ۳۱۷	مشیری ۲۹۹
مهدی [میرزا... خان] (چلندری) ۳۲۹، ۳۳۱	مشیری، محمد علی ۲۹۷
مهدوی، رضا (رئیس التجار خراسانی) ۱۰۶	مصدق، محمد ۹، ۱۸، ۳۲، ۴۵، ۲۴۹
مهدب الدوله، عبدالله [سید...] ۱۵۱	مطبوعی، ایرج [سرلشکر] ۱۹۲-۱۸۹،
مهرشید ۲۵۶	۱۹۴، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۹۸
مهستی، فاطمه ۱۹۷، ۲۱۲	مطهری، عبدالحسین ۲۹۴
مهین ۲۵۶	معاون التولیه ۳۴
میرزا آقا (اهل کالج) ۳۳۰، ۳۳۱	معاون زاده تهرانی، احمد ۳۰۰
میرزا بابا ۳۱۸	معمدالدوله، اسماعیل [سلطان... خان]
میرزا رضا کرمانی ۴	۳۷۱
میرفندرسکی، احمد ۲۲۵	۲ معزز گزگانی ۱۵۷
میر مطهری، عمادالدین ۳۰۰	معززی، آقاخان ۱۵۷
میشلن ۲۵۵	معزی، محمد جعفر ۲۹۳
میلسپو، آرتور چستر [دکتر...] ۱۱۷، ۱۲۲	معینی، حسین [سید...] ۱۵۸
ناتان، انور ۲۲۲	مفخم الدوله، اسحق [میرزا... خان] ۳۱۸
نادرشاه ۴۱	مفید [شیخ...] ۳۱۶
نادری، محمود [... خان] ۲۶۸	مقبلی [تیمسار سرلشکر...] ۷۵
ناصرالتولیه ۳۴	مکارتینی، جی. وی [سروان...] ۸۲
ناظر [سرهنک...] ۳۷۱	مکی، حسین ۴، ۶، ۴۲، ۴۵
ناوکی، نصرالله ۱۹۷	ملک المتکلمین، نصرالله [حاج...] ۳۹۳
ناهید، افتخار ۳۰، ۱۵۹	ملک پور، ذبیح الله ۱۲، ۱۴
	ملک زاده، مهدی ۳۹۳
	ملک مرزبان، محمد امین [... خان] ۳۳۰

- نائینی، حسین [آیت‌الله میرزا...] ۱۶۱، ۱۶۲،  
۱۶۵، ۱۶۷
- نایب‌السلطنه، کامران میرزا ۶۸، ۱۲۷
- نبات خانم ۵
- نبی [... خان] ۳۱۷
- نجات‌فر، محمد [سید...] ۲۸۶
- نخجوان، محمد (امیر موثق) ۳۷۱، ۳۷۲
- نخعی [دکتر] ۲۱۲
- ندامانی، یحیی (ناصرالاسلام گیلانی)  
[سید...] ۱۰۶
- نصرالله (رئیس مباشرت املاک شاهنشاهی  
تنکابن) ۲۷۶
- نصرة السلطنه، حسینقلی میرزا ۶۸، ۱۳۲،  
۱۳۳، ۳۹۵
- نصرت‌الله [... خان] ۳۱۶
- نصرت نظام ۳۲۹
- نعمت‌الله ۳۱۶
- نفری، ابوالقاسم ۲۸۶
- نقدی، علی ۳۷۱
- نقی [... خان] ۳۱۷
- نمازی ۳۰۵
- نوائی [سرهنک...] ۱۷۶
- نورالدین [... خان] ۳۳۴
- نورالدین [شیخ...] ۳۲۹، ۳۳۰
- نورزاد، غلامرضا (مفاخرالملک) ۱۲۷
- نورمن، ای. ال [استوان...] ۸۳
- نوروزی، جمشید ۷۱، ۲۵۱، ۲۵۷
- نوری، ضیاءالدین ۲۷۴
- نیک‌نام، محمود [میرزا... خان] ۳۳۰
- نیکوئی، عباس [... خان] ۳۳۰
- نیوزوم ۲۵۸
- وارنینگ، جرج مین ۴۰
- والتون، کی [استوان...] ۸۳
- وثوق، حسن (وثوق‌الدوله) ۳۰
- وثوق‌زاده ۳۳۰
- وخشوری [سرهنک...] ۷۵
- وجیه‌الله [... خان] ۳۱۶
- وکیلی، علی [مشهدی...] ۲۸۶
- ولی‌الله [... خان] ۳۱۶
- هادلستون، اچ. [سرهنک دوم...] ۷۸، ۸۲
- هاز [مسیو...] ۳۱۸
- هال [ماژور...] ۴۲
- هدایت‌الله خان یاور ۱۶۱
- هدایت، مهدیقلی (مخبرالسلطنه) ۱۸، ۴۶
- هراتی، جواد [سید...] ۲۸۶
- هرمیز ۲۵۴
- هزارجریبی، علیقلی خان ۱۵۸
- همایون، اسد ۷۸، ۲۵۸، ۲۶۰
- همراز، محسن (فاضل‌الملک) ۱۵۸
- یحیی [حاج میرزا...] ۳۳۰
- یحیی [... خان] (چلندری) ۳۲۹، ۳۳۱
- یحیی [شیخ...] (کالجی) ۳۲۹، ۳۳۱
- یحیی [کربلایی...] ۳۱۶
- یزدان‌پناه، مرتضی [سرتیپ...] ۲۲، ۳۶۴،  
۳۶۵، ۳۷۱
- یعقوب [شیخ...] ۳۲۹
- یگانه، عبدالله [آقامیرزا... خان] ۱۶۷
- یوسف ۳۱۷